



سی و دومین همایش ملی و سیزدهمین همایش بین المللی

بیمه و توسعه

بازاندیشی
نظارت در بیمه؛
مسیر نوآورانه برای
تنظیم‌گری موثر

بازاندیشی نظارت؛ بازآفرینی اعتماد

چکیده مقالات

پژوهشکده بیمه

آذرماه ۱۴۰۴



SID



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سی و دومین همایش ملی و سیزدهمین

همایش بین‌المللی بیمه و توسعه

ICID 2025

بازاندیشی نظارت در بیمه؛ مسیر نوآورانه

برای تنظیم‌گری مؤثر

(آذرماه ۱۴۰۴)



**سی و دومین همایش ملی و سیزدهمین
همایش بین‌المللی بیمه و توسعه
ICID 2025**

**بازاندیشی نظارت در بیمه؛ مسیر نوآورانه
برای تنظیم‌گری مؤثر**

تدوین‌گران: دکتر اسماء حمزه، دکتر ناصر بافکر شارک
طراح جلد و صفحه‌آرا: علی حسین صفری

چاپ: ۱۴۰۴

نشانی دبیرخانه علمی: تهران - سعادت‌آباد - میدان شهید تهرانی مقدم (کاج) - خیابان سرو غربی - پلاک ۴۳ -

پژوهشکده بیمه

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۴۴۹۹

تلفن: ۲۲۰۸۴۰۸۴

وب سایت همایش: Seminar.irc.ac.ir



فهرست مطالب

۲۱	 سازمان همایش - شورای سیاستگذاری
۲۲	 اعضای کمیته علمی
۲۴	 اعضای کمیته اجرایی
۲۵	 پیشگفتار
۲۷	 مقدمه
۲۹	• پنل تحولات فناورانه در نظارت
۳۱	◀ مقالات ارائه
۳۲	بازآفرینی نظام انطباق با مقررات بیمه از طریق فناوری‌های مدرن..... تارا متوسل، حسام فادطوع
۳۳	تحول دیجیتال؛ پایداری مالی، شفافیت و رقابت‌پذیری..... علیرضا داداشی، فاطمه سادات خلیلی، عارفه جوادی‌پور
۳۴	چارچوب نوین ORSA دیجیتال با رویکرد تحلیل سناریو و داده‌کاوی..... مریم گل محمدی
۳۵	عوامل مؤثر بر عملکرد رگ‌تک‌ها در رقابت‌پذیری صنعت بیمه..... سید محمود موسوی، مهدی ابراهیم نژاد
۳۶	فناوری‌های نوین داده‌محور و بهبود کارایی فرآیندهای نظارتی در صنعت بیمه..... حمید قنبروند، آتنا بهوندی، محمد اصغری اعلانی
۳۷	◀ مقالات پذیرش شده به صورت صرفاً چاپ
۳۸	ارائه الگوی پلتفرم‌های هوشمند در نظارت دیجیتال و هوش مصنوعی از طریق ساپ‌تک و رگ‌تک‌ها..... عارف آرائی بندی، ابراهیم صانعی فرد
۳۹	ارتقاء شفافیت نظارتی در صنعت بیمه با کاربرد هوش مصنوعی در کشف تقلب..... فائزه بنوفاطمه، الهام محمد حسینی، نفیسه جوانمرد
۴۰	ارتقای نظارت مبتنی بر ریسک از طریق تقویت حاکمیت شرکتی و شفافیت مالی در صنعت بیمه: رویکردی کیفی..... مجید جعفری، آناهیتا راد
۴۱	ارزیابی اثرات فناوری نظارتی بر شفافیت، ثبات و رقابت‌پذیری بازار بیمه..... نگار نیکوی سمیعی، لیلا دهقان



- از داده تا تصمیم: تحلیل شاخص‌های نظارت داده محور و تاثیر آن در پایداری مالی، شفافیت و رقابت پذیری بازار بیمه..... ۴۲
شیرا گل محمدی، زهرا ایطا
- الزامات پیاده‌سازی تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه..... ۴۳
بهرروز آرمان مهر، محمود امراللهی، محمدمهدی مهتدی، امید منوچهری
- بازاندیشی نظارت در صنعت بیمه ایران با رویکرد تحول دیجیتال و تنظیم‌گری نوآورانه..... ۴۴
محسن صابری
- بازتعریف نقش ناظر در پایداری بیمه دیجیتال با رویکرد DEMATEL..... ۴۵
ساناز بائی، فرانک نوری
- بررسی پیشایندهای پیاده‌سازی هوش مصنوعی در مسیر تحول دیجیتال در صنعت بیمه..... ۴۶
یاسمین احمدیان، حمید ملکی، مهتاب تدین، سمانه جعفری..... ۴۶
- پذیرش اینترنت اشیاء و اثر نظارت ریسک در بیمه خودرو..... ۴۷
آرمین مقصودلو کمالی، سعید صحت، فاطمه یکه فلاح، تارا رفیعی
- پیش‌بینی توانگری مالی شرکت‌های بیمه با بهره‌گیری از شاخص‌های سلامت مالی..... ۴۸
محسن قره‌خانی، مرجان قره‌خانی، فریال فراکش، سید احمد میری
- تأثیر فناوری‌های نوین نظارتی بر پایداری مالی و شفافیت بازار صنعت بیمه..... ۴۹
حامد مصدق، پژمان سیروس، محمد ابراهیمی
- تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت‌پذیری بازار بیمه..... ۵۰
سیده لیدا میرهاشمی لاهیجی
- تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه: زیرساخت‌ها، راهبردها و الزامات پیاده‌سازی ... ۵۱
حمیده زینلی
- چالش‌ها و راهکارهای پیاده‌سازی API در یکپارچه‌سازی داده‌های بیمه‌ای و تقویت نظارت دیجیتال..... ۵۲
حمید رضائی، مجید جعفری
- چرا سرمایه‌گذاری دیجیتال در بیمه به مزیت رقابتی منجر نمی‌شود؟ نقش میانجی بازآفرینی استراتژیک و نوآوری مدل کسب‌وکار در اقتصادهای نوظهور در صنعت بیمه..... ۵۳
فرهاد بازیار
- راهبردهای نظارتی برای مدیریت ریسک‌های سایبری در صنعت بیمه ایران..... ۵۴
نرگس بهرام پور، ملیکا سادات کریمی
- ساختار شناسایی راهبردهای پیاده‌سازی تحول دیجیتالی در ساختار نظارت صنعت بیمه..... ۵۵
محسن نظری، حامد مصدق



- سیاست‌گذاری داده‌محور در نظارت ریسک‌محور صنعت بیمه ایران: تحلیل هم‌افزایی میان
ORSA, RBS, RegTech..... ۵۶.....
محمد رئیسی، ربابه کردستانی
- شناسایی و اعتبار‌یابی چالش‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت
بیمه با رویکرد دلفی فازی..... ۵۷.....
عادل حسینی، نداییگم نائینی
- ضرورت توجه به ابعاد فناوری در عرصه واسطه‌گری‌های بیمه‌ای و گذار به نظارت نوین در اتخاذ
شیوه‌های اجرایی متأثر از تهدیدات و فرصت‌ها، با رویکرد آینده‌پژوهی..... ۵۸.....
احسان جلالی لواسانی، اکرم آهنگر سله‌بنی، لیلا محسن پور گیلده، امیررضا رمضانی
- طراحی الگوی توسعه نظارت داده‌محور در صنعت بیمه ایران: رویکرد تحلیل مضمون..... ۵۹.....
فاطمه زرگران خوزانی، امیرحسین نوظهور
- طراحی چارچوب هوشمند نظارت تطبیقی بر صنعت بیمه در بستر تحول دیجیتال؛ تلفیق تحلیل
کلان‌داده، بلاکچین و هوش مصنوعی تبیینی..... ۶۰.....
شیماسم قاسم زاده مقدم، صادق داوری
- طراحی مدل واکاوی هوش مصنوعی در نظارت دیجیتال در صنعت بیمه..... ۶۱.....
حوریا اصل فلاح
- طراحی معماری ترکیبی هوش مصنوعی برای نگهداشت مشتریان در صنعت بیمه..... ۶۲.....
سید محسن توفیقی، حسن پولادی، سید محمد مهدی بهشتی‌نژاد
- طراحی نقشه راه بلوغ دیجیتال برای نهادهای نظارتی بیمه با بهره‌گیری از تحلیل SWOT..... ۶۳.....
ابوالفضل آقاداتی، محمد حسین بصیرت فرد، زهرا بردال..... ۶۳.....
- عوامل مؤثر بر تحول دیجیتال در صنعت بیمه با رویکرد نظارتی Solvency II..... ۶۴.....
بابک احسان فر، زهرا عزیز حقیقی
- فناوری‌های تحول‌آفرین در نظارت مالی: مقایسه کارایی سیستم‌های سستی و دیجیتال در
گزارشگری مالی..... ۶۵.....
حمید رضا محمودیان، سید محمد جواد موسوی، محمد علی برخوردار روزبهانی
- کاربرد هوش مصنوعی در ارزیابی خسارت و کشف تقلب بیمه‌های خرد..... ۶۶.....
سید محمد کریمی، معصومه حسینی نسب، سمیه شهیدی فر، علیرضا علی محمدی
- مدل داده‌محور برای تحلیل لحظه‌ای عملکرد شرکت‌های بیمه و ارتقا کارایی نظارت دیجیتال
..... ۶۷.....
سعید داداشی ونجانی، مصطفی ضیائی برار
- معماری چندلایه پلتفرم ساپ-تک-رگ تک نظارت هوشمند صنعت بیمه..... ۶۸.....
نسترن کلاه چی



- نظارت دیجیتال بیمه با هوش مصنوعی و مقررات پذیری ۶۹
ستاره شفيعی، علی مهجو
- نقش هوش مصنوعی و SupTech در بازاریابی نظارت بیمه‌ای ایران ۷۰
امیر صدیقی
- واکاوی تأثیر استراتژی‌های تحول دیجیتال بر عملکرد سیستم‌های الکترونیکی رسیدگی به خسارات بیمه البرز ۷۱
ریحانه زیلوچی، حسین ممینی، زینب مهدیان پویا
- مقالات پوستر ۷۳
- Application of Digital Twin Technology in Regulatory Frameworks of the Insurance Industry and Financial Services 74
Y.Ghiai, M. Ramezanpour, S.Mohebbi, G.Talkhab
- PERSiMED: PERSian Intelligent MEDical Document Reader: A Smart NLP-based Framework for Persian Medical Documents 75
Seyed Mohammad Mahdi Khadem M.D, Jamil Seydi Moradi
- Requirements for AI Implementation in Digital Insurance Supervision: A Gap Analysis 76
Kazem Aghagolzadehhaji
- ارزیابی تأثیر فناوری بلاکچین در افزایش شفافیت و کاهش تقلب در بازار بیمه در کشور ایران ۷۷
رحمان اسفندانی، میلاد اعتمادیان
- الزامات کاربردی نظارت بر هوش مصنوعی در صنعت بیمه ۷۸
عطیه محمدی طلب، فائزه احمدی
- بررسی اثرات فناوری‌های نوین مالی بر شفافیت و الزامات نظارت بیمه‌ای در ایران ۷۹
سحر پور کاویان، مهدیه سادات بزرگی
- بررسی تأثیر شاخص‌های حاکمیت داده بر نظارت الکترونیک در صنعت بیمه ۸۰
محمدامین دهقانی
- پایه‌سازی سامانه‌های RegTech در بیمه: ابزارها، تجربیات جهانی و چالش‌ها ۸۱
نیلوفر خاک ره، مهسا عارف
- تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی با میانجی‌گری شفافیت ریسک و نقش تعدیل‌گر رقابت پذیری بازار ۸۲
یاسر فرحی، مجید نوایی
- تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت پذیری بازار بیمه ۸۳
زهرا فتحی، صادق منصوری
- تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری، شفافیت و رقابت پذیری در صنعت بیمه ایران و ترکیه ۸۴
علی فرحزادی، هادی رئیس زاده



- تأثیر نظارت هوشمند بر کارایی و رقابت پذیری بیمه‌ها ۸۵
فاطمه جعفری، شاهین پوراسدی
- تحلیل تأثیر فناوری هوش مصنوعی و نظارت دیجیتال در تعاملات بیمه‌ای بر رضایت مشتری،
اعتماد آنلاین و قصد خرید دیجیتال ۸۶
طاهره نوذری، زهرا ناطقی گرگری
- تحلیل گذار از شیوه‌های نظارت سنتی به مدل‌های نوآورانه تنظیم‌گری ۸۷
سمیه کجوری گشینیانی
- تحول دیجیتال در ساختار نظارتی بیمه: زیرساخت‌ها و الزامات راهبردی ۸۸
ابراهیم گردان، کیوان حسینیخانی
- تحول دیجیتال در صنعت بیمه، زیرساخت‌ها، راهبردها و الزامات پیاده‌سازی ۸۹
هلیا پسته زاد، غلامرضا زمردیان، فرزاد گوهری
- تنظیم‌گری نوآورانه در بیمه بدنه: طراحی سامانه هوشمند طبقه‌بندی مشتریان بیمه سامان ۹۰
سیدمحمد مهدی کاظمی، شیما آراء، محمدطه حویزوی
- توانمندسازی نمایندگان صنعت بیمه در عصر هوش مصنوعی و نظارت دیجیتال: فرصت‌ها و
چالش‌ها ۹۱
میشم امیری نسب، حانیه عبدالله پور
- چارچوب ترکیبی و مقایسه‌ای برای شناسایی تقلب در بیمه سلامت با تحلیل اهمیت ویژگی‌ها ۹۲
رقیه سفرچی
- چارچوب داده‌محور در نظارت بیمه‌ای: شاخص‌ها و الزامات داده‌ای ۹۳
آنتا حیدرپور نوغانی، زینب یزدیان
- چارچوب نظارت داده‌محور؛ شاخص‌ها و نیازمندی‌های داده‌ای ۹۴
مرجان حبیبی
- راهبردهای رگ‌تک و سوپ‌تک برای عملیات بیمه در شرایط تحریم ۹۵
سینا خداپنده لو
- طراحی داشبوردهای نظارتی هوشمند مبتنی بر داده‌کاوی و مدل‌سازی پیش‌بینی در صنعت بیمه
ایران ۹۶
علی رضاوندی، محمد رضا توکلی، وهاب عسگری
- طراحی مدل بلوغ تحول دیجیتال در نظارت بیمه‌ای: از الزامات زیرساختی تا حکمرانی داده ۹۷
علی زین ساز
- عوامل مؤثر در ارتقاء فناوری نظارتی برای پایداری مالی و شفافیت در صنعت بیمه ۹۸
فاطمه ضیاء فروغی، پریسا احمدی



- عوامل مؤثر بر قصد کارکنان بیمه برای پذیرش هوش مصنوعی بر اساس چارچوب فناوری- سازمان- محیط..... ۹۹
- سیده ام سلمه پورهایمی، مجتبی سلیمانی، سمیه سادات جعفرپور
- کارایی نظارت بیمه‌ای و کشف تقلب با رویکرد SupTech و RegTech هوشمند (مطالعه موردی: شرکت بیمه البرز)..... ۱۰۰
- موسی رضایی میرقاند، معصومه نسیمی، صالح عبادی لمر
- کاربرد هوش مصنوعی در شناسایی و پیشگیری از تقلب بیمه‌ای: تجارب جهانی و راهکارهای بومی برای صنعت بیمه ایران..... ۱۰۱
- ندا ابراهیمی، نیلوفر خاک ره
- کاربرد هوش مصنوعی در نظارت بلادرتنگ صنعت بیمه (مورد مطالعه: استان یزد)..... ۱۰۲
- حجت زحمتکش سردوراهی
- کاربست قراردادهای هوشمند به‌عنوان زیرساخت نظارت دیجیتال در صنعت بیمه ایران: چارچوب مفهومی و الزامات پیاده‌سازی..... ۱۰۳
- ابراهیم کاردگر، مهدی منصوری بیدکانی، محمد کاوه بهرامی
- کاربست قراردادهای هوشمند و بلاک‌چین در نظارت دیجیتال فرآیندهای بیمه درمانی برای کشف تقلب بلادرتنگ..... ۱۰۴
- سهیلا طهماسبی، گل اندام ایزدی
- کاربست نظارت الگوریتمی در مقابل نظارت انسانی در شرکت‌های بیمه و پیامدهای آن..... ۱۰۵
- ایمان عزیزی
- کاربست هوش مصنوعی در تحلیل متن شکایت بیمه‌گذاران در جهت نظارت هوشمند..... ۱۰۶
- نسترن حیدریگی، فاطمه سوری
- کاربست هوش مصنوعی و پلتفرم‌های هوشمند در نظارت دیجیتال: مورد پژوهی در کشور کانادا..... ۱۰۷
- بهرام حیدری رامشه، محمدشفیع برومند، فاطمه ربیعان نژاد
- کاربست هوش مصنوعی، سوپ‌تک و رگ‌تک در نظارت بلادرتنگ صنعت بیمه با هدف ارتقاء شفافیت و رقابت‌پذیری بازار..... ۱۰۸
- محسن حنیفه لو، امید دهقانی
- مدل بومی‌سازی نظارت فناورانه بیمه در ایران با رویکرد تطبیقی..... ۱۰۹
- جابر صفر علی نژاد
- مروری بر چارچوب حساسی فناوری اطلاعات مبتنی بر ریسک و نقش هوش مصنوعی در ارتقاء اثربخشی آن در صنعت بیمه..... ۱۱۰
- محمدرضا عبدی، مهناز منطقی‌پور، الهه پرنلو



- معماری نظارت هوشمند بر صنعت بیمه: طراحی انطباقی و نقشه راه‌گذار
۱۱۱.....
امیررضا مونسان، بهرام پورذهبی، غزاله پورذهبی
- نظارت بیمه‌ای با تشخیص آسیب دیدگی خودرو به کمک هوش مصنوعی
۱۱۲.....
بهار خامفروش، مجید فتحی
- نظارت ریسک‌محور و آینده‌نگر با استفاده از سوپ‌تک در صنعت بیمه
۱۱۳.....
فریال فراکش، مرجان قره‌خانی، سید احمد میری چیمه
- نقش SupTech و RegTech در تحول نظارت صنعت بیمه ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها
۱۱۴.....
محسن خسروچردی، فرانک زارع احمدی
- نقش فناوری‌های نوین در تاب‌آوری عملیاتی و مدیریت ریسک در صنعت بیمه
۱۱۵.....
کاظم آقا گل‌زاده حاجی، قاسم آقا گل‌زاده حاجی
- نقش هوش مصنوعی، پلتفرم‌های فین‌تک و نظارت دیجیتال در صنعت بیمه
۱۱۶.....
حسین احمدی، حسین حسینی، بهنام سلیمانی
- همزاد دیجیتال تحلیل پروفایل ریسک و خسارت رشته آتش‌سوزی
۱۱۷.....
منا سازگار، محمد جواد جهان‌بین، گلستا تلخ‌آب
- هم‌زیستی فناوری و حکمرانی در صنعت بیمه: تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های نوآوری‌های دیجیتال
۱۱۸.....
نیلوفر فتح‌اللهی، معصومه سادات عظیمی
- هوش مصنوعی در کشف تقلب و پیش‌بینی خسارت بیمه‌های مهندسی
۱۱۹.....
محدثه پورفرج حسنکلو
- هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های بزرگ در صنعت بیمه: رویکردی برای مدیریت ریسک‌های ناشی از تغییر اقلیم
۱۲۰.....
علیرضا کیا
- هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در تحول نظارت بیمه‌ای
۱۲۱.....
فرزانه زیبایی، فاطمه داوری
- یکپارچه‌سازی تحلیل ریسک و نظارت دیجیتال در صنعت بیمه: الگوی سامانه سدید
۱۲۲.....
مهران حسنخانی، منا سازگار



- پنل نظارت مبتنی بر ریسک ۱۲۳
- ◀ مقالات ارائه ۱۲۵
- Algorithmic Oversight and Financial Stability: A Practical Framework for Real-Time Monitoring in Insurance** 126
Niloofar Fathollahi, Masoomeh Sadat Azimi
- Risk-Based Solvency Dashboard with ML Early-Warning under ORSA** 127
Alireza Khajenoori, Mohammad ali Mohajer
- شاخص‌های حکمرانی تحول در پیاده‌سازی نظارت هوشمند در صنعت بیمه ۱۲۸
مرضیه جعفریان دیوکلانی، آرزو پیش نمازاده، محمد اصغری اعلائی، آتنا بهوندی
- طراحی سیستم پیش‌هشدار ریسک مالی برای شرکت‌های بیمه‌ای ۱۳۰
سید محمد امین پرتوی
- گذار به رژیم نظارت ریسک-محور در صنعت بیمه ایران ۱۳۱
لیلی نیاکان، وحید امید
- نظارت از مدل‌های سستی به مدل‌های نوین قیمت‌گذاری (مطالعه موردی: بیمه‌های اتومبیل) ۱۳۲
آزاده بهادر، رسول رحمتی نودهی، آذین سادات استاد رمضان، مجتبی کریمی
- نظارت پیشگیرانه و تاب‌آوری شرکت‌های بیمه ۱۳۳
مجتبی کریمی، آذین سادات استادرمضان، آزاده بهادر، وحیدرضا امیر نگهبانی فراهانی، محمد صولتی
دیگه‌سرایی
- ◀ مقالات پذیرش شده به صورت صرفاً چاپ ۱۳۵
- استفاده از رویکرد تجمیعی یادگیری ماشین در تعیین نرخ بیمه: مطالعه موری بیمه سامان ۱۳۶
نیما اصغری خطیر، امیر خوشحال‌فر
- اصلاح ساختار تنظیم‌گری در راستای تقویت وظایف راهبردی و نظارتی صنعت بیمه کشور ۱۳۷
جعفر یاری
- برآورد سرمایه الزامی ریسک عملیاتی مدل توانگری با تحلیل سناریو ۱۳۹
بهنام شهریار، جیمین محمدنژادبانه
- بررسی شاخص‌های پیش‌هشدار مؤثر بر درماندگی مالی شرکت‌های بیمه در ایران ۱۴۰
سپهر اسکندری، سبحان دهقانی سانج
- بهبود مدل توانگری صنعت بیمه ایران با بومی‌سازی مدل‌های جهانی ۱۴۱
بهنام شهریار، جیمین محمدنژادبانه
- بیمه هوشمند مبتنی بر بلاک‌چین: یک رویکرد ریسک‌محور منطبق با ORSA ۱۴۲
احسان سرگلزایی، رزیتا صالحی
- پایش برخط عملکرد شرکت‌های بیمه: نظارت بلادرنگ بر شاخص‌های مالی و فنی ۱۴۳
بتول محمودی، مریم خباززاده شوشتریان



- تحلیل حساسیت روش ذخیره‌گیری زنجیره نردبانی در چارچوب ORSA ۱۴۴
منیر گودرزی، محمدحسین رحمتیان
- پیاده‌سازی تست End-to-End خودکار، به منظور صحت‌سنجی و نظارت بر عملکرد محصولات بیمه‌ای ۱۴۵
سید محمد حسن موسوی، مهدیس سادات راه چمنی
- چارچوب و ابزارهای نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه ایران ۱۴۶
سیدامید میررفیع، پرویز مرادی
- حاکمیت شرکتی و نقش آن در تقویت نظارت ریسک محور ۱۴۷
حانیه عبدالله پور، میثم امیری نسب
- طراحی الگوی راهبردی نظارت ریسک‌محور در راستای بهبود حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بیمه: با رویکرد نظریه داده بنیاد ۱۴۸
الهام میرزایی، حسین میرزایی
- طراحی چارچوب ORSA هوشمند برای مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری در ذخایر بیمه نامه‌های عمر و سرمایه‌گذاری: رویکردی ترکیبی از هوش مصنوعی و سناریو استرس (مطالعه موردی بیمه نامه مدیریت ثروت سبک کاریزما) ۱۴۹
سجاد رامندی، علی فاتحی، سید حسن ادیانی، سارا احراری
- طراحی مدل بومی ORSA برای صنعت بیمه ایران با تلفیق شاخص‌های پیش‌هشدار مالی و فنی جهت تقویت تاب‌آوری بازار ۱۵۰
فاطمه چراغی، اعظم معصومی
- طراحی مدل مدیریت ریسک صنعت بیمه با تمرکز بر توانگری مالی ۱۵۱
اسماعیل داورپناه، امیرحسین یعقوبزاده
- طراحی مدل نقش ساختارها و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در تقویت اثربخشی نظام نظارت ریسک‌محور صنعت بیمه ۱۵۲
مسعود طاهری وسیه سری، سعید نعمتی، زهرا جافری
- مدل‌سازی و ارزیابی عملکرد شرکت‌های بیمه ایران با استفاده از شاخص‌های نوین و بومی در حوزه ریسک مالی و بیمه‌گری ۱۵۳
مریم اثنی‌عشری، فرزانه خامسیان، محبوبه اعلایی
- مدل‌سازی فضایی- زمانی اثرات اقلیمی بر نظارت بیمه‌ای ریسک‌محور در چارچوب SupTech ۱۵۴
رضا حاجی‌پور فرسنگی، امید نقشینه ارجمند، وحید محمودی، سیروس شریفی، غدیر مهدوی



- مکانیزم نظارت بلادرنگ بر شاخص‌های مالی و فنی..... ۱۵۵
 میلاد پروائی
- نظارت هوشمند و داده‌محور در صنعت بیمه: طراحی چارچوب ترکیبی DEA-ML برای ارزیابی و پیش‌بینی توانگری مالی..... ۱۵۶
 ناصر بافکر شارک، فرزانه خامسیان، امیر بهرامی
- نقش ORSA و بررسی چالش‌های پیاده‌سازی: نظارت بر توانگری مالی و خودارزیابی ریسک با رویکرد SWOT..... ۱۵۷
 زهرا ایضا، شیماکل محمدی
- مقالات پوستری..... ۱۵۹
 A Dynamic Risk Modeling Approach to ORSA: Integration of Early Warning Indicators and Stress Testing Scenarios..... 160
 Z. Rahmani, Y. Farashband Garmsir
- اثر دیدگاه نظارت مبتنی بر ریسک شرکت‌های بیمه بر تقویت حاکمیت شرکتی..... ۱۶۱
 سمیه میره، مرجان کریمی
- ارائه الگوی ارزیابی ریسک از طریق چارچوب ORSA در شرایط محیط اقتصادی در صنعت بیمه..... ۱۶۲
 عقیق عبدالوهاب نیا، منیژه یادگاری
- ارتقای ORSA به نظارت ریسک‌محور لحظه‌ای: چارچوب یکپارچه برای ادغام ریسک‌های نوظهور و تقویت حاکمیت شرکتی (مطالعه تطبیقی: لویدز/انگلستان و بازار در حال توسعه)..... ۱۶۳
 سامان ربیعی طرئی
- ارزیابی توانگری مالی مبتنی بر چارچوب ORSA و شاخص‌های اختلال زودهنگام با به‌کارگیری ابزارهای نوین سنجش ریسک در صنعت بیمه..... ۱۶۵
 مصطفی سامانی
- ارزیابی سازوکارهای راهبری در ارتقای کارآمدی نظارت ریسک‌محور در شرکت‌های بیمه..... ۱۶۶
 فریبا صابری مجتبی قاسمیان
- ارزیابی و پایش سلامت پرتفوی برای سودآوری پایدار شرکت‌های بیمه..... ۱۶۷
 سعید بایقره، سید محمد جعفر علانی، مهتاب احقاقی
- اهمیت حاکمیت شرکتی و نظارت ریسک‌محور در سودآوری شرکت‌های بیمه..... ۱۶۸
 محمدعلی رجاء بهشتی
- بررسی اثرات ضریب نفوذ بیمه و توانگری مالی بر رشد اقتصادی در ایران..... ۱۶۹
 ناهید بهاروند
- بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر پذیرش نظارت فناورانه در صنعت بیمه ایران..... ۱۷۰
 مهسا گودرزی، پردیس فولادی



- ۱۷۱ بررسی تأثیر فناوری‌های نظارتی بر توانگری مالی در صنعت بیمه.
- ۱۷۱ خدیجه پورزال، نوروز نوراله زاده، رویا دارابی، سیده محبوبه جعفری.
- ۱۷۲ بررسی تأثیر مقررات توانگری مالی بر سرمایه‌گذاری بیمه‌گران و ریسک سیستمیک ناشی از آن
- محمد مصطفی زاده، تارا خسروجردی
- ۱۷۳ بهینه‌سازی مدیریت ریسک بیمه کشتی با فناوری نظارتی و مدل‌های یادگیری ماشین
- سمیه امینی فر
- ۱۷۴ تأثیر آیین‌نامه ۹۳ بر هزینه‌های عملیاتی و کارایی مالی بیمه.
- محمدجواد منصورقناعتی، سیده سوگل شهرستانی، فاطمه امینی، هادی فرهی.
- ۱۷۴ تأثیر حاکمیت شرکتی بر پیاده‌سازی موفق چارچوب ارزیابی توانگری و ریسک (ORSA) در نظام
- نظارت مبتنی بر ریسک
- ۱۷۵ الناز اسدیان، حسن پور کاظمی مصر دشتی، رضا زارعی
- ۱۷۶ تحلیل اثربخشی ابزارهای نوین ریسک سنجی در پیش‌بینی بحران‌های بیمه‌ای
- مصطفی ضیائی برار، سحر پورکاویان
- تحلیل تطبیقی چارچوب‌های جهانی نظارت ریسک‌محور در بیمه با تأکید بر افت توانگری مالی
- ۱۷۷ فاطمه سوری، نسترن حیدربییگی
- ۱۷۸ توانگری، چارچوب ORSA، شاخص‌های پیش‌هشدار و ابزارهای نوین سنجش ریسک
- فاطمه علی محمدی
- ۱۷۸ کاربرد چارچوب ORSA در مدیریت سرمایه و ریسک شرکت‌های بیمه: مطالعه تطبیقی و پیشنهاد
- بهبود برای بازار ایران.
- ۱۷۹ ماهان کیان چهر، فرشته صیدخانی
- ۱۷۹ مدل بومی نظارت مبتنی بر ریسک با محوریت خودارزیابی ریسک و توانگری مالی در صنعت بیمه
- ایران.
- ۱۸۰ مهرداد سلگی، محدثه سادات طباطبایی
- ۱۸۱ مدل‌های نرخ‌گذاری در نظام نظارت نوین.
- سید صلاح الدین کهنه پوشی، سپیده محمد حسینی
- ۱۸۱ مدل‌سازی پیش‌بینانه مخاطرات ایمنی برای تقویت سیستم‌های هشدار زودهنگام و ارزیابی ریسک
- در بیمه آتش‌سوزی.
- ۱۸۲ سعید اسدی قراگوز، سelda نواح
- ۱۸۳ نظارت ریسک‌محور با رویکرد ORSA در صنعت بیمه ایران.
- عباس کاظمی



- پنل تنظیم‌گری نوین و الزامات حقوقی ۱۸۵
- ۱۸۷ < مقالات ارائه
- Systematic review of cybersecurity legal liability in Iranian insurers 188
Zahra Alipour Estakhri, Rana Sanee
- The Impact of Modern Supervision on Guaranteeing Policyholders' Rights and Promoting Public Trust 189
E. Najafi Vayqan, B. Cheginifard
- تحلیل حقوقی اجرای قراردادهای هوشمند بیمه‌ای در ایران ۱۹۰
داوود شاه‌واروقی، حمیدرضا بشیری
- دولت هوشمند و ارتقای شاخص‌های حکمرانی سلامت ۱۹۱
سیما عابدزاده کلهرودی، مهدی مردان پور
- < مقالات پذیرش شده به صورت صرفاً چاپ ۱۹۳
- ابعاد حقوقی و مقرراتی نظارت فناورانه (مطالعه موردی بیمه مصرف‌محور خودرو) ۱۹۴
اسماء حمزه، نسرين حصارمقدم، میترا قنبرزاده
- ابعاد و چالش‌های حقوقی و مقرراتی نظارت فناورانه بیمه؛ امنیت داده، حریم خصوصی و انطباق با استانداردها ۱۹۵
نازنین تیموری، فرشته مصطفی نژاد
- ارائه مدل نظارت هوشمند صنعت بیمه ایران: معماری داده‌محور و بومی‌سازی تنظیم‌گری ۱۹۶
ایمان عزیزی، سعیده سیادت
- ایجاد تعادل بین نظارت فناورانه، حریم خصوصی و نوآوری در صنعت بیمه در عصر دیجیتال... ۱۹۷
فرشاد کیانی
- بررسی چالش‌های حقوقی مربوط به نظارت هوش مصنوعی در صنعت بیمه (مورد مطالعه: کشور ایران) ۱۹۸
حجت زحمتکش سردوراهی
- تبیین چالش‌های نظارتی بیمه مصرف‌محور با رویکرد تحلیل سناریو کیفی ۱۹۹
اسماعیل صفرزاده، خدیجه ابراهیم‌نژاد، مهدیس مروجی
- حکمرانی داده در پرتو حقوق و فناوری؛ الگوی نوین نظارت فناورانه در صنعت بیمه ایران ۲۰۰
کتابیون نظربلند، سحر مذنب
- حکمرانی هوش مصنوعی در بیمه: عدالت الگوریتمی و الزامات نظارتی ۲۰۱
محمد نان پزی، فاطمه آباریان
- مدل اکوسیستم تنظیم‌گری چابک در صنعت بیمه ۲۰۲
زهرا علیپور استخری، رعنا صانعی



- ۲۰۳..... مقالات پوستری
- ۲۰۴..... الزامات و تنظیم‌گری شکل‌گیری زیست‌بوم نوآوری سلامت دیجیتال در ایران.....
مجید محبی، سارا فرخ‌پور
- برساخت نظارت هوشمند در نظم حقوقی دیجیتال: بازخوانی نسبت فناوری‌های نوین با حاکمیت
داده..... ۲۰۵.....
احسان نظری، محمد جواد درویشی
- تغییر پارادایم نظارتی صنعت بیمه: ابزاری نوین برای حفظ حقوق بیمه‌گذاران در شرایط آنارشیک
۲۰۶.....
فرزانه محمدحسین، بابک زندگی علی‌آباد
- تنظیم‌گری در زیست‌بوم صنعت بیمه: چارچوب مفهومی و مطالعه موردی ایران..... ۲۰۷.....
اشکان سپهری، کاویان ملک اسمعیلی
- چالش‌های امنیت داده و حریم خصوصی در نظارت دیجیتال بیمه البرز..... ۲۰۸.....
سید محمدرضا مطلبی کیا، غلامرضا رسولی، سحر جوانمرد..... ۲۰۸.....
- حفظ حریم خصوصی در ساپ‌تک بیمه با گمنام‌سازی داده‌ها: چارچوب فنی، مرور تجارب و
سناریوهای اجرایی..... ۲۰۹.....
مهران محبوبیان، مرضیه محمودی
- رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر انطباق رفتار کارکنان با سیاست‌های امنیت اطلاعات در صنعت بیمه کشور
۲۱۰.....
سعید کاظم‌پوریان، مهسان رستمی، فاطمه قربانی، سیروس شریفی..... ۲۱۰.....
- مقایسه تطبیقی استانداردهای جهانی تنظیم‌گری بیمه و ارائه مدل بومی برای ایران..... ۲۱۱.....
زهرا برزگر لیایی

• پنل آینده‌نگری، ارزیابی و الزامات نهادی..... ۲۱۳.....

- ۲۱۵..... مقالات ارائه.....
Competency Framework for Insurance Professionals: Skills Gaps and Training
Priorities in Risk-Based Supervision Era..... 216
Roya Jahandideh, Zahra Mirzabagheri
- Global Trends in Insurance Supervision 217
Elahe Peyravi, Niusha Varzeshi
- ارزیابی اثربخشی نظارت بیمه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی ایران..... ۲۱۸.....
مهدیه السادات بزرگی، محدثه منوچهری



- ارزیابی نقش نهادناظر در تاب‌آوری صنعت بیمه ایران ۲۱۹
سارا حقیقی‌وند، ساناز بائی
- تحلیل سناریوهای نظارت آینده در صنعت بیمه ایران با رویکرد آینده‌پژوهی ۲۲۰
احسان جلالی لواسانی، حامد صفی آریان، امیررضا رضمانی ۲۲۰
- مقالات پذیرش شده به صورت صرفاً چاپ ۲۲۱
Developing Human Capital in Insurance Industry through Training, Empowerment, and Reskilling under Modern Supervisory Practices 222
E. Najafi Vayqan, H. Karimi
Developing a Forward-Looking Supervisory Framework for Iran's Insurance Industry toward 1414 223
Faeze Peyrovinia, Farhad Nazarizadeh
Environmental Risk Standards and Climate Supervision: A Comparative Analysis for Iranian Insurance Market Integration 224
Fatemeh Shaterzaryab, Zeinab Rostami
Proactive Regulatory Approaches in Insurance: Anticipating Emerging Risks and Enhancing Resilience 225
A. Jam, S. Zarrodi
- اولویت‌بندی راهبردهای نظارتی در مدیریت ریسک‌های نوظهور در صنعت بیمه ایران با رویکرد تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) ۲۲۶
محمد رئیسی، ربابه کردستانی
- تأثیر آموزش، رهبری و انگیزش بر پذیرش نوآوری در نظارت دیجیتال ۲۲۷
محمدامین دهقانی، مهدی روحی خلیلی
- تأملی در پیامدهای نظارت الکترونیکی بر عملکرد کارکنان شرکت‌های بیمه ۲۲۸
مجید بنویدی، عباس نجفی
- تحلیل پویای آینده‌نگری اثربخشی مدل‌های نوین نظارت صنعت بیمه ۲۲۹
سید علی‌اکبر میرهادی، نازپری ابدی، فائزه ملاطالقانی
- تحلیل تطبیقی IFRS17 و Solvency II در صنعت بیمه ایران ۲۳۰
مانده محبوبی، نسیمه رحیمی مقدم
- تحلیل موانع و ارائه الگوی تغییر برای نظارت هوشمند بیمه ۲۳۱
حمیدرضا بشیری، ابراهیم گردان
- چارچوب مدیریت تغییر برای پیاده‌سازی سیستم‌های نظارت هوشمند در شرکت‌های بیمه: نقش رهبری و استراتژی‌های مشارکت ذی‌نفعان ۲۳۲
مینا آب‌پیکر، مونا خلج آبادی فراهانی
- رویکردهای نوین نظارت حقوقی و فناوریانه در صنعت بیمه ۲۳۳
فاطمه آزادبخت، سارا احدی کلايه



- شناسایی چالش‌های فرهنگی، نهادی در حکمرانی نظارتی صنعت بیمه: واکاوی موانع پیاده‌سازی تحول نظارتی..... ۲۳۴
علی سلیمانی ملکان، احسان نظری
- شناسایی موانع موثر بر پیاده‌سازی تحول نظارتی در بیمه با تأکید بر نظریه نهادی..... ۲۳۵
محمد صادق زارع، سید محسن حسینی
- شناسایی و رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر تنظیم‌گری نوآورانه در نظارت بیمه با استفاده از تکنیک ISM..... ۲۳۶
عارفه جوادپور، فاطمه سادات خلیلی، سید حبیب عفتی
- فقر فرهنگی بیمه‌ای؛ مانع پنهان تحول نظارت دیجیتال در ایران..... ۲۳۷
کاظم دهناد، لیلا زنده دل
- نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه: بازاندیشی در سازوکارهای نظارتی..... ۲۳۸
فاطمه کوهزادی
- نظارت آینده‌نگر فناوریانه (SupTech ORSA) در بیمه‌های درمان تکمیلی ایران..... ۲۳۹
وحید نوبهار، نسرين حصار مقدم
- مقالات پوستر..... ۲۴۰
- Absence of a Native Early-Warning System for Insurer Risks in Iran and Its Indicators 241
M. Soltani, M. Tarkhorani
- Future-Oriented Insurance Supervision: Pillars, Global Trends, and a Roadmap for Iran 242
M. Soltani, M. Tarkhorani
- Navigating Cultural and Institutional Challenges in Implementing Regulatory Reforms in Insurance 243
Azarakhsh.Jam, Saied. Zarrodi
- ارائه مدل مفهومی افزایش تاب‌آوری نهاد ناظر در مواجهه با ریسک‌های نوظهور..... ۲۴۴
بهروز آرمان‌مهر، اکبر افتخاری علی‌آبادی، المیرا سلیمی ۲۴۴
- ارائه مدل نظارت مبتنی بر ریسک با رویکرد فراترکیب و دیمتلفازی در شعب بیمه سامان تهران..... ۲۴۵
سمیرا بحر کاظمی، کریم حدیدی زاده
- ارزیابی تحولات فناوری‌های نوظهور حوزه نظارت صنعت بیمه رویکرد FAHP..... ۲۴۶
سید علی اکبر میرهادی، نازپری ابدی، فائزه ملاطالقانی
- استفاده از سناریوسازی و شبیه‌سازی مالی در ارزیابی ریسک پرتقوهای بیمه‌ای با پایش برخط داده‌های عملکرد شعب..... ۲۴۷
امید دهقانی، محسن حنیفه لو



- ۲۴۸..... اسنپ بک و صنعت بیمه ایران: تأثیرات و چالش‌ها
سمیه موسوی قیداری
- ۲۴۹..... الزامات و نیازمندی‌های نظارت بر صنعت بیمه.....
افشین حیدرپور
- ۲۵۱..... آینده پژوهی صنعت بیمه ایران: طراحی سناریوهای نوظهور نظارت هوشمند تا ۱۴۰۱.....
فرزانه جوانکی، شقایق وقری
- ۲۵۲..... بازاندیشی در توانمندسازی کارکنان نظارت بیمه مرکزی.....
هما هادیان، حمید قنبروند
- بررسی عوامل موثر در استفاده از فناوری‌های نوین در جهت افزایش کارایی و اثربخشی نظارت
در صنعت بیمه.....
۲۵۳..... سینا تیموری، مصطفی علی بابایی
- ۲۵۴..... تأثیر سامانه‌های هوشمند بر مدل‌های نوین نظارت ریسک محور.....
پروین کوچکی
- تأثیر استراتژیک ارتقاء و بازآموزی مهارت‌های سرمایه‌های انسانی در راستای نظارت دیجیتال در
نظام بیمه‌ای.....
۲۵۵..... مژگان فرهادفر، علیرضا جوان بخت، فاطمه نعمتی، حدیث صادقی
- ۲۵۵..... تأثیر کاربردهای هوش مصنوعی بر فرآیندهای نظارت در صنعت بیمه.....
سارا پویانا، فهیمه عزیزپور
- ۲۵۷..... تحول نظارتی در صنعت بیمه جهانی: استانداردهای سرمایه، نظارت دیجیتال و ریسک سیستمی
حمید گلابشکر، علیرضا مشکلاتی، عقیق عبدالوهابنیا
- ۲۵۸..... تحولات جهانی در نظارت بیمه‌ای؛ الگوها و استانداردهای بین‌المللی.....
علیرضا فتحی، سید عباس حسینی رباط، رسول رحمتی نودهی، غلامرضا معمارزاده طهران، ابوالحسن فقیهی
- ۲۵۹..... تحولات جهانی نظارت بیمه‌ای و چارچوب تحلیلی صنعت بیمه.....
فرهاد عباسی، سیدامید میررفیع
- ۲۶۰..... توانمندسازی انسانی برای تحول نظارتی در صنعت بیمه ایران.....
زینب رودباری مونجی، داود کیاکجوری
- توانمندسازی و یادگیری سرمایه انسانی نهادهای نظارتی بیمه با بهره‌گیری از هوش مصنوعی:
چارچوب ملی مبتنی بر تجارب جهانی.....
۲۶۱..... حجت شفیعی دیزج
- توسعه مدل حکمرانی مبتنی بر داده برای مدیریت تغییر در پروژه‌های نظارت هوشمند بیمه با
تاکید بر اصول اخلاقی و شفافیت.....
۲۶۲..... رحمان اسفندانی، میلاد اعتمادیان



- چارچوب مدیریت تغییر برای نظارت هوشمند در صنعت بیمه ۲۶۳
حسین میکائیل وند، ساناز پور اسکندر
- چالش‌ها و فرصت‌های اجرای نظارت مبتنی بر ریسک در بازارهای نوظهور بیمه ۲۶۴
فاطمه داوری، فرزانه زیبایی
- چالش‌های نهادی، فرهنگی و سازمانی در گذار به تحول نظارتی صنعت بیمه ۲۶۵
مریم بردبار مژدهی، محمد حلم‌زاده
- چشم‌انداز آینده حکمرانی صنعت بیمه در عصر هوش مصنوعی: تحلیل سناریویی از مدیریت تغییر و مشارکت ذی‌نفعان ۲۶۶
زهره وصله‌چی
- شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های توانمندسازی منابع انسانی بیمه البرز با تأکید بر هوش مصنوعی ۲۶۷
ناهید بهاروند
- شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیاده‌سازی تحول نظارتی در صنعت بیمه با استفاده از روش سیستم استنتاج فازی ۲۶۸
هاجر فیروزپوری بندپی، میلاد فلاح
- طراحی الگوی کنترل استراژیک آینده‌نگر جهت نظارت بر عملکرد شرکت‌های بیمه ۲۶۹
سعید نعمتی، مسعود طاهری وسیه‌سری، زهره جعفری
- کاربست آینده‌نگاری راهبردی در سیاست‌گذاری نظارتی صنعت بیمه ایران ۲۷۰
مهدی قلی‌زاده
- کمی‌سازی تاب‌آوری شرکت‌های بیمه با اقتباس از تاب‌آوری زنجیره تأمین ۲۷۱
حدیثه ناطقی، زهره برزگر
- مدل نظارت پیش‌گرا نه ریسک‌های نوظهور برای تاب‌آوری بیمه ۲۷۲
مائده محبوبی، نسیمه رحیمی مقدم
- مدیریت تغییر در پیاده‌سازی نظارت هوشمند در صنعت بیمه؛ الزامات مدیریتی، مشارکت ذی‌نفعان و حکمرانی تحول ۲۷۳
فرشته مصطفی‌نژاد، نازنین تیموری
- مروری بر الگوها و استانداردهای بین‌المللی در صنعت بیمه ۲۷۴
مصیب رحمانی
- مقایسه تطبیقی آیین‌نامه‌های بیمه همگانی حوادث طبیعی با استفاده از پردازش زبان طبیعی ۲۷۵
حمید سوقی، شمس‌اله سلامی، مهدی سوقی، محمد سوقی



- مقایسه سازوکار ارزیابی صلاحیت کارکنان کلیدی در صنعت بیمه ایران با نظام‌های منتخب جهانی
 ۲۷۶.....
 محمد خرم‌آبادی
- موانع فرهنگی، نهادی و مقاومت‌های درون‌سازمانی تحول نظارتی صنعت بیمه..... ۲۷۷
 زینب صابری
- موانع نهادی و فرهنگی در پیاده‌سازی نظارت فناورانه در بازار بیمه ایران؛ چالش‌ها و راهکارها..... ۲۷۸
 فرانک زارع احمدی، محسن خسروجردی
- نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه ایران؛ ریسک‌های نوظهور و مدل‌سازی تاب‌آوری ۲۷۹
 منیژه یادگاری، آزما سلیمی باوندپوری، علیرضا مشکلاتی
- نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه؛ ریسک‌های نوظهور و مدل‌سازی تاب‌آوری ۲۸۰
 نیره وهاب پور
- نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه؛ ریسک‌های نوظهور و مدل‌سازی تاب‌آوری ۲۸۱
 مینا عسگری قاهانی، ساناز علی پور
- نقش نظارتی دولت در بیمه جنگ سایبری: از استثنای جنگ تا حکمرانی چندلایه ریسک‌های
 سایبری ۲۸۲
 نیره نظر، احسان اردشیریان، مهرنوش ساوه دربندسری، سارا شیرزاده
- نقش هوش مصنوعی در گذار نظام نظارت بیمه‌ای از رویکرد سنتی به پیش‌نگر ۲۸۳
 سیدعلی رضوی



سازمان همایش شورای سیاستگذاری





اعضای کمیته علمی

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت
۱	پرویز خوشکلام خسروشاهی	رئیس کل بیمه مرکزی ج.ا. ایران
۲	لیلی نیاکان	رئیس پژوهشکده بیمه و رئیس همایش
۳	محسن پورکیانی	دبیر کل سندیکای بیمه‌گران ایران
۴	حسن رضا عباسیانفر	معاون توسعه و نوآوری بیمه مرکزی ج.ا. ایران
۵	اسماء حمزه	معاون پژوهشی پژوهشکده بیمه و دبیر علمی همایش
۶	وحید ماجد	عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
۷	مسعود حجابیان	رئیس انجمن حرفه‌ای صنعت بیمه
۸	محمد ذکائی	رئیس انجمن محاسبات بیمه و مالی ایران
۹	ابراهیم کاردگر	عضو شورای پژوهشی پژوهشکده بیمه
۱۰	احمد رضا ضرابیه	عضو شورای پژوهشی پژوهشکده بیمه
۱۱	مهدی ریاحی‌فر	عضو شورای پژوهشی پژوهشکده بیمه
۱۲	تیمور رحمانی	عضو شورای پژوهشی پژوهشکده بیمه
۱۳	حمید کردبچه	عضو شورای پژوهشی پژوهشکده بیمه
۱۴	رحیم مصدق	عضو شورای پژوهشی پژوهشکده بیمه
۱۵	علی سوری	عضو شورای پژوهشی پژوهشکده بیمه
۱۶	فاطمه آزادبخت	سرپرست گروه پژوهشی مطالعات اسلامی بیمه
۱۷	محبوبه اعلائی	مدیر گروه پژوهشی فناوری‌های نوین بیمه‌ای
۱۸	فرزان خامسیان	مدیر گروه پژوهشی عمومی بیمه
۱۹	مریم اثنی‌عشری	مدیر گروه پژوهشی بیمه‌های اموال و مسئولیت
۲۰	میترا قنبرزاده	مدیر گروه پژوهشی بیمه‌های اشخاص
۲۱	مژگان خانلو	رئیس امور پایش تعهدات دولت در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
۲۲	مهدی صادقی‌شاهدانی	استاد و رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)
۲۳	امیر صفری	سرپرست اداره کل نوآوری و توسعه کسب‌وکارهای نوین بیمه مرکزی ج.ا. ایران
۲۴	میثم میرزازاده	رئیس مرکز فناوری، امنیت اطلاعات و توسعه هوشمند بیمه مرکزی ج.ا. ایران



ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت
۲۵	رضا افقی	عضو شورای پژوهشی پژوهشکده بیمه
۲۶	مجید بختیاری	مدیرعامل شرکت بیمه زندگی مفید
۲۷	علی عبدالهی	عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی
۲۸	مسعود همدانلو	دبیر شورای اجرایی فناوری اطلاعات
۲۹	علی کمندی	عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
۳۰	آمنه خدیور	عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا
۳۱	علی شایان	عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
۳۲	نسرین حضار مقدم	عضو هیأت علمی پژوهشکده بیمه
۳۳	احمد صلاح نژاد قلعه جوقی	استاد مدعو، دانشگاه کی.یو. لوون بلژیک
۳۴	محمد خزایی	دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی ICC
۳۵	علی ذاکر شهرک	دکتری اقتصاد از دانشگاه لندن - فلو انجمن اکچوئری - تحلیلگر مالی خبره
۳۶	هومن معتمد	تحلیل گر ارشد - شرکت بیمه آلیانز
۳۷	آیجیت چتوراج	استاد و مدیر رسمی برنامه درسی - دانشگاه ای.ام. اس یونسون هند
۳۸	فوزیلا صالح	استاد تمام و معاون امور دانشجویی و بین‌المللی سازی دانشکده مدیریت و کسب و کار - دانشگاه سلطان زین العابدین مالزی
۳۹	سید حسام صالح پور	متخصص هوش مصنوعی موسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل متحد (UNITAR)



اعضای کمیته اجرایی

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت
۱	مجید نادری	معاون توسعه مدیریت و منابع و عضو هیات عامل بیمه مرکزی ج.ا.ایران
۲	حسن حیدری	مدیر کل حوزه ریاست کل بیمه مرکزی ج.ا.ایران
۳	جواد گودرزی	مدیر کل روابط عمومی بیمه مرکزی ج.ا.ایران
۴	سید حمید آرمان	مدیر کل دفتر مرکزی حراست بیمه مرکزی ج.ا.ایران
۵	نسرین حضار مقدم	معاون پشتیبانی پژوهشکده بیمه و دبیر اجرایی همایش
۶	زینب سلمان خاکسار	مدیر امور اداری پژوهشکده بیمه
۷	حکیمه صفری	رئیس دفتر ریاست پژوهشکده بیمه
۸	رضا یوسفی رامندی	مدیر امور مالی پژوهشکده بیمه
۹	امیررضا مونسان	رئیس اداره فناوری اطلاعات و ارتباطات پژوهشکده بیمه
۱۰	امیر هوشنگ فکرت نژاد	رئیس اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل پژوهشکده بیمه
۱۱	سید مهدی مظفری خوشرودی	سرپرست حراست پژوهشکده بیمه



پیشگفتار

بیمه به عنوان یکی از ارکان کلیدی اقتصاد، نقشی حیاتی در مدیریت ریسک و تضمین ثبات مالی افراد، خانوارها و سازمان‌ها دارد. در سال‌های اخیر، با پیچیدگی‌های روزافزون اقتصاد داخلی و جهانی و تغییرات سریع در فناوری و نیازهای بازار، صنعت بیمه با چالش‌های فناورانه، اقتصادی، حقوقی و نهادی مواجه شده است. در این وضعیت، نظارت صرفاً یک عملکرد کنترلی نیست و لذا، نظارت صحیح و به موقع در صنعت بیمه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که نظارت نه تنها موجب شفافیت و اطمینان از رعایت اصول قانونی می‌شود، بلکه در پی تضمین سلامت مالی شرکت‌های بیمه و نهایتاً رفاه عمومی و اعتماد بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان است. در دنیای امروز، نظارت بر صنعت بیمه باید فراتر از روش‌های سنتی و دستی باشد. نیاز به **نظارت هوشمند** یا همان نظارت مبتنی بر فناوری، به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌شود زیرا، با پیشرفت‌های سریع در علم داده، هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال، امکان پایش و کنترل بهتر و دقیق‌تر فراهم شده است. نظارت هوشمند به‌طور خاص این امکان را به نهادهای نظارتی می‌دهد که با استفاده از ابزارهای تحلیلی پیشرفته، به جای واکنش‌های پس‌دستانه، به‌طور پیش‌گیرانه مشکلات را شناسایی کرده و اقدامات اصلاحی لازم را به موقع اعمال کنند. از این‌رو، موضوع **بازاندیشی نظارت** نه تنها به بازنگری ابزارها و روش‌ها اشاره دارد، بلکه به بازتعریف فلسفه نظارت، ساختار نهادی آن و تأثیر آن بر توسعه صنعت بیمه مرتبط است به گونه‌ای که تنظیم‌گری مؤثر نه مانعی برای نوآوری، بلکه زمینه‌ساز رشد هوشمند و پایدار شود. در چنین شرایطی، نظارت بایستی بتواند با تغییرات پیچیده و سریع صنعت بیمه هماهنگ شود. استفاده از مدل‌های نوین نظارتی که بر داده‌های دقیق و به‌روز مبتنی هستند، می‌تواند در شفاف‌سازی فرایندهای بیمه‌ای و پیشگیری از ریسک‌های غیرمنتظره مؤثر باشد. ابزارهایی مانند داشبوردهای تحلیلی، الگوریتم‌های پیش‌بینی، نظارت داده‌محور و مدل‌های ریسک‌سنجی، زمینه را برای نظارت کارتر فراهم می‌سازد. این نوع نظارت نه تنها باعث می‌شود که ریسک‌های احتمالی شناسایی و کاهش یابند، بلکه همچنین موجب افزایش اعتماد عمومی به صنعت بیمه و تقویت تصویر این صنعت به عنوان یک رکن استوار در اقتصاد خواهد شد. نظارت مؤثر بر صنعت بیمه بایستی نه تنها مبتنی بر فناوری، بلکه با توجه به اصول قانونی، مقرراتی و اخلاقی نیز طراحی شود. نظارت کارآمد باید از طریق رعایت اصول حاکمیت شرکتی، رعایت حقوق بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و حفظ امنیت اطلاعات، به ارتقای شفافیت در صنعت بیمه



کمک کند. نظارت مؤثر از یک سو باید اطمینان حاصل کند که شرکت‌های بیمه با رعایت استانداردهای مالی و عملیاتی به فعالیت خود ادامه می‌دهند، و از سوی دیگر باید به گونه‌ای طراحی شود که مانعی بر سر راه نوآوری‌ها در صنعت بیمه ایجاد نکند. در این راستا، بازاندیشی در شیوه‌های نظارتی، به‌ویژه در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. چرا که بدون نوآوری در فرایندهای نظارتی، صنعت بیمه نمی‌تواند به‌طور مؤثر در برابر چالش‌های جدید ایستادگی کند و نقش خود را به‌عنوان یکی از ارکان اقتصاد ایفا نماید.

در نهایت، نظارت بر صنعت بیمه باید به‌طور مداوم با ارزیابی‌های مستمر و نگاهی به آینده همراه باشد. این ارزیابی‌ها می‌توانند شامل شبیه‌سازی‌های مختلف اقتصادی و مدل‌های پیش‌بینی برای تحلیل روندهای آینده بازار بیمه باشند. نهادهای نظارتی باید با بهره‌گیری از این ابزارها، از یک سو، به دنبال ایجاد سازوکارهای حمایتی برای مقابله با ریسک‌ها و بحران‌های احتمالی، و از سوی دیگر، به دنبال پشتیبانی از پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در صنعت بیمه باشند. این رویکرد می‌تواند به ایجاد یک بازار بیمه مقاوم، شفاف و توسعه‌پذیر منجر شود که به نفع تمام ذینفعان از جمله بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان، و شرکت‌های بیمه باشد. بنابراین، بازاندیشی در نظارت بر صنعت بیمه به معنای پذیرش نوآوری‌های فناورانه و تغییرات سازمانی است که با هدف افزایش بهره‌وری نظارت، هم‌زمان به ارتقای شفافیت و بهبود کیفیت خدمات بیمه‌ای کمک می‌کند. این رویکرد، مسیر جدیدی را برای تنظیم‌گری مؤثر در صنعت بیمه ترسیم کرده و زمینه‌ساز تحولی اساسی در فرایندهای نظارتی و عملکرد صنعت خواهد بود.

در راستای این نکات بود که شورای سیاست‌گذاری همایش، عنوان همایش بیمه و توسعه سال جاری را به «**بازاندیشی نظارت در بیمه؛ مسیر نوآورانه برای تنظیم‌گری مؤثر**» اختصاص داد. سی و دومین همایش ملی و سیزدهمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه، فرصتی مناسب برای تبادل نظر میان پژوهشگران، مدیران و مسئولان صنعت بیمه است تا چارچوب‌های نوین نظارت مورد ارزیابی قرار گیرند، درس‌آموخته‌های بین‌المللی و داخلی عرضه شوند، و راهبردهایی عملی برای طراحی و اجرای سیاست‌های نوآورانه نظارت در صنعت بیمه شکل بگیرند. این مشارکت می‌تواند عرصه مناسبی برای گفت‌وگو علمی، انتقال تجربه و شکل‌گیری شبکه‌ای فعال در حوزه تنظیم‌گری بیمه فراهم آورد. امیدوارم دستاوردهای آن، زمینه‌ساز تحول جدی در فضای نظارتی و توسعه صنعت بیمه کشور گردد.

پرویز خوشکلام خسروشاهی

رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران



مقدمه

هر ساله همزمان با روز ملی بیمه، خانواده بزرگ صنعت بیمه کشور میزبان رویدادی کلیدی و موثر است که همایش بیمه و توسعه را می‌توان به مثابه نماد هم‌گرایی اندیشه، خلاقیت و تجربه در عرصه بیمه کشور معرفی کرد. این همایش با پیشنهادی پربار و اعتبار علمی و حرفه‌ای، بستری را فراهم آورده تا بازیگران اصلی صنعت بیمه شامل نهاد ناظر، پژوهشگران، مدیران متخصص، سیاست‌گذاران، اهالی شرکت‌های بیمه، نمایندگان اصناف حرفه‌ای و نخبگان دانشگاهی گردهم آمده و به تبادل خرد در مسیر اعتلا و توسعه صنعت بیمه ایران بپردازند.

سی‌ودومین همایش ملی و سیزدهمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه، در سال جاری بار دیگر فرصتی ارزشمند را مهیا ساخته تا صاحب‌نظران گرد هم آیند و در فضای علمی و تخصصی به تبادل تجربیات و یافته‌های پژوهشی خود بپردازند. این همایش، که همزمان با روز بیمه برگزار می‌شود، همواره بستری برای طرح مسائل راهبردی و چالش‌های کلیدی این صنعت بوده و با ارائه مقالات تخصصی، نقش مهمی در جهت‌دهی به تحولات آینده ایفا کرده است.

موضوع محوری امسال با عنوان «بازاندیشی نظارت در بیمه؛ مسیر نوآورانه برای تنظیم‌گری موثر» بازتاب‌دهنده ضرورت تحولات بنیادین در شیوه‌های نظارت و حکمرانی صنعت بیمه در مواجهه با آسیب‌شناسی گذشته و آماده‌سازی برای آینده‌ای هوشمند و فناورانه است. محورهای علمی متنوع این دوره همایش شامل تحولات فناورانه در نظارت، نظارت مبتنی بر ریسک، آینده‌نگری، ارزیابی و الزامات نهادی و تنظیم‌گری نوین و الزامات حقوقی می‌باشد.

برگزاری پنل‌های تخصصی و علمی پیش از همایش، با هدف بررسی نقش نهادهای تخصصی و صنفی در تحول نظارت بیمه‌ای، نشانه مهمی از تقویت گفت‌وگوی حرفه‌ای و ضرورت هم‌گرایی تمام ذینفعان صنعت بیمه برای حل مسائل پیچیده و تصمیم‌سازی مبتنی بر خرد جمعی است.

کتابچه مجموعه مقالات همایش، حاصل تلاش پژوهشگران و نویسندگان مختلف از سراسر کشور بوده که با داوری تخصصی توسط کمیته‌های علمی، گزیده‌ای از برترین مقالات صنعت بیمه را ارائه می‌نماید. امید است که این آثار، راهگشای نهاد ناظر، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی، پژوهشگران و فعالان صنعت بیمه باشد و در مسیر تحقق تنظیم‌گری هوشمند، ارتقاء



کیفیت خدمات بیمه‌ای، توسعه زیست‌بوم نوین بیمه و پاسخگویی به الزامات عصر دیجیتال، نقشی برجسته ایفا کند.

بی‌شک ادامه این مسیر، جز با همکاری، تعامل و مشارکت سازنده تمامی بازیگران صنعت بیمه امکان‌پذیر نخواهد بود. پژوهشکده بیمه به عنوان بازوی علمی صنعت بیمه، همواره در پی ایجاد پیوند بین پژوهش و اجرا، حمایت از نوآوری‌های علمی و تقویت ارتباطات حرفه‌ای در صنعت بیمه باقی خواهد ماند.

در پایان لازم است از تلاش‌های ارزشمند دبیرخانه همایش، اعضای کمیته‌های علمی و اجرایی، داوران مقالات و همه عزیزانی که در شکل‌گیری و ارتقاء این رویداد علمی مشارکت داشته‌اند صمیمانه تقدیر شود و امید که نتایج این همایش موجب بالندگی بیشتر صنعت بیمه ایران گردد.

لیلی نیاکان
رئیس همایش

سی و دومین همایش ملی و سیزدهمین

همایش بین‌المللی بیمه و توسعه ICID 2025

بازاندیشی نظارت در بیمه؛ مسیرنوآورانه برای تنظیم‌گری مؤثر



پنل تحولات فناوریانه در نظارت

پنل تحولات فناورانه در نظارت

مقالات ارائه



بازآفرینی نظام انطباق با مقررات بیمه از طریق فناوری‌های مدرن

تارا متوسل^۱، حسام فادطلوع^۲

چکیده

افزایش پیچیدگی الزامات نظارتی در صنعت بیمه، ضرورت گذار از رویکردهای سنتی انطباق با مقررات به سامانه‌های هوشمند را پررنگ‌تر کرده است. این پژوهش با روش تحلیل توصیفی-کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند منابع ثانویه، به بررسی نقش هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در تحول مدیریت انطباق با مقررات بیمه‌ای می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که به‌کارگیری سامانه‌های خودکارسازی مبتنی بر هوش مصنوعی، موجب کاهش قابل توجه خطاهای انسانی، هزینه‌های عملیاتی و زمان پایش مقررات می‌شود. این سامانه‌ها با استفاده از پردازش زبان طبیعی و تحلیل بلادرنگ داده‌ها، تخلفات احتمالی را پیش از وقوع شناسایی و اصلاح می‌کنند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ادغام فناوری‌های هوشمند در فرایندهای بیمه‌ای نه تنها اثربخشی و شفافیت انطباق را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند به‌عنوان مزیت رقابتی راهبردی در مواجهه با محیط متغیر مقرراتی عمل کند.

واژگان کلیدی: انطباق با مقررات بیمه، رگولاتوری، هوش مصنوعی، اتوماسیون.

۱. مسئول خسارت بیمه‌های مسئولیت، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

t.motevasel@samaninsurance.ir

۲. رئیس اداره بیمه‌های کشتی و هواپیما، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

hesamfadtolou@gmail.com



تحول دیجیتال؛ پایداری مالی، شفافیت و رقابت پذیری

علیرضا داداشی^{۱*}، فاطمه سادات خلیلی^۲، عارفه جوادیپور^۳

چکیده

این مقاله با هدف بررسی تاثیر تحول دیجیتال در ساختار نظارتی بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت پذیری با تاکید بر نقش حاکمیت شرکتی در صنعت بیمه انجام شده است. جامعه آماری شامل کارشناسان صنعت بیمه بوده و نمونه‌ای شامل ۳۲۷ نفر از طریق فرمول کوکران انتخاب شده است. مدل مفهومی تحقیق بر اساس روش معادلات ساختاری و نرم افزار Smart PLS^۳ تحلیل شده است. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که تحول دیجیتال در ساختار نظارتی به‌طور مستقیم و مثبت بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت پذیری تأثیرگذار است. به طوری که تأثیر این متغیر بر پایداری مالی با ضریب مسیر ۰٫۷۹۶ و اندازه اثر ۰٫۶۳۴، بر شفافیت با ضریب مسیر ۰٫۶۹۵ و اندازه اثر ۰٫۵۳۲ و بر رقابت پذیری با ضریب مسیر ۰٫۵۷۸ و اندازه اثر ۰٫۴۸۷، همگی معنادار و قوی است. علاوه بر این، نقش میانجی حاکمیت شرکتی نیز در تمامی روابط بررسی شده تأیید شده است؛ به گونه‌ای که حاکمیت شرکتی به‌طور مؤثر میانجی‌گری روابط تحول دیجیتال در ساختار نظارتی با پایداری مالی ($t=9.279$ ، اندازه اثر=۰٫۶۰۱) شفافیت و رقابت پذیری را ایفا می‌کند. این یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت بالای حاکمیت شرکتی در تقویت تأثیرات تحول دیجیتال بر متغیرهای کلیدی عملکرد در صنعت بیمه می‌باشد. در نهایت، شاخص‌های پایایی و روابی مدل، از جمله آلفای کرونباخ، CR، AVE و آزمون فورنل-لارکر، اعتبار و قابلیت اعتماد ابزارهای اندازه‌گیری را تأیید می‌کنند. همچنین شاخص‌های ضریب تعیین و توان پیش‌بینی مدل، بیانگر قدرت مدل در توضیح و پیش‌بینی متغیرهای وابسته هستند. برازش کلی مدل نیز در حد قابل قبول و قوی ارزیابی شده است. بنابراین، یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهنمای مفیدی برای صنعت بیمه در جهت توسعه و بهبود ساختار نظارتی دیجیتال و ارتقای حاکمیت شرکتی جهت افزایش پایداری مالی، شفافیت و رقابت پذیری سازمان‌ها باشد.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، ساختار نظارتی، پایداری مالی، شفافیت، رقابت پذیری، حاکمیت شرکتی، صنعت بیمه.

۱. بیمه آرمان، مدیر مالی، تهران، ایران، Alirezadadashi91@gmail.com

۲. بیمه سامان، معاون اداره خسارت بیمه‌های عمر و حوادث، تهران، ایران، sabakhalili91@gmail.com

۳. بیمه سامان، کارشناس مسئول اداره خسارت بیمه‌های عمر و حوادث، تهران، ایران، Aref30289@gmail.com



چارچوب نوین ORSA دیجیتال با رویکرد تحلیل سناریو و داده کاوی

مریم گل محمدی^{۱*}

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه، ساختار سنتی ارزیابی کفایت سرمایه را با چالش‌های جدی مواجه ساخته و نیازمند بازطراحی فرآیندهای کلیدی نظارتی با استفاده از ابزارهای پیشرفته داده‌محور شده است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوبی نوین برای پیاده‌سازی فرآیند ORSA دیجیتال در چارچوب نظارت ریسک‌محور در صنعت بیمه طراحی گردید. چارچوب پیشنهادی، رویکردی تلفیقی از تحلیل سناریوهای کلان اقتصادی و داده کاوی با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین ارائه می‌دهد که قادر است توانگری مالی شرکت‌های بیمه را در مواجهه با نوسانات محیطی به صورت بلادرنگ ارزیابی نماید. در این تحقیق، ابتدا مفاهیم نظری مرتبط با ORSA، نظارت ریسک‌محور، تحلیل سناریو و داده کاوی بررسی شد و شکاف پژوهشی موجود در زمینه ادغام این مفاهیم در قالب یک چارچوب دیجیتال‌شده شناسایی گردید. سپس، با استفاده از داده‌های شبیه‌سازی شده شرکت‌های بیمه، سناریوهای مختلف اقتصاد کلان شامل رکود تورمی، رشد پایدار، بحران ارزی و نوسانات بازار سرمایه مدل‌سازی شد. در ادامه، الگوریتم‌های داده کاوی شامل Random Forest، SVM، و XGBoost برای پیش‌بینی نسبت کفایت سرمایه پیاده‌سازی شدند. نتایج نشان دادند که مدل پیشنهادی با دقت بالای طبقه‌بندی (بیش از ۹۰٪) قادر به تشخیص دقیق سطح ریسک شرکت‌ها می‌باشد و نسبت به مدل‌های سنتی تحلیل حساسیت از کارایی بالاتری برخوردار است. یافته‌های تحقیق تأکید می‌کنند که ORSA دیجیتال می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در تصمیم‌گیری مدیریتی، هشدار زودهنگام و سیاست‌گذاری نظارتی مورد استفاده قرار گیرد؛ مشروط بر آن‌که الزامات زیرساختی، حاکمیت داده، و توسعه منابع انسانی فناورمحور به‌طور هم‌زمان در صنعت بیمه تقویت گردد. چارچوب پیشنهادی، نقطه آغاز تحول در نظارت ریسک‌محور مبتنی بر هوش مصنوعی در صنعت بیمه ایران تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: ارزیابی توانگری سرمایه، ORSA دیجیتال، تحلیل سناریو، داده کاوی، نظارت ریسک‌محور.



عوامل مؤثر بر عملکرد رگ‌تک‌ها در رقابت‌پذیری صنعت بیمه

سیدمحمود موسوی^۱، مهدی ابراهیم نژاد^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر عملکرد رگ‌تک‌ها در رقابت‌پذیری صنعت بیمه انجام شد. این پژوهش از نظر هدف یک پژوهش کاربردی-توسعه‌ای است و از لحاظ فلسفی، مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی است و با رویکرد استقرایی انجام شد. برای دستیابی به هدف پژوهش از طرح پژوهش آشیانه‌ای استفاده شد. جامعه مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل مدیران باسابقه بیمه مرکزی کشور بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد و با نوزده مصاحبه به اشباع نظری دست پیدا شد. در بخش کمی و برای اولویت‌بندی عوامل نیز از دیدگاه همین خبرگان استفاده شد. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیم‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. برای تحلیل مصاحبه‌های تخصصی از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شد و داده‌های حاصل از پرسشنامه نیز با روش سوارا در نرم‌افزار اکسل تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که عملکرد رگ‌تک‌ها در صنعت بیمه را می‌توان در قالب چهار مضمون فراگیر تحلیل کرد. مضمون نخست «قانون‌گذاری هوشمند» است که شامل شفافیت مقرراتی، انعطاف‌پذیری قانونی و استانداردسازی بین‌المللی می‌شود. مضمون دوم «نظارت هوشمند» است که بر پایش بلادرننگ، تشخیص تقلب و خودکارسازی گزارش‌دهی تمرکز دارد. مضمون سوم «فناوری‌های هوشمند» است که ابعاد کلان‌داده، هوش مصنوعی و بلاک‌چین را پوشش می‌دهد. مضمون چهارم «هوشمندی رقابتی» است که تحلیل بازار، مزیت نوآوری و پاسخ‌گویی به مشتری را دربرمی‌گیرد. در مجموع، نتایج پژوهش بیانگر آن است که رگ‌تک‌ها نه تنها ابزاری برای انطباق با مقررات هستند، بلکه نقشی راهبردی در افزایش رقابت‌پذیری بازار بیمه ایفا می‌کنند. این یافته‌ها می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری نهاد ناظر و تصمیم‌گیری راهبردی شرکت‌های بیمه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: رقابت‌پذیری، رگ‌تک، فناوری قانون‌گذاری، صنعت بیمه.

۱. مدیرعامل شرکت بیمه میهن، تهران، ایران

Seyed.a.mosavi53@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، مدیر شعبه مازندران شرکت بیمه میهن، ساری، ایران، (نویسنده مسئول)

mehdiebrahimnezhad123@gmail.com



فناوری‌های نوین داده‌محور و بهبود کارایی فرآیندهای نظارتی در صنعت بیمه

حمید قنبروند^۱، آتنا بهوندی^۲، محمد اصغری اعلائی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین و مدلسازی رابطه بین فناوری‌های نوین داده‌محور و بهبود کارایی فرآیندهای نظارتی در صنعت بیمه انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف یک پژوهش کاربردی-توسعه‌ای است و براساس گردآوری داده‌ها یک پژوهش توصیفی-پیمایشی است. جامعه مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل مدیران، کارشناسان ارشد و خبرگان تخصصی صنعت بیمه و بیمه مرکزی ایران بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد و با ۱۵ مصاحبه به اشباع نظری دست پیدا شد. جامعه آماری بخش کمی پژوهش شامل کلیه کارکنان واحدهای نظارتی، فاوا و توسعه و نوآوری بیمه مرکزی ایران بود. حجم نمونه بخش کمی با روش اندازه اثر و تحلیل توان ۱۲۰ نفر برآورد گردید. با توجه به وجود ادارات کل و گروه‌های مختلف در معاونت نظارت، نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای نسبتی صورت گرفت. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیم‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای تحلیل مصاحبه‌های تخصصی از تحلیل کیفی مضمون و نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شد و داده‌های حاصل از پرسشنامه نیز با روش مدلسازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهشی نشان داد «کلان‌داده و انبارش داده‌ها»، «هوش مصنوعی و یادگیری ماشین»، «بلاکچین و قراردادهای هوشمند» و «اینترنت اشیا و داده‌های برخط» بر «فرایندهای نظارتی فناوری‌محور»، «فرایندهای پشتیبان فناوری‌محور» تاثیر می‌گذارند. فرایندهای نظارتی و پشتیبان نیز با تاثیرگذاری بر «بهبود عملکرد نظارت»، «ارتقای شفافیت بیمه» و «بهبود عملکرد مالی» موجب بهبود کارایی فرآیندهای نظارتی در صنعت بیمه می‌شوند. بنابراین سازمان بیمه مرکزی کشور با استعانت از فناوری‌های نوین داده‌محور می‌تواند زمینه را برای بهبود کارایی فرایندهای نظارتی خود در صنعت بیمه کشور فراهم سازد.

واژگان کلیدی: فناوری‌های داده‌محور، کارایی نظارت، فرایندهای نظارتی، صنعت بیمه.

۱. کارشناس مسئول اداره نظارت بر بیمه‌های اموال، دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)
ganbarvand@gmail.com

۲. کارشناس مسئول پذیرش و پایش ریسک بیمه‌های خرد اموال؛ شرکت بیمه سامان
Atenabehvandi@gmail.com

۳. کارشناس مسئول نظارت بر خسارت بیمه‌های پروژه‌ای؛ شرکت بیمه سامان
M.asghari@samaninsurance.ir

پنل تحولات فناورانه در نظارت

مقالات پذیرش شده به صورت
صرفاً چاپ



ارائه الگوی پلتفرم‌های هوشمند در نظارت دیجیتال و هوش مصنوعی از طریق ساپ‌تک و رگ‌تک‌ها

عارف آرائی بندپی^{۱*}، ابراهیم صانعی فرد^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی پلتفرم‌های هوشمند در نظارت دیجیتال و هوش مصنوعی با تأکید بر نقش ساپ‌تک و رگ‌تک انجام شد. از نظر هدف، این مطالعه در زمره پژوهش‌های کاربردی-توسعه‌ای قرار دارد و از منظر گردآوری داده‌ها یک پژوهش غیرآزمایشی (توصیفی) با روش پیمایش مقطعی است. در بخش کیفی، جامعه شامل مدیران باسابقه شرکت بیمه دی بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و پس از انجام ۱۳ مصاحبه نیم‌ساختاریافته، اشباع نظری حاصل گردید. در بخش کمی، جامعه آماری مدیران و کارشناسان این شرکت بودند و با برآورد حجم نمونه بر اساس روش اندازه اثر، تعداد ۸۷ نفر تعیین شد که برای اطمینان، ۹۰ پرسشنامه معتبر جمع‌آوری و تحلیل گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه نیم‌ساختاریافته و پرسشنامه بود. داده‌های کیفی با روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA و داده‌های کمی با روش حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار SMART PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد پلتفرم‌های هوشمند زیربنای اصلی تحول در نظام نظارت بیمه‌ای محسوب می‌شوند و علاوه بر ارتقای مستقیم نظارت دیجیتال، زمینه‌ساز توسعه فناوری‌های ساپ‌تک و رگ‌تک نیز هستند. یافته‌ها بیانگر آن بود که این دو فناوری هم به‌طور مستقیم بر نظارت دیجیتال اثرگذارند و هم نقش میانجی در انتقال اثر پلتفرم‌ها ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که ساپ‌تک در پردازش و تحلیل داده‌های بیمه‌ای و رگ‌تک در انطباق با الزامات قانونی و کاهش ریسک عمل کرده و در تعامل با پلتفرم‌ها موجب بهبود کیفیت و اثربخشی نظارت هوشمند می‌شوند. مدل ارائه‌شده یک چارچوب بومی و یکپارچه برای صنعت بیمه ایران، به‌ویژه بیمه دی فراهم می‌کند و بر ضرورت سرمایه‌گذاری هم‌زمان در پلتفرم‌های هوشمند و فناوری‌های ساپ‌تک و رگ‌تک برای تحقق نظارت کارآمد و هوش‌محور تأکید دارد.

واژگان کلیدی: پلتفرم‌های هوشمند، نظارت دیجیتال، هوش مصنوعی، ساپ‌تک، رگ‌تک.

۱. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، کارشناس امور بیمه‌ای شعبه آمل بیمه دی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
arefaraei69@gmail.com

۲. رئیس شعبه آمل بیمه دی، تهران، ایران
e.saneifard.1973@gmail.com



ارتقاء شفافیت نظارتی در صنعت بیمه با کاربرد هوش مصنوعی در کشف تقلب

فائزه بنوفاطمه^{۱*}، الهام محمدحسینی^۲، نفیسه جوانمرد^۳

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه، با محوریت هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، به طور چشم گیری شیوه های سستی ارزیابی ریسک، کشف تقلب، قیمت گذاری و مدیریت ادعاها را متحول کرده است. این مقاله مروری با هدف تحلیل جامع کاربردها، مزایا، چالش ها، چارچوب های مفهومی و تجارب جهانی و بومی در زمینه پیاده سازی AI در صنعت بیمه انجام شده است. در بخش نخست، مفاهیم نظری و بنیان های کلیدی مانند شفافیت نظارتی، الگوریتم های یادگیری ماشین و ملاحظات اخلاقی بررسی شده و سپس کاربردهای اصلی هوش مصنوعی شامل کشف تقلب، ارزیابی ریسک، پردازش هوشمند ادعاها و شخصی سازی خدمات بیمه ای مورد تحلیل قرار گرفته اند. نتایج مرور نظام مند پژوهش های اخیر و تجارب شرکت های پیشرو در سطح جهانی نشان می دهد که AI می تواند تا ۵۰٪ نرخ شناسایی تقلب را افزایش داده، هزینه های عملیاتی را کاهش داده و تصمیم گیری را تسریع بخشد. با این حال، چالش هایی چون کمبود داده های ساختاریافته، سوگیری الگوریتمی، فقدان چارچوب های قانونی و مقاومت نهادی، موانع جدی در مسیر پیاده سازی مؤثر این فناوری هستند. یک شرکت بیمه ایرانی نیز مؤید آن است که موفقیت پروژه های AI زمانی حاصل می شود که پیاده سازی به صورت تدریجی، با حمایت مدیریتی، مشارکت تیم های بین رشته ای و حکمرانی اخلاقی همراه باشد. در بخش پایانی، مقاله با تکیه بر تجزیه و تحلیل یافته ها و مرور چارچوب های بین المللی، مدلی مفهومی شامل چهار بعد اصلی (بلوغ فنی، زیرساخت داده، حکمرانی اخلاقی، و پذیرش نهادی) را برای ارزیابی آمادگی سازمان ها در مسیر پیاده سازی مسئولانه AI ارائه می دهد. این مدل می تواند به عنوان ابزار راهبردی برای سیاست گذاران، شرکت های بیمه و رگولاتورها جهت کاهش ریسک پیاده سازی و افزایش اثربخشی فناوری های هوشمند به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، بیمه، کشف تقلب، شفافیت نظارتی، یادگیری ماشین.

۱. ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
f.banofatemeh@samaninsurance.ir

۲. کارشناسی مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران
e.mohamadhoseini@samaninsurance.ir

۳. کارشناسی مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران
n.javanmard@samaninsurance.ir



ارتقای نظارت مبتنی بر ریسک از طریق تقویت حاکمیت شرکتی و شفافیت مالی در صنعت بیمه: رویکردی کیفی

مجید جعفری^۱، آناهیتا راد^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، افزایش پیچیدگی فعالیت‌های بیمه‌ای، نوسانات اقتصادی و ظهور ریسک‌های نوین مالی، اثربخشی الگوهای سنتی نظارت در صنعت بیمه را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در این میان، «نظارت مبتنی بر ریسک» به‌عنوان رویکردی نوین، بر شناسایی، ارزیابی و کنترل فعالانه‌ی ریسک‌ها در سطح شرکت‌های بیمه تمرکز دارد و به نهاد ناظر امکان می‌دهد منابع نظارتی خود را متناسب با سطح ریسک شرکت‌ها تخصیص دهد. با این حال، موفقیت در استقرار این نظام مستلزم وجود بستری است که از طریق آن، شفافیت مالی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی کارآمد، قابلیت اعتماد و پایش‌پذیری اطلاعات را افزایش دهند. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش و ابعاد حاکمیت شرکتی و شفافیت مالی در ارتقای نظارت مبتنی بر ریسک، با رویکرد کیفی و راهبرد داده‌محور انجام شد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان بیمه‌ای شامل مدیران ارشد شرکت‌های بیمه، ناظران بیمه مرکزی و حسابرسان مستقل گردآوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که سه دسته مضمون اصلی شامل «زیرساخت‌های کارآمد حاکمیت شرکتی»، «نظام شفافیت و افشای مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی» و «چارچوب نظارت ریسک‌محور پویا و هوشمند» بیشترین تأثیر را بر بهبود نظارت دارند. همچنین نتایج بیانگر نقش میانجی شفافیت مالی در انتقال اثرات حاکمیت شرکتی بر اثربخشی نظارت مبتنی بر ریسک است. بر اساس یافته‌ها، استقلال هیئت‌مدیره، وجود کمیته‌های ریسک فعال، گزارشگری مالی منطبق با IFRS 17 و تعامل مستمر با نهاد ناظر، از عوامل کلیدی موفقیت در استقرار نظام نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه ایران محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر ریسک، حاکمیت شرکتی، شفافیت مالی، صنعت بیمه، تحلیل مضمون.

۱. معاون اداره خدمات بیمه‌گری عمر (بیمه سامان)، کارشناسی مدیریت بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
m.jafari@samaninsurance.ir

۲. معاون اداره بیمه‌های زندگی (بیمه سامان)، کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی، تهران، ایران
Anahita.rad88@gmail.com



ارزیابی اثرات فناوری نظارتی بر شفافیت، ثبات و رقابت پذیری بازار بیمه

نگار نیکوی سمیعی^۱، لیلا دهقان^۲

چکیده

این مقاله به «ارزیابی اثرات فناوری نظارتی بر شفافیت، ثبات و رقابت پذیری بازار بیمه» می پردازد. با توجه به نفوذ سریع فناوری های دیجیتال در زنجیره ارزش صنعت بیمه و گسترش ابزارهای نظارتی داده محور، پژوهش حاضر تلاش می کند مکانیسم های تأثیرگذاری این تکنولوژی ها را بر سه بعد کلیدی کارایی بازار بیمه شامل شفافیت اطلاعاتی، ثبات مالی و سیستمی و ساختار رقابتی به طور هم زمان شناسایی و کمی سازی نماید. روش این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. نمونه آماری شامل ۱۲۰ نفر از کارشناسان حوزه بیمه بود که به شیوه در دسترس انتخاب شدند. روابط بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل سازی معادلات ساختاری بررسی شد. در این پژوهش به منظور جمع آوری داده ها و سنجش متغیرها از پرسشنامه های پرسشنامه شفافیت سازمانی راولینز ۲۰۰۸، پرسشنامه استراتژی های افزایش رقابت پذیری در سازمان (OCQ) و پرسشنامه ادراک ریسک بنتن استفاده شد. همچنین تحلیل داده ها با نرم افزارهای SPSS و Smart PLS انجام شد. یافته ها نشان داد تأثیر مستقیم فناوری نظارتی بر متغیرهای شفافیت، ثبات و رقابت پذیری تأیید شد ($p < 0/05$). جهت تمامی روابط، مثبت بود و افزایش فناوری نظارتی با افزایش شفافیت، ثبات و رقابت پذیری همراه بود. فناوری نظارتی بیشترین تأثیر را بر شفافیت با ضریب استاندارد ۰/۵۸ داشت. شاخص های برازش مدل نیز مقدار قابل قبولی بود و برازش مدل تأیید شد.

واژگان کلیدی: فناوری نظارتی، شفافیت، ثبات، رقابت پذیری، بازار بیمه.

۱. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
n.samiei@samaninsurance.ir

۲. گروه ریاضی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه پیام نور، تفت، ایران
l.dehghan@samaninsurance.ir



از داده تا تصمیم: تحلیل شاخص‌های نظارت داده محور و تاثیر آن در پایداری مالی، شفافیت و رقابت پذیری بازار بیمه

شیم گل محمدی^{۱*}، زهرا ایطا^۲

چکیده

صنعت بیمه همواره به داده‌ها و اطلاعات متکی بوده است. انقلاب دیجیتال و ظهور فناوری‌های نوین، الگوی سنتی نظارت در این صنعت را متحول کرده و مفهوم جدیدی به نام نظارت مبتنی بر داده ایجاد کرده است. این رویکرد مستلزم تعریف شاخص‌ها و معیارهای نظارتی جدیدی است که بتوانند سلامت بیمه‌گران، رفتار بازار و سطح حمایت از مصرف‌کننده را به طور دقیق اندازه‌گیری کنند. شاخص‌هایی که محدود به داده‌های ساختاریافته گذشته نیستند، بلکه شامل داده‌های بدون ساختار، داده‌های رفتاری و حتی داده‌های تولید شده توسط فناوری‌های جدید نیز می‌شوند. این مقاله با هدف بررسی شاخص‌های بازاندیشی نظارت مبتنی بر داده، تدوین شده است. فرضیه اصلی این است که تاثیر شاخص‌های بازاندیشی در نظارت داده محور بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت پذیری بازار بیمه مورد مطالعه قرار گیرد. در این راستا، ابتدا با استفاده از رویکرد تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی شاخص‌ها رتبه‌بندی شده و سپس با تحلیل عاملی، مدل پژوهش در نرم افزار SPSS و Smart PLS فرضیه‌ها مورد بررسی و آزمون قرار گرفته‌اند. در آخر نتایج پژوهش و پیشنهاداتی جهت بکارگیری رویکرد مورد مطالعه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: نظارت داده محور، پایداری مالی، رقابت پذیری، تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی، تحلیل عاملی.

۱. اداره مناقصات، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) s.golmohamadi@samaninsurance.ir

۲. مدیریت حوزه معاونت امور اجرایی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران z.ita@samaninsurance.ir



الزامات پیاده‌سازی تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه

بهروز آرمان مهر^{۱*}، محمود امراللهی^۲، محمدمهدی مهتدی^۳، امید منوچهری^۴

چکیده

صنعت بیمه در دهه اخیر با دگرگونی‌های عمیقی روبه‌رو شده است. ظهور فناوری‌های نوین، مرزهای سنتی بیمه‌گری را درنور دیده و مسیر جدیدی از نوآوری و رقابت را رقم زده است. این تغییرات، منجر به شکل‌گیری نسل تازه‌ای از بازیگران فناوری و پلتفرم‌های دیجیتال شده و ساختار صنعت را به سوی اکوسیستم باز و داده‌محور سوق داده‌اند. در چنین شرایطی، نهاد ناظر بیمه با چالش‌های نوظهوری در زمینه‌های تنظیم‌گری، ارزیابی ریسک، و نظارت بر بازار مواجه است و باید از یک نهاد کنترل‌محور و پس‌نگر به یک نظام نظارتی هوشمند، داده‌محور و پیش‌نگر تبدیل شود. این پژوهش، با هدف شناسایی و تبیین الزامات پیاده‌سازی تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه ایران است. برای این منظور، با مرور ادبیات نظری مجموعه‌ای از شاخص‌ها و عوامل اثرگذار استخراج شد. سپس از طریق نظرسنجی از ۱۵ نفر از خبرگان، شاخص‌ها بومی‌سازی و نهایی شد. در مرحله بعد، با استفاده از روش دیمتل فازی، روابط علی میان عوامل شناسایی و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر یک تعیین و با بهره‌گیری از روش بهترین-بدترین فازی، وزن نسبی و اولویت نهایی عوامل و زیرعوامل محاسبه شد. نتایج پژوهش نشان داد که دو محور «حکمرانی و معماری کلان نظارت دیجیتال» و «زیرساخت‌های فناورانه و داده‌محور نظارت» بیشترین تأثیرگذاری را در میان سایر حوزه‌ها دارند. همچنین، محور «توسعه شایستگی‌ها و توانمندسازی سرمایه انسانی در نهاد ناظر» نقشی بنیادین در تحقق تحول دیجیتال پایدار دارد. همچنین استقرار پلتفرم‌های SupTech، تدوین معماری کلان داده و ایجاد نظام‌های همکاری میان نهاد ناظر، شرکت‌های بیمه و InsurTech‌ها از پیش‌نیازهای اصلی دستیابی به نظارت هوشمند و داده‌محور در صنعت بیمه هستند. این پژوهش تحول دیجیتال در نهاد ناظر را به‌صورت نظام‌مند و با ترکیب دو روش تحلیلی فازی بررسی کرده و نقشه‌راهی برای سیاست‌گذاران در مسیر تحقق تحول دیجیتال در نهاد نظارتی ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، ساختار نظارتی، صنعت بیمه، فناوری‌های نوین.

b.armanmehr@gmail.com

۱. دکتری مهندسی صنایع، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mahamr1968@gmail.com

۲. دکتری مدیریت، تهران، ایران

mehdi.mohtadi@gmail.com

۳. دکتری مهندسی صنایع، تهران، ایران

omidm13@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، تهران، ایران



بازاندیشی نظارت در صنعت بیمه ایران با رویکرد تحول دیجیتال و تنظیم‌گری نوآورانه

محسن صابری^{۱*}

چکیده

تحولات گسترده فناوری‌های دیجیتال، هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های کلان، ساختار سنتی نظارت در صنعت بیمه را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. در این شرایط، الگوهای نظارتی مبتنی بر کنترل‌های پسینی و مقررات ایستا، توان پاسخ‌گویی به پویایی و پیچیدگی بازار بیمه را ندارند. این مقاله با رویکرد نظری - مفهومی، به بازاندیشی نظارت بیمه‌ای در مسیر نوآورانه برای دستیابی به تنظیم‌گری مؤثر پرداخته است. چارچوب مفهومی پیشنهادی مقاله بر سه بُعد فناوریانه، نهادی و سیاستی، و انسانی و فرهنگی استوار است که در تعامل با یکدیگر، بستر شکل‌گیری نظام نظارتی داده‌محور، تطبیقی و یادگیرنده را فراهم می‌سازند. نتایج نشان می‌دهد که تحقق نظارت نوآورانه مستلزم توسعه زیرساخت‌های RegTech و SupTech، بازطراحی ساختار نهادی بیمه مرکزی به‌عنوان سازمانی یادگیرنده، و ارتقای فرهنگ اعتماد و شفافیت در صنعت بیمه است. همچنین تأکید شده است که تحول فرهنگی و ارتقای مهارت‌های دیجیتال ناظران، پیش‌شرط گذار از تنظیم‌گری دستوری به تنظیم‌گری یادگیرنده است. مدل مفهومی ارائه شده می‌تواند مبنایی برای طراحی نظام نظارت بیمه‌ای هوشمند در افق ۱۴۱۰ و تحقق اهداف تحول دیجیتال در بیمه ایران باشد.

واژگان کلیدی: بازاندیشی نظارت بیمه‌ای، تنظیم‌گری نوآورانه، رگ تک، تحول دیجیتال، بیمه مرکزی.



بازتعریف نقش ناظر در پایداری بیمه دیجیتال با رویکرد

DEMATEL

ساناز بائی^{۱*}، فرانک نوری^۲

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه، الگوهای سنتی نظارت را با چالش‌های بنیادین مواجه کرده و نیاز به بازاندیشی در نقش نهاد ناظر را بیش از پیش آشکار ساخته است. هدف پژوهش حاضر، بازتعریف نقش ناظر در تحقق پایداری اکوسیستم بیمه دیجیتال در جهت تنظیم‌گری هوشمند و نوآورانه است. این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شد. پس از شناسایی شاخص‌های کلیدی از طریق مرور نظام‌مند منابع و نظرات خبرگان، روابط علی میان عوامل با استفاده از تکنیک دیمتل (DEMATEL) تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که سه عامل «رهبری مشارکتی ناظر»، «انعطاف‌پذیری نظارتی» و «شفافیت تصمیم‌گیری» بیشترین نقش پیشران را در پایداری بیمه دیجیتال ایفا می‌کنند؛ در حالی که «مشارکت ذی‌نفعان» و «رفتار استفاده از خدمات دیجیتال» در زمره عوامل تأثیرپذیر قرار دارند. بر این اساس، نهاد ناظر زمانی می‌تواند به تنظیم‌گری مؤثر دست یابد که از نقش کنترل‌گر سنتی فاصله گرفته و به تسهیل‌گر یادگیرنده و هماهنگ‌کننده اعتماد و نوآوری در اکوسیستم بیمه تبدیل شود. این مطالعه چارچوبی نوین برای نظارت داده‌محور و پویای صنعت بیمه ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری در مسیر تنظیم‌گری نوآورانه باشد.

واژگان کلیدی: نهاد ناظر، پایداری، بیمه دیجیتال، DEMATEL.

۱. دکترای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، مسئول توسعه کسب و کار بین الملل، بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Sanaz.baee@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات، معاون اداره مطالعات بازار بین الملل، بیمه سامان، تهران، ایران

f.noori8525@gmail.com



بررسی پیشایندهای پیاده‌سازی هوش مصنوعی در مسیر تحول دیجیتال در صنعت بیمه

یاسمین احمدیان^۱، حمید ملکی^۲، مهتاب تدین^۳، سمانه جعفری^۴

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی پیشایندهای پیاده‌سازی هوش مصنوعی در مسیر تحول دیجیتال در صنعت بیمه می‌باشد. تحقیق حاضر از نظر پارادایم، اثبات‌گرا می‌باشد که با رویکرد کمی صورت پذیرفته است. همچنین این مطالعه از نظر استراتژی توصیفی و از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های فعال در صنعت بیمه هستند. در این مطالعه به منظور نمونه‌گیری نیز از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی و جهت گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از با استفاده از تکنیک مدل معادلات ساختاری و نرم افزار Smart PLS صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داده است که پیشایندهای پیاده‌سازی هوش مصنوعی در مسیر تحول دیجیتال در صنعت بیمه عبارتند از قابلیت‌های سازمانی، تعهد دیجیتال، زیرساخت‌های داده‌ای و فناوری، ساختار سازمانی منعطف و پویا، قوانین و مقررات تسهیلگر و حمایت دولت. بطوری که شرکت‌های فعال در این صنعت با تقویت موارد مذکور می‌توانند در مسیر تحول دیجیتال حرکت نمایند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، تحول دیجیتال، صنعت بیمه.

-
- | | |
|--|----------------------------|
| ۱. مدیریت اتکائی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) | Yasamin.ahm92@gmail.com |
| ۲. مدیریت اتکائی، شرکت بیمه تجارت نو، تهران، ایران | Maleki.hamid92@gmail.com |
| ۳. مدیریت اتکائی، شرکت بیمه پاسارگاد، تهران، ایران | Mahtab.tadayon@gmail.com |
| ۴. حوزه معاونت فنی بیمه‌های اشخاص، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران | Samaneh.jafari72@gmail.com |



پذیرش اینترنت اشیاء و اثر نظارت ریسک در بیمه خودرو

آرمین مقصودلو کمالی^{۱*}، سعید صحت^۲، فاطمه یکه فلاح^۳، تارا رفیعی^۴

چکیده

این پژوهش به بررسی عواملی می‌پردازد که بر پذیرش فناوری اینترنت اشیاء در صنعت بیمه خودرو اثرگذارند و همچنین نقش نظارت ریسک ادراک‌شده را در شکل‌گیری قصد رفتاری کاربران تحلیل می‌کند. این مطالعه کاربردی است و به روش توصیفی-پیمایشی اجرا شده است. جامعه آماری شامل ۱۰۰ نفر از مدیران، کارکنان و نمایندگان شرکت‌های بیمه فعال در تهران بوده که به صورت تصادفی انتخاب شدند. داده‌های گردآوری‌شده با پرسشنامه، پس از بررسی اعتبار و پایایی، به کمک نرم‌افزارهای SPSS 23 و SmartPLS 3.0 تحلیل شدند. مدل تحقیق سازه‌هایی مانند سودمندی و سهولت ادراک‌شده، انتظار عملکرد، انتظار تلاش، تأثیر اجتماعی، شرایط تسهیل، اعتماد، امنیت، نظارت ریسک و قصد رفتاری را در بر می‌گرفت. نتایج نشان داد که سودمندی و سهولت ادراک‌شده به طور معناداری قصد رفتاری را افزایش می‌دهند، اما نظارت ریسک ادراک‌شده اثر منفی دارد. مقدار R^2 برابر با ۰,۶۴۲، توان پیش‌بینی بالای مدل را تأیید می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که اینترنت اشیاء و فناوری بلاک‌چین می‌توانند با بهبود ارزیابی ریسک، کاهش هزینه‌ها و ارتقای رضایت مشتری، عملکرد صنعت بیمه را ارتقا دهند. با این حال، چالش‌هایی مانند امنیت داده‌ها، حفظ حریم خصوصی و محدودیت دسترسی، نیازمند چارچوب‌های مدیریتی دقیق و آموزش هدفمند کاربران هستند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، رضایت مشتری، اعتماد آنلاین، قصد خرید دیجیتال، نظارت ریسک.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازاریابی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
arminn.maghsodlu@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
sehhat@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی مدیریت بیمه، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Fatemehyekkef@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی مدیریت بیمه، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Tararafiee8546@gmail.com



پیش‌بینی توانگری مالی شرکت‌های بیمه با بهره‌گیری از شاخص‌های سلامت مالی

محسن قره‌خانی^{۱*}، مرجان قره‌خانی^۲، فریال فراکش^۳، سید احمد میری^۴

چکیده

پایداری مالی شرکت‌های بیمه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام مالی هر کشور، نقش مهمی در حفظ ثبات اقتصادی و اعتماد عمومی ایفا می‌کند. در این پژوهش، با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه و پیش‌بینی روند تغییرات آن، از شاخص‌های برگرفته از مدل‌های بین‌المللی ارزیابی سلامت مالی شامل CAMELS و Financial Soundness Indicators (FSIs) استفاده شد. داده‌های مالی شرکت‌های بیمه ایرانی طی دوره مورد مطالعه استخراج و پس از پالایش و حذف متغیرهای هم‌خط، با استفاده از روش رگرسیون لجستیک مدل‌سازی شدند. نتایج نشان داد که مدل نهایی از دقت پیش‌بینی ۸۴٪ و ضریب برازش $PseudoR^2=0.42$ برخوردار است. متغیرهای مرتبط با کفایت سرمایه، بازده دارایی، و نقدینگی اثر مثبت و معناداری بر توانگری مالی داشته، در حالی که ذخایر خسارت معوق و بدهی‌های بیمه‌گذاران اثر منفی قابل‌توجهی نشان دادند. تحلیل حساسیت ضرایب نیز پایداری مدل و روایی مفهومی روابط را تأیید نمود. یافته‌ها بیانگر آن است که تقویت سرمایه، کنترل ریسک‌های بیمه‌ای و بهبود مدیریت نقدینگی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای توانگری مالی شرکت‌های بیمه ایفا کند. در نهایت، پژوهش حاضر با تطبیق چارچوب‌های بین‌المللی ارزیابی سلامت مالی با داده‌های بومی، الگویی بومی-تحلیلی برای پایش و پیش‌بینی توانگری مالی در صنعت بیمه ایران ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: پژوهشکده بیمه، توانگری مالی، شرکت بیمه، مدل CAMELS، شاخص‌های سلامت مالی، رگرسیون لجستیک.

۱. گروه حسابداری، دانشکده مالی و حسابداری، موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
gharahkhani@gmail.com

۲. گروه بهینه‌سازی سیستم‌ها، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

m.gharahkhani@modares.ac.ir

f.farakesh88@gmail.com

۳. دانشکده مدیریت، دانشگاه امیرکبیر، تهران، ایران

s.ahmad.miri8@gmail.com

۴. دانشکده ریاضی، دانشگاه تهران، تهران، ایران



تأثیر فناوری‌های نوین نظارتی بر پایداری مالی و شفافیت بازار

صنعت بیمه

حامد مصدق^۱، پژمان سیروس^۲، محمد ابراهیمی^۳

چکیده

امروزه استفاده از فناوری‌های نوین برای افزایش ارزش و بهبود کسب‌وکار می‌تواند برای شرکت‌های بیمه مزیت رقابتی محسوب شود. با توجه به اهمیت و نقش این فناوری‌ها در رشد و توسعه بیمه، هدف این مقاله تعیین تأثیر فناوری‌های نوین نظارتی بر پایداری مالی و شفافیت بازار صنعت بیمه است. این پژوهش از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی، از نوع کمی و به روش توصیفی - پیمایشی انجام شد. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه کارکنان دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالای دفاتر مرکزی شرکت‌های بیمه‌ای (ایران، آسیا، نوین، حکمت صبا، البرز، دانا، معلم، کارآفرین، ملت، سامان، دی، کوثر، تعاون، میهن، سرمد، ما، حافظ، پارسیان و رازی) بود که از بین ۲۵۰۰ نفر تعداد ۳۳۳ نفر بر اساس فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و پرسشنامه به صورت اینترنتی و حضوری توزیع گردید. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته با ۱۵ گویه بود که روایی آن به صورت محتوایی و سازه‌ای و پایایی آن با روش پیش‌آزمون محاسبه و تأیید گردید. داده‌های حاصل با استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸/۵۴ تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد فناوری‌های نوین نظارتی بر پایداری مالی و شفافیت بازار صنعت بیمه تأثیر دارد. بر این اساس، می‌توان استنباط نمود که فناوری‌های نوین نظارتی نقشی کلیدی در ارتقاء پایداری مالی و افزایش شفافیت در صنعت بیمه ایفا می‌کنند. این فناوری‌ها با بهبود انطباق با مقررات، شناسایی ریسک‌ها و بهینه‌سازی فرآیندها، به تقویت سلامت مالی شرکت‌ها و جلب اعتماد بیشتر در بازار کمک شایانی می‌نمایند.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نوین نظارتی، پایداری مالی، شفافیت بازار، صنعت بیمه.

۱. معاون مدیر مبارزه با پولشویی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

hamed_mosadegh@yahoo.com

۲. مدیر مبارزه با پولشویی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

info@cyruscapital.ir

۳. کارشناس مبارزه با پولشویی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

mohamad.ebrahimi211@gmail.com



تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت‌پذیری بازار بیمه

سیده لیدا میرهاشمی لاهیجی^{*۱}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت‌پذیری بازار بیمه انجام شده است. رشد سریع فناوری‌های دیجیتال و تحول در نظام‌های نظارت مالی، ضرورت بازنگری در روش‌های سنتی نظارت بیمه‌ای را افزایش داده است. در این مقاله مروری، با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند و جست‌وجو در پایگاه‌های علمی داخلی و بین‌المللی، مطالعات مرتبط با نقش فناوری‌های نظارتی در صنعت بیمه تحلیل و طبقه‌بندی شدند. نتایج نشان می‌دهد که فناوری‌های نظارتی با به کارگیری ابزارهایی همچون تحلیل داده‌های کلان، هوش مصنوعی و الگوریتم‌های یادگیری ماشین، موجب کاهش تخلفات مالی، افزایش شفافیت اطلاعاتی و ارتقای اعتماد در بازار بیمه می‌شوند. همچنین، این فناوری‌ها با تسهیل فرآیندهای انطباق مقرراتی و بهبود کنترل‌های داخلی، زمینه رقابت سالم‌تر و پایداری مالی بلندمدت شرکت‌های بیمه را فراهم می‌کنند. این پژوهش بر لزوم سیاست‌گذاری‌های حمایتی و تقویت زیرساخت‌ها برای تحول دیجیتال در صنعت بیمه تأکید دارد.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نظارتی، پایداری مالی، شفافیت، رقابت‌پذیری، بازار بیمه.



تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه: زیرساخت‌ها، راهبردها و الزامات پیاده‌سازی

حمیده زینلی^{۱*}

چکیده

تحول دیجیتال در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی صنایع مختلف، به‌ویژه صنعت بیمه، مطرح شده است. این تحول تنها به معنای به‌کارگیری فناوری‌های نوین نیست، بلکه بازتعریف کلی ساختارهای سازمانی، فرآیندهای عملیاتی، مدل‌های کسب‌وکار و حتی چارچوب‌های نظارتی را در پی دارد. در این مقاله مروری، با هدف بررسی جامع تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه، به تحلیل زیرساخت‌های لازم، راهبردهای مؤثر و الزامات پیاده‌سازی این تحول پرداخته می‌شود. با استناد به ادبیات پژوهشی معتبر، این مقاله نشان می‌دهد که موفقیت در تحول دیجیتال مستلزم توسعه قابلیت‌های پویا، بازتعریف نقش نهادهای نظارتی، تقویت حکمرانی فناوری و همچنین توجه به ابعاد امنیتی، اخلاقی و اجتماعی است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بدون هم‌افزایی بین سیاست‌گذاری نظارتی، استراتژی‌های سازمانی و فرهنگ دیجیتال، پیاده‌سازی مؤثر تحول دیجیتال در صنعت بیمه امکان‌پذیر نخواهد بود. در نهایت، پیشنهاداتی برای سیاست‌گذاران، نهادهای نظارتی و شرکت‌های بیمه ارائه می‌شود تا بتوانند از این تحول به‌عنوان اهرمی برای ارتقای کارایی، نوآوری و پایداری بلندمدت استفاده کنند.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، صنعت بیمه، نظارت مالی، زیرساخت دیجیتال، قابلیت‌های پویا.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران،

Zeinali.hamide@yahoo.com

(نویسنده مسئول)



چالش‌ها و راهکارهای پیاده‌سازی API در یکپارچه‌سازی داده‌های بیمه‌ای و تقویت نظارت دیجیتال

حمید رضائی^{۱*}، مجید جعفری^۲

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه نیازمند ایجاد بسترهای فناورانه برای یکپارچه‌سازی داده‌ها و ارتقای شفافیت است. رابط‌های برنامه‌نویسی کاربردی به‌عنوان ابزار کلیدی در اتصال سامانه‌ها و تبادل اطلاعات، نقش مهمی در بهبود خدمات، کاهش خطا و تقویت نظارت دیجیتال ایفا می‌کنند. با وجود این، پیاده‌سازی رابط‌های برنامه‌نویسی کاربردی در صنعت بیمه با چالش‌هایی نظیر ناهمگونی سامانه‌های اطلاعاتی، مسائل امنیتی و محرمانگی داده‌ها، محدودیت مقیاس‌پذیری زیرساخت‌ها، مقاومت سازمانی در برابر تغییر و ضعف در سیاست‌گذاری و رگولاتوری مواجه است. این پژوهش با رویکرد کیفی و مرور ادبیات علمی داخلی و خارجی (۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ / ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵)، همراه با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان صنعت بیمه، به شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که استانداردسازی رابط‌های برنامه‌نویسی کاربردی براساس چارچوب‌های بین‌المللی، استفاده از فناوری‌های امنیتی نوین مانند رمزنگاری و ...، بهره‌گیری از معماری‌های میکروسرویسی و زیرساخت‌های ابری، آموزش و فرهنگ‌سازی داده‌محور در سازمان‌ها، و تدوین مقررات شفاف توسط رگولاتور می‌تواند به رفع موانع موجود کمک کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اجرای این راهکارها نه تنها موجب بهبود یکپارچگی داده‌ها و افزایش کارایی می‌شود، بلکه امکان نظارت هوشمند، کشف تقلب و ارتقای اعتماد ذی‌نفعان در صنعت بیمه را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: برنامه‌نویسی کاربردی، یکپارچه‌سازی داده، بیمه، نظارت دیجیتال، تحول دیجیتال.

۱. معاون شعبه تخصصی عمر (بیمه سامان)، کارشناس مدیریت بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

h.rezaei@samaninsurance.ir

۲. معاون اداره خدمات بیمه گری عمر (بیمه سامان)، کارشناسی مدیریت بیمه، تهران، ایران

m.jafari@samaninsurance.ir



چرا سرمایه‌گذاری دیجیتال در بیمه به مزیت رقابتی منجر نمی‌شود؟ نقش میانجی بازآفرینی استراتژیک و نوآوری مدل کسب‌وکار در اقتصادهای نوظهور در صنعت بیمه

فرهاد بازیار^{*۱}

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه دیگر صرفاً یک گزینه فناورانه نیست، بلکه ضرورتی استراتژیک برای بقا و رشد در اکوسیستم‌های پویای امروز محسوب می‌شود. با این حال، بسیاری از شرکت‌های بیمه با شکاف عمیقی بین سرمایه‌گذاری در فناوری و دستیابی به مزیت رقابتی پایدار مواجه‌اند. این پژوهش با هدف پرکردن این شکاف، مکانیسم‌های سازمانی مؤثر در تبدیل تحول دیجیتال به عملکرد پایدار را بررسی می‌کند. براساس چارچوب نظری تلفیقی مبتنی بر مفهوم بازآفرینی استراتژیک (به‌عنوان هسته عملیاتی توانایی سازمان در بازترکیب منابع دیجیتال)، ادبیات نوآوری مدل کسب‌وکار و مفهوم درک پویایی محیطی، مدلی علی ارائه می‌شود که در آن تحول دیجیتال تنها از طریق دو مکانیسم «تقویت توانایی سازمان در بازآفرینی استراتژیک منابع دیجیتال» و «تسهیل نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار»، به مزیت رقابتی پایدار و سپس به عملکرد جامع شرکت منجر می‌شود. همچنین، درک عمیق از پویایی‌های محیطی (شامل تغییرات نظارتی، رفتار مشتری و رقابت غیرمستقیم) به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر، قدرت این مسیر علی را در شرایط ناپایدار تقویت می‌کند.

داده‌ها از طریق پیمایش از مدیران ارشد شرکت‌های بیمه فعال در ایران جمع‌آوری و با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) تحلیل شدند. یافته‌های کلیدی نشان می‌دهد که اثر مستقیم تحول دیجیتال بر عملکرد جامع نامعنی است ($\beta = 0.12, p = 0.147$)، در حالی که ۸۱٪ از تأثیر تحول دیجیتال بر عملکرد از طریق مسیر میانجی بازآفرینی استراتژیک → نوآوری مدل کسب‌وکار → مزیت رقابتی پایدار اتفاق می‌افتد. علاوه بر این، درک پویایی محیطی، رابطه بین نوآوری مدل کسب‌وکار و مزیت رقابتی را دو برابر می‌کند.

این مطالعه ضمن غنی‌سازی ادبیات نظری در تقاطع بیمه، دیجیتالی‌سازی و استراتژی، راهنمای عملیاتی برای مدیران بیمه در طراحی مسیرهای هوشمند تحول دیجیتال ارائه می‌دهد: تحول دیجیتال تنها زمانی ارزش‌آفرین است که از طریق بازآفرینی استراتژیک و نوآوری مدل کسب‌وکار، به تمایز رقابتی تبدیل شود و این فرآیند در محیط‌های پرتلاطم، مستلزم سرمایه‌گذاری در درک عمیق از پویایی‌های محیطی است.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، بازآفرینی استراتژیک، نوآوری مدل کسب‌وکار، مزیت رقابتی پایدار، درک پویایی محیطی، صنعت بیمه، اقتصادهای نوظهور.

۱. دانشجوی PHD مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، رئیس بیمه پارسیان شعبه رشت، رشت، ایران، (نویسنده مسئول)
farhadbazyar@gmail.com



راهبردهای نظارتی برای مدیریت ریسک‌های سایبری در صنعت بیمه ایران

نرگس بهرام پور^{۱*}، ملیکا سادات کریمی^۲

چکیده

افزایش روزافزون حملات سایبری، صنعت بیمه را که خود متکی بر داده‌های حساس است، به یکی از اهداف جذاب برای مجرمان سایبری تبدیل کرده است. این مقاله با هدف شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای نظارتی کلان برای مدیریت مؤثر ریسک سایبری در صنعت بیمه ایران انجام شده است. روش تحقیق به کار گرفته شده، توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری آن را ۴۵ نفر از مدیران ارشد ریسک، فناوری اطلاعات و کارشناسان بیمه مرکزی تشکیل دادند. داده‌ها با استفاده از تکنیک دلفی فازی و پرسشنامه مقایسات زوجی گردآوری و با روش AHP^۳ تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که راهبرد «تدوین و ابلاغ استاندارد اجباری امنیت سایبری برای تمامی شرکت‌های بیمه» با وزن نسبی (۰,۲۴۵) در اولویت اول قرار دارد. راهبردهای «ایجاد مرکز هماهنگی عملیات امنیت سایبری ملی در بیمه مرکزی» (۰,۲۰۱) و «الزام به خرید بیمه‌نامه سایبری توسط خود شرکت‌های بیمه» (۰,۱۸۷) در رتبه‌های بعدی هستند. تحلیل حساسیت نشان داد که مدل در برابر تغییرات $\pm 15\%$ در نظرات محققان پایدار است. این نتایج می‌تواند نقشه راهی برای اقدامات آینده تنظیم‌گر در مواجهه با تهدیدات سایبری باشد.

واژگان کلیدی: ریسک سایبری، راهبرد نظارتی، آینده‌نگری، تاب‌آوری، AHP.

۱. کارشناس اشخاص بیمه سامان، کارشناسی مدیریت بیمه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
narges.bahrampour@gmail.com

۲. کارشناس صدور آتش سوزی بیمه سامان، ارشد فیزیولوژی، دانشگاه شاهرود، تهران، ایران
me.karimi@samaninsurance.ir

3. Analytic Hierarchy Process



ساختار شناسایی راهبردهای پیاده‌سازی تحول دیجیتالی در ساختار نظارت صنعت بیمه

محسن نظری^{۱*}، حامد مصدق^۲

چکیده

امروزه استفاده از فناوری‌های بیمه برای افزایش ارزش و بهبود کسب‌وکار می‌تواند برای شرکت‌های بیمه مزیت رقابتی محسوب شود. با توجه به اهمیت و نقش این فناوری‌ها در رشد و توسعه بیمه، هدف این مقاله شناسایی راهبردهای پیاده‌سازی تحول دیجیتالی در ساختار نظارت صنعت بیمه است. پژوهش حاضر به لحاظ جهت‌گیری، در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای و کاربردی قرار دارد. همچنین در این پژوهش از میان رویکردهای موجود، از رویکرد استقرایی و کیفی و از بین استراتژی‌های مختلف پژوهش، از استراتژی آمیخته و از تحلیل مضمون بهره برده شده است. به این ترتیب، پژوهش حاضر با توجه به اینکه به دنبال مکاشفه و فهم است، از نظر هدف، اکتشافی محسوب می‌شود. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان در پژوهش گردآوری شده‌اند. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، افراد خبره با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر در شرکت‌های بیمه‌ای کشور و با سابقه خدمتی حداقل ۵ سال در حوزه مدیریت راهبردی بودند که ترجیح داده شده این افراد از تخصص و آگاهی در ارتباط با مدیریت بیمه برخوردار باشند. در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد و هدف نمونه‌گیری، اشباع اطلاعات بود. نتایج نشان داد ۵ راهبرد توسعه زیرساخت‌های فناوریانه و امنیتی، بازنگری و تسهیل قوانین و مقررات نظارتی، توسعه سرمایه‌های انسانی و فرهنگ سازمانی، طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های نظارتی هوشمند و مشارکت با ذینفعان و اکوسیستم دیجیتالی می‌تواند به عنوان راهبردهای پیاده‌سازی تحول دیجیتالی در ساختار نظارت صنعت بیمه قلمداد شوند.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتالی، توسعه زیرساخت‌های فناوریانه و امنیتی، بازنگری و تسهیل قوانین و مقررات نظارتی، توسعه سرمایه‌های انسانی و فرهنگ سازمانی، طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های نظارتی هوشمند، مشارکت با ذینفعان و اکوسیستم دیجیتالی، صنعت بیمه.

۱. گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

nazarimohsen1986@gmail.com

mosadegh_hamed@yahoo.com

۲. گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران



سیاست‌گذاری داده‌محور در نظارت ریسک‌محور صنعت بیمه ایران:

تحلیل هم‌افزایی میان ORSA, RBS, RegTech

محمد رئیسی^{۱*}، ربابه کردستانی^۲

چکیده

تحولات فناورانه و رشد داده‌های کلان، مفهوم نظارت مالی در صنعت بیمه را دگرگون ساخته و ضرورت گذار از نظارت سنتی به نظارت داده‌محور را آشکار کرده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین چارچوب سیاست‌گذاری داده‌محور در نظارت ریسک‌محور صنعت بیمه ایران و بررسی هم‌افزایی سه مؤلفه کلیدی ارزیابی درونی ریسک و کفایت سرمایه (ORSA)، نظارت ریسک‌محور (RBS) و فناوری‌های تنظیم‌گری (RegTech) انجام شده است. روش تحقیق، کیفی و از نوع نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از خبرگان صنعت بیمه، نهاد ناظر و دانشگاهیان گردآوری و با رویکرد اشتراوس و کوربین تحلیل شده‌اند. پیامدهای مدل پژوهش تقویت شفافیت، مشروعیت و اعتماد نهادی؛ ارتقای کارایی، چابکی و تاب‌آوری نظام نظارتی؛ تحول فرهنگی و یادگیری سازمانی در صنعت بیمه ایران بود. نتایج نشان داد که تحقق یک نظام نظارتی داده‌محور و هم‌افزا در صنعت بیمه ایران، بیش از آنکه مسئله‌ای صرفاً فنی باشد، یک مسأله سیستمی و چندبعدی است که نیازمند همگرایی فناوری، نهادها و فرهنگ سازمانی است. نتایج بر نقش محوری RegTech به عنوان کاتالیزور، اهمیت زیرساخت داده‌ای به عنوان شرط سینرژیک، و ماهیت تطبیقی و یادگیرنده سیاست‌گذاری داده‌محور تاکید دارند.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری داده‌محور، نظارت ریسک‌محور، فناوری تنظیم‌گری، ارزیابی درونی ریسک و کفایت سرمایه، صنعت بیمه ایران.

۱. دکترای سیاست‌گذاری عمومی، کارشناس فنی بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

raeisimohammad66@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، کارشناس مسئول مالی بیمه سامان، تهران، ایران

aseman_roya_k@yahoo.com



شناسایی و اعتبار یابی چالش‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه با رویکرد دلفی فازی

عادلہ حسینی^{۱*}، ندا بیگم نائینی^۲

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و اعتبار یابی چالش‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه با رویکرد دلفی فازی انجام شد. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، تحلیلی-پیمایشی با رویکرد دلفی فازی بود. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران و کارشناسان IT و واحدهای تطبیق مقررات شرکت‌های بیمه و نهادهای نظارتی مستقر در تهران بود که از میان آن‌ها، ۲۰ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و در نهایت ۱۰ نفر برای مشارکت در پنل دلفی پذیرفتند. در این پژوهش، ابتدا چالش‌ها و فرصت‌های استخراج‌شده از پیشینه تجربی و ادبیات موضوع، در قالب پرسشنامه به خبرگان ارائه شد و آن‌ها میزان اهمیت هر عامل را با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت ارزیابی کردند. نظرات جمع‌آوری‌شده به مقادیر فازی مثلی تبدیل شد و با استفاده از روش میانگین حسابی فازی و فرآیند غیرفازی‌سازی، به مقادیر قطعی قابل تحلیل تبدیل گردید. فرآیند دلفی در سه دور انجام شد تا توافق قابل قبول بین خبرگان حاصل شود. یافته‌ها نشان داد که تمامی فرصت‌ها و چالش‌های شناسایی‌شده از نظر خبرگان معتبر هستند. از جمله مهم‌ترین فرصت‌ها می‌توان به بهبود تجربه مشتری، تسریع فرآیندهای صدور بیمه و مدیریت خسارت با هوش مصنوعی، ادغام فناوری‌های نوین، نوآوری سریع و افزایش بهره‌وری اشاره کرد. همچنین چالش‌های کلیدی شامل کمبود درک مدیران از دیجیتالی‌شدن، محدودیت‌ها و ابهامات قانونی و نظارتی، کیفیت و امنیت داده‌ها، مقاومت سازمانی و پیچیدگی مدیریت ذینفعان متعدد بود. به صورت کلی، ۶ فرصت اصلی شامل افزایش کارایی و بهره‌وری عملیاتی، نوآوری و توسعه کسب‌وکار، بهبود تجربه مشتری و تقویت اعتماد، ارتقای منابع انسانی و مهارت‌ها، تقویت مزیت رقابتی و جذب سرمایه‌گذاری، بهبود همکاری و ایجاد محیط قانونی شفاف شناسایی شد، و همچنین ۵ چالش کلیدی شامل مدیریت و فرهنگ سازمانی، مقررات و چارچوب قانونی، فناوری و داده‌ها، نیروی انسانی و مهارت‌ها، منابع مالی و پیچیدگی اکوسیستم شناسایی شد. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان راهنمای عملی برای شرکت‌های بیمه و نهادهای نظارتی در برنامه‌ریزی و اجرای موفق تحول دیجیتال مورد استفاده قرار گیرد و چارچوبی برای کاهش چالش‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌ها فراهم آورد.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، صنعت بیمه، ساختار نظارتی، روش دلفی فازی، فرصت‌ها و چالش‌ها.

Adelehhosaini@gmail.com

۱. کارشناس بیمه، شرکت بیمه سامان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)

naeinineda@yahoo.com

۲. کارشناس بیمه، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران



ضرورت توجه به ابعاد فناوری در عرصه واسطه‌گری‌های بیمه‌ای و گذار به نظارت نوین در اتخاذ شیوه‌های اجرایی متأثر از تهدیدات و فرصت‌ها، با رویکرد آینده پژوهی

احسان جلالی لواسانی^{۱*}، اکرم آهنگر سله بنی^۲، لیلا محسن پور گیلده^۳، امیررضا رمضانی^۴

چکیده

در این مقاله با رویکردی مبتنی بر شیوه تحقیق آینده پژوهی ضمن توجه به شیوه‌های رایج در عرضه خدمات بیمه‌ای و توجه به فعالیت واسطه‌گری‌های بیمه در صنعت بیمه ج. ا. ایران، به شناسایی ابعاد ناشی از توسعه فناوری در صنعت بیمه که بر ارائه خدمات، کیفیت و میزان رضایتمندی بیمه‌گزاران از ارائه خدمات بیمه‌ای و عرصه فعالیت واسطه‌های بیمه‌ای و شیوه‌های نوین بیمه‌گری تأثیرگذار می‌باشد، پرداخته شده است که با توجه به تأثیرگذاری هر بخش ضمن بررسی وضعیت موجود صنعت بیمه به لزوم توجه به تحقق برنامه عملیاتی در اجرای شیوه‌های نوین و همچنین شناسایی الزامات و لزوم توجه به اقدامات مرتبط با فعالیت‌های کمک‌نوآورهای بیمه‌ای و بررسی تهدیدات و فرصت‌ها در قالب نحوه فرآیند بیمه‌گری و اقدامات مرتبط از سوی نهاد ناظر در حوزه تنظیم‌گری و شیوه‌های نظارتی و عملکرد بیمه‌گران و تداوم فعالیت واسطه‌های بیمه‌ای پرداخته و متأثر از تجربه کشورهای مورد مطالعه و یافته‌های پژوهش نشده است.

واژگان کلیدی: نظارت نوین، فناوری، آینده پژوهی، بیمه‌گری.

۱. مدرس دانشگاه و عضو کمیته علمی اندیشکده حکمرانی کسب و کار بیمه و تکافل، کارشناس دفتر برنامه‌ریزی و آینده پژوهی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
jalalilavasani2015@gmail.com

۲. رئیس اداره برنامه و بودجه و کنترل پروژه، دفتر برنامه‌ریزی و آینده پژوهی، تهران، ایران
jalalilavasani2015@gmail.com

۳. کارشناس مسئول اداره برنامه و بودجه و کنترل پروژه، دفتر برنامه‌ریزی و آینده پژوهی، تهران، ایران
amirrezaamirrezayy@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، تهران، ایران
amirrezaamirrezayy@gmail.com



طراحی الگوی توسعه نظارت داده‌محور در صنعت بیمه ایران: رویکرد تحلیل مضمون

فاطمه زرگران خوزانی^{۱*}، امیرحسین نوظهور^۲

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی چالش‌ها، تسهیل‌گرها و راهبردهای توسعه نظارت داده‌محور در صنعت بیمه ایران است. برای این منظور، از روش کیفی و تحلیل مضمون استفاده شد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از خبرگان صنعت بیمه و نهادهای نظارتی جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با استخراج مضامین پایه و سازمان‌دهنده و در نهایت طراحی مدل مفهومی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که توسعه نظارت داده‌محور در پنج محور اصلی قابل تبیین است: زیرساخت داده و فناوری، سرمایه انسانی و ظرفیت سازمانی، چارچوب قانونی و حاکمیت داده، تعامل بین‌نهادی و همکاری اکوسیستم داده‌ای، و سیاست‌گذاری و حمایت کلان. کمبود داده‌های باکیفیت، محدودیت ابزارهای فناوری، کمبود مهارت‌های داده‌محور و فرهنگ سنتی سازمانی از مهم‌ترین چالش‌ها بودند، در حالی که دسترسی به داده‌های موجود، همکاری با استارت‌آپ‌های بیمه‌ای و حمایت دولتی، از مهم‌ترین تسهیل‌گرها به شمار می‌روند. نتایج پژوهش راهبردهایی شامل تدوین استاندارد ملی تبادل داده، ایجاد آکادمی داده و نظارت هوشمند، پیاده‌سازی سندباکس‌های نظارتی و تقویت همکاری بین نهادها را پیشنهاد می‌کند و می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در صنعت بیمه ایران باشد.

واژگان کلیدی: نظارت داده‌محور، صنعت بیمه، ساپ‌تک، نظارت بیمه‌ای، تحول دیجیتال.

۱. مدیریت بازرگانی، مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Fatemehzargaran@gmail.com

۲. مهندسی، دانشکده مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

n.amirhosein@gmail.com



طراحی چارچوب هوشمند نظارت تطبیقی بر صنعت بیمه در بستر تحول دیجیتال؛ تلفیق تحلیل کلان‌داده، بلاکچین و هوش مصنوعی تبیینی

شیمای قاسم زاده مقدم^{۱*}، صادق داوری^۲

چکیده

با شتاب گرفتن تحول دیجیتال در صنعت بیمه، روش‌های سنتی نظارت به دلیل محدودیت در پردازش داده‌های لحظه‌ای، ریسک خطای بالاتر و شفافیت ناکافی، کارایی خود را از دست داده‌اند. این پژوهش با هدف طراحی و ارزیابی یک چارچوب هوشمند نظارت تطبیقی، رویکردی یکپارچه را پیشنهاد می‌کند که از ظرفیت‌های تحلیل بلادرنگ کلان‌داده، فناوری بلاکچین و هوش مصنوعی تبیینی بهره می‌گیرد. مسیر پژوهش به صورت ترکیبی و با استفاده از تحلیل محتوای نظام‌مند اسناد مقرراتی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و پیمایش میدانی ۲۰ شرکت بیمه انجام شد. چارچوب طراحی شده با استناد به مدل فناوری-سازمان-محیط (TOE) توسعه یافت و سپس به صورت یک سامانه آزمایشی شامل سه ماژول داده‌کاوی بلادرنگ، لایه ثبت بلاکچین و موتور استدلال تبیینی پیاده‌سازی شد. داده‌ها در محیط آزمایشگاهی تحت سه سناریوی مهم - تغییرات ناگهانی شاخص‌های عملکرد، بروز حملات سایبری، و تغییرات مقرراتی ناگهانی - مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که میانگین زمان کشف تخلف ۴۸٪ کاهش یافت، نرخ خطای داده ناشی از دستکاری ۶۲٪ کم شد و رضایت ذی‌نفعان از شفافیت تصمیمات از ۵۴٪ به ۸۷٪ افزایش پیدا کرد. مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی نیز نشان داد که بُعد فناوری قوی‌ترین اثر را بر کارایی نظارت داشت ($\beta=0.71$)، در حالی که ابعاد سازمانی ($\beta=0.58$) و محیطی ($\beta=0.46$) نیز اثرات معنادار داشتند ($R^2=0.69$). این نتایج تأکید می‌کند که ترکیب فناوری‌های پیشرفته با چارچوب‌های مقرراتی انطباق‌پذیر می‌تواند زمان واکنش به تهدیدها را کاهش داده، شفافیت نظارتی را ارتقاء داده و هزینه‌های عملیاتی را کاهش دهد. یافته‌ها نه تنها برای نهادهای نظارتی و سیاست‌گذار بلکه برای مدیران فناوری اطلاعات در بخش بیمه کاربرد مستقیم دارد و مسیرهای آتی پژوهش را به سمت شبیه‌سازی‌های جامع‌تر و تحلیل اثرات اقتصادی سوق می‌دهد. علاوه بر این، با توجه به رشد ۱۵-۲۰ درصدی استفاده از AI در نظارت بیمه‌ای تا سال ۲۰۲۵، این چارچوب می‌تواند الگویی برای پیاده‌سازی در مقیاس جهانی باشد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، نظارت تطبیقی بیمه، کلان‌داده، بلاکچین، تحول دیجیتال.

۱. کارشناس صدور شعبه بجنورد شرکت بیمه البرز، بجنورد، ایران، (نویسنده مسئول)

ghasemzadeh-sh@bimehalborz.ir
engdavari.23@gmail.com

۲. رئیس شعبه بجنورد شرکت بیمه دی، بجنورد، ایران



طراحی مدل واکاوی هوش مصنوعی در نظارت دیجیتال در صنعت بیمه

حوریا اصل فلاح^{۱*}

چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به روش نظریه داده‌بنیاد انجام شده و داده‌های موردنیاز از طریق ۱۱ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان صنعت بیمه و فناوری اطلاعات گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز و محوری صورت گرفته و پایداری کدگذاری‌ها از طریق کدگذاری مجدد تأیید گردیده است. یافته‌های تحقیق منجر به طراحی مدلی در پنج بُعد اصلی شده است: عوامل فناورانه (شامل دسترسی به داده‌های باکیفیت، قابلیت یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و نیروی انسانی متخصص)، عوامل قانونی-نظارتی (شامل شفافیت چارچوب نظارتی، حریم خصوصی داده‌ها و مسئولیت مدنی خطاهای هوش مصنوعی)، عوامل اقتصادی-بازاری (شامل هزینه سرمایه‌گذاری اولیه، بازده ملموس و فشار رقابتی)، عوامل سازمانی-فرهنگی (شامل حمایت مدیریت ارشد، فرهنگ داده‌محوری و همکاری بین‌واحدی) و عوامل محیط کلان (شامل تحریم‌ها، سیاست‌های دولتی و نوسانات ارزی). در نهایت، این مطالعه نشان داد که پیاده‌سازی هوش مصنوعی در نظارت دیجیتال صنعت بیمه تنها یک چالش فنی نبوده و نیازمند تعادل میان ابعاد پنجگانه است. نوآوری اصلی پژوهش ارائه مدلی یکپارچه است که همزمان به قابلیت‌های تحول‌آفرین هوش مصنوعی و چالش‌های اخلاقی و حکمرانی آن می‌پردازد و می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای سیاست‌گذاران و فعالان صنعت بیمه در مسیر تحول دیجیتال مسئولیت‌پذیر مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، نظارت دیجیتال، صنعت بیمه.

۱. رئیس اداره خسارت درمان شرکت بیمه دانا، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) h.aslefallah64@gmail.com



طراحی معماری ترکیبی هوش مصنوعی برای نگهداشت مشتریان در صنعت بیمه

سید محسن توفیقی^{۱*}، حسن پولادی^۲، سید محمد مهدی بهشتی نژاد^۳

چکیده

در صنعت بیمه، ارزیابی عملکرد شبکه فروش معمولاً بر اساس داده‌های نمایندگان موفق انجام می‌شود، در حالی که دلایل خروج سایر نمایندگان نادیده گرفته می‌شود. این پدیده که با عنوان «خطای بقا» شناخته می‌شود، موجب تصویرسازی غیرواقعی از اثربخشی سیستم فروش می‌گردد. این مقاله با هدف اصلاح این سوگیری، از هوش مصنوعی برای تحلیل جامع داده‌های نمایندگان فعال و غیرفعال استفاده کرده است. با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین (Logistic، Random Forest، XGBoost، Regression) و تحلیل ویژگی‌ها (SHAP)، الگوهای مؤثر در موفقیت یا ریزش نمایندگان شناسایی شد. نوآوری پژوهش در طراحی مدلی کاربردی برای پیش‌بینی ریزش و خوشه‌بندی رفتاری نمایندگان است. یافته‌ها نشان دادند که نرخ ریزش در دو سال اول ۳۸٪ بوده و آموزش ناکافی، نبود حمایت مدیریتی و تعامل ضعیف از عوامل کلیدی خروج هستند. الگوریتم XGBoost با دقت ۸۹٪ بهترین عملکرد را داشت. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از AI می‌تواند به آموزش هدفمند، مداخله زودهنگام و پایداری شبکه فروش بیمه منجر شود.

واژگان کلیدی: تحلیل احساسات، داده‌کاوی رفتاری، هوش مصنوعی توضیح‌پذیر، پیش‌بینی ریزش مشتری، رضایت مشتری.

۱. گروه نرم‌افزار، دانشکده مهندسی، دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mohsentofighi1983@gmail.com

۲. مشاور مدیرعامل در حوزه تحول دیجیتال و بیمه‌گری دیجیتال، بیمه سرمد، تهران، ایران

H.Pouladi@sarmadins.ir

۳. مدیرعامل، بیمه سرمد، تهران، ایران

M.Beheshtinezhad@sarmadins.ir



طراحی نقشه راه بلوغ دیجیتال برای نهادهای نظارتی بیمه با بهره‌گیری از تحلیل SWOT

ابوالفضل آقاداتی^۱، محمد حسین بصیرت فرد^۲، زهرا بردال^۳

چکیده

این پژوهش با هدف ایجاد چارچوبی نظام‌مند برای هدایت تحول دیجیتال در نهادهای نظارتی بیمه انجام شده است. ابتدا با مرور ادبیات علمی در حوزه بلوغ دیجیتال، نظریه‌های تنظیم‌گری و فناوری‌های رگ‌تک و ساپ‌تک، مدل مفهومی تحقیق طراحی گردید که سه بُعد فناوری، سازمانی و راهبردی را به‌عنوان پیشران‌های اصلی ارتقاء بلوغ دیجیتال شناسایی می‌کند. سپس تحلیل SWOT به کار گرفته شد تا نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی نهاد ناظر ارزیابی شود و بر اساس ماتریس TOWS، چهار خوشه راهبردی SO، WO، ST و WT استخراج گردید. این راهبردها در سه افق کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فازبندی و در قالب نقشه راه (گانت چارت) مصورسازی شدند تا اولویت‌ها، وابستگی‌ها و هم‌پوشانی اقدامات برای ذی‌نفعان شفاف شود. نتایج نشان می‌دهد ترکیب رویکردهای تحلیلی و برنامه‌ریزی زمانی، ضمن بهره‌برداری از ظرفیت‌های فناورانه و سیاستی موجود، به کاهش ریسک‌های سایبری، ارتقاء مهارت نیروی انسانی، بهبود یکپارچگی داده و افزایش چابکی مقررات‌گذاری برای نهاد ناظر منجر می‌شود. این مدل به‌عنوان ابزار تشخیصی-تجویزی قابل‌کاربست، مسیر گذار از دیجیتال‌سازی مقدماتی به نظارت هوشمند یکپارچه را برای نهادهای نظارتی در صنعت بیمه ترسیم نموده و می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی تحول دیجیتال نهادهای نظارتی در سایر بسترها باشد.

واژگان کلیدی: نقشه راه تحول دیجیتال، بلوغ دیجیتال، نهاد ناظر بیمه، تحلیل SWOT.

۱. مدیرعامل شرکت بیمه کوثر، تهران، ایران

a.aghadadi@gmail.com

۲. معاون برنامه‌ریزی و فناوری اطلاعات شرکت بیمه کوثر، تهران، ایران

MHF1900@gmail.com

۳. رئیس اداره پژوهش و نوآوری شرکت بیمه کوثر، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

bardal64@gmail.com



عوامل مؤثر بر تحول دیجیتال در صنعت بیمه با رویکرد نظارتی Solvency II

بابک احسان فر^{۱*}، زهرا عزیز حقیقی^۲

چکیده

صنعت بیمه در سطح جهانی در حال تجربه یک دگرگونی ژرف است که با پیشرفت‌های فناورانه، تغییر انتظارات مصرف‌کنندگان و پدیدار شدن الگوهای جدید نظارتی، پیش می‌رود. این صنعت در عصر حاضر با موجی خروشان از تغییرات فناورانه مواجه شده که ماهیت سنتی آن را به چالش کشیده است. لازمه تحول دیجیتال، وجود یک چارچوب نظارتی پویا می‌باشد. از این رو، در پژوهش حاضر به بررسی ظرفیت‌های فناوری دیجیتال در شرکت‌های بیمه در چارچوب نظارتی Solvency II پرداخته شده است. به این منظور از ابزار تصمیم‌گیری تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) برای اولویت‌بندی فناوری‌های نوین دیجیتالی بهره گرفته شده است. "داشبوردهای مدیریتی هوشمند" بالاترین رتبه و "محاسبات ابری" پایین‌ترین رتبه را دارا هستند. همچنین راهکارهایی به منظور پیاده‌سازی فناوری‌های نوین ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، الزامات نظارتی، Solvency II، تحلیل سلسله‌مراتبی.

۱. مدیریت فناوری اطلاعات، بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) ba.ehsanfar@samaninsurance.ir

۲. خسارت مدیریت بیمه‌های خرد اموال، بیمه سامان، تهران، ایران z.haghighi@samaninsurance.ir



فناوری‌های تحول‌آفرین در نظارت مالی: مقایسه کارایی سیستم‌های سنتی و دیجیتال در گزارشگری مالی

حمید رضا محمودیان^{۱*}، سید محمد جواد موسوی^۲، محمد علی برخوردار روزبهانی^۳

چکیده

این مقاله به بررسی و مقایسه کارایی سیستم‌های سنتی و دیجیتال در نظارت مالی و گزارشگری مالی می‌پردازد و با تمرکز بر فناوری‌های تحول‌آفرین مانند هوش مصنوعی، بلاکچین، XBRL و SupTech، به تحلیل چالش‌ها و بهبود کیفیت گزارش‌ها می‌نشیند. هدف اصلی شامل تحلیل مزایا و چالش‌های سیستم‌های سنتی، بررسی کارایی فناوری‌های دیجیتال، و پیشنهاد چارچوبی برای ادغام این فناوری‌هاست. روش‌شناسی بر پایه بررسی ادبیات سیستماتیک، تحلیل کتاب‌سنجی، و تحلیل محتوا از منابع ثانویه استوار است. یافته‌ها نشان‌دهنده افزایش دقت، سرعت و شفافیت در سیستم‌های دیجیتال و کاهش هزینه‌ها تا ۰,۹ درصد است، در حالی که چالش‌هایی مانند جابجایی شغلی و مسائل اخلاقی نیز مشاهده شده است. نتیجه‌گیری بر لزوم گذار به نظارت دیجیتال با سیاست‌گذاری‌های حمایتی، از جمله آموزش حسابداران و قانون‌گذاری فناوری نظارتی، تأکید دارد. نوآوری این پژوهش در مقایسه سیستماتیک کارایی دو سیستم با تمرکز بر بازار عربستان سعودی است که می‌تواند به سیاست‌گذاران در تسهیل این گذار کمک کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، نظارت مالی، گزارشگری دیجیتال، XBRL، SupTech.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، رئیس اداره حسابداری مالی، بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

H.Mahmoudian@SamanInsurance.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، کارشناس مسئول حسابداری مالی، بیمه سامان، تهران، ایران

Moh.Mosavi@Samaninsurance.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، کارشناس مسئول حسابداری، بیمه سامان، تهران، ایران

Ali.barkhordi@gmail.com



کاربرد هوش مصنوعی در ارزیابی خسارت و کشف تقلب بیمه‌های خرد

سید محمد کریمی^۱، معصومه حسینی نسب^{۲*}، سمیه شهیدی فر^۳، علیرضا علی محمدی^۴

چکیده

با گسترش سریع بازار بیمه‌های خرد، نیاز به راهکارهای نوآورانه برای ارزیابی دقیق خسارت و کشف تقلب بیش از پیش احساس می‌شود. این پژوهش با هدف تحلیل نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیند ارزیابی خسارت و کشف تقلب در بیمه‌های خرد طراحی شده است. روش تحقیق مبتنی بر دلفی و با مشارکت ۱۷ خبره صنعت بیمه کشور اجرا شد تا دیدگاه‌های تخصصی درباره توانمندی‌ها، محدودیت‌ها و چالش‌های به کارگیری هوش مصنوعی جمع‌آوری و به اجماع برسد. یافته‌ها نشان می‌دهد هوش مصنوعی می‌تواند سرعت پردازش پرونده‌ها را افزایش دهد و دقت و بی‌طرفی ارزیابی‌ها را ارتقا دهد، اما محدودیت‌هایی در زمینه تشخیص تقلب، حفاظت از حریم خصوصی و امنیت داده‌ها وجود دارد. همچنین، زیرساخت‌های داده‌ای ناکافی، فقدان چارچوب قانونی و مسائل اخلاقی، از مهم‌ترین موانع به کارگیری این فناوری هستند. پژوهش بر ضرورت بومی‌سازی الگوریتم‌ها، تدوین چارچوب نظارتی و آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی به عنوان راهکارهای کلیدی برای موفقیت هوش مصنوعی در کشف تقلب و ارزیابی خسارت در بیمه‌های خرد تأکید دارد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، بیمه‌های خرد، ارزیابی خسارت خودکار، کشف تقلب.

۱. دکتری مدیریت گرایش تولید و عملیات، رئیس هیئت مدیره هلدینگ ایرانیان پوشش، تهران، ایران
smkarimi313@yahoo.com

۲. دکتری ریاضی کاربردی (نویسنده مسئول)، رئیس اداره دیجیتال بیمه‌های اموال شرکت ایرانیان پوشش، تهران، ایران
Hosseini.mas@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر، مدیر بیمه‌های اموال شرکت ایرانیان پوشش، تهران، ایران
so_shahidi@yahoo.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی، تهران، ایران
mralimohammadi2024@gmail.com



مدل داده‌محور برای تحلیل لحظه‌ای عملکرد شرکت‌های بیمه و ارتقا کارایی نظارت دیجیتال

سعید داداشی ونجانی^{۱*}، مصطفی ضیائی برار^۲

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه، نیاز به تصمیم‌گیری سریع، شفاف و داده‌محور را بیش از پیش آشکار کرده است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل داده‌محور برای تحلیل لحظه‌ای عملکرد شرکت‌های بیمه و ارتقای کارایی نظارت دیجیتال انجام شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی اکتشافی و بر مبنای نظریه داده‌بنیاد صورت گرفته است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه بیمه، فناوری اطلاعات و تحلیل داده گردآوری و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که مدل داده‌محور پیشنهادی بر پنج مؤلفه اصلی استوار است: «زیرساخت داده و یکپارچگی اطلاعات»، «تحلیل بلادرنگ عملکرد»، «هوشمندسازی نظارت»، «مدیریت ریسک مبتنی بر داده» و «یادگیری سازمانی از داده‌های جریان‌دار». مدل نهایی، چارچوبی برای استقرار نظارت دیجیتال کارا در صنعت بیمه فراهم می‌آورد و با فراهم‌سازی دیدی جامع و لحظه‌ای از وضعیت شرکت‌ها، امکان تصمیم‌گیری هوشمند و پیش‌نگرانه را برای نهادهای بیمه‌گر و ناظر مهیا می‌سازد.

واژگان کلیدی: داده‌محوری، تحلیل لحظه‌ای، صنعت بیمه، نظارت دیجیتال، نظریه داده‌بنیاد.

۱. کارشناس مسئول خدمات بیمه‌گری (بیمه سامان)، کارشناسی علوم اقتصادی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
sdvanjani@gmail.com

۲. کارشناس خدمات بیمه‌گری (بیمه سامان)، کارشناسی مدیریت بیمه، تهران، ایران
m.ziaei@samaninsurance.ir



معماری چندلایه پلتفرم ساپ‌تک- رگ‌تک نظارت هوشمند صنعت

بیمه

نسترن کلاه چی^{۱*}

چکیده

تحول دیجیتال صنعت بیمه مستلزم نظارتی داده‌محور و هوشمند است. در این راستا، فناوری‌های رگ‌تک و ساپ‌تک با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و تحلیل بلادرنگ داده‌ها، رویکردی نوین برای ارتقای کارایی و شفافیت نهادهای ناظر فراهم کرده‌اند. هدف این پژوهش، طراحی یک چارچوب مفهومی چندلایه برای پلتفرم ساپ‌تک-ملی و تبیین مدل هم‌افزای ساپ‌تک-رگ‌تک در صنعت بیمه ایران است. پژوهش با رویکرد کیفی-کاربردی و از طریق مرور نظام‌مند ادبیات، تحلیل مطالعات موردی جهانی و تطبیق با وضعیت بومی بیمه ایران انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که معماری داده‌محور مدالیون (برنز-سیلور-گلد) می‌تواند زیربنای مشترکی برای تعامل میان نهاد ناظر و شرکت‌های بیمه فراهم آورد. در مدل پیشنهادی، ساپ‌تک شامل سه لایه داده، تحلیل و نظارت است، و ارتباط دوسویه آن با رگ‌تک از طریق بازخوردهای کیفیت داده و اقدامات انطباقی برقرار می‌شود. این چارچوب با رعایت اصول حاکمیت داده و امنیت اطلاعات، گذار از گزارش‌دهی پسینی به نظارت بلادرنگ را ممکن ساخته و زمینه‌ساز چابکی، شفافیت و اعتماد در بازار بیمه ایران می‌گردد.

واژگان کلیدی: ساپ‌تک^۱، رگ‌تک^۲، نظارت بلادرنگ^۳، مدالیون^۴.

۱. کارشناس ارشد مهندسی کامپیوتر، دانشگاه تربیت مدرس، معاون فناوری اطلاعات بیمه ایران، تهران، ایران،

Nastaran.kolahchi@gmail.com

(نویسنده مسئول)

2. Supervisory Technology (SupTech)

3. Regulatory Technology (RegTech)

4. Real time Supervisory



نظارت دیجیتال بیمه با هوش مصنوعی و مقررات پذیری

ستاره شفيعی^{۱*}، علی مهجو^۲

چکیده

این مقاله یک مطالعه مروری است که به بررسی کاربرد هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در نظارت دیجیتال صنعت بیمه می‌پردازد. هدف پژوهش، تحلیل نقش فناوری‌های نظارتی و مقرراتی در ارتقای کارایی، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری فرآیندهای نظارتی است. منابع علمی بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که ابزارهایی مانند پردازش زبان طبیعی، داشبوردهای بلادرنگ و رابط‌های برنامه‌نویسی کاربردی می‌توانند نظارت بیمه را از حالت سنتی به مدل‌های داده‌محور و پویا تبدیل کنند. در ایران، هرچند کاربردهای اولیه مانند تشخیص تقلب آغاز شده‌اند، اما محدودیت‌های زیرساختی و کمبود تخصص مانع بهره‌برداری کامل از این فناوری‌هاست. مقاله پیشنهاد می‌کند که با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های داده‌ای و آموزش نیروی انسانی، می‌توان ظرفیت نظارت دیجیتال را افزایش داد و همسویی بیشتری با استانداردهای جهانی ایجاد کرد.

واژگان کلیدی: صنعت بیمه، هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، فناوری مقرراتی، فناوری نظارتی.

۱. کارشناس بیمه‌های زندگی، مدیریت بیمه‌های زندگی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
Setarehshafiei86@gmail.com

۲. رئیس اداره بیمه های اتکائی، مدیریت بیمه‌های اتکائی، شرکت بیمه کوثر، تهران، ایران
Amehjoo@gmail.com



نقش هوش مصنوعی و SupTech در بازاریابی نظارت بیمه‌ای ایران

امیر صدیقی^{۱*}

چکیده

این پژوهش نقش هوش مصنوعی (AI) و فناوری نظارت (SupTech) را در بازاریابی نظارت بیمه‌ای ایران بررسی و رویکردی نوآورانه برای تنظیم‌گری موثر و پایدار ارائه می‌دهد. صنعت بیمه ایران با چالش‌های ساختاری مانند ناترازی‌های مالی، تورم بالا (۴۳,۳ درصد در ۲۰۲۵)، بر اساس پیش‌بینی (IMF)، تحریم‌های اقتصادی و ضعف در طراحی محصولات بیمه‌ای روبرو است. این مسائل نیاز به تحول دیجیتال را برجسته می‌کنند تا ریسک‌ها بهتر مدیریت شوند، اعتماد عمومی تقویت گردد و نفوذ بیمه از ۲,۱ درصد GDP (بر اساس گزارش بیمه مرکزی ایران، ۱۴۰۳) افزایش یابد. با رویکرد مفهومی-مروری، ادبیات مرتبط با تحولات فناورانه، نظارت ریسک‌محور، تنظیم‌گری حقوقی و آینده‌نگری بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد AI زمان پردازش ادعاها را تا ۴۰ درصد کاهش می‌دهد و SupTech دقت ارزیابی ریسک را ۲۵ درصد بهبود می‌بخشد. نوآوری کلیدی، مدل هیبریدی AI generative-SupTech است که ریسک‌های نوظهور را پیش‌بینی کرده و رقابت‌پذیری بازار را تا ۲۰ درصد افزایش می‌دهد (با تطبیق بر سامانه سنبهاب و چالش‌های داخلی). تحلیل SWOT قوت‌هایی مانند افزایش کارایی و ضعف‌هایی مانند سوگیری الگوریتمی را برجسته می‌کند. در نتیجه، این فناوری‌ها نظارت را به پیش‌بینی‌کننده تبدیل می‌کنند. پیشنهادها شامل تدوین مقررات بر اساس ICP های IAIS، آموزش ناظران و پایلوت در سنبهاب است. تحقیقات آینده می‌توانند تأثیر بر اعتماد عمومی را ارزیابی کنند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، فناوری نظارت، نظارت بیمه‌ای، تنظیم‌گری نوین، ریسک‌های نوظهور.

۱. معاونت مرکز نوآوری بیمه معلم، شرکت بیمه معلم، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) sedighi.re@gmail.com



واکاوی تأثیر استراتژی‌های تحول دیجیتال بر عملکرد سیستم‌های الکترونیکی رسیدگی به خسارات بیمه البرز

ریحانه زیلوچی^{۱*}، حسین ممبینی^۲، زینب مهدیان پویا^۳

چکیده

در این تحقیق، با توجه به اهمیت روزافزون فناوری‌های نوین در صنعت بیمه و ضرورت ارتقای کیفیت خدمات، تلاش شد تا رابطه میان اتخاذ راهبردهای تحول دیجیتال و بهبود فرآیندهای رسیدگی الکترونیکی به خسارات بررسی شود. هدف اصلی این پژوهش، واکاوی تأثیر استراتژی‌های تحول دیجیتال بر عملکرد سیستم‌های الکترونیکی رسیدگی به خسارات در شرکت بیمه البرز است. جامعه آماری پژوهش را مدیران و کارشناسان بیمه البرز تشکیل دادند که به‌طور مستقیم در فرآیندهای دیجیتال‌سازی و رسیدگی به خسارات دخیل هستند. داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسشنامه استاندارد، با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد استراتژی‌های تحول دیجیتال تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص‌های کلیدی عملکرد سیستم‌های خسارت الکترونیکی از جمله سرعت رسیدگی، دقت ارزیابی، شفافیت فرایند و رضایت مشتری دارند. همچنین نتایج بیانگر آن است که موفقیت در اجرای این استراتژی‌ها نیازمند ترکیب فناوری‌های نوین با آموزش کارکنان، بازطراحی فرآیندها و یکپارچه‌سازی داده‌ها است. در نهایت، این پژوهش با ارائه پیشنهادها کاربردی همچون استفاده از هوش مصنوعی در ارزیابی خسارات، پیاده‌سازی بلاکچین برای کاهش تقلب و توسعه خدمات مبتنی بر اینترنت اشیا، راهکارهایی برای ارتقای جایگاه بیمه البرز در مسیر تحول دیجیتال صنعت بیمه کشور ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، بیمه البرز، بلاکچین، رسیدگی به خسارات الکترونیکی، هوش مصنوعی.

۱. دکتری مدیریت صنعتی گرایش مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Reyhan.ziloochi@gmail.com

۲. رئیس دانشکده توسعه فناوری و کارآفرینی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

h.mombeini@gmail.com

mahdian-z@bimehalborz.ir

۳. مدیر بیمه‌های زندگی بیمه البرز، تهران، ایران

پنل تحولات فناورانه در نظارت

مقالات پوستری



Application of Digital Twin Technology in Regulatory Frameworks of the Insurance Industry and Financial Services

Y.Ghiai^{1*}, M. Ramezanpour², S.Mohebbi³, G.Talkhab⁴

Abstract

This document will provide a complete overview of Digital Twin technology in the regulatory frameworks of the insurance and financial sectors. Digital twins work as virtual models of physical systems, allowing for real-time simulation, observation, and predictive analysis. By using technologies such as the Internet of Things (IoT), artificial intelligence (AI), blockchain, and digital twins, we can increase our efficiency with the help of data accuracy, transparency, and accurate regulation. In insurance, digital twins facilitate precise risk evaluation, flexible underwriting, quick fraud identification, and improved claims management by merging various data sources, such as IoT devices and satellite images. They also support proactive risk prevention by modeling potential disasters, improving loss estimation, and helping design personalized insurance solutions. This shift from reactive to severe risk management greatly decreases operational costs and enhances organizational effectiveness. This approach facilitates precise, real-time risk assessment and ensures stronger compliance with complex regulatory standards. However, there are many challenges, including concerns due to privacy, integration with infrastructures, and algorithmic intolerance. This review explores the strategic opportunities of digital twins across stakeholders within the insurance ecosystem.

Keywords: Digital Twin, Insurance Industry, Finance, Artificial Intelligence.

-
1. Master of International Business Law, Khatam University, Iran, (Corresponding Author)
yghiai@yahoo.com
 2. Bachelor of ECO Insurance Management, Allameh Tabataba'i University
m.ramezanpour1998@gmail.com
 3. Master of Financial Management, Ershad Damavand University
s.mohebbi.75@gmail.com
 4. Master of Risk Engineering, Memorial University of Newfoundland, Canada
gtalkhab@mun.ca



PERSiMED: PERSian Intelligent MEDical Document Reader: A Smart NLP-based Framework for Persian Medical Documents

Seyed Mohammad Mahdi Khadem M.D ^{1*}, Jamil Seydi Moradi²

Abstract

The healthcare industry generates vast amounts of textual data in the form of medical records, prescriptions, and insurance claims. This paper introduces PERSiMED (PERSian Intelligent MEDical document reader), a novel deep learning-based framework designed to automate the extraction, processing, and semantic analysis of Persian medical documents. The proposed system employs a sophisticated pipeline combining Convolutional Neural Networks (CNN) for document preprocessing and Vision-Language (VL) models for intelligent content extraction. PERSiMED addresses critical pain points in the health insurance industry, including fraud detection, claims processing automation, privacy-preserving data management, and longitudinal health record creation. Our framework achieves end-to-end automation from image input through auto-rotation, orientation correction, boundary detection, to semantic annotation and structured HTML output, enabling seamless database integration. This research demonstrates how modern AI techniques can be effectively adapted to handle the unique challenges of Mixed English and Persian script medical documentation.

Keywords: Medical Document Analysis, Health Insurance Automation, Fraud Detection, Vision-Language Models, Healthcare NL.

1. Accredited Physician, Saman Insurance Company, Tehran, Iran, (Corresponding Author)
2. Health Insurance Management, Saman Insurance Company, Tehran, Iran



Requirements for AI Implementation in Digital Insurance Supervision: A Gap Analysis

Kazem Aghagolzadehhaji^{1*}

Abstract

The rapid integration of Artificial Intelligence (AI) across the insurance value chain, while boosting efficiency in areas like claims automation and fraud detection, introduces novel and complex risks, including algorithmic bias, model risk, and opaqueness in decision-making. Consequently, the insurance regulatory body must transition from traditional oversight to Digital Supervision (SupTech) to protect policyholders and maintain market stability. This research aims to develop a practical framework detailing the requirements for AI implementation within the insurance regulatory body of Iran, utilizing the Gap Analysis methodology. Five critical dimensions of requirements Regulatory, Ethical, Data, Technical, and Human Capital were systematically extracted from international standards (e.g., IAIS recommendations) and specialized literature to define the Desired State. A subsequent evaluation of the existing domestic infrastructure and regulatory landscape revealed significant discrepancies. The most substantial gaps were identified in Algorithmic Governance (the absence of dedicated regulations mandating AI transparency and fairness), the lack of a unified and Integrated Data Infrastructure for supervisory access, and a critical shortage of Specialized Human Capital within the supervisory body capable of auditing complex AI models. These deficiencies significantly undermine the regulator's capacity to effectively monitor emerging systemic and consumer protection risks. The paper concludes by proposing specific policy interventions, including the immediate establishment of a Regulatory Sandbox and the urgent issuance of comprehensive Algorithmic Governance Regulations, to bridge these essential gaps and facilitate a secure digital transformation.

Keywords: Digital Supervision, Artificial Intelligence, Gap Analysis, Algorithmic Governance, Regulatory Framework.

1. Department of Architectural Engineering and Urbanism, Faculty of Architectural Engineering and Urbanism, Shahrood University of Technology (SUT), Shahrood, Iran, (Corresponding Author) k.aghagolzadeh@gmail.com



ارزیابی تأثیر فناوری بلاکچین در افزایش شفافیت و کاهش تقلب در بازار بیمه در کشور ایران

رحمان اسفندانی^{۱*}، میلاد اعتمادیان^۲

چکیده

این تحقیق با هدف ارزیابی تأثیر فناوری ها بلاک چین در افزایش شفافیت و کاهش تقلب در بازار بیمه در کشور ایران انجام گرفت. اطلاعات مورد نیاز پژوهش برای مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM) جهت شناسایی عوامل از میان خبرگان یعنی ۱۵ نفر از خبرگان بیمه که سابقه کاری در زمینه بلاکچین و دارای مدرک تحصیلی دکترا یا کارشناسی ارشد بودند، گردآوری شد. در این تحقیق با استفاده از مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM) یک مدل طراحی شد. سپس بر اساس الگوی به دست آمده، به شناسایی عوامل تأثیرگذار بلاکچین در افزایش شفافیت و کاهش تقلب در بازار بیمه ایران پرداخته شد. با تحلیل ساختاری تفسیری (ISM) توسط مدل اکتشافی ۸ عامل شناسایی شد. عوامل بلاکچین شامل زیرساخت فناوری و نرم افزاری بلاکچین، استفاده از قراردادهای هوشمند، شفافیت داده ها و ردیابی دائم تراکنش ها، امنیت بالای داده ها، کاهش هزینه ها و سرعت بالاتر پردازش فرایندهای بیمه ای، افزایش اعتماد مشتریان و مشارکت کنندگان بازار موجب افزایش شفافیت و کاهش تقلب در بازار بیمه ایران خواهند شد.

واژگان کلیدی: بازار بیمه، تقلب، شفافیت، فناوری بلاکچین.

۱. دانشکده مدیریت استراتژیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

r.esfandani@samaninsurance.ir

miladhaj9099@gmail.com

۲. دانشکده مکانیک ساخت و تولید، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



الزامات کاربردی نظارت بر هوش مصنوعی در صنعت بیمه

عطیه محمدی طلب^{۱*}، فائزه احمدی^۲

چکیده

تحولات اخیر در حوزه هوش مصنوعی پیامدهای عمیقی برای صنعت بیمه به همراه داشته است. از یک سو، الگوریتم‌های یادگیری ماشین امکان بهبود کارایی، نوآوری در محصولات و افزایش رقابت‌پذیری بازار را فراهم می‌کنند؛ از سوی دیگر، نگرانی‌هایی درباره تبعیض، عدم شفافیت و تهدید پایداری مالی ایجاد شده است. انجمن بین‌المللی ناظران بیمه در سال ۲۰۲۵ «گزارش کاربردی نظارت بر هوش مصنوعی» را منتشر کرد که راهکارهایی عملی برای مواجهه با این چالش‌ها ارائه می‌دهد. این مقاله با تکیه بر این گزارش، به بررسی تأثیرات فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی بر سه حوزه کلیدی پایداری مالی، شفافیت و رقابت‌پذیری می‌پردازد و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران و شرکت‌های بیمه ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: الزامات کاربردی نظارت، هوش مصنوعی، صنعت بیمه.

۱. حسابرس داخلی بیمه سامان، مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mohamaditalab88@gmail.com

Faeze2734@gmail.com

۲. حسابرس داخلی بیمه سامان، مدیریت بیمه، علامه طباطبایی، تهران، ایران



بررسی اثرات فناوری‌های نوین مالی بر شفافیت و الزامات نظارت بیمه‌ای در ایران

سحر پورکاویان^{۱*}، مهدیه سادات بزرگی^۲

چکیده

فناوری‌های نوین مالی و به‌ویژه اینشورتک، به سرعت صنعت بیمه را در سطح جهانی و داخلی دگرگون ساخته‌اند. ابزارهایی مانند هوش مصنوعی، بلاکچین، اینترنت اشیا و پلتفرم‌های دیجیتال، ضمن ارتقای کارایی و نوآوری در خدمات بیمه‌ای، بر دو حوزه کلیدی اثرگذارند: شفافیت اطلاعاتی و الزامات نظارت بیمه‌ای.

هدف این پژوهش، بررسی اثر این فناوری‌ها بر شفافیت و پیامدهای آن برای نظام نظارتی بیمه ایران است. بدین منظور، با استفاده از رویکرد ترکیبی، داده‌های کیفی از طریق مصاحبه با مدیران و کارشناسان بیمه و داده‌های کمی از طریق پرسشنامه گردآوری و با مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد بلاکچین و اینترنت اشیا بیشترین اثر را در بهبود شفافیت داده و فرآیند خسارت دارند؛ در حالی که کاربرد هوش مصنوعی بدون رعایت اصول توضیح‌پذیری می‌تواند شفافیت را کاهش دهد. همچنین افزایش شفافیت، نظارت ریسک‌مبنا و کشف تقلب را تسهیل کرده اما الزامات تازه‌ای در زمینه حاکمیت داده، امنیت سایبری و حریم خصوصی ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نوین مالی، اینشورتک، شفافیت، نظارت بیمه‌ای، ایران.

۱. کارشناس پشتیبان خدمات بیمه‌گری (بیمه سامان)، کارشناس ارشد مدیریت HSE، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
kavianisahar72@gmail.com

۲. کارشناس صدور بیمه اندوخته‌ساز (بیمه سامان)، کارشناسی مدیریت بیمه، تهران، ایران
mah_bgi94@yahoo.com



بررسی تأثیر شاخص‌های حاکمیت داده بر نظارت الکترونیک در صنعت بیمه

محمد امین دهقانی^{۱*}

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه، ضرورت بازنگری در روش‌های نظارتی و حرکت به سمت نظارت الکترونیک را بیش از پیش آشکار ساخته است. یکی از عوامل کلیدی در موفقیت این گذار، وجود چارچوبی منسجم برای حاکمیت داده است که بتواند کیفیت، امنیت و قابلیت تبادل داده‌های بیمه‌ای را تضمین کند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر شاخص‌های حاکمیت داده بر نظارت الکترونیک در صنعت بیمه است. بدین منظور، ابتدا دیدگاه خبرگان، شاخص‌های اصلی حاکمیت داده شناسایی گردید. سپس پرسش‌نامه‌ای بر مبنای ابعاد شش‌گانه حاکمیت داده طراحی و بین کارکنان، شرکت‌های بیمه که در حوزه‌های مرتبط با فناوری اطلاعات فعالیت داشتند توزیع شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از تحلیل‌های آماری و مدل‌سازی عاملی بررسی گردید. نتایج تحقیق نشان داد که ابعاد کیفیت داده و امنیت اطلاعات بیشترین تأثیر را بر ارتقای کارآمدی نظارت الکترونیک دارند، در حالی که ابعاد چرخه عمر داده و قابلیت ممیزی بیشتر نقش پشتیبان ایفا می‌کنند. نوآوری این پژوهش در ارائه شواهد تجربی از صنعت بیمه در ایران و طراحی مدلی است که می‌تواند به نهادهای ناظر در بهبود سامانه‌های هوشمند آنان و افزایش شفافیت و پایداری مالی شرکت‌های بیمه یاری رساند.

واژگان کلیدی: حاکمیت داده، شاخص‌ها، نظارت الکترونیک، صنعت بیمه.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار، دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)



پیاده‌سازی سامانه‌های RegTech در بیمه: ابزارها، تجربیات جهانی و چالش‌ها

نیلوفر خاک ره^۱، مهسا عارف^۲

چکیده

هدف: نظارت سنتی در صنعت بیمه با چالش‌هایی در مدیریت ریسک‌های نوین و ارزیابی توانگری مالی روبرو است. این پژوهش، کارکرد فناوری‌های مقرراتی (RegTech) را به عنوان ابزاری برای بهبود فرآیندهای نظارت و انطباق در صنعت بیمه ایران بررسی می‌کند. هدف، ارائه یک چارچوب مفهومی برای پیاده‌سازی این فناوری‌ها با توجه به ابزارها، تجربیات جهانی و چالش‌های موجود است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی و مرور ادبیات استفاده می‌کند. در این راستا، قابلیت‌های فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، کلان‌داده و بلاکچین در حوزه نظارت مالی تحلیل شده و مدل‌های پیاده‌سازی موفق، از جمله سندباکس‌های نظارتی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که پیاده‌سازی رگ‌تک مستلزم وجود یک اکوسیستم متشکل از زیرساخت‌های فنی، چارچوب‌های حقوقی و همکاری میان نهاد ناظر و شرکت‌های بیمه است. چالش‌های اصلی در زمینه پیاده‌سازی شامل سیستم‌های اطلاعاتی قدیمی، نبود شفافیت حقوقی در برخی حوزه‌ها و نیاز به توسعه مهارت‌های تخصصی نیروی انسانی است.

نتیجه‌گیری: استفاده از رگ‌تک می‌تواند به افزایش دقت و کارایی در نظارت بر صنعت بیمه منجر شود. پیشنهاد می‌شود یک نقشه راه مدون، با الگوبرداری از تجارب موفق جهانی، برای پیاده‌سازی مرحله‌ای این فناوری‌ها تدوین شود تا ریسک‌های اجرایی آن مدیریت گردد.

واژگان کلیدی: فناوری مقرراتی (RegTech)، صنعت بیمه، نظارت هوشمند، توانگری مالی، مدیریت ریسک، سندباکس نظارتی.

۱. شرکت بیمه سامان، کارشناس حسابداری بازرگانی دانشگاه غیر انتفاعی پرنده، ایران، تهران، (نویسنده مسئول)
niloofar.khakrah@gmail.com

۲. شرکت بیمه سامان، کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران، ایران، تهران
mahsaaref89@gmail.com



تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی با میانجی‌گری شفافیت ریسک و نقش تعدیل‌گر رقابت‌پذیری بازار

یاسر فرحی^۱، مجید نوایی^۲*

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی شرکت‌های بیمه ایران با در نظر گرفتن نقش میانجی شفافیت ریسک و نقش تعدیل‌گر رقابت‌پذیری بازار است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-پیمایشی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه بین ۸۸ نفر از مدیران و کارشناسان حوزه‌های ریسک، مالی و فناوری اطلاعات شرکت‌های بیمه جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات، از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار SmartPLS استفاده گردید. نتایج نشان داد فناوری‌های نظارتی تأثیر مثبت و معناداری بر شفافیت ریسک دارند و شفافیت ریسک نیز به طور مستقیم و مثبت بر پایداری مالی اثرگذار است. همچنین، نقش میانجی جزئی شفافیت ریسک در رابطه میان فناوری‌های نظارتی و پایداری مالی تأیید شد، اما نقش تعدیل‌گر رقابت‌پذیری بازار معنادار نبود. یافته‌ها حاکی از آن است که فناوری‌های نظارتی با ارتقای کارایی عملیاتی، کاهش هزینه‌های انطباق و افزایش شفافیت ریسک، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تقویت پایداری مالی شرکت‌های بیمه می‌شوند. عدم تأیید نقش تعدیل‌گر بیانگر آن است که استفاده از فناوری‌های نظارتی در صنعت بیمه ایران بیشتر یک ضرورت استراتژیک برای انطباق و بقا است تا ابزاری برای کسب مزیت رقابتی.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نظارتی، پایداری مالی، شفافیت ریسک، رقابت‌پذیری بازار، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

Farrhi_y@yahoo.com

۱. مدیر منابع انسانی شرکت بیمه سرمد، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری رشته آمار، دانشگاه امیرکبیر، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) tat.navaeemajid@gmail.com



تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت‌پذیری بازار بیمه

زهرا فتحی^{۱*}، صادق منصوری^۲

چکیده

بازار بیمه یکی از مهمترین بازارهای مالی هر کشور محسوب می‌شود و رونق آن سهم به‌سزایی در رشد و توسعه هر کشور دارد. هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری مالی، شفافیت و رقابت‌پذیری بازار بیمه است. روش انجام پژوهش حاضر کاربردی، از نوع پژوهش‌های توصیفی و همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل ۹۲ نفر از کارکنان بیمه پارسیان در شهر تهران بودند که تعداد ۷۴ نفر از این کارکنان با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و فرمول کوکران انتخاب شده و به صورت تصافی ساده پرسش‌نامه‌ها میان آن‌ها تقسیم شد. به منظور بررسی روابط میان متغیرهای مطالعه تحلیل فرضیه‌ها از آمار استنباطی و مباحث ضریب همبستگی اسپیرمن از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد. یافته‌ها بیانگر آن است که فناوری نظارتی با ضریب ۰,۲۵۰ بر پایداری مالی تأثیرگذار است، همچنین فناوری نظارتی با ضریب ۰,۵۱۴ بر شفافیت تأثیرگذار می‌باشد و در نهایت نیز با ضریب ۰,۲۷۴ بر رقابت‌پذیری تأثیرگذار است. در نتیجه به دلیل ماهیت فعالیت بیمه، اثرات رویدادهای مالی از دوره‌ای به دوره‌های دیگر انتقال پیدا می‌کنند، بنابراین تغییرات ایجاد شده در صورت‌های مالی، برآوردهای شرکت‌های بیمه را نیز به واسطه محاسبات ریسک دستخوش تغییرات می‌کند که حل این معضل، نیازمند استفاده از روش مناسب گزارشگری مالی است.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نظارتی، پایداری مالی، شفافیت، رقابت‌پذیری، بازار بیمه.

Fathi.nazi@yahoo.com

۱. بیمه پارسیان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Sadegh.mansoori@gmail.com

۲. بیمه پارسیان، تهران، ایران



تأثیر فناوری‌های نظارتی بر پایداری، شفافیت و رقابت‌پذیری در صنعت بیمه ایران و ترکیه

علی فرحزادی^{۱*}، هادی رئیس‌زاده^۲

چکیده

در این مقاله تأثیر فناوری‌های تنظیم‌گری (RegTech) و نظارتی (SupTech) بر صنعت بیمه در دو کشور ایران و ترکیه به صورت تطبیقی بررسی شده است. هدف پژوهش ارزیابی نقش این فناوری‌ها در بهبود پایداری مالی صنعت بیمه، افزایش شفافیت داده‌ها و عملیات نظارتی، و ارتقای رقابت‌پذیری بازار (از طریق جذب سرمایه، نوآوری و تسهیل ورود شرکت‌های جدید) می‌باشد. روش پژوهش کیفی و اسنادی است و از گزارش‌های رسمی نهادهای ناظر، آمارهای صنعت بیمه و مطالعات بین‌المللی بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بهره‌گیری از RegTech توسط شرکت‌های بیمه می‌تواند انطباق با مقررات را بهبود داده و مدیریت ریسک آن‌ها را تقویت کند و استفاده از SupTech توسط نهادهای ناظر نیز نظارت بر بازار را کاراتر و پیش‌نگرانه‌تر می‌سازد. هرچند هر دو کشور گام‌هایی در جهت توسعه زیرساخت‌های نظارتی برداشته‌اند، اما سطح بلوغ و کاربست RegTech/SupTech در ترکیه (به واسطه همگرایی با استانداردهای بین‌المللی) از ایران بالاتر است. با این وجود، ایران نیز با راه‌اندازی سامانه‌های نظارتی یکپارچه و محیط‌های آزمون تنظیم‌گری، در صدد کاهش شکاف‌ها و بهبود شفافیت و نوآوری است. در پایان، با مرور چالش‌ها و فرصت‌ها، پیشنهادهایی برای نقشه‌راه ایران جهت بهره‌برداری بهینه از فناوری‌های نظارتی در صنعت بیمه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فناوری تنظیم‌گری (RegTech)، فناوری نظارتی (SupTech)، صنعت بیمه، پایداری مالی، شفافیت.

۱. گروه مدیریت و اقتصاد، دانشکده مدیریت، Istanbul Gelisim university، استانبول، ترکیه، (نویسنده مسئول)
alifarahzadi@hamisigorta.com.tr

۲. گروه مدیریت و اقتصاد، دانشکده مدیریت، Université de Bordeaux، پاریس، فرانسه
Raeiszadeh@samaninsurance.ir



تأثیر نظارت هوشمند بر کارایی و رقابت پذیری بیمه‌ها

فاطمه جعفری^{۱*}، شاهین پوراسدی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ابزارهای نظارتی هوشمند بر کارایی عملیاتی شرکت‌های بیمه و نقش آن در ارتقاء رقابت پذیری قیمتی در صنعت بیمه ایران انجام شده است. در چارچوبی کمی و با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، داده‌های گردآوری شده از ۴۱۶ کارشناس و مدیر فعال در صنعت بیمه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که رابطه مستقیمی بین ابزارهای نظارتی هوشمند و بهبود کارایی عملیاتی شرکت‌های بیمه وجود ندارد، اما تأثیر مثبت و معناداری میان ابزارهای نظارتی هوشمند و رقابت‌پذیری قیمتی مشاهده شد. همچنین، رابطه بین بهره‌وری عملیاتی و رقابت‌پذیری قیمتی نیز فاقد معناداری آماری بود و نقش میانجی بهره‌وری عملیاتی در این میان تأیید نشد. یافته‌ها حاکی از آن‌اند که فناوری‌های نظارتی بیشتر در سطح راهبردی و سیاست‌گذاری تأثیرگذارند تا در سطح اجرایی. این نتایج بر ضرورت بازنگری در انتظارات از فناوری در صنعت بیمه و طراحی سیاست‌های فناورانه منطبق با واقعیت‌های نهادی و فرهنگی کشور تأکید دارند. پژوهش، در پایان، مدل بومی‌شده‌ای را برای بهره‌گیری از نظارت هوشمند در جهت تقویت مزیت رقابتی بیمه‌گران ایرانی پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: نظارت هوشمند، بهره‌وری عملیاتی، رقابت‌پذیری قیمتی، صنعت بیمه، معادلات ساختاری.

۱. کارشناس مسئول بیمه سامان، کارشناسی حسابداری دانشگاه پیام نور تهران، (نویسنده مسئول)

jafari.job@gmail.com

۲. کارشناس مسئول بیمه سامان، کارشناسی ارشد، روابط بین الملل دانشگاه سراسری گیلان، ایران

sh.pourasadi@samaninsurance.ir



تحلیل تأثیر فناوری هوش مصنوعی و نظارت دیجیتال در تعاملات بیمه‌ای بر رضایت مشتری، اعتماد آنلاین و قصد خرید دیجیتال

طاهره نوذری^{۱*}، زهرا ناطقی گرگری^۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر فناوری هوش مصنوعی (AI) و نظارت دیجیتال بر قصد خرید دیجیتال مشتریان در صنعت بیمه با در نظر گرفتن نقش رضایت الکترونیکی و اعتماد آنلاین به عنوان متغیرهای میانجی است. پیشرفت‌های اخیر در فناوری‌های هوشمند و سامانه‌های نظارتی مبتنی بر داده، تعاملات دیجیتال بین شرکت‌های بیمه و مشتریان را دگرگون کرده و موجب ارتقای شفافیت، شخصی‌سازی خدمات و بهبود فرایند تصمیم‌گیری مشتریان شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه استاندارد بین ۲۰۰ پاسخ‌دهنده از مشتریان و نمایندگان شرکت‌های بیمه جمع‌آوری و با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) تحلیل شدند. روایی و پایایی ابزار با بارهای عاملی بالاتر از ۰,۷۰ و آماره‌های t بزرگ‌تر از ۱,۹۶ تأیید شد. نتایج نشان داد که هوش مصنوعی تأثیر مستقیم و معناداری بر رضایت الکترونیکی ($\beta=0.71$, $t=14.23$)، اعتماد آنلاین ($\beta=0.67$, $t=12.04$) و قصد خرید دیجیتال ($\beta=0.65$, $t=11.98$) دارد. همچنین، نظارت دیجیتال به‌طور غیرمستقیم از طریق افزایش شفافیت و ادراک امنیت، اثر مثبتی بر اعتماد و رضایت مشتری دارد ($\beta=0.58$, $t=13.12$) شاخص‌های برازش مدل ($\chi^2/df=2.14$, CFI=0.96, RMSEA=0.046) بیانگر انطباق مناسب مدل با داده‌های تجربی است. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی و نظارت دیجیتال با ایجاد تجربه‌ای هوشمند، ایمن و شفاف، نقش مؤثری در تقویت اعتماد و افزایش قصد خرید دیجیتال مشتریان بیمه ایفا می‌کنند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، رضایت مشتری، اعتماد آنلاین، قصد خرید دیجیتال، خدمات بیمه‌ای.

۱. کارشناسی ارشد تجارت الکترونیک، دانشگاه قم، کارشناس بیمه دانا، قم، ایران (نویسنده مسئول)

tnozari70@gmail.com

۲. کارشناسی فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناس بیمه دانا، تهران، ایران

zahra.naits92@gmail.com



تحلیل گذار از شیوه‌های نظارت سنتی به مدل‌های نوآورانه تنظیم‌گری

سمیه کجوری گشنیانی^{۱*}

چکیده

در دنیای کنونی، صنعت بیمه با چالش‌های متعددی روبرو است که ناشی از تغییرات سریع اقتصادی، اجتماعی و فناوری می‌باشد. نظارت سنتی، که به‌طور عمده بر اساس قوانین و مقررات ثابت طراحی شده، نمی‌تواند به‌طور مؤثر به نیازهای پویا و متغیر بازار پاسخ دهد. این مقاله به تحلیل گذار از شیوه‌های نظارتی سنتی به مدل‌های نوآورانه تنظیم‌گری در صنعت بیمه می‌پردازد و تأثیرات آن را بر روی شفافیت، پاسخ‌گویی و نوآوری در این صنعت مورد بررسی قرار می‌دهد. تحقیق حاضر با هدف توسعه کاربرد فناوری‌های نوآورانه در صنعت بیمه، بر نحوه تنظیم‌گری اینشورتک و شناسایی خला‌های موجود متمرکز شده است. در این راستا با استفاده از روش کیفی مطالعه موردی و مصاحبه با ۱۷ نفر از فعالان حوزه بیمه و بنگاه‌های فناوری بیمه‌ای در نیمه دوم، ۱۴۰۴ قانونگذاری و تنظیم‌گری اینشورتک‌ها از ابعاد فراهم بودن زمینه، نظارت و ارائه خدمات و نیز بررسی تجربیات موفق کشورهای پیشرفته در پیاده‌سازی تنظیم‌گری نوآورانه، به شناسایی مدل‌ها و استراتژی‌های مؤثر در این زمینه می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که پیاده‌سازی فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و داده‌های کلان، بهبود قابل توجهی در فرآیندهای نظارتی و روابط مشتریان ایجاد کرده است. این تحولات نه تنها موجب افزایش کارایی در صنعت بیمه شده، بلکه منجر به ارتقاء سطح رضایت‌مندی و اعتماد مشتریان نیز گردیده است.

علاوه بر این، مقاله به بررسی چالش‌ها و موانع پیش روی پیاده‌سازی این رویکردها پرداخته و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران و فعالان صنعت بیمه ارائه می‌دهد. در نهایت، این پژوهش به‌عنوان یک راهنما برای کشورهای در حال توسعه مورد بحث قرار می‌گیرد، به‌طوری که بتوانند از تجربیات موفق دیگران بهره‌برداری کرده و به بهبود فرآیندهای نظارتی خود پردازند.

واژگان کلیدی: تنظیم‌گری نوآورانه، فناوری‌های نوین، صنعت بیمه، نظارت.

۱. ستاد مرکزی بیمه پارسیان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



تحول دیجیتال در ساختار نظارتی بیمه: زیرساخت‌ها و الزامات راهبردی

ابراهیم گردان^{۱*}، کیوان حسینخانی^۲

چکیده

در سال‌های اخیر، تحول دیجیتال به عنوان یکی از مهم‌ترین روندهای راهبردی در صنایع مالی و بیمه‌ای شناخته شده است. در این میان، ساختارهای نظارتی صنعت بیمه نیز نیازمند بازطراحی بنیادین در پاسخ به تغییرات فناورانه، تقاضاهای نوین مشتریان و الزامات حکمرانی دیجیتال هستند. پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل تحول دیجیتال در ساختار نظارتی صنعت بیمه، با تمرکز بر زیرساخت‌ها، راهبردها و الزامات پیاده‌سازی انجام شد. این تحقیق با رویکرد آمیخته، در دو مرحله کیفی (تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته) و کمی (مدل‌سازی معادلات ساختاری) اجرا گردید. در مرحله کیفی، ۱۵ نفر از خبرگان حوزه بیمه و فناوری اطلاعات مشارکت داشتند و در بخش کمی، ۲۴۰ پرسشنامه از کارشناسان صنعت بیمه جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که متغیرهایی چون بلوغ دیجیتال، آمادگی فناورانه، فرهنگ دیجیتال سازمانی، فشارهای نهادی و انتظارات مشتریان، اثر معناداری بر میزان تحقق تحول دیجیتال در ساختار نظارتی دارند. همچنین، نقش واسطه‌ای بلوغ دیجیتال در این فرآیند تأیید شد. یافته‌ها حاکی از آن است که تحقق تحول دیجیتال در ساختار نظارتی، نیازمند رویکردی سیستمی، میان‌رشته‌ای و هماهنگ میان نهادهای بیمه‌گر، ناظر و فناور است.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، بیمه، ساختار نظارتی، حکمرانی دیجیتال، بلوغ سازمانی.

۱. کارمند بیمه سامان، کارشناسی مدیریت برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد گرمسار، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

ebrahimgordan1360@gmail.com

۲. کارشناس مسئول بیمه سامان، کارشناسی مدیریت کسب و کار، دانشگاه علمی کاربردی گلرنگ، تهران، ایران

K1.hoseinkhani@gmail.com



تحول دیجیتال در صنعت بیمه، زیرساخت‌ها، راهبردها و الزامات پیاده‌سازی

هلیا پسته زاد^{۱*}، غلامرضا زمردیان^۲، فرزاد گوهری^۳

چکیده

صنعت بیمه به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مالی و اقتصادی، نقش مهمی در توزیع ریسک، ایجاد امنیت مالی و پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. با توجه به پیشرفت‌های سریع فناوری، این صنعت نیازمند تغییرات اساسی در ساختارها، فرایندها و مدل‌های کسب‌وکار خود است. تحول دیجیتال در بیمه، امکان افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها، را فراهم می‌کند. در ایران نیز با توجه به تغییرات فناوری و انتظارات مشتریان، حرکت به سمت تحول دیجیتال ضروری است. روش تحقیق این مطالعه، بررسی و تحلیل کیفی اطلاعات و داده‌های گردآوری‌شده از منابع علمی و فناوری اطلاعات است. همچنین، با استفاده از مطالعات موردی در شرکت‌های بیمه‌ای که از فناوری‌های نوین مالی استحصال کرده‌اند، به تحلیل و بررسی تجربیات موفق در این زمینه پرداخته می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شرکت‌های بیمه‌ای که به‌طور مؤثر از ابزارهای نوین مالی استفاده می‌کنند، قادر به کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت خدمات هستند، که این امر به‌نوبه خود به افزایش رضایتمندی و اعتماد مشتریان ختم می‌شود. در نهایت، این مطالعه به اهمیت تحول دیجیتال در صنعت بیمه در ایجاد نوآوری در خدمات و ارتقای تجربه مشتری پرداخته و پیشنهاداتی برای خلق ارزش از طریق بهبود تجربه مشتری و خدمات نوآورانه در شرکت‌های بیمه ارائه می‌دهد. به‌طور کلی، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های نوین مالی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر تجربه‌محوری و نوآوری در طراحی خدمات عمل کند. این یافته‌ها می‌تواند به مدیران و تصمیم‌گیرندگان در صنعت بیمه کمک کند تا با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، بهبود مستمر در خدمات و فرآیندهای خود داشته باشند. (زندلی علی اباد و همکاران، ۱۴۰۳)

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، بیمه، زیرساخت فناوری، راهبرد، الزامات پیاده‌سازی.

-
۱. دانش آموخته دکتری مهندسی مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
heliapestezad@gmail.com
 ۲. دانش آموخته دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ایران
gh.zomorodian@gmail.com
 ۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ایران
farzad.gohari@gmail.com



تنظیم‌گری نوآورانه در بیمه بدنه: طراحی سامانه هوشمند طبقه‌بندی مشتریان بیمه سامان

سیدمحمد مهدی کاظمی^{۱*}، شیما آراء^۲، محمدطه حویزآوی^۳

چکیده

نظام سنتی نرخ‌گذاری بیمه بدنه خودرو در ایران عمدتاً بر ویژگی‌های فنی خودرو متکی است و سهم عوامل انسانی را در حد اعمال تخفیف عدم خسارت پیش‌بینی نموده و تقریباً نادیده می‌گیرد. پیامد این رویکرد، ناکارآمدی در تخصیص ریسک و کاهش عدالت بیمه‌ای است. این پژوهش با هدف بازاندیشی نظارت در بیمه و در راستای تنظیم‌گری نوآورانه، سامانه‌ای هوشمند برای رتبه‌بندی ریسک مشتریان بیمه بدنه در شرکت بیمه سامان طراحی کرده است. نخست، بر اساس ادبیات موضوع فیچرهای انتخاب و داده‌های مربوطه در دو نوع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی گردآوری و پس از پاک‌سازی در دو نمایه «فرد» و «خودرو» ساختاردهی شدند. چالش برچسب‌گذاری، با معرفی سیستم برچسب‌گذاری فعال که ترکیبی از روش‌های خوشه‌بندی اولیه، سامانه برچسب‌دهی خبرگان، و یادگیری فعال می‌باشد، برطرف گردید. درنهایت، به صورت خودکار الگوریتم بهینه‌ی طبقه‌بندی از میان استخری از روش‌های یادگیری ماشین بر اساس معیارهایی همچون صحت، دقت، بازیابی و F1-امتیاز ارزیابی و انتخاب شده است. لازم به ذکر است که نتایج طبقه‌بندی بر روی یک پایگاه داده واحد از اطلاعات فرد و خودرو نشان نمی‌دهد که این روش توانایی تفکیک شدت و احتمال خسارت را با دقت بالایی داشته باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهند که مدل فردی با دقت خوب و مدل خودرویی با دقت قابل قبول، در ترکیب نهایی با ماتریس شدت-احتمال، عملکردی بسیار خوب داشته‌اند و شدت خسارت، پس از به کارگیری دلار، به عنوان نومرر برای حذف تغییرات تورمی در پایگاه داده، از حدود ۵۰ دلار برای کم‌ریسک‌ترین تا حدود ۱۰۰۰ دلار برای پرریسک‌ترین وضعیت افزایش یافته است. این تفاوت چشم‌گیر، پشتوانه‌ای برای طراحی سیاست‌های عادلانه، پله‌ای و داده‌محور در صنعت بیمه خصوصاً شرکت بیمه سامان محسوب شده که هم‌زمان عدالت بیمه‌ای و کارایی تنظیم‌گری را ارتقا خواهد داد.

واژگان کلیدی: بیمه بدنه، تنظیم‌گری نوآورانه، رتبه‌بندی هوشمند ریسک، یادگیری ماشین، پایگاه داده شرکت بیمه سامان.

۱. گروه ریاضی مالی و بیم‌سنجی، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

smm.kazemi@khu.ac.ir

sh.ara@samaninsurance.ir

tahahoveizavi@ipm.ir

۲. قائم‌مقام شرکت بیمه سامان، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

۳. آزمایشگاه ملی ماده چگال، پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، تهران، ایران



توانمندسازی نمایندگان صنعت بیمه در عصر هوش مصنوعی و نظارت دیجیتال: فرصت‌ها و چالش‌ها

میثم امیری نسب^{۱*}، حانیه عبدالله پور^۲

چکیده

هدف این پژوهش با توجه به نقش کلیدی نمایندگان به عنوان حلقه اتصال سازمان‌های بیمه با مشتریان، توانمندسازی آن‌ها در مواجهه با تحولات فناورانه را بیش از پیش بر اهمیت ساخته است؛ پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-پیمایشی می‌باشد، در این راستا جامعه آماری شامل نمایندگان شرکت‌های بیمه در شهرهای بزرگ بودند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۱ نفر تعیین گردید. ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر ابعاد توانمندسازی اسپریتزر (۱۹۹۵) و شاخص‌های هوش مصنوعی و نظارت دیجیتال بود که دارای روایی و پایایی لازم هستند؛ داده‌ها با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای، رگرسیون خطی و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) تحلیل گردید.

یافته‌ها نشان داد که هوش مصنوعی فرصت‌هایی نظیر بهبود خدمات مشتریان، ارتقای یادگیری مستمر، افزایش بهره‌وری و پیش‌بینی دقیق ریسک برای نمایندگان فراهم می‌کند، در حالی که نظارت دیجیتال چالش‌هایی چون کاهش استقلال شغلی، افزایش فشارهای نظارتی، پیچیدگی فناورانه و نگرانی‌های اخلاقی و امنیتی ایجاد می‌نماید.

نتایج بیانگر آن بود که فرصت‌های ناشی از هوش مصنوعی اثر مثبت و معناداری بر توانمندسازی نمایندگان دارند ($\beta=0.46$)، اما چالش‌های ناشی از نظارت دیجیتال تأثیر منفی و معناداری بر آن‌ها بر جای می‌گذارد ($\beta=-0.29$).

نتایج تحقیق همچنین بر ضرورت رویکردی متوازن در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در صنعت بیمه تأکید دارد؛ به گونه‌ای که ضمن استفاده از ظرفیت‌های هوش مصنوعی در توانمندسازی، آثار منفی نظارت دیجیتال مدیریت شود. بر این اساس، طراحی برنامه‌های آموزشی مستمر، تقویت فرهنگ اعتماد، و ایجاد چارچوب‌های اخلاقی و حمایتی از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی پژوهش محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی نمایندگان بیمه، هوش مصنوعی، نظارت دیجیتال، فرصت‌ها، چالش‌ها.

۱. کارشناس مسئول شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) meysam.amirinasab@gmail.com

۲. کارشناس شرکت بیمه سامان، تهران، ایران Haniehabdolahpoor@gmail.com



چارچوب ترکیبی و مقایسه‌ای برای شناسایی قلب در بیمه سلامت با تحلیل اهمیت ویژگی‌ها

رقیه سفرچی^{*۱}

چکیده

تشخیص قلب در داده‌های بیمه سلامت یکی از چالش‌های اساسی در مدیریت هزینه‌های درمانی و حفظ پایداری نظام سلامت است. روش‌های سنتی مبتنی بر قوانین و نیز مدل‌های یادگیری ماشین متداول، در مواجهه با داده‌های حجیم، پیچیده و ترکیبی از داده‌های برجسب‌دار و بدون برجسب، کارایی محدودی دارند. در این پژوهش، یک چارچوب ترکیبی و مقایسه‌ای برای شناسایی قلب در بیمه سلامت ارائه می‌شود که با تلفیق یادگیری بدون نظارت و یادگیری نظارت‌شده، دقت و تفسیرپذیری مدل را بهبود می‌دهد. در مرحله نخست، با استفاده از الگوریتم خوشه‌بندی K-Means، ساختارهای رفتاری پنهان میان ارائه‌دهندگان خدمات و بیمه‌شدگان شناسایی شد و خروجی آن به عنوان ویژگی‌های جدید به مدل‌های یادگیری نظارت‌شده افزوده گردید. سپس چندین مدل یادگیری کلاسیک از جمله Random Forest، XGBoost و Logistic Regression آموزش داده شدند و بر اساس شاخص‌های F1 و AUC مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که مدل Logistic Regression با استفاده از ویژگی‌های ترکیبی و خوشه‌ای، بهترین عملکرد را ارائه می‌دهد. مقدار F1 برابر با ۰٫۸۶ و AUC برابر با ۰٫۹۱ به دست آمد که نسبت به مدل‌های تک‌مرحله‌ای بهبود قابل توجهی را نشان می‌دهد. تحلیل ضرایب استانداردشده مدل نهایی بیانگر آن بود که عواملی همچون افزایش غیرعادی تعداد ادعاها نسبت به بیمه‌شدگان، میانگین پایین‌تر سن بیماران و درصد بالاتر بیماران مزمن نقش مهمی در پیش‌بینی قلب دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیب تحلیل خوشه‌ای و مدل نظارت‌شده می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر و تفسیرپذیرتر الگوهای قلب منجر شود. چارچوب پیشنهادی از قابلیت تعمیم برای سایر انواع داده‌های بیمه‌ای برخوردار بوده و در پژوهش‌های آینده می‌تواند با بهره‌گیری از روش‌های نیمه‌نظارتی و یادگیری عمیق توسعه یابد.

واژگان کلیدی: تشخیص قلب بیمه سلامت، یادگیری ماشین، تحلیل اهمیت ویژگی‌ها، خوشه‌بندی، مدل مقایسه‌ای.

۱. بیمه دانا، واحد فناوری اطلاعات، تهران ایران، فوق لیسانس هوش مصنوعی و رباتیک، تهران شمال، تهران، ایران،

Shaghayegh.5402@gmail.com

(نویسنده مسئول)



چارچوب داده‌محور در نظارت بیمه‌ای: شاخص‌ها و الزامات داده‌ای

آتنا حیدرپور نوغانی^{۱*}، زینب یزدیان^۲

چکیده

تحولات فناورانه و گسترش دیجیتالی‌شدن موجب شده است که داده به یکی از مهم‌ترین دارایی‌های صنعت بیمه و نهادهای نظارتی تبدیل شود. کاربرد تحلیل‌های پیشرفته داده و بهره‌گیری از منابع داده‌ای متنوع، چرخه عمر محصولات بیمه‌ای را دگرگون ساخته و در عین حال چالش‌های جدیدی در حوزه کیفیت، شفافیت و الزامات نظارتی پدید آورده است. نظارت در صنعت بیمه باید داده‌محور گردد تا تحلیل درستی از شرایط صورت بگیرد. نظارت داده‌محور به صنعت بیمه کمک می‌کند تا فرآیندهای خود را بهینه کند و تصمیمات استراتژیک را بر اساس شواهد عینی موجود انجام دهد. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی مبانی نظری داده‌های بزرگ، شاخص‌های کیفیت داده و الزامات نظارت داده‌محور می‌پردازد. همچنین با مرور مطالعات بین‌المللی و پژوهش‌های انجام‌شده در صنعت بیمه، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی استفاده از داده‌های بزرگ و تحلیل‌های پیشرفته تبیین می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که تضمین کیفیت داده، طراحی چارچوب‌های حکمرانی و توسعه ابزارهای نظارت پیوسته، پیش‌شرط‌های اساسی موفقیت در پیاده‌سازی نظارت داده‌محور هستند.

واژگان کلیدی: نظارت داده‌محور، کلان داده، تحول در نظارت، کیفیت داده، الزامات داده‌ای.

۱. گروه بیم‌سنجی، دانشکده بیمه اکو، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

atena.heidarpour@gmail.com

۲. گروه بیم‌سنجی، دانشکده بیمه اکو، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

znbyazdian@gmail.com



چارچوب نظارت داده‌محور؛ شاخص‌ها و نیازمندی‌های داده‌ای

مرجان حبیبی^۱

چکیده

زمینه و هدف: نظارت داده‌محور به عنوان رویکردی نوین در حکمرانی، با تکیه بر تحلیل بلادرنگ داده‌ها، شفافیت اطلاعاتی و پیش‌بینی‌پذیری، جایگزین مدل‌های سنتی نظارت شده است. با این حال، پیاده‌سازی مؤثر نظارت داده‌محور مستلزم شناسایی دقیق شاخص‌های کلیدی و الزامات داده‌ای است که بتوانند مبنای طراحی، اجرا و ارزیابی این سیستم قرار گیرند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های کلیدی نظارت داده‌محور و الزامات داده‌ای آن تدوین شده است. روش: این پژوهش به روش کیفی به بررسی و تحلیل این موضوع از ابعاد مختلف پرداخته است. یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های مؤثر در نظارت داده‌محور عبارتند از: دقت داده‌ها، جامعیت داده‌ها، سرعت پردازش، شفافیت اطلاعاتی، پیش‌بینی‌پذیری، قابلیت ردیابی، پوشش ریسک و برای تحقق این مدل نیازمند زیرساخت‌های فناورانه، استانداردسازی داده‌ها، اشتراک‌گذاری و اتصال‌پذیری، تحلیل پیشرفته، امنیت اطلاعات و توانمندسازی نیروی انسانی تحلیلی است. نتیجه‌گیری: نظارت داده‌محور نه تنها موجب افزایش دقت و سرعت در پایش عملکرد سازمان‌ها می‌شود، بلکه بستری برای شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و پاسخ‌گویی فراهم می‌آورد. تحقق این مدل نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه، توسعه فرهنگ داده‌محور و توانمندسازی نیروی انسانی است. سازمان‌هایی که این الزامات را فراهم کنند، در مسیر حکمرانی موفق، گام‌های طلایی برای راهبرد نظارت مؤثر و هوشمند در صنعت بیمه خواهند داشت.

واژگان کلیدی: نظارت داده‌محور، صنعت بیمه، شاخص‌ها، الزامات داده‌ای.

۱. کارشناس مطالعات میان‌رشته‌ای / مدیریت آموزش، پژوهش و توسعه بیمه دانا، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
/habibi_marjan@yahoo.com



راهبردهای رگ تک و سوپ تک برای عملیات بیمه در شرایط تحریم

سینا خداپنده لو^{۱*}

چکیده

این مقاله با هدف بررسی راهبردهای پیاده سازی رگ تک و سوپ تک برای حفظ عملیات بیمه در اقتصادهای تحریم شده، به تحلیل تطبیقی زیرساخت های مالی روسیه (۲۰۱۴-۲۰۲۴) و چین (۲۰۱۹-۲۰۲۴) می پردازد. روش پژوهش، مطالعه موردی کیفی مبتنی بر منابع دست اول از جمله بانک های مرکزی و نهادهای نظارتی است. یافته ها نشان می دهد که تاب آوری موفق سیستم های مالی نیازمند سه مؤلفه کلیدی است: چارچوب های مشارکت اجباری، سرمایه گذاری مستمر دولتی (بیش از ۲-۵ میلیارد دلار) و افق پیاده سازی چندساله. با وجود دستاوردهایی چون پوشش کامل پرداخت داخلی در روسیه، این راهکارها با نفع و ضررهای قابل توجهی همراه هستند؛ از جمله افزایش ۲ تا ۳ برابری هزینه های عملیاتی و کاهش ۳۰ تا ۴۰ درصدی دقت مدل سازی ریسک. به طور خاص در صنعت بیمه، جایگزینی ظرفیت اتکایی نیازمند سرمایه گذاری کلان (۳-۵ میلیارد دلار) است. در نهایت، این پژوهش ضمن ارائه یک چارچوب پیاده سازی مرحله ای، نتیجه گیری می کند که اگرچه راهکارهای فناورانه تداوم عملیات را ممکن می سازند، اما نمی توانند کارایی و پیچیدگی سیستم های یکپارچه بین المللی را به طور کامل جایگزین کنند.

واژگان کلیدی: رگ تک، سوپ تک، تحریم، یادگیری فدرال.

۱. واحد توسعه نرم افزار، بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) s.khodabandelo@samaninsurance.ir



طراحی داشبوردهای نظارتی هوشمند مبتنی بر داده‌کاوی و مدل‌سازی پیش‌بینی در صنعت بیمه ایران

علی رضاوندی^{۱*}، محمد رضا توکلی^۲، وهاب عسگری^۳

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی و پیاده‌سازی داشبوردهای نظارتی هوشمند برای پایش عملکرد صنعت بیمه ایران با استفاده از زبان برنامه‌نویسی پایتون انجام شد. داده‌های عملکرد صنعت بیمه در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲، شامل حق بیمه تولیدی، خسارت پرداختی، تعداد بیمه‌نامه‌ها، ضریب خسارت و توزیع جغرافیایی استانی، از منابع معتبر مانند سالنامه‌های بیمه مرکزی استخراج شد. با بهره‌گیری از کتابخانه‌های NumPy، Pandas، Scikit-learn، Plotly و Dash، داشبوردهای تعاملی طراحی شدند که امکان مصورسازی شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPI) و فیلترینگ پویا بر اساس استان، رشته بیمه و بازه زمانی را فراهم می‌کنند. مدل رگرسیون خطی برای پیش‌بینی ضریب خسارت به کار رفت و دقت متوسط ($R^2=0.43$) را نشان داد، با بهترین عملکرد در رشته‌های درمانی ($R^2=0.79$) و ضعیف‌ترین در مسئولیت و مهندسی ($R^2=0.27$) تحلیل همبستگی نشان‌دهنده الگوهای ریسک مشترک (مانند آتش‌سوزی و باربری) و مستقل (مانند درمان و مسئولیت) بود. نتایج حاکی از نوسانات قابل توجه در حق بیمه (اوج در ۱۴۰۰) و ضریب خسارت استانی (خراسان جنوبی: ۱،۴۹؛ تهران: ۱،۰۸) است. این داشبوردها امکان پایش لحظه‌ای و تصمیم‌گیری داده‌محور را فراهم کرده و پیشنهاداتی مانند استقرار سامانه نظارتی ملی، سیاست‌گذاری منطقه‌ای و ارتقای مدل‌های پیش‌بینی برای بیمه مرکزی ارائه شده است. این رویکرد می‌تواند به پایداری مالی صنعت بیمه و تحول دیجیتال کمک کند.

واژگان کلیدی: داشبورد نظارتی، صنعت بیمه، تحلیل داده، پایتون، پیش‌بینی ریسک، ضریب خسارت.

۱. دانشجوی دکترا مدیریت مالی دانشگاه علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

ali.rezavani1984@gmail.com

۲. مدیر بیمه‌های اتومبیل شرکت بیمه البرز، تهران، ایران

Tavakoli-M@bimehalborz.ir

۳. کارشناس ارشد توسعه بازار بیمه البرز، تهران، ایران

vahab.asgari@gmail.com



طراحی مدل بلوغ تحول دیجیتال در نظارت بیمه‌ای: از الزامات زیرساختی تا حکمرانی داده

علی زین ساز^{۱*}

چکیده

تحول دیجیتال و ظهور فناوری‌های نظارتی فرصتی مهم برای ارتقاء کارایی، شفافیت و پاسخگویی در نظارت بیمه‌ای فراهم کرده است. هدف این پژوهش، طراحی مدل بلوغ تحول دیجیتال برای نظارت بیمه‌ای ایران بود. این مطالعه با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و از طریق تحلیل محتوای اسناد معتبر بین‌المللی و مقایسه تطبیقی تجارب کشورهای پیشرو انجام شد. یافته‌ها نشان داد وضعیت کنونی ایران در سطح «توسعه» قرار دارد و چهار بُعد کلیدی «زیرساخت فناوری اطلاعات»، «حکمرانی داده»، «توانمندی نیروی انسانی» و «یکپارچگی نظارتی و نوآوری دیجیتال» به عنوان ارکان اصلی بلوغ شناسایی شدند. بر این اساس، مدل مفهومی چهاربعدی در پنج سطح بلوغ (ابتدایی، توسعه، بهینه‌سازی، نوآوری و رهبری) طراحی گردید. کاربست این مدل می‌تواند به نهاد ناظر در تدوین نقشه‌راهی نظام‌مند و حرکت به سمت نظارت هوشمند و داده‌محور کمک شایانی نماید.

واژگان کلیدی: تحول دیجیتال، نظارت بیمه‌ای، فناوری‌های نظارتی، بلوغ دیجیتال، حکمرانی داده.

۱. مدیر اتکایی و امور بین الملل شرکت بیمه رازی، دکتری کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
ali.zinsaz@gmail.com



عوامل مؤثر در ارتقاء فناوری نظارتی برای پایداری مالی و شفافیت در صنعت بیمه

فاطمه ضیاء فروغی^{۱*}، پریرا احمدی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فناوری‌های نظارتی برای پایداری مالی و شفافیت در صنعت بیمه انجام شده است. این پژوهش کاربردی و توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل فعالان صنعت بیمه بوده و داده‌ها با پرسشنامه‌ای ۲۳ گویه‌ای گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد پنج بُعد اصلی در ارتقای فناوری‌های نظارتی نقش دارند: زیرساخت‌های فناورانه، ابعاد مدیریتی و سازمانی، الزامات نظارتی و مقرراتی، ابعاد مالی و اقتصادی، و شفافیت و اعتماد. این پنج بُعد بخش عمده‌ای از واریانس متغیرهای پژوهش را تبیین کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد توسعه هماهنگ این ابعاد به ارتقای کارایی نظارت، افزایش شفافیت مالی، کاهش ریسک‌های سیستمی و تقویت پایداری مالی در صنعت بیمه کمک می‌کند. نتایج برای سیاست‌گذاران، نهادهای ناظر و مدیران صنعت بیمه در طراحی راهبردهای فناورانه و بهبود نظام نظارت مالی کاربردی است.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نظارتی، پایداری مالی، شفافیت، مزیت رقابتی، صنعت بیمه.

f.foroughi25@yahoo.com

۱. بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

p.ahmadi3036@gmail.com

۲. بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران



عوامل مؤثر بر قصد کارکنان بیمه برای پذیرش هوش مصنوعی بر اساس چارچوب فناوری- سازمان- محیط

سیده ام سلمه پورهایمی^{۱*}، مجتبی سلیمانی^۲، سمیه سادات جعفرپور^۳

چکیده

هدف این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر قصد رفتاری کارکنان بیمه نسبت به پذیرش هوش مصنوعی با استفاده از چارچوب فناوری- سازمان- محیط است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، در زمره تحقیقات کاربردی با رویکرد کمی و به لحاظ شیوه اجرای تحقیق، در زمره تحقیقات توصیفی- همبستگی و از لحاظ زمانی از نوع تحقیقات مقطعی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کارکنان شرکت بیمه آسیا در استان اصفهان است. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار G*power تعداد ۱۱۲ نفر در نظر گرفته شد. از روش نمونه گیری در دسترس و ابزار پرسشنامه برای جمع آوری داده ها استفاده گردید. روایی پرسشنامه به روش روایی محتوایی و پایایی از طریق آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی و تأیید شد. برای آزمون فرضیات از روش حداقل معذورات جزئی و نرم افزار Smart PLS 4 استفاده شد. یافته ها نشان داد مزیت رقابتی، حمایت مدیریت ارشد، آمادگی مالی، پویایی بازار و فشار رقابتی بر پذیرش هوش مصنوعی تأثیر مثبت و معنادار دارند. همچنین نتایج نشان داد پیچیدگی بر پذیرش هوش مصنوعی تأثیر منفی و معنادار دارد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، قصد رفتاری کارکنان، چارچوب فناوری- سازمان- محیط، بیمه آسیا.

۱. فناوری اطلاعات، فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
pourhashemi1986@gmail.com

۲. مدیریت بازرگانی، علوم انسانی، دانشگاه راغب اصفهانی، اصفهان، ایران
mojtaba.s150@gmail.com

۳. مدیریت، علوم انسانی، موسسه آموزش عالی المهدی اصفهانی، اصفهان، ایران
s.sjafarpour1363@gmail.com



کارایی نظارت بیمه‌ای و کشف تقلب با رویکرد SupTech و RegTech هوشمند (مطالعه موردی: شرکت بیمه البرز)

موسی رضایی میرقائد^۱، معصومه نسیمی^۲، صالح عبادی لمر^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی چارچوبی بومی برای استفاده از فناوری‌های نوین در کشف تقلب بیمه‌ای در ایران انجام شده است. لذا از منظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و کمی می‌باشد. هدف اصلی پژوهش بررسی اثرات بکارگیری فناوری‌های SupTech و RegTech مبتنی بر هوش مصنوعی بر کارایی نظارت بیمه‌ای و کشف تقلب در شرکت‌های بیمه در ایران است. در این راستا از روش‌های آماری و مدل‌سازی رگرسیونی چندمتغیره برای تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است تا اثر هر یک از فناوری‌ها و شاخص‌های ساختاری شرکت بر احتمال کشف تقلب و کارایی نظارت بیمه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین به شکل معناداری توان کشف تقلب را افزایش می‌دهد و فناوری‌های نظارتی و تنظیم‌گری هوشمند تأثیر مثبت و معناداری بر کشف و کاهش تقلب دارند، و همچنین سطح بالای مواجهه با ریسک، کارایی کشف تقلب را کاهش می‌دهد. یافته‌های پژوهش همچنین نشان دادند که ایجاد پایگاه داده یکپارچه، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و تربیت نیروی انسانی متخصص می‌تواند زمینه افزایش کارایی نظارت بیمه‌ای و کاهش تقلب را فراهم نماید.

واژگان کلیدی: تقلب بیمه‌ای، هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، نظارت بیمه‌ای، دیجیتالی‌سازی.

Mousa.rezaee@yahoo.com

۱. مدیرعامل شرکت بیمه البرز، تهران، ایران

Masoomenasimi@gmail.com

۲. معاون مدیرمالی شرکت بیمه البرز، تهران، ایران

lomer1989@gmail.com

۳. کارشناس بیمه شرکت بیمه البرز، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



کاربرد هوش مصنوعی در شناسایی و پیشگیری از تقلب بیمه‌ای: تجارب جهانی و راهکارهای بومی برای صنعت بیمه ایران

ندا ابراهیمی^{۱*}، نیلوفر خاک ره^۲

چکیده

تقلب بیمه‌ای یکی از چالش‌های اساسی صنعت بیمه در سطح جهانی است که سالانه هزینه‌های قابل توجهی را بر شرکت‌های بیمه و بیمه‌گذاران تحمیل می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی کاربرد هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در شناسایی و پیشگیری از تقلب بیمه‌ای و ارائه راهکارهای بومی برای صنعت بیمه ایران انجام شده است. روش‌شناسی تحقیق مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل تطبیقی تجارب جهانی با تمرکز بر الگوریتم‌های پیشرفته یادگیری ماشین شامل Random Forest، Support Vector Machine و Logistic Regression است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روش‌های سنتی شناسایی تقلب به دلیل حجم عظیم داده‌ها و پیچیدگی الگوهای متقلبانه دیگر کارآمد نیستند و استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌تواند دقت شناسایی را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. در صنعت بیمه ایران، با توجه به مشکل عدم تعادل داده‌ها و محدودیت منابع، الگوریتم XGBoost با قابلیت مدیریت داده‌های نامتعادل و سرعت پردازش بالا به عنوان راهکار مناسب شناسایی شده است. نتایج نشان می‌دهد که پیاده‌سازی سیستم‌های هوشمند تشخیص تقلب می‌تواند هزینه‌های بررسی را کاهش داده و رضایت مشتریان را افزایش دهد. نوآوری اصلی این تحقیق ارائه چارچوبی جامع برای بومی‌سازی و پیاده‌سازی سیستم‌های هوش مصنوعی در صنعت بیمه ایران با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص بازار داخلی است.

واژگان کلیدی: تقلب بیمه‌ای، هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، صنعت بیمه ایران.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، کارشناس مسئول تشکیل سرمایه بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
ebrahimineda368@gmail.com

۲. کارشناسی حسابداری مالی، کارشناس مسئول خزانه‌داری بیمه سامان، تهران، ایران
niloofar.khakrah@gmail.com



کاربرد هوش مصنوعی در نظارت بلادرننگ صنعت بیمه (مورد مطالعه: استان یزد)

حجت زحمتکش سردوراهی^{۱*}

چکیده

صنعت بیمه، به‌عنوان نهادی حیاتی در اقتصاد، برای پاسخگویی به ریسک‌های پویای امروز نیازمند خروج از قالب نظارت‌های سنتی و اتکا به فناوری‌های نوین است. این مقاله با هدف کاوش قابلیت‌های تحول‌آفرین هوش مصنوعی در استقرار نظارت بلادرننگ و تبیین چالش‌های پیشروی آن در صنعت بیمه استان یزد انجام شد. پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و از طریق راهبرد مطالعه موردی، به گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ مدیر و متخصص، مشاهده و بررسی اسناد در استان یزد پرداخت و داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد هوش مصنوعی می‌تواند با قابلیت‌هایی چون شناسایی ناهنجاری‌های مالی در کسری از ثانیه، پیش‌بینی ریسک‌های بازار و کاهش زمان واکنش نظارتی، نقش یک دستیار قدرتمند را برای ناظران انسانی ایفا کند و نظارت را از وضعیت واکنشی به پیشگیرانه ارتقا دهد. با این حال، مسیر دستیابی به این چشم‌انداز با چالش‌های سه‌گانه فنی-داده‌ای (مانند پراکندگی داده‌ها)، فرهنگی-سازمانی (مانند مقاومت در برابر شفافیت) و مهارتی-انسانی (مانند نیاز به آموزش تفسیر خروجی‌ها) روبرو است. در نتیجه می‌توان گفت، به‌کارگیری هوش مصنوعی در نظارت بلادرننگ، اگرچه پیچیده است، اما یک ضرورت راهبردی برای تضمین ثبات، شفافیت و سلامت صنعت بیمه در عصر دیجیتال محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، نظارت، نظارت بلادرننگ، صنعت بیمه، استان یزد.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی دانشگاه علم و هنر یزد، ایران و کارشناس حقوقی و خسارت مسئولیت شرکت بیمه آسیا، یزد، ایران، (نویسنده مسئول)



کاربست قراردادهای هوشمند به عنوان زیرساخت نظارت دیجیتال در صنعت بیمه ایران: چارچوب مفهومی و الزامات پیاده سازی

ابراهیم کاردگر^۱، مهدی منصوری بیدکانی^۲، محمد کاوه بهرامی^۳

چکیده

صنعت بیمه ایران نقش مهمی در توسعه اقتصادی و ثبات مالی ایفا می کند، اما نظام نظارت سنتی بیمه در ایران با چالش هایی نظیر گزارش دهی تأخیری، نبود یکپارچگی داده ها و ناکارآمدی در شناسایی ریسک ها مواجه است. این مشکلات، ضرورت گذار به نظارت دیجیتال و داده محور را آشکار می سازد. فناوری های مقرراتی و فناوری های نظارتی به عنوان راهکارهای نوین نظارتی مطرح شده اند و قراردادهای هوشمند مبتنی بر زنجیره بلوکی می توانند زیرساختی تحول آفرین برای نظارت بیمه ای باشند. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی که مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و تطبیق بین المللی است، قابلیت های قراردادهای هوشمند در افزایش شفافیت، ثبت بلادرنگ داده ها و خود کارسازی نظارت بررسی شده است. یافته ها نشان می دهد به کارگیری قراردادهای هوشمند می تواند نظارت را بلادرنگ و پیش گیرانه کند، هزینه های نظارتی را کاهش داده و توانگری مالی شرکت های بیمه را ارتقا بخشد. در این مقاله یک چارچوب مفهومی چهارلایه (داده، قرارداد هوشمند، اوراکل و داشبورد نظارتی) برای پیاده سازی نظارت دیجیتال مبتنی بر قراردادهای هوشمند در صنعت بیمه ایران ارائه و الزامات حقوقی، فناورانه، نهادی و فرهنگی اجرای آن تحلیل می شود.

واژگان کلیدی: نظارت دیجیتال بیمه، قراردادهای هوشمند، فناوری های مقرراتی، فناوری های نظارتی، زنجیره بلوکی.

۱. kardgar49@yahoo.com

۱. دکتری اقتصاد، مدیرعامل بیمه ما، تهران، ایران

۲. mansourieconomic.ir@gmail.com

۲. دکتری اقتصاد، هیئت عامل بیمه ما، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

۳. kavehbahrami1998@gmail.com

۳. پژوهشگر دکتری اقتصاد، تهران، ایران



کاربست قراردادهای هوشمند و بلاک‌چین در نظارت دیجیتال فرآیندهای بیمه درمانی برای کشف تقلب بلادرنگ

سهیلا طهماسبی^{۱*}، گل‌اندام ایزدی^۲

چکیده

با ظهور فناوری بلاک‌چین، امکان بهبود امنیت، شفافیت و ردیابی اطلاعات در فرآیندهای بیمه درمانی فراهم شده است. این فناوری به دلیل ویژگی‌های دفتر کل توزیع‌شده، تغییرناپذیری و قابلیت اطمینان بالای داده‌ها، ابزار موثری برای کشف تقلب بیمه‌ای محسوب می‌شود، زیرا هر ادعای بیمه‌ای همراه با شواهد مستند در بلاک‌چین ذخیره می‌شود و امکان ردیابی منشأ داده‌ها فراهم می‌آید. با این حال، بلاک‌چین با چالش‌هایی از جمله پیچیدگی فناوری، مصرف بالای انرژی، هزینه‌های نگهداری گره‌ها و هزینه‌های توسعه و تجهیزات مرتبط مواجه است. در این پژوهش، یک رویکرد مقرون‌به‌صرفه و ایمن برای کشف تقلب در بیمه درمانی ارائه شده است. سیستم پیشنهادی، تحت عنوان SCHI (سیستم تشخیص تقلب بیمه‌ای مبتنی بر قرارداد هوشمند)، از امضای دیجیتال برای شناسایی و پیشگیری از جعل استفاده می‌کند. برای ارزیابی سیستم، چندین آزمایش طراحی شده و عملکرد آن از منظر سرعت، امنیت، مقیاس‌پذیری و هزینه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که سیستم SCHI توانایی ارائه کشف تقلب بلادرنگ و کارآمد را داشته و ضمن حفظ امنیت، مقرون‌به‌صرفه نیز است.

واژگان کلیدی: بلاک‌چین، قرارداد هوشمند، کشف تقلب، بیمه درمانی، امضای دیجیتال.

۱. کارشناس نظارت خسارت درمان گروهی شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

sohaila.tahmasebi@gmail.com

goliizadi8@gmail.com

۲. کارمند نظارت صدور گروهی شرکت بیمه سامان، تهران، ایران



کاربست نظارت الگوریتمی در مقابل نظارت انسانی در شرکت‌های بیمه و پیامدهای آن

ایمان عزیزی^{*}

چکیده

نظارت الگوریتمی وضعیتی است که در آن کنترل، ارزیابی، و هدایت رفتار کارکنان نه توسط سرپرستان انسانی، بلکه با استفاده از الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی انجام می‌شود. نظارت بر کارکنان، بسته به شیوه اجرا، می‌تواند پیامدهایی مانند کاهش حس استقلال، افت انگیزه، تقویت رفتارهای مقاومتی و در نهایت افزایش تمایل به ترک خدمت را رقم بزند. در این میان، نظارت الگوریتمی به دلیل ماهیت سرد و مکانیکی قضاوت‌ها و ناتوانی در درک لایه‌های پنهان و زمینه‌های خاص رفتار انسانی، بیش از نظارت انسانی مستعد برانگیختن چنین واکنش‌هایی است. این مطالعه به صورت توصیفی-پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه معتبر، بر روی ۲۳۲ نفر از کارکنان شرکت‌های بیمه استان اصفهان از میان ۵۸۰ نفر جامعه آماری در ۲۲ شرکت، انجام شد. برای آزمون مدل و فرضیه‌ها از نرم‌افزار SmartPLS 3 استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که نظارت الگوریتمی در مقایسه با نظارت انسانی، استقلال ادراک شده کارکنان را کاهش داده، منجر به ارزیابی منفی‌تر از فرایند نظارت، عملکرد ضعیف‌تر، مقاومت بیشتر و قصد ترک کار بالاتر می‌شود. در مقابل، بیان هدف از نظارت الگوریتمی به عنوان یک فرایند اطلاعاتی و توسعه‌ای (نه صرفاً ارزیابی‌کننده) می‌تواند میزان کاهش استقلال و تمایل به ترک خدمت را محدود کرده و نگرش کارکنان را بهبود بخشد.

واژگان کلیدی: نظارت الگوریتمی در مقابل نظارت انسانی، احساس استقلال، قصد ترک کار، کارکنان شرکت‌های بیمه.

۱. دکتری مدیریت بازرگانی (مدیریت بازاریابی)، رئیس شعبه شهرکرد شرکت بیمه پارسیان، شهرکرد، ایران، Aziziiman93@yahoo.com (نویسنده مسئول)



کاربست هوش مصنوعی در تحلیل متن شکایت بیمه‌گذاران در جهت نظارت هوشمند

نسترن حیدریگی^{۱*}، فاطمه سوری^۲

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه، ضرورت بهره‌گیری از ابزارهای نوین نظارتی را پررنگ‌تر ساخته است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها، تحلیل شکایات بیمه‌گذاران است که می‌تواند بازتابی مستقیم از کیفیت خدمات، شفافیت قراردادها و میزان رضایت مشتریان باشد. در این پژوهش، چارچوبی داده‌محور برای تحلیل شکایات متنی با استفاده از روش‌های پردازش زبان طبیعی (NLP) و الگوریتم‌های یادگیری ماشین ارائه گردید. داده‌های متنی پس از پیش‌پردازش شامل پاک‌سازی، حذف واژگان پرتکرار و ریشه‌یابی، با سه رویکرد اصلی تحلیل شدند: نخست، تحلیل احساسات برای شناسایی نگرش مثبت، منفی یا خنثی بیمه‌گذاران؛ دوم، مدل‌سازی موضوعی LDA و BERTopic برای کشف محورهای پرتکرار شکایات؛ و سوم، خوشه‌بندی متون با الگوریتم K-Means جهت گروه‌بندی شکایات مشابه. نتایج نشان داد که بخش عمده‌ای از شکایات دارای لحن منفی بوده و موضوعاتی مانند تأخیر در پرداخت خسارت، فرآیندهای اداری پیچیده، شفافیت قراردادها و افزایش هزینه‌ها بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین شاخص انسجام خوشه‌ها بیانگر کیفیت بالای دسته‌بندی شکایات بود. ترکیب این یافته‌ها در قالب داشبوردهای نظارتی بلادرنگ به نهادهای ناظر امکان می‌دهد شکایات پرتکرار و حوزه‌های پرریسک را شناسایی کرده و تصمیم‌گیری‌های پیشگیرانه و هوشمندانه‌تری اتخاذ نمایند. این چارچوب می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای تنظیم‌گری هوشمند و بهبود سلامت بازار بیمه باشد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، پردازش زبان طبیعی، شکایت بیمه‌گذاران، نظارت هوشمند، داشبورد بلادرنگ.

۱. مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) nheidarbeigi@yahoo.com

۲. مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد تهران جنوب، تهران، ایران fatemesouri1376@gmail.com



کاربست هوش مصنوعی و پلتفرم‌های هوشمند در نظارت دیجیتال: مورد پژوهی در کشور کانادا

بهرام حیدری رامشه^{۱*}، محمدشفیع برومند^۲، فاطمه ربیعان نژاد^۳

چکیده

در عصر تحول دیجیتال، صنعت بیمه با چالش‌هایی چون رشد تقلب، پیچیدگی ریسک‌ها و حجم بالای داده‌ها روبه‌روست. این مقاله با تمرکز بر هوش مصنوعی، SupTech و RegTech، نقش این فناوری‌ها را در ارتقای اثربخشی نظارت دیجیتال بررسی می‌کند. همچنین ضمن ارائه یک مطالعه موردی از صنعت بیمه کانادا، نشان داده می‌شود که مدل پلتفرمی و مشارکتی می‌تواند ضعف‌های مدل سنتی را برطرف کند و نظارت را از رویکرد واکنشی به پیشگیرانه و هوشمند ارتقا دهد. بر اساس این الگو، نقشه راهی چهارمرحله‌ای برای ایران پیشنهاد می‌شود که شامل ایجاد زیرساخت‌های داده، توسعه مدل‌های تحلیلی، طراحی داشبوردهای بلادرنگ و توجه به ملاحظات حقوقی و آموزشی است. نتایج نشان می‌دهد که با سرمایه‌گذاری هدفمند در این حوزه، امکان استقرار یک نظام نظارت دیجیتال بومی طی ۳ تا ۵ سال آینده وجود دارد؛ نظامی که علاوه بر افزایش سلامت مالی، موجب کاهش هزینه‌ها و ارتقای اعتماد عمومی به صنعت بیمه خواهد شد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که رویکرد پلتفرمی و مبتنی بر داده‌های کلان، می‌تواند نظارت را از یک فرآیند واکنشی به یک فرآیند پیشگیرانه و هوشمند تبدیل کند، که در نهایت منجر به افزایش سلامت مالی و کاهش هزینه‌های صنعت بیمه خواهد شد.

واژگان کلیدی: نظارت دیجیتال، هوش مصنوعی، SupTech، RegTech، پلتفرم‌های هوشمند.

bahramh2@gmail.com

۱. مدیریت، مدیریت، علامه طباطبایی، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)

hitech.academy.07@gmail.com

۲. بیمه آسیا، اصفهان، ایران

yasna1@yahoo.com

۳. حسابداری، حسابداری، دانشگاه عتیق، اصفهان، ایران



کاربست هوش مصنوعی، سوپ‌تک و رگ‌تک در نظارت بلادرنگ صنعت بیمه با هدف ارتقاء شفافیت و رقابت‌پذیری بازار

محسن حنیفه لو^{۱*}، امید دهقانی^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی کاربست سه فناوری نوین - هوش مصنوعی (Artificial Intelligence)، فناوری نظارت برخط نهادهای ناظر بیمه‌ای «سوپ‌تک» (Supervisory Technology) و فناوری انطباق با مقررات «رگ‌تک» (Regulatory Technology) - در تقویت نظارت بلادرنگ صنعت بیمه، با تمرکز بر ارتقاء شفافیت عملیاتی و رقابت‌پذیری بازار است. با توجه به روند دیجیتال‌سازی و پیچیدگی مقررات بیمه‌ای، این تحقیق به دنبال سنجش میزان استفاده از این فناوری‌ها و ارزیابی اثرات هم‌افزایی آنها بر شاخص‌های کلیدی عملکرد شرکت‌های بیمه بود. روش پژوهش کمی و پیمایشی است؛ جامعه آماری شامل ۳۲ شرکت بیمه فعال در تهران و نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی طبقه‌ای از ۲۰ شرکت انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه پنج‌عاملی لیکرت بوده و داده‌ها با آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد میانگین استفاده از هوش مصنوعی (۳۰۸۵) بالاتر از سوپ‌تک (۳۰۷۰) و رگ‌تک (۳۰۴۵) است. هر سه فناوری رابطه مثبت و معناداری با شفافیت عملیاتی دارند و در مدل رگرسیونی، سوپ‌تک بیشترین اثر مستقیم را بر شفافیت داشت ($R^2=0.721$, $\beta=0.428$). نتیجه‌گیری آن است که پیاده‌سازی همزمان این سه فناوری، به‌ویژه در چارچوب هم‌افزایی آنها، می‌تواند زیرساخت نظارت بیمه‌ای را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کرده، ریسک‌های سیستماتیک را کاهش دهد و رقابت‌پذیری بازار را ارتقاء بخشد. اجرای این رویکرد نیازمند حمایت قانونی، سرمایه‌گذاری فناورانه و فرهنگ سازمانی نوآور است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، سوپ‌تک، رگ‌تک، نظارت بلادرنگ، شفافیت عملیاتی.

۱. کارشناسی ارشد حسابداری گرایش حسابرس، دانشگاه ناصر خسرو، ساوه، ایران، (نویسنده مسئول)

Mohsentak28@yahoo.com

۲. کارشناسی مهندسی فناوری مکانیک - خودرو، دانشگاه علمی کاربردی شهید تغویضی، تهران، ایران

O.dehghani@samaninsurance.ir



مدل بومی سازی نظارت فناورانه بیمه در ایران با رویکرد تطبیقی

جابر صفر علی نژاد^۱

چکیده

تحولات پرشتاب فناوری در حوزه‌های مالی، به‌ویژه در صنعت بیمه، ضرورت بازنگری در سازوکارهای نظارتی سنتی را دوجندان کرده است. در این مقاله، با رویکردی تطبیقی و بومی‌گرایانه، امکان‌سنجی و طراحی مدل بومی‌سازی فناوری‌های نظارتی در صنعت بیمه ایران مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی (تحلیلی-اکتشافی-تطبیقی) و تحلیل اسناد سیاستی و منابع علمی، ضمن بررسی ساختارهای نظارتی در شش کشور پیشرو (از جمله انگلستان، سنگاپور و اتحادیه اروپا) و تطبیق آن با وضعیت ایران، چالش‌ها، فرصت‌ها و الزامات پیاده‌سازی فناوری تنظیم‌گری/قانون‌گذاری (RegTech) را استخراج نموده است. در ادامه، یک مدل بومی‌شده شامل مراحل گام‌به‌گام، نقش‌آفرینی نهادی، فناوری‌های کلیدی مانند AI، Blockchain و API، و شاخص‌های ارزیابی عملکرد (KPIها) پیشنهاد شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد پیاده‌سازی موفق RegTech در ایران نیازمند تحول در ساختار نهادی، حاکمیت داده، چارچوب‌های حقوقی و فرهنگ سازمانی است. نتیجه‌گیری پژوهش بر این نکته استوار است که RegTech در ایران نه تنها ابزار نظارتی، بلکه بستر نو سازی حاکمیت مالی دیجیتال خواهد بود.

واژگان کلیدی: RegTech، بیمه ایران، نظارت فناورانه، حاکمیت داده، بومی‌سازی.

۱. کارشناس مسئول بازاریابی و فروش شعبه رشت شرکت بیمه پارسیان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



مروری بر چارچوب حسابرسی فناوری اطلاعات مبتنی بر ریسک و نقش هوش مصنوعی در ارتقاء اثربخشی آن در صنعت بیمه

محمد رضا عبدی^۱، مهناز منطقی پور^۲، الهه پرندلو^۳

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مالی کشور، ضرورتی راهبردی برای ارتقای کارایی، شفافیت، مدیریت ریسک و رقابت پذیری محسوب می‌شود. با وجود رشد فناوری در سایر بخش‌های مالی، صنعت بیمه همچنان در استقرار چارچوب‌های نظام‌مند کنترل و حسابرسی فناوری اطلاعات با چالش‌هایی مواجه است که زمینه‌ساز بروز ریسک‌های گسترده در امنیت داده، استمرار خدمات و تداوم کسب و کار شده است.

هدف این پژوهش، طراحی چارچوبی یکپارچه برای حسابرسی فناوری اطلاعات مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه است. این چارچوب با الهام از چارچوب حسابرسی فناوری اطلاعات (ISACA (ITAF و با اتکا به استانداردهای بین‌المللی چون کوبیت ۲۰۱۹، مدیریت امنیت اطلاعات، معماری سازمانی توگف و استاندارد ۳۷۵۰۰ تدوین شده است. نتایج پیاده‌سازی این چارچوب از طریق سنجش سطح بلوغ فرآیندهای فناوری اطلاعات بر اساس مدل COBIT Process Assessment Model (PAM ارزیابی می‌شود تا اثربخشی و کارایی کنترل‌ها با شاخص‌های عینی قابل سنجش باشد.

چارچوب پیشنهادی این پژوهش می‌تواند مبنایی برای تدوین دستورالعمل‌ها و الزامات نظارتی فناوری اطلاعات در شرکت‌های بیمه و حرکت به سوی حاکمیت دیجیتال پایدار و مبتنی بر ریسک فراهم آورد.

واژگان کلیدی: حسابرسی فناوری اطلاعات مبتنی بر ریسک، صنعت بیمه، حاکمیت فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی، استانداردهای ITAF، بلوغ فرایند.

۱. دانشکده فنی، دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران
m.abdi@itrac.ir

۲. مدیر ریسک شرکت بیمه نوین، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
mahteqipoor@gmail.cim

۳. اکچوئر در صنعت بیمه، تهران، ایران
elaheparanloo2021@gmail.com



معماری نظارت هوشمند بر صنعت بیمه: طراحی انطباقی و نقشه راه گذار

امیررضا مونسان^۱، بهرام پورذهبی^۲، غزاله پورذهبی^۳

چکیده

نظام‌های نوین نظارت مالی در حال گذار به سمت رویکردهای پیش‌نگر و داده‌محور هستند. در ایران، سامانه سنها علی‌رغم موفقیت در تجمیع داده، برای تحقق تحلیل‌های هوشمند با چالش‌های معماری مواجه است. هدف اصلی این پژوهش، طراحی یک معماری فنی انطباقی برای هوشمندسازی نظارت بر صنعت بیمه و ارائه نقشه راه گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است.

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با مطالعه گزارش‌های بین‌المللی، مقالات علمی و تحلیل سامانه سنها به عنوان نمونه موردی انجام شد. ابزار تحلیل شامل تحلیل شکاف و الگوبرداری تطبیقی از معماری‌های نوین جهانی بوده است.

یافته اصلی پژوهش، یک معماری سه‌لایه شامل پلتفرم داده لیک هاوس^۴، معماری میکروسرویس و یک موتور هوش مصنوعی است. این موتور به عنوان هسته تحلیلی، قابلیت‌هایی نظیر پیش‌بینی توانگری مالی، کشف تقلب و تحلیل احساسات را فراهم می‌کند. معماری پیشنهادی، یک نقشه ساخت عملی برای بومی‌سازی فناوری‌های نظارتی ارائه می‌دهد. نتیجه‌گیری می‌شود که پیاده‌سازی این معماری از طریق نقشه راه گذار ارائه‌شده، توانایی نهاد ناظر در مدیریت ریسک‌های سیستمی، افزایش شفافیت و تضمین پایداری صنعت بیمه را به شکل معناداری ارتقا خواهد داد.

واژگان کلیدی: فناوری نظارتی، هوش مصنوعی، معماری میکروسرویس، سنها، صنعت بیمه.

-
۱. مدیریت، مدیریت، علوم تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) amir.moonesan@gmail.com
 ۲. کامپیوتر، فنی مهندسی، امام خمینی، قزوین، ایران b_pourzahabi@edu.ikiu.ac.ir
 ۳. مدیریت، مدیریت، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، تهران، ایران ghazaleh.pourzahabi@gmail.com
 4. Lakehouse



نظارت بیمه‌ای با تشخیص آسیب دیدگی خودرو به کمک هوش مصنوعی

بهار خامفروش^{۱*}، مجید فتحی^۲

چکیده

با رشد روزافزون تعداد خودروها و افزایش تصادفات رانندگی، فرآیند ارزیابی خسارت در صنعت بیمه با چالش‌هایی چون زمان‌بر بودن، خطای انسانی و تقلب مواجه است. روش‌های سنتی که متکی بر حضور کارشناسان بیمه هستند، علاوه بر کندی و هزینه‌های بالا، دقت و شفافیت کافی را نیز فراهم نمی‌کنند. در این پژوهش، یک سامانه هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی و بینایی ماشین برای بازاندیشی نظارت بیمه‌ای پیشنهاد شده است. این سامانه با استفاده از مدل‌های یادگیری عمیق قادر است به‌طور خودکار نوع و شدت آسیب خودرو را از روی تصاویر ثبت‌شده توسط اپلیکیشن موبایل شناسایی و طبقه‌بندی کند. معماری سیستم شامل سه بخش اصلی است: اپلیکیشن موبایل برای دریافت تصاویر، سرور فلاسک به‌عنوان میان‌افزار پردازش و مدل یادگیری عمیق برای تشخیص خسارت. خروجی سیستم شامل مختصات دقیق آسیب‌ها، نوع خسارت و هزینه تخمینی تعمیر است که به‌صورت بصری و شفاف به کاربر ارائه می‌شود. نتایج نشان می‌دهد این رویکرد می‌تواند سرعت و دقت در ارزیابی خسارت را افزایش داده، تقلب را کاهش دهد و تجربه کاربری روانی ایجاد کند. بدین ترتیب، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد در ارتقای نظارت بیمه‌ای و بهبود اعتماد و رضایت بیمه‌گذاران ایفای نقش نماید.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، بیمه خودرو، تشخیص خسارت، بینایی ماشین، نظارت بیمه‌ای.

۱. کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، مدیریت بیمه‌های زندگی، بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Bahar.khamfroush@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد آمار، سرپرست اداره نظرت بر صدور بیمه‌های عمر و حوادث، بیمه سامان، تهران، ایران

ma.fathi@samaninsurance.ir



نظارت ریسک محور و آینده نگر با استفاده از سوپ تک در صنعت

بیمه

فریال فراکش^۱، مرجان قره خانی^۲، سید احمد میری چیمه^۳

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه، الگوی نظارت سنتی را با چالش‌هایی بنیادین در حوزه حجم، سرعت و تنوع داده‌ها مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، مفهوم سوپ تک به عنوان بهره‌گیری نظام‌مند از فناوری‌های نوین داده‌محور و هوش مصنوعی توسط نهاد ناظر، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات تنظیم‌گری نوین یافته است. هدف این پژوهش، بررسی ابعاد نظری و کاربردی سوپ تک در نظارت بیمه‌ای و ارائه نقشه‌راهی بومی برای استقرار نظارت ریسک محور و آینده‌نگر در ایران است. روش پژوهش، مرور نظام‌مند منابع معتبر بین‌المللی در بازه ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ بوده و بر تحلیل اسناد منتشر شده توسط نهادهای سیاست‌گذار و نظارتی جهانی متمرکز است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ابزارهای سوپ تک را می‌توان در سه خوشه‌ی اصلی ابزارهای گردآوری و کیفیت‌سنجی داده شامل استانداردهای گزارش‌دهی مالی دیجیتال و کنترل‌های خودکار برخط، ابزارهای تحلیل و هشدار ریسک مانند مدل‌های یادگیری ماشین در کشف تقلب و تحلیل شبکه‌ای رفتار بازار و ابزارهای پشتیبان قضاوت نظارتی مانند داشبوردهای تعاملی و شبیه‌سازی سناریوهای ریسک طبقه‌بندی کرد. بررسی‌ها حاکی از آن است که استقرار سوپ تک، افزون بر ارتقای کارایی و دقت تصمیمات نظارتی، موجب افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و حمایت از حقوق بیمه‌گذاران می‌شود. با این حال، چالش‌هایی چون سوگیری الگوریتمی، کمبود نیروی انسانی متخصص، وابستگی فناورانه و الزامات حریم داده از موانع کلیدی توسعه به‌شمار می‌روند. در پایان، پژوهش حاضر با ارائه نقشه‌راه سه‌مرحله‌ای شامل پایلوت‌های کم‌ریسک، معماری داده یکپارچه و حاکمیت مدل، مسیر گذار تدریجی به نظارت داده‌محور و هوشمند را برای صنعت بیمه ایران پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: سوپ تک، رگ تک، نظارت مبتنی بر ریسک، تنظیم‌گری نوین، آینده‌نگری نظارتی.

۱. f.farakesh88@gmail.com

۱. بیمه اتکایی تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

۲. m.gharakhani@modares.ac.ir

۲. بهینه سازی سیستم‌ها، مهندسی صنایع، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. s.ahmad.miri8@gmail.com

۳. بیمه اتکایی تهران، تهران، ایران



نقش SupTech و RegTech در تحول نظارت صنعت بیمه ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها

محسن خسروجردی^{۱*}، فرانک زارع احمدی^۲

چکیده

فناوری‌های نوین RegTech و SupTech طی یک دهه اخیر توانسته‌اند تغییرات چشمگیری در نظام‌های نظارتی و مالی در سطح بین‌المللی ایجاد کنند. این مقاله مروری با تمرکز ویژه بر صنعت بیمه ایران، به بررسی ابعاد مختلف فرصت‌ها و چالش‌های مرتبط با پیاده‌سازی این فناوری‌ها می‌پردازد. در ابتدای مقاله، تعاریف و مبانی نظری مربوط به این فناوری‌ها ارائه شده و سپس پیشینه و دستاوردهای جهانی در حوزه‌های مرتبط مرور شده است تا تصویری جامع از روندهای موجود ترسیم شود. در ادامه، وضعیت فعلی صنعت بیمه ایران از منظر زیرساخت‌های داده‌ای، ظرفیت‌های فناورانه و چارچوب‌های قانونی مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود محدودیت‌ها و موانعی همچون ضعف در کیفیت داده‌ها، پراکندگی اطلاعات و نبود هماهنگی میان نهادهای ذی‌ربط، زمینه‌های مناسبی برای بهره‌گیری از RegTech و SupTech در جهت ارتقای کیفیت نظارت، شفافیت و کاهش هزینه‌های اجرایی وجود دارد. مقاله همچنین پیشنهادهایی برای بومی‌سازی این فناوری‌ها متناسب با شرایط خاص ایران ارائه می‌دهد که می‌تواند مسیر توسعه آینده صنعت بیمه را هموارتر کند. در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌گیری از این فناوری‌ها می‌تواند به عنوان محرکی مؤثر برای تحول در نظام نظارت بیمه‌ای کشور عمل کند.

واژگان کلیدی: فناوری نظارتی، فناوری ناظر، SupTech، RegTech، تحول دیجیتال، نظارت بیمه‌ای.

۱. کارشناسی ارشد گروه ارتباطات، شرکت بیمه زندگی آگاه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mohsen.khosro@gmail.com

faranakzaree68@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق، شرکت بیمه زندگی آگاه، تهران، ایران



نقش فناوری‌های نوین در تاب‌آوری عملیاتی و مدیریت ریسک در صنعت بیمه

کاظم آقاگل‌زاده حاجی^{۱*}، قاسم آقاگل‌زاده حاجی^۲

چکیده

هدف این مقاله، بررسی و تحلیل نقش حیاتی فناوری‌های نوین در تقویت تاب‌آوری عملیاتی و ارتقاء راهبردهای مدیریت ریسک در صنعت بیمه است. پژوهش حاضر با هدف شفاف‌سازی این تأثیرات تحول‌آفرین و شناسایی الزامات نظارتی مورد نیاز برای همگامی با پیشرفت‌های تکنولوژیک انجام شده است. روش تحقیق بر پایه تحلیل استراتژیک سوات استوار است. این روش برای ارزیابی جامع نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی صنعت بیمه در بستر فناوری‌ها به کار گرفته شد. جامعه آماری پژوهش شامل مرور نظام‌مند متون تخصصی، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و تحلیل روندهای جهانی در حوزه فین‌تک و نظارت هوشمند است. یافته‌ها نشان می‌دهند که فناوری‌های نوین، به ویژه هوش مصنوعی، با بهبود ارزیابی دقیق ریسک، خودکارسازی فرآیندهای تکراری و جلوگیری از تقلب، به طور مستقیم به کاهش ریسک‌های عملیاتی و مالی کمک کرده و کارایی را افزایش می‌دهند. در عین حال، ظهور این فناوری‌ها، ریسک‌های نوظهوری نظیر ریسک سایبری، ریسک ناشی از مدل‌های محاسباتی (ریسک مدل) و ریسک‌های اخلاقی (جعبه سیاه) را وارد صنعت کرده است. ماتریس سوات، راهبردهای چهارگانه را برای حرکت به سمت نظارت هوشمند و تدوین چارچوب‌های حکمرانی الگوریتمی تعیین می‌کند. نتایج حاکی از آن است که تاب‌آوری در عصر دیجیتال، نه تنها به قابلیت فنی، بلکه به انعطاف‌پذیری و هوشمندی چارچوب‌های نظارتی و رفع ضعف‌های زیرساخت داده وابسته است. پیشنهاد‌های راهبردی بر استانداردسازی داده، تدوین حاکمیت الگوریتمی اجباری و توسعه سرمایه انسانی ترکیبی متمرکز شده‌اند تا زمینه‌های استفاده موفقیت‌آمیز از فرصت‌های فناورانه فراهم آید.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نوین، تاب‌آوری عملیاتی، مدیریت ریسک، تحلیل سوات، هوش مصنوعی.

۱. کارشناس ارشد، مهندسی معماری، معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران، (نویسنده مسئول)

k.aghagolzadeh@gmail.com

۲. کارشناسی، حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد هادی شهر، بابلسر، ایران، gh.aghagol96@gmail.com



نقش هوش مصنوعی، پلتفرم‌های فین‌تک و نظارت دیجیتال در صنعت بیمه

حسین احمدی^{۱*}، حسین حسینی^۲، بهنام سلیمانی^۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش هوش مصنوعی (AI)، پلتفرم‌های فین‌تک و نظارت دیجیتال در ارتقای کارایی، شفافیت و اعتماد در صنعت بیمه است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری شامل کارکنان و مدیران شرکت‌های بیمه با حداقل مدرک کارشناسی است. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و فرمول کوکران، ۱۵۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ۲۶ سؤالی با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت بود که شامل سه بخش اصلی: قابلیت‌های هوش مصنوعی (۱۵ گویه)، پلتفرم‌های فین‌تک (۷ گویه) و نظارت دیجیتال (۴ گویه) می‌باشد. برای سنجش پایایی، از آلفای کرونباخ و پایایی مرکب (CR) استفاده شد. نتایج نشان داد تمام متغیرها دارای پایایی بالاتر از ۰,۷۵ و روایی همگرایی بیش از ۰,۶ هستند. به‌طور خاص، پایایی مرکب برای هوش مصنوعی ۰,۹۷۲، برای فین‌تک ۰,۹۲۷ و برای نظارت دیجیتال ۰,۹۱۶، به‌دست آمد که بیانگر اعتبار و انسجام بالای ابزار تحقیق است. یافته‌ها نشان دادند که هوش مصنوعی اثر مثبت و معناداری بر نظارت دیجیتال ($\beta = 0.67, p < 0.01$) و کارایی سیستم‌های بیمه‌ای دارد، در حالی که پلتفرم‌های فین‌تک توانستند کارایی خدمات بیمه دیجیتال را تا ۴۲٪ افزایش دهند. در مجموع، ترکیب AI و FinTech موجب بهبود ۵۹٪ در شفافیت و اعتماد بیمه‌گذاران شد. بنابراین، به‌کارگیری راهبردی فناوری‌های هوش مصنوعی و فین‌تک در قالب نظارت دیجیتال می‌تواند به‌طور معناداری اعتماد، رضایت و پایداری رقابتی صنعت بیمه را تقویت کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، نظارت دیجیتال، اعتماد آنلاین، قصد خرید دیجیتال.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، شرکت بیمه البرز، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

ahmadi-ho@bimehalborz.ir

۲. سرپرست معاونت توسعه منابع انسانی و پشتیبانی شرکت بیمه البرز، تهران، ایران

Hoseinhosseini1352@yahoo.com

۳. کارشناسی مدیریت بازرگانی، شرکت بیمه آسیا، تهران، ایران

Meha63318@gmail.com



همزاد دیجیتال تحلیل پروفایل ریسک و خسارت رشته آتش سوزی

منا سازگار^{۱*}، محمد جواد جهان بین^۲، گلستا تلخ آب^۳

چکیده

این مطالعه به بررسی تحول دیجیتال و کاربرد فناوری همزاد دیجیتال^۴ در تحلیل پروفایل ریسک و خسارت رشته آتش سوزی در شرکت بیمه اتکایی ایرانیان می پردازد. در ابتدا، روندهای سنتی گزارش گیری ریسک و خسارت، محدودیت ها و چالش های موجود در ثبت و تحلیل داده ها مرور شده است. سپس، با معرفی سیستم اتوماتیک مبتنی بر همزاد دیجیتال، نحوه ثبت دقیق اطلاعات شامل سرمایه، تفکیک جغرافیایی ریسک ها و محاسبه خودکار حق بیمه تشریح می شود. این تحول موجب ارتقاء کیفیت در گزارش گیری، کاهش هزینه ها، افزایش دقت و سرعت تصمیم گیری های مدیریتی در شرکت بیمه اتکایی ایرانیان شده است.

واژگان کلیدی: همزاد دیجیتال، تحلیل پروفایل ریسک و خسارت، آتش سوزی.

۱. کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی گرایش بیمه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
Msazegar@gmail.com

۲. کارشناس، مهندسی نرم افزار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ایران
Mrjahanbin90@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد، مهندسی ریسک، دانشگاه مموریال، کانادا
gtalkhab@mun.ca
4. Digital Twin



هم‌زیستی فناوری و حکمرانی در صنعت بیمه: تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های نوآوری‌های دیجیتال

نیلوفر فتح‌اللهی^{۱*}، معصومه سادات عظیمی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از هم‌زیستی نوآوری‌های فناورانه با الزامات مقرراتی و حکمرانی در صنعت بیمه انجام شده است. صنعت بیمه به‌طور سنتی محافظه‌کارانه عمل کرده اما تحولات ناشی از هوش مصنوعی، کلان‌داده، اینترنت اشیا و بلاکچین فشار فزاینده‌ای بر چارچوب‌های نظارتی وارد کرده است. روش تحقیق به‌کاررفته، مرور نظام‌مند و مقایسه‌ای مجموعه‌ای از مقالات علمی معتبر منتشرشده در سه دهه اخیر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از یک سو، نوآوری‌های فناورانه موجب بهبود کارایی، شخصی‌سازی خدمات و ارتقای توانگری مالی بیمه‌گران شده‌اند و از سوی دیگر، چالش‌هایی در زمینه حریم خصوصی، تبعیض الگوریتمی و تضعیف اصل همبستگی بیمه‌ای به وجود آورده‌اند. همچنین، اصلاحات مقرراتی در مناطق مختلف جهان (مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا و چین) پاسخ‌های متنوعی به این تحولات ارائه کرده‌اند که گاه با هم سازگار و گاه متناقض بوده است. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد آینده پایدار صنعت بیمه مستلزم رویکردی متوازن میان حمایت از نوآوری و تضمین حکمرانی اثربخش است. این مقاله نوآوری خود را در ادغام منسجم دیدگاه‌های فناوری، مقرراتی و حکمرانی ارائه می‌کند و مسیرهایی همچون طراحی چارچوب‌های اخلاقی برای هوش مصنوعی و ایجاد سازوکارهای نظارتی تطبیق‌پذیر را برای پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌های آتی پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: حکمرانی و مقررات بیمه، نظارت تطبیق‌پذیر، نوآوری فناورانه بیمه، کلان‌داده، هوش مصنوعی، بلاکچین، اینترنت اشیا.

1. شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

2. شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران

1. شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

2. شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران



هوش مصنوعی در کشف تقلب و پیش‌بینی خسارت بیمه‌های مهندسی

محدثه پورفرج حسنگلو^{*۱}

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کارکردهای نوین هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در بازآفرینی سازوکار نظارت بیمه‌ای، با تمرکز بر بیمه‌های مهندسی است. پژوهش با مرور نظام‌مند ۸۰ مقاله بین‌المللی در فاصله‌ی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ و تحلیل تطبیقی وضعیت ایران انجام شد. یافته‌ها نشان دادند که الگوریتم‌هایی مانند Random Forest و XGBoost در پیش‌بینی خسارت مهندسی دقت بالایی دارند و شبکه‌های عصبی (ANN) و Convolutional Neural Network و به‌ویژه در قالب مدل‌های ترکیبی (مانند ANN-SVM (Support Vector Machine) (CNN)، توانایی تشخیص الگوهای پیچیده‌ی تقلب را تا بیش از ۹۰ درصد افزایش می‌دهند. ترکیب داده‌های عددی، متنی و تصویری در مدل‌های چندوجهی (Multimodal Models) نیز کارایی تشخیص تقلب را به شکل چشمگیری بهبود می‌دهد. نتیجه‌ی پژوهش، ارائه‌ی چارچوبی بومی برای توسعه‌ی Supervisory Technology (SupTech) در بیمه‌های مهندسی ایران است؛ چارچوبی که می‌تواند به افزایش شفافیت، کاهش خسارت ناشی از تقلب و تقویت اعتماد عمومی به نظام بیمه‌ای کمک کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، کشف تقلب، پیش‌بینی خسارت، بیمه‌های مهندسی.

۱. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی - بیمه، کارشناس خسارت بیمه‌های مهندسی و انرژی شرکت بیمه البرز، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
p.mohadeseh@gmail.com



هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های بزرگ در صنعت بیمه: رویکردی برای مدیریت ریسک‌های ناشی از تغییر اقلیم

علیرضا کیا^{۱*}

چکیده

تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی، اثرات گسترده‌ای بر صنعت بیمه بر جای گذاشته و موجب افزایش خسارات ناشی از بلایای طبیعی، پیچیدگی در مدیریت ریسک و فشارهای مالی بر شرکت‌های بیمه شده است. این مقاله با رویکرد مروری - تحلیلی به بررسی نقش هوش مصنوعی و داده‌های بزرگ در ارتقای تاب‌آوری صنعت بیمه در برابر تغییر اقلیم پرداخته است. داده‌های اقلیمی، کشاورزی، سلامت و خسارات بیمه‌ای با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشینی و مدل‌های پیش‌بینی، امکان شناسایی دقیق‌تر الگوهای ریسک، کشف تقلب بیمه‌ای، بهینه‌سازی قیمت‌گذاری و طراحی محصولات بیمه‌ای شخصی‌سازی شده را فراهم می‌آورند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب هوش مصنوعی و داده‌های بزرگ می‌تواند دقت پیش‌بینی خسارت‌ها را افزایش داده، هزینه‌ها را کاهش داده و شفافیت فرآیندها را ارتقا دهد. با این حال، چالش‌هایی نظیر کمبود داده‌های استاندارد در کشورهای در حال توسعه، هزینه‌های سنگین پیاده‌سازی، مسائل حریم خصوصی و ضعف زیرساخت‌ها همچنان مانع از بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها است. در نهایت، توسعه مدل‌های تبیین‌پذیر، استانداردسازی داده‌ها و سیاست‌گذاری‌های حمایتی از الزامات کلیدی برای پیاده‌سازی مؤثر این فناوری‌ها در صنعت بیمه محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، داده‌های بزرگ، تغییر اقلیم، بیمه، مدیریت ریسک.

۱. کارشناس اداره ریسک و اکچوئری، شرکت بیمه اتکایی ایران معین، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در تحول نظارت بیمه‌ای

فرزانه زیبایی^{۱*}، فاطمه داوری^۲

چکیده

هوش مصنوعی و یادگیری ماشین به عنوان فناوری‌های نوین، نقش برجسته‌ای در تحول نظام‌های نظارت بیمه‌ای ایفا می‌کنند. این فناوری‌ها با فراهم کردن ابزارهای پیشرفته تحلیل داده، امکان کشف تقلب‌های پیچیده، تحلیل دقیق ریسک و پیش‌بینی خسارت را فراهم کرده و به نهادهای ناظر اجازه می‌دهند تصمیم‌گیری‌های خود را مبتنی بر داده و پیش‌بینی‌پذیر انجام دهند. یافته‌های مرور نظام‌مند این پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی موجب ارتقای انطباق با مقررات، افزایش شفافیت، کاهش هزینه‌ها و زمان عملیات نظارتی و بهبود کارایی کلی نظام بیمه‌ای می‌شود. همچنین، تحلیل کلان‌داده‌ها و اتوماسیون فرآیندهای نظارتی، قابلیت رصد بلادرنگ بازار و پیش‌بینی بحران‌های بیمه‌ای را افزایش می‌دهد. این مقاله مسیرهای نوظهور و فرصت‌های آینده هوش مصنوعی در نظارت بیمه‌ای را نیز بررسی کرده و نشان می‌دهد که این فناوری‌ها راه را برای هوشمندسازی، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری بیشتر در نظام بیمه‌ای هموار می‌کنند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، نظارت بیمه‌ای، تحول دیجیتال، مدیریت ریسک.

۱. کارشناسی حسابداری، دانشگاه آزاد بجنورد، بجنورد، ایران، (نویسنده مسئول)

Farzanehzibaei471@gmail.com

۲. لیسانس ریاضی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، بجنورد، ایران

Fa.davari@samaninsurance.ir



یکپارچه‌سازی تحلیل ریسک و نظارت دیجیتال در صنعت بیمه: الگوی سامانه سدید

مهران حسنخانی^{۱*}، منا سازگار^۲

چکیده

صنعت بیمه ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی از جمله پراکندگی داده‌ها، فقدان ابزارهای تحلیلی پیشگیرانه، عدم شفافیت در ارزیابی ریسک و بروز خسارات گسترده ناشی از حوادث بندری و گمرکی مواجه بوده است. این وضعیت ضرورت بازاندیشی در نظام نظارتی را آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف ارائه یک مدل بومی برای نظارت دیجیتال در صنعت بیمه طراحی و اجرا شده است که نمونه موردی آن در قالب سامانه «سدید» به عنوان تجربه‌ای منتخب در صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری بررسی می‌شود. روش تحقیق به کار گرفته شده مبتنی بر مطالعه موردی و تحلیل داده‌های کیفی و کمی است. داده‌ها از طریق مرور ادبیات، مصاحبه با خبرگان و تحلیل گزارش‌های رسمی صنعت بیمه گردآوری و در قالب مدل مفهومی با چهار مولفه اصلی شامل زیرساخت‌های داده‌ای، سازوکارهای نظارتی، ابزارهای فناورانه و پیامدهای عملکردی تبیین گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به کارگیری چنین مدلی می‌تواند به کاهش خسارات ناشی از حوادث بزرگ، ارتقای دقت در ارزیابی ریسک، افزایش شفافیت در تعاملات بیمه‌ای و ارتقای رضایت بیمه‌گذاران و بیمه‌گران منجر شود. نوآوری اصلی تحقیق، طراحی یک چارچوب بومی و فناورانه برای یکپارچه‌سازی داده‌ها و تحلیل بلادرنگ ریسک‌ها است که قابلیت تعمیم به سایر حوزه‌های صنعت بیمه و نهادهای مالی کشور را نیز دارد.

واژگان کلیدی: تحلیل ریسک، نظارت دیجیتال، یکپارچه سازی داده، سامانه سدید.

Me_ha20@yahoo.com

۱. مدیریت بازرگانی، شرکت بیمه پاسارگاد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

monasazegar19900@gmail.com

۲. مدیر اتکایی داخلی، شرکت بیمه اتکایی ایرانیان، تهران، ایران

سی‌ودومین همایش ملی و سیزدهمین

همایش بین‌المللی بیمه و توسعه ICID 2025

بازاندیشی نظارت در بیمه؛ مسیرنوآورانه برای تنظیم‌گری مؤثر



پنل نظارت مبتنی بر ریسک

پنل نظارت مبتنی بر ریسک

مقالات ارائه



Algorithmic Oversight and Financial Stability: A Practical Framework for Real-Time Monitoring in Insurance

Niloofer Fathollahi^{1*}, Masoomeh Sadat Azimi²

Abstract

This article advances a comprehensive framework for algorithmic oversight, defined as a continuous, real time supervision paradigm that integrates financial indicators such as Solvency Capital Requirement (SCR), Minimum Capital Requirement (MCR), Combined Operating Ratio (COR), liquidity, and Return on Equity (ROE) with technical indicators including claim latency, underwriting automation, and Explainable Artificial Intelligence (XAI) audit transparency, in order to strengthen prudential resilience. Using a Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta Analyses (PRISMA) guided systematic review of 48 studies from 1973 to 2025 spanning Insurance Technology (InsurTech), Regulatory Technology (RegTech), Supervisory Technology (SupTech), and XAI governance, we synthesize evidence that real time analytics enable earlier detection of solvency stress, reduce reporting latency, and improve accountability when paired with explainable models and standardized data pipelines. We present an integrative conceptual model that situates continuous monitoring at the intersection of institutional governance, technology adoption, specifically the Technology, Organization, and Environment (TOE) framework and the Technology Acceptance Model (TAM), XAI, and Environmental, Social, and Governance (ESG) oriented risk governance. Practical implications include deployment of transparent Artificial Intelligence (AI) dashboards, adoption of harmonized indicator taxonomies, and development of cross border supervisory data hubs. This framework shifts the focus of insurance supervision from looking backward at compliance to looking forward with proactive, data-driven guidance. It aims to balance the pursuit of innovation with the need for transparency, accountability, and financial resilience.

Keywords: algorithmic oversight; InsurTech; real-time monitoring; solvency; supervisory technology (SupTech/RegTech); explainable and ethical AI (XAI); ESG governance; insurance supervision.

1. Saman Reinsurance Company, Tehran, Iran, (Corresponding Author)

niloofarrft@gmail.com

2. Saman Reinsurance Company, Tehran, Iran

masoome.azimi81@gmail.com



Risk-Based Solvency Dashboard with ML Early-Warning under ORSA

Alireza Khajenoori^{1*}, Mohammad ali Mohajer²

Abstract

This paper presents a risk-based solvency dashboard with a machine-learning early-warning layer, aligned with ORSA principles under Solvency II. We consolidate supervisory-grade indicators—SCR and MCR coverage, loss, expense and combined ratios—into a single, colour-coded alerting framework governed by risk-appetite thresholds. The data pipeline is reproducible with EIOPA Solo Quarterly public statistics while remaining plug-and-play for internal, firm-level feeds. The early-warning system (ML-EWS) adopts a light, explainable logistic regression model calibrated on transparent features (levels and short-term volatilities of SCR/Combined/Loss/Expense), and is designed to remain stable in short time series by enforcing minimum-history and label-variation criteria. A comprehensive analytical layer complements the dashboard: benchmarking against the EEA average, eight-quarter trend analysis with alert highlights, optional Life vs Non-Life segmentation where available, and sensitivity of the combined ratio to premium and claims shocks. The solution is implemented in Gradio UI for end-user access, allowing near-real-time monitoring in risk, actuarial and finance workflows. We discuss how thresholds connect to the firm's risk appetite and how outputs support ORSA projections and management playbooks. The proposed architecture enables the digitalisation of supervisory and risk-management functions within insurers, provides reproducible artefacts (code, figures, and tables) that ensure transparency and auditability, and offers a transferable blueprint for deployment in Iranian insurers by replacing public inputs with internal datasets while maintaining explainability and governance integrity.

Keywords: Solvency II, ORSA, Early-Warning, Machine Learning, Risk-Based Supervision, Insurance Analytics.

1. Life Insurance Department, Asia Insurance, (Corresponding Author)

khajenoori.alireza@gmail.com (MSc in Data Science, Tarbiat Modares University)

2. Head of the Claims Department of Liability Insurance, Asia Insurance Company, m.a_mhr@yahoo.com

(MSc in Entrepreneurship Management – New Business, University of Tehran, Central Branch).



شاخص‌های حکمرانی تحول در پیاده‌سازی نظارت هوشمند در صنعت بیمه

مرضیه جعفریان دیوکلانی^{۱*}، آرزو پیش‌نمازاده^۲، محمد اصغری اعلائی^۳، آتنا بهوندی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های حکمرانی تحول در پیاده‌سازی نظارت هوشمند در صنعت بیمه ایران انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ فلسفی مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی است. از نظر روش گردآوری داده‌ها، پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی و با رویکرد استقرایی طراحی گردید. برای دستیابی به هدف پژوهش از طرح پژوهش آمیخته متوالی (کیفی-کمی) استفاده شد. در بخش کیفی از روش دلفی فازی برای شناسایی و غربالگری شاخص‌ها بهره گرفته شد و در بخش کمی از روش بهترین-بدترین (BWM) برای رتبه‌بندی شاخص‌ها استفاده گردید. جامعه مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل مدیران و کارشناسان باسابقه بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند صورت گرفت و پس از پانزده مصاحبه به اشباع نظری دست یافته شد. در مرحله دلفی فازی، در ابتدا ۳۶ شاخص اولیه شناسایی شد که پس از سه راند غربالگری و اجماع خبرگان، ۳۲ شاخص معتبر در قالب پنج عامل اصلی تثبیت گردید. این پنج عامل شامل: چارچوب نهادی و مقرراتی، مدیریت داده و یکپارچگی اطلاعات، ظرفیت فناوری و زیرساخت دیجیتال، سرمایه انسانی و شایستگی‌های تخصصی، و پاسخگویی و اعتماد عمومی بودند. در مرحله کمی، پرسشنامه بهترین-بدترین میان همان خبرگان توزیع گردید و نتایج با نرم‌افزار Lingo

۱. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بیمه دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناس مسئول بازاریابی شرکت بیمه پارسیان، (نویسنده مسئول)
Jafariyanmaryam6397@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی و کارشناس مسئول تحلیل اطلاعات مشتریان بیمه پارسیان
Arezoonamazi92@gmail.com

۳. کارشناس مسئول نظارت بر خسارت بیمه‌های پروژه ای شرکت بیمه سامان
M.asghari@samaninsurance.ir

۴. کارشناس مسئول پذیرش و پایش ریسک بیمه‌های خرد اموال شرکت بیمه سامان
Atenabehvandi@gmail.com



تحلیل شد. نرخ ناسازگاری تمامی قضاوت‌ها کمتر از ۰,۱ به دست آمد که بیانگر سازگاری مطلوب نتایج است. یافته‌های تحلیل بهترین‌بدترین نشان داد که شاخص ردیابی و پایش بلادرنگ تراکنش‌ها و فعالیت‌های بیمه‌ای (S56) با وزن ۰,۱۰۴ در رتبه نخست قرار دارد. پس از آن، شاخص‌های استقلال و اقتدار نهادی بیمه مرکزی (S34) با وزن ۰,۰۹۹، توانایی ذخیره‌سازی و مدیریت کلان‌داده‌ها (S24) با وزن ۰,۰۷۶، به‌کارگیری سازوکارهای حاکمیت داده (S55) با وزن ۰,۰۶۹ و هم‌راستایی سیاست‌های کلان اقتصادی با مقررات بیمه‌ای (S38) با وزن ۰,۰۶۶ در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند. این نتایج نشان می‌دهد که تحقق نظارت هوشمند مستلزم ترکیب ظرفیت‌های فناورانه با اقتدار نهادی و هم‌راستایی سیاستی است. پژوهش حاضر با ارائه چارچوبی یکپارچه، شکاف موجود میان ادبیات مربوط به تحول دیجیتال و نظارت هوشمند در صنعت بیمه را پر کرده و می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری‌های راهبردی بیمه مرکزی در مسیر تحول دیجیتال قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حکمرانی تحول، نظارت هوشمند، صنعت بیمه.



طراحی سیستم پیش‌هشدار ریسک مالی برای شرکت‌های بیمه‌ای

سید محمد امین پرتوی^{*۱}

چکیده

در این پژوهش، یک سیستم پیش‌هشدار برای ارزیابی و نظارت بر ریسک‌های مختلف صنعت بیمه طراحی شده است. چارچوب پیشنهادی با استفاده از داده‌های مالی و آماری شرکت‌های بیمه از سالنامه بیمه مرکزی و از طریق تحلیل آماری شاخص‌های کلیدی به شناسای ریسک‌ها می‌پردازد. این شاخص‌ها شامل ضریب خسارت (LR)، شتاب خسارت (ΔLR)، نسبت خسارت معوق به خسارت واقع شده (Res/Loss)، رشد حق بیمه، نسبت هزینه‌های عملیاتی (ExpR)، بازده دارایی‌ها (ROA) و بازده حقوق مالکانه (ROE) است. نتایج نشان داد که با استفاده از شاخص‌های هشدار زودهنگام و مدل امتیاز ریسک ترکیبی، می‌توان شرکت‌های بیمه را از نظر میزان ریسک رتبه‌بندی کرده و به نهادهای نظارتی در تصمیم‌گیری پیشگیرانه کمک کرد. علاوه بر این، تحلیل‌ها حاکی از آن است که وضعیت ریسک در بین شرکت‌ها ناهمگون بوده و برخی شرکت‌ها به‌ویژه در حوزه‌های خسارت و نقدینگی با چالش‌هایی مواجه هستند. نتایج این تحقیق می‌تواند به‌عنوان قدمی موثر در طراحی سیستم‌های پیش‌هشدار و نظارت بر ریسک‌های مالی در صنعت بیمه ایران در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: تحلیل ریسک، سیستم پیش‌هشدار، ریسک ترکیبی، صورت وضعیت مالی.

۱. واحد توسعه نرم‌افزار، بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



گذار به رژیم نظارت ریسک - محور در صنعت بیمه ایران

لیلی نیاکان^{۱*}، وحید امیدی^۲

چکیده

صنعت بیمه در دهه اخیر با تشدید عدم قطعیت‌های کلان و دیجیتالی‌شدن زنجیره ارزش مواجه بوده که اتکای صرف به نسبت‌های ایستای توانگری را ناکافی می‌سازد. این پژوهش، با تمرکز بر نظارت مبتنی بر ریسک (RBS)، خودارزیابی ریسک و توانگری (ORSA) و سیستم‌های هشدار زود هنگام (EWS) به بررسی وضعیت ایران و پیشنهاد چارچوبی عملیاتی می‌پردازد. بر اساس مرور ادبیات، شکاف‌های مفهومی (تفکیک تنظیم‌گری-نظارت)، نهادی (ضعف حاکمیت ریسک)، داده‌ای (ناهمگنی افشاها) و ابزاری (عدم سناریوهای استرس) در ایران شناسایی شد. اهداف تحقیق شامل تبیین جایگاه ORSA، طراحی سبد شاخص‌های EWS (با منطق چراغ‌راهنما)، الگوی گزارش‌گری ORSA و ادغام ابزارهای سنجش ریسک (استرس-سناریو، ماتریس ریسک) با برنامه‌های نظارتی است. چارچوب پیشنهادی، همسو با اصول بیمه‌ای IAIS و تجربیات بازارهای نوظهور (مانند کنیا و ترکیه)، گذار فازبندی‌شده را با تناسب‌گرایی پیشنهاد می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد این رویکرد، با پر کردن خلأهای بومی؛ تاب‌آوری مالی و حفاظت ذی‌نفعان را تقویت می‌نماید.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر ریسک، ORSA، EWS، توانگری مالی، صنعت بیمه ایران.

niakan@irc.ac.ir

۱. گروه پژوهشی عمومی بیمه، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

v.omidi@qom.ac.ir

۲. گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران



نظارت از مدل‌های سنتی به مدل‌های نوین قیمت‌گذاری (مطالعه موردی: بیمه‌های اتومبیل)

آزاده بهادر^۱، رسول رحمتی نودهی^۲، آذین سادات استاد رمضان^۳، مجتبی کریمی^۴

چکیده

صنعت بیمه همگام با پیشرفت‌های فناوریانه، وارد دوره‌ای نوین و تحول‌آفرین شده است که به‌ویژه با رشد سریع شرکت‌های اینشورتک در بخش بیمه‌های اتومبیل برجسته‌تر شده است. مدل‌های سنتی قیمت‌گذاری که مبتنی بر داده‌های تاریخی و روش‌های ایستا هستند، به مرور زمان توان مقابله با پیچیدگی‌های بازار و فناوری‌های نوظهور را از دست داده‌اند. در این شرایط، ضرورت بازنگری در روش‌های نظارت و به‌کارگیری مدل‌های نوین قیمت‌گذاری‌های پویا و شخصی‌سازی شده مبتنی بر فناوری‌هایی مانند بیمه‌های مبتنی بر استفاده، تلماتیک، هوش مصنوعی و داده‌های بزرگ بیش از پیش احساس می‌شود. این مقاله به بررسی روند گذار از مدل‌های سنتی به مدل‌های نوین در بیمه‌های اتومبیل می‌پردازد و نقش فناوری‌های پیشرفته را در بهبود دقت قیمت‌گذاری و کاهش ریسک‌های سیستماتیک تحلیل می‌کند. همچنین با نگاهی به تجربیات بازار اروپا، چشم‌انداز توسعه و فرصت‌های به‌کارگیری این فناوری‌ها در بازار ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این مقاله پس از معرفی تعدادی از روش‌های سنتی و روش‌های نوین قیمت‌گذاری، به محاسبه و مقایسه حق بیمه اتومبیل بر اساس یک مدل سنتی (روش جدولی) و بر اساس یک مدل نوین (روش قیمت‌گذاری ترکیبی بر اساس مسافت پیموده شده و نحوه رانندگی) می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: قیمت‌گذاری، مدل‌های سنتی، مدل‌های نوین و بیمه‌های اتومبیل.

a.bahador@gmail.com

۱. پژوهشگر، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

rahmatiran@gmail.com

۲. معاون مدیر طرح و توسعه، شرکت بیمه آسیا، تهران، ایران

A.ostadramezan@gmail.com

۳. معاون تحقیق و توسعه، موسسه مطالعاتی سپید، تهران، ایران

tabakarimi622@gmail.com

۴. استادیار گروه مالی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



نظارت پیشگیرانه و تاب‌آوری شرکت‌های بیمه

مجتبی کریمی^{۱*}، آذین سادات استاد رمضان^۲، آزاده بهادر^۳، وحیدرضا امیر نگهبانی فراهانی^۴، محمد صولتی دیگه‌سرای^۵

چکیده

صنعت بیمه در ایران به دلیل مواجهه با شوک‌های اقتصادی نظیر تورم، نوسانات ارزی، و بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی نیازمند ارزیابی تاب‌آوری شرکت‌های خود می‌باشد. این پژوهش با هدف سنجش تاب‌آوری هشت شرکت بیمه بورسی ایرانی در برابر شوک‌های اقتصادی، از تکنیک‌های پیشرفته یادگیری ماشین (شامل GBoost (XGB, Random Forest (RF) و شبکه عصبی بهینه‌شده (ANN)) استفاده کرده است. شاخص تاب‌آوری شرکت‌های منتخب بر اساس شش متغیر مالی کلیدی شامل نسبت پوشش ذخایر، نقدینگی عملیاتی، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، نسبت خسارت به حق بیمه و نسبت هزینه عملیاتی به درآمد ساخته شده است. داده‌های فصلی از بهار ۱۳۹۴ تا بهار ۱۴۰۴ از منابع معتبر گردآوری و با مدل‌سازی روابط غیرخطی متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، نرخ ارز، تولید ناخالص داخلی، قیمت نفت، شاخص بورس، نرخ بازده بدون ریسک) تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد مدل Random Forest دقیق‌ترین پیش‌بینی را ارائه داده و شوک‌های نرخ ارز و تورم بیشترین اثر منفی را بر تاب‌آوری دارند (کاهش شاخص به ترتیب ۰,۰۴۶ و ۰,۰۳۰ واحد). شوک‌های شاخص بورس اثر متوسط و سایر متغیرها تأثیرات ناچیز داشتند. تحلیل حساسیت با Heatmap نیز تأیید کرد که نرخ ارز و تورم عوامل بحرانی‌اند. این مطالعه با ارائه رویکردی نوین در تلفیق یادگیری ماشین و شبیه‌سازی مونت کارلو، پیشنهاداتی را برای نظارت پیش‌نگرانه و تقویت پایداری مالی صنعت بیمه، از جمله طراحی سامانه هشدار زودهنگام، پوشش ریسک ارزی، و تنظیم‌گری هوشمند و ... ارائه داده است.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری، یادگیری ماشین، شوک‌های اقتصادی، صنعت بیمه.

۱. استادیار گروه مالی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

tabakarimi622@gmail.com

A.ostadramezan@gmail.com

a.bahador@gmail.com

vahid.farahani@outlook.com

Mohamad.solati67@gmail.com

۲. معاون تحقیق و توسعه، موسسه مطالعاتی سپید، تهران، ایران

۳. پژوهشگر، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران

۴. کارشناس شبکه و مرکز داده، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران

۵. کارشناس سخت‌افزار، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران

پنل نظارت مبتنی بر ریسک

مقالات پذیرش شده به صورت
صرفاً چاپ



استفاده از رویکرد تجمیعی یادگیری ماشین در تعیین نرخ بیمه: مطالعه موری بیمه سامان

نیما اصغری خطیر^{۱*}، امیر خوشحال‌فر^۲

چکیده

این پژوهش با هدف ارتقای دقت و عدالت در فرآیند تعیین حق بیمه، به بررسی به کارگیری رویکرد تجمیعی یادگیری ماشین در بیمه‌نامه‌های اتومبیل - بدنه شرکت بیمه سامان در استان مازندران می‌پردازد. هدف اصلی، ارائه یک راهکار نوین برای پیش‌بینی دقیق ریسک طراحی ساختارهای قیمت‌گذاری منصفانه‌تر است. در این مطالعه، داده‌های واقعی مربوط به بیمه‌گذاران و خسارت‌های ثبت شده آن‌ها تحلیل شده است. روش این پژوهش بر چند مرحله کلیدی استوار است که شامل پیش‌پردازش اصولی داده‌ها شامل مهندسی ویژگی‌ها، حذف و محدودسازی مقادیر پرت و بهینه سازی‌های پیرامون با استفاده از چارچوب هوشمند Optuna و در نهایت پردازش و مدل سازی نهایی با استفاده از روش ترکیبی یادگیری تجمیعی CatBoost و XGBoost می‌باشد. نتایج نشان داد که تکنیک‌های پیش‌پردازش داده‌ها، نقش حیاتی در بهبود عملکرد مدل دارند. در نهایت، مدل ترکیبی CatBoost و XGBoost بهترین عملکرد را ارائه می‌دهد و ضریب تعیین در داده‌های آزمایشی افزایش یافت. این امر نشان دهنده تعمیم‌پذیری خوب مدل و جلوگیری از بیش‌پرازش است. استفاده از مدل‌های پیشرفته یادگیری ماشین و تجمع آن‌ها می‌تواند تحول بزرگی در شیوه‌های قیمت‌گذاری بیمه ایجاد کند که منجر به بهبود پایداری مالی شرکت‌های بیمه و افزایش رضایت بیمه‌گذاران می‌شود.

واژگان کلیدی: یادگیری ماشین، یادگیری تجمیعی، بیمه اتومبیل، بیمه بدنه، نرخ بیمه.

۱. گروه مهندسی نرم افزار، دانشکده مهندسی کامپیوتر، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)

Nima.khattir@gmail.com

۲. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم پایه، موسسه آموزش عالی فروردین، قائمشهر، ایران

Amirkhoshhalfar@gmail.com



اصلاح ساختار تنظیم‌گری در راستای تقویت وظایف راهبردی و نظارتی صنعت بیمه کشور

جعفر یاری^{*۱}

چکیده

بیمه مرکزی به عنوان یک نهاد حاکمیتی و نظارتی، وظیفه تنظیم‌گری امر بیمه در کشور و نظارت بر نحوه فعالیت و عملیات شرکتهای بیمه را برعهده دارد. تنظیم‌گری شامل طیف گسترده‌ای از وظایف در امر تنظیم مقررات و دستورالعمل‌های اجرایی، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها و مقررات و نیز برخی سازوکارهای عملیاتی است که در سند ماموریت تعریف می‌شود.

بیمه مرکزی از زمان تدوین و ارائه اولین برنامه استراتژیک خود تحت عنوان سند استراتژی سال ۸۹، بمنظور ایجاد هماهنگی و انطباق با اسناد بالادستی و در راستای بهبود فضای کسب و کار صنعت بیمه و پاسخگویی مناسب به نیازها و انتظارات جدید ذینفعان، همواره نسبت بازنگری در شرح ماموریت‌ها و بازطراحی فرایندها، اصلاحات ساختار خود اقدام نموده است.

از مهمترین اسناد فرادستی، تکالیف مربوط به قانون برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌باشد که الزامات پیاپی سازی این برنامه‌ها، همواره چارچوب ساختار نظارتی و عملیاتی این سازمان تحت تاثیر قرار داده است.

پژوهش حاضر به بررسی اهمیت اصلاح ساختار بیمه مرکزی در چارچوب اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور و الزامات و رویکردهای اصلی آن می‌پردازد. تکالیف قانون برنامه هفتم، پیشرفت ایجاب می‌کند تا بیمه مرکزی به عنوان دستگاه حاکمیتی و نظارتی، شرایط و زیرساخت لازم برای ترسیم سند ماموریت و اصلاحات ساختاری خود اجرایی نماید.

با عنایت به اینکه روند اصلاحات گذشته، تاثیر قابل توجهی در طرح ریزی برنامه ریزی راهبردی و اصلاحات آینده در صنعت بیمه دارد، لذا استفاده از تحلیل داده‌های کلان، می‌تواند به تصمیم‌گیری در خصوص الگوی اصلاحات ساختار سازمانی در بیمه مرکزی کمک نماید.

۱. کارشناس ارشد بیمه، بیمه مرکزی ج.ا.، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



داده‌های پژوهش با مراجعه به صورتهای مالی، یادداشت‌های توضیحی و سالنامه آماری جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفته است. و با تحلیل داده‌های کلان، به مقایسه عملکرد بیمه مرکزی و بازار بیمه اتکائی کشور با نتایج تجربیات گذشته در بازه زمانی ۱۴ سال (۱۳۹۰ الی ۱۴۰۳) می‌پردازد.

داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که در شرایط حاضر ایجاد اصلاح ساختار با رویکرد کاهش سهم قبولی اتکائی، علیرغم اینکه موجب افزایش فضای رقابت در بازار بیمه اتکائی شده است، لیکن فرایندهای مطلوبی در امر کاهش تصدی گری نهاد ناظر حاصل ننموده است. همچنین تغییر ساختار نهاد ناظر بیمه با واگذاری وظایف اجرایی بیمه مرکزی به شرکتهای بیمه، بدون ایجاد یک چارچوب نظارتی و حمایتی اطمینان بخش و سازگار با نیازهای همه ذینفعان صنعت بیمه و با توجه به شرایط فعلی، چالش برانگیز می‌باشد.

واژگان کلیدی: صنعت بیمه، برنامه هفتم پیشرفت، تحلیل کلان داده‌ها، سهم اتکائی، ساختار سازمانی.



برآورد سرمایه الزامی ریسک عملیاتی مدل توانگری با تحلیل سناریو^۱

بهنام شهریار^{۲*}، چیمن محمدنژادبانه^۳

چکیده

هدف این مقاله مدلسازی سرمایه الزامی ریسک عملیاتی در محاسبه سرمایه الزامی در نسبت توانگری مالی صنعت بیمه ایران است. در این مقاله نحوه اندازه گیری ریسک عملیاتی تحت چارچوب توانگری مالی II، بازل III، کانادا، استرالیا و سنگاپور بررسی و سپس بر اساس این موارد و وضعیت صنعت بیمه در ایران ریسک عملیاتی محاسبه شده است. شیوه مدلسازی، مدل (LDA) و برای محاسبه ضرایب ریسک عملیاتی از روش مبتنی بر سناریونویسی استفاده کرده ایم. این روش جزو روش های پیشرفته AMA^۴ است. در این روش، ابتدا سناریوها انتخاب شده و سپس برای هر سناریو یک شاخص کلیدی ریسک (KRI) به عنوان متغیر نماینده یا جایگزین در نظر گرفته شد. سپس بر اساس توزیع متغیرهای نماینده، مدلسازی شدت و فراوانی هر سناریو انجام شده است. داده های مورد استفاده مربوط به شرکت های بیمه در دوره ۱۴۰۱-۱۳۹۷ بوده است. نتایج حاکی از آن است که بیشترین سرمایه ریسک مربوط به «خطای قیمت گذاری یا رقابت تهاجمی قیمتی»، «افزایش نامتعارف حق بیمه برگشتی» و «رسوب بیش از اندازه حق بیمه در نزد نماینده یا کارگزار» بوده است. کمترین سرمایه ریسک نیز مربوط به «خطاهای عمدی یا سهوی کارکنان (تعداد نمرات منفی مدیران کلیدی بیمه گر)» بوده است. همچنین در پایان، ضرایب ریسک نهایی ارائه شدند.

واژگان کلیدی: ریسک عملیاتی، روش مبتنی بر سناریو، شاخص کلیدی ریسک، نسبت توانگری مالی.

۱. این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان «ارتقاء و بازنگری مدل توانگری مالی قانونی بیمه مرکزی ایران (آیین نامه شماره

۶۹) مبتنی بر بومی سازی مهمترین مدل های توانگری در جهان» پژوهشکده بیمه استخراج شده است.

۲. پژوهشگر پژوهشکده بیمه و دکتری اقتصاد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Shahriarbehnam@gmail.com

۳. پژوهشگر پژوهشکده بیمه و مدیر ریسک شرکت بیمه معلم، تهران، ایران

Chiman.m.nejad@gmail.com

4. Advanced Measurement Approaches



بررسی شاخص‌های پیش‌هشدار مؤثر بر درماندگی مالی شرکت‌های بیمه در ایران

سپهر اسکندری^{۱*}، سبحان دهقانی سانجی^۲

چکیده

موضوع درماندگی مالی در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است؛ چرا که با ایجاد اختلال در سیستم‌های مالی و عملیاتی شرکت‌ها می‌تواند منجر به ورشکستگی آن‌ها گردد. لذا شناسایی زودهنگام نشانه‌های مشکلات احتمالی در عملکرد شرکت‌ها توسط نهاد ناظر و مدیران، پیش از آن که مشکل به بحران تبدیل شود، از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف این پژوهش شناسایی و بررسی عوامل مؤثر بر درماندگی مالی شرکت‌های بیمه در ایران است. به همین منظور، یک مجموعه داده پانل از ۱۰ شرکت بیمه جنرال ایرانی در بازه زمانی ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ گردآوری شده است. این مطالعه از مدل «امتیاز Z آلتمن» به عنوان معیاری برای سنجش درماندگی مالی استفاده کرده است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که سودآوری و رشد درآمد خالص تأثیر منفی و معناداری بر درماندگی مالی دارند. از سوی دیگر، نسبت خسارت، اهرم مالی، سطح نقدینگی، دارایی‌های مشهود و اندازه شرکت، تأثیر مثبت و معناداری بر درماندگی مالی دارند. همچنین سن شرکت تأثیر معناداری بر درماندگی مالی ندارد. این پژوهش بینش‌های موثری برای ذی‌نفعان مختلف همچون مدیران، سیاست‌گذاران و سهام‌داران خواهد داشت، زیرا پایش عوامل مؤثر بر درماندگی مالی شرکت‌های بیمه تحت عنوان شاخص‌های پیش‌هشدار درماندگی مالی می‌تواند پیش از بروز بحران مالی گسترده، آن را شناسایی و شرکت را جهت اتخاذ اقدامات حیاتی جهت برون رفت از وضعیت درماندگی مالی هدایت نماید.

واژگان کلیدی: درماندگی مالی، شاخص‌های پیش‌هشدار، شرکت‌های بیمه، امتیاز Z آلتمن، رگرسیون OLS.

sepereskandari@gmail.com

۱. شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

sobhansanij2003@gmail.com

۲. شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران



بهبود مدل توانگری صنعت بیمه ایران با بومی سازی مدل های جهانی^۱

بهنام شهریار^{۲*}، چیمن محمدنژادبانه^۳

چکیده

ورشکستگی شرکت های بیمه به عنوان واسطه گران پولی و مالی می تواند اثرات مخربی بر اقتصاد کشور داشته باشد. بدین دلیل، نهادهای ناظر همواره برآنند که سیستم هایی را به منظور ارزیابی و نظارت بر توانگری این شرکت ها به منظور کاهش احتمال ورشکستگی طراحی کنند. عدم طراحی مناسب این سیستم ها می تواند سیگنال های غلطی به شرکت های بیمه، قانون گذار و بیمه گزاران منتقل کند و اثرات جبران ناپذیری بر ایشان داشته باشد. هدف اصلی این مقاله ارائه مدل جدید محاسبه سرمایه الزامی و سرمایه موجود نسبت توانگری مالی شرکتهای بیمه ایران به عنوان جایگزینی آیین نامه شماره ۶۹ شورای عالی بیمه است. در این مقاله، با توجه به مهمترین مدل های توانگری جهان از جمله توانگری II اروپا، RBC ایالات متحده آمریکا، توانگری ژاپن، RBC II تایلند و ... نحوه محاسبه سرمایه الزامی اصلاح شد. مهمترین تغییرات عبارتند از ارائه مدل محاسبه سرمایه مبتنی بر ریسک کل (RBC) به تفکیک بیمه های زندگی، غیرزندگی و اتکایی، اصلاح مدلسازی ضرایب ریسک بیمه گری، افزودن ریسک های ارزی، عدم تطابق دارایی - بدهی، سرمایه گذاری در سهام شرکت های وابسته و تابعه، بازخرید بیمه های زندگی اندوخته دار و ریسک عملیاتی به مدل، محاسبه ضرایب تعدیل ریسک برای قراردادهای بیمه اتکایی غیرنسبی و اصلاح مدلسازی ریسک اعتباری.

واژگان کلیدی: نسبت توانگری مالی، سرمایه الزامی، مدلسازی ریسک.

۱. از طرح پژوهشی با عنوان «ارتقاء و بازنگری مدل توانگری مالی قانونی بیمه مرکزی ایران (آیین نامه شماره ۶۹)

مبتنی بر بومی سازی مهمترین مدل های توانگری در جهان» پژوهشکده بیمه استخراج شده است.

۲. پژوهشگر پژوهشکده بیمه و دکتری اقتصاد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) Shahriarbehnam@gmail.com

۳. پژوهشگر پژوهشکده بیمه و مدیر ریسک شرکت بیمه معلم، تهران، ایران Chimam.m.nejad@gmail.com



بیمه هوشمند مبتنی بر بلاک چین: یک رویکرد ریسک محور منطبق با ORSA

احسان سرگلزایی^{۱*}، رزیتا صالحی^۲

چکیده

این مقاله یک مدل بیمه هوشمند چندعاملی مبتنی بر بلاک چین ارائه می‌دهد که با بهره‌گیری از قراردادهای هوشمند، شفافیت، سرعت و امنیت خدمات بیمه‌ای را افزایش می‌دهد. مدل پیشنهادی با ادغام ارزیابی ریسک و توانگری مالی (ORSA)^۳، چارچوبی ریسک محور برای تصمیم‌گیری استراتژیک شرکت‌های بیمه فراهم می‌کند. داده‌های بلاک چین برای گزارش‌دهی خودکار ORSA و قراردادهای هوشمند امکان پایش لحظه‌ای نسبت‌های الزام سرمایه‌ای توانگری (SCR) ۴ و حداقل سرمایه قانونی (MCR) ۵ را فراهم کرده و تراکنش‌ها مبنایی برای شبیه‌سازی سرمایه در سناریوهای بحرانی فراهم می‌سازند. برای بررسی پویایی بازار، محیطی چندعاملی طراحی شد که در آن بیمه‌گذاران میان شرکت‌های سنتی و هوشمند بر اساس ماتریس تصمیم‌گیری وزنی با هشت معیار شامل هزینه، سرعت، شفافیت، شهرت، انطباق، نزدیکی، نسبت توانگری و شاخص مدیریت ریسک انتخاب می‌کنند. در نظر گرفتن نسبت توانگری و شاخص مدیریت ریسک انتخاب بیمه‌گذاران را از سطح اقتصادی صرف به سطح تصمیم‌گیری مبتنی بر ریسک ارتقا می‌دهد. رفتارهایی چون تقلید اجتماعی، وفاداری مشتری و رقابت بازار نیز در مدل لحاظ شده‌اند. نتایج شبیه‌سازی هشت سناریوی مختلف نشان می‌دهد که ترکیب بلاک چین و ORSA اعتماد مشتریان را افزایش داده، مدیریت ریسک را بهبود و پایداری مالی شرکت‌های بیمه را تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: بلاک چین، قراردادهای هوشمند، ORSA، بیمه هوشمند.

۱. دکتری مهندسی کامپیوتر گرایش شبکه‌های کامپیوتری، دانشکده مهندسی کامپیوتر، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، مشاور فناوری اطلاعات حسابرسی داخلی بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

ehsan.sargolzaei@aut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد تهران مرکز، مدیر حسابرسی داخلی بیمه سامان، تهران، ایران

salehi.rzt@gmail.com

3. Own Risk and Solvency Assessment

4. Solvency Capital Requirement

5. Minimum Capital Requirement



پایش برخط عملکرد شرکت‌های بیمه: نظارت بلادرنگ بر شاخص‌های مالی و فنی

بتول محمودی^{۱*}، مریم خباززاده شوشتریان^۲

چکیده

صنعت بیمه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام مالی، نیاز به سیستم‌های نظارتی پیشرفته و بلادرنگ دارد. این پژوهش با هدف طراحی و ارائه چارچوب جامع پایش برخط عملکرد شرکت‌های بیمه با تمرکز بر شاخص‌های مالی و فنی انجام شد. روش تحقیق از نوع ترکیبی توصیفی-تحلیلی بود که در سه فاز اجرا گردید: مرور نظام‌مند ادبیات شامل ۲۶ مطالعه کلیدی، تحلیل داده‌های ثانویه ۱۸ شرکت بیمه ایرانی در دوره ۲۰۲۰-۲۰۲۳، و طراحی چارچوب پیشنهادی از طریق شبیه‌سازی. ابزارهای جمع‌آوری داده شامل فرم استخراج ادبیات، چک‌لیست ۴۵ شاخص عملکردی، و سیستم استخراج خودکار داده‌های مالی بود. نتایج نشان داد که ۲۴ شاخص کلیدی در سه دسته مالی، فنی و عملیاتی قابل پایش هستند. ترکیب فناوری‌های یادگیری ماشین و تلماتیک بهترین عملکرد را داشت. چارچوب پیشنهادی موجب بهبود ۲۸ درصدی دقت پیش‌بینی ریسک، کاهش ۹۴ درصدی زمان تشخیص انحراف‌ها، افزایش ۴۰ درصدی رضایت مشتریان و کاهش ۲۷ درصدی هزینه‌های عملیاتی گردید. این چارچوب امکان نظارت دقیق، بلادرنگ و پیش‌بینانه را فراهم آورده و کاربرد عملی گسترده‌ای در بهبود عملکرد صنعت بیمه و ارتقای اعتماد عمومی دارد.

واژگان کلیدی: پایش برخط، شرکت‌های بیمه، شاخص‌های مالی، تلماتیک، هوش مصنوعی، نظارت بلادرنگ.

۱. مالیه و بودجه عمومی، مدیریت دولتی (حکمرانی اسلامی)، دانشگاه آزاد، خوراسگان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول
www.b.mahmoudi@samaninsurance.ir

۲. حسابداری - دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

maryamkhabbazz92a2gmail.com



تحلیل حساسیت روش ذخیره‌گیری زنجیره نردبانی در چارچوب ORSA

منیر گودرزی^{۱*}، محمدحسین رحمتیان^۲

چکیده

در چارچوب فرایند خودارزیابی ریسک و توانگری مالی (ORSA)، ارزیابی و اندازه‌گیری دقت ریسک ذخایر به عنوان یکی از ابعاد کلیدی مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه، از اهمیت بسیاری برخوردار است. حساسیت روش‌های ذخیره‌گیری خسارت‌های معوق به داده‌های پرت در مجموعه داده‌ها یا انحراف از فرضیات مدل، از چالش‌های شناخته‌شده می‌باشد. بررسی‌ها نشان داده است که روش زنجیره نردبانی به عنوان یکی از روش‌های اصلی در دستورالعمل بیمه مرکزی در کنترل کفایت ذخایر فنی، در معرض خطر قابل توجهی در حضور چنین مشاهدات نابهنجاری است، به طوری که برآوردهای ذخیره می‌تواند در حضور حتی یک داده پرت به طور قابل توجهی تغییر کند؛ در نتیجه، تکنیک زنجیره نردبانی، غیراستوار است. در این پژوهش، در داده‌های خسارت یکی از قراردادهای درمان گروهی شرکت بیمه ملت، ضمن بررسی حساسیت ذخایر نسبت به برآورد فاکتورهای توسعه، تأثیر مشاهدات سلول‌های مختلف مثلث توسعه خسارت بر برآورد ذخایر کل و میانگین توان دوم خطاهای پیش‌بینی ذخایر مدل مک با استفاده از توابع تأثیر بررسی شده است؛ تابع تأثیر با گرفتن مشتق اول آماره مورد نظر نسبت به یک مشاهده محاسبه می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر خسارت‌ها در هر سلول مثلث توسعه خسارت بر این آماره‌ها، در سراسر مثلث متفاوت است و به شدت به سایر سلول‌های مثلث وابسته است.

واژگان کلیدی: خودارزیابی ریسک و توانگری مالی (ORSA)، ذخیره‌گیری خسارت‌های معوق، روش زنجیره نردبانی، تابع تأثیر، تحلیل حساسیت.

۱. دکتری آمار دانشگاه شهید بهشتی، رئیس اداره آکچوئری شرکت بیمه ملت، تهران، (نویسنده مسئول)

Goudarzi.monir@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، مدیر ریسک شرکت بیمه ملت، تهران

Mhr220@gmail.com



پیاده‌سازی تست End-to-End خودکار، به منظور صحت‌سنجی و نظارت بر عملکرد محصولات بیمه‌ای

سید محمد حسن موسوی^{۱*}، مهدیس سادات راه چمنی^۲

چکیده

در این مقاله، به بررسی پیاده‌سازی یک سامانه پایش برخط عملکرد برای شرکت‌های بیمه با استفاده از تست End-to-End خودکار پرداخته می‌شود. هدف اصلی این تحقیق، ارائه یک راهکار خودکار برای نظارت مداوم و دقیق بر فرآیندهای سامانه‌های بیمه‌ای و افزایش کارایی و قابلیت اطمینان این سیستم‌ها می‌باشد. با استفاده از اتوماسیون تست End-to-End، تمامی فرآیندهای عملیاتی بیمه به صورت خودکار شبیه‌سازی و تست می‌شوند، و این امکان فراهم می‌آید تا مشکلات احتمالی در زمان واقعی شناسایی و اصلاح شوند. این سامانه، با نظارت بر شاخص‌های فنی بلادرنگ، از جمله صحت عملکرد، زمان پاسخ‌دهی و دقت در ارزیابی خسارت‌ها، به شرکت‌های بیمه این امکان را می‌دهد تا بهبود مستمر خدمات خود را تجربه کنند. نتایج نشان می‌دهند که این سامانه نه تنها به ارتقای کیفیت خدمات بیمه‌ای و کاهش هزینه‌های عملیاتی کمک کرده بلکه موجب افزایش رضایت مشتریان و بهبود تجربه کاربری نیز می‌شود. با استفاده از این فناوری، شرکت‌های بیمه قادر خواهند بود تا از بروز اختلالات و مشکلات قبل از تبدیل آن‌ها به بحران‌ها جلوگیری کرده و تصمیمات مبتنی بر داده‌های دقیق و آنی اتخاذ نمایند. این تحقیق همچنین پیشنهادهایی برای توسعه و بهینه‌سازی بیشتر این سامانه‌ها، از جمله استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و پیش‌بینی مشکلات، ارائه می‌دهد. در نهایت، نتایج این مطالعه به شرکت‌های بیمه کمک می‌کند تا در یک بازار رقابتی باقی بمانند و با ارائه خدمات مدرن و مبتنی بر فناوری، جایگاه خود را تقویت کنند.

واژگان کلیدی: پایش و نظارت برخط، اتوماسیون تست، صحت‌سنجی فرایندها.

۱. کارشناس ارزیابی و بهبود، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

tkdmuhammad.msv@gmail.com

۲. کارشناس BPMS، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

rahchamani.mahdis@ut.ac.ir



چارچوب و ابزارهای نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه ایران

سیدامید میررفیع^{۱*}، پرویز مرادی^۲

چکیده

صنعت بیمه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی و کلیدی نظام مالی، نقش حیاتی در مدیریت و انتقال ریسک‌های اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. رویکردهای سنتی نظارتی مبتنی بر انطباق فرمال و نسبت‌های ایستا، دیگر با پیچیدگی‌های روبه‌رشد کنونی سازگار نیستند. در سطح جهانی، نظارت مبتنی بر ریسک (RBS) و ارزیابی ریسک و توانگری مالی داخلی (ORSA) به‌عنوان چارچوب‌های آینده‌نگر و پویا معرفی شده‌اند. این پژوهش وضعیت توانگری مالی شرکت‌های بیمه ایران را در چارچوب RBS و ORSA تحلیل می‌کند و داده‌های منتشرشده توسط بیمه مرکزی (۱۳۹۱-۱۴۰۲) را به‌طور جامع بررسی می‌نماید. سه رویکرد کمی شامل مدل‌های سری زمانی (ARIMA)، نوسان شرطی (GARCH) و شبیه‌سازی مونت کارلو با استفاده از نرم‌افزارهای Python و R برای برآورد دقیق روندها، نوسانات و سناریوهای بحرانی به‌کار گرفته شد. نتایج حاکی از میانگین نسبت توانگری صنعت به ترتیب ۱۶۴/۸٪ با انحراف معیار ۴۵/۲٪ است و احتمال عبور میانگین از ۱۰۰٪ در افق‌های یک، سه و پنج‌ساله به ترتیب ۶/۸٪، ۱۲/۵٪ و ۱۸/۹٪ محاسبه شد. یافته‌ها ناهمگنی میان شرکت‌ها و پایداری شوک‌ها را تأیید کرده و اجرای ORSA، تقویت زیرساخت داده و توسعه ظرفیت‌ها از سوی بیمه مرکزی ضروری می‌دانند. نوآوری تحقیق در ترکیب سه رویکرد کمی و تحلیل ۱۲ ساله است که بینش سیاست‌محور برای تقویت تاب‌آوری بیمه‌ای فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر ریسک، ارزیابی ریسک و توانگری مالی داخلی، مدل‌های سری زمانی، مدل‌های نوسان شرطی، شبیه‌سازی مونت کارلو.

۱. کارشناسی ارشد آمار اقتصادی، کارشناس مسئول نظارت بیمه‌های زندگی، شرکت بیمه سامان، تهران، (نویسنده مسئول)
o.mirrafi@samanisurance.ir

۲. کارشناسی ارشد اکچوئری، معاون مدیر بیمه‌های زندگی، شرکت بیمه سامان، تهران
pa.moradi@samanisurance.ir



حاکمیت شرکتی و نقش آن در تقویت نظارت ریسک محور

حانیه عبدالله پور^{۱*}، میثم امیری نسب^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش حاکمیت شرکتی در تقویت نظارت ریسک محور و تأثیر توانمندسازی و اعطای اختیار به نمایندگان بر بهبود فرآیندهای نظارتی و کاهش ریسک‌های سازمانی در شرکت‌های بیمه کشور است. این مطالعه از نوع کاربردی و با روش تحقیق تلفیقی (کمی و کیفی) انجام شد. جامعه آماری شامل ۱۵۰ نماینده بیمه و ۲۰ مدیر ارشد بود. داده‌های کمی از طریق پرسشنامه و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با مدیران جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و تحلیل همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی با کارایی نظارت ریسک محور همبستگی مثبت و معناداری دارد ($r = 0.68, p < 0.01$) و توانمندسازی نمایندگان نیز تأثیر قابل توجهی بر افزایش اثربخشی فرآیندهای نظارتی و کاهش ریسک‌های سازمانی دارد ($r = 0.61, p < 0.01$). یافته‌ها تأکید می‌کنند که اعطای اختیار و افزایش مشارکت نمایندگان در تصمیم‌گیری‌ها نقش کلیدی در ارتقای کارایی نظارت ریسک محور دارد و می‌تواند به عنوان راهکار عملی برای بهبود عملکرد سازمان‌های بیمه مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش علاوه بر تقویت مبانی نظری، پیشنهادهایی کاربردی برای سیاست‌گذاران و مدیران صنعت بیمه ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، نظارت ریسک محور، صنعت بیمه، شفافیت، پاسخگویی.

۱. کارشناس بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Haniehabdolahpoor935059620@Gmail.Com

۲. کارشناس مسئول بیمه سامان، تهران، ایران

Meysam.Amirinasab@Gmail.Com



طراحی الگوی راهبردی نظارت ریسک محور در راستای بهبود حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بیمه: با رویکرد نظریه داده بنیاد

الهام میرزایی^{۱*}، حسین میرزایی^۲

چکیده

پژوهش حاضر باهدف طراحی الگویی راهبردی برای استقرار نظارت ریسک محور در شرکت‌های بیمه، با تمرکز بر ارتقای حاکمیت شرکتی و با توجه به ویژگی‌های محیطی و نهادی کشور انجام شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و مبتنی بر نظریه پردازی داده بنیاد صورت گرفته و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۵ نفر از خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای در حوزه بیمه، مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی در نیمه اول سال ۱۴۰۴ گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد که منجر به شناسایی ۶ بعد اصلی، ۲۹ مؤلفه کلیدی و ۱۱۸ مفهوم پایه گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که شرایط علی شامل ضعف در ساختار مدیریتی، نبود انگیزه‌های راهبردی، ناکارآمدی کنترل‌های داخلی، چالش‌های عملکردی و ضعف در مدیریت ریسک‌های کلان و عملیاتی است. شرایط زمینه‌ای نیز شامل ناپایداری محیط اقتصادی، ضعف در فرهنگ سازمانی، تعامل محدود با نهادهای ناظر و عدم تطابق با استانداردهای بین‌المللی می‌باشد. در کنار آن، شرایط مداخله‌گر نظیر فقدان کمیته‌های تخصصی، ضعف در شفافیت اطلاعات، محدودیت‌های قانونی و فقدان زیرساخت‌های فناورانه، فرآیند طراحی و اجرای نظارت ریسک محور را با چالش مواجه ساخته‌اند. در پاسخ به این چالش‌ها، راهبردهایی نظیر طراحی سیستم نظارت مبتنی بر داده، ایجاد سازوکارهای تخصصی، آموزش و توانمندسازی مدیران، ارتقای شفافیت گزارش دهی و بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی RBS پیشنهاد شده‌اند. اجرای این راهبردها می‌تواند پیامدهایی ازجمله بهبود کیفیت خدمات بیمه، افزایش تاب‌آوری مالی، ارتقای حاکمیت شرکتی، افزایش اعتماد ذی‌نفعان، کاهش زیان‌ها و تخصیص بهینه منابع نظارتی را به همراه داشته باشد. این مطالعه با ارائه مدل مفهومی و راهکارهای اجرایی، زمینه‌ای برای تحول در نظام نظارتی صنعت بیمه فراهم کرده و بر ضرورت انطباق نظارت ریسک محور با استانداردهای جهانی و نیازهای بومی کشور تأکید دارد.

واژگان کلیدی: نظارت ریسک محور، حاکمیت شرکتی، شرکت‌های بیمه، مدیریت ریسک.

۱. گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی طلوع مهر، قم، ایران، (نویسنده مسئول)
elham.mirzaei67@gmail.com

۲. گروه مدیریت بازرگانی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
hossein_mirzaei98@yahoo.com



طراحی چارچوب ORSA هوشمند برای مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری در ذخایر بیمه‌نامه‌های عمر و سرمایه‌گذاری: ره‌یافتی ترکیبی از هوش مصنوعی و سناریو استرس (مطالعه موردی بیمه‌نامه مدیریت ثروت سبک کاریزما)

سجاد رامندی^{۱*}، علی فاتحی^۲، سید حسن ادیانی^۳، سارا احراری^۴

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی چارچوب هوشمند ORSA برای مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری در ذخایر بیمه‌نامه‌های عمر و سرمایه‌گذاری و با استفاده از رویکرد ترکیبی هوش مصنوعی و سناریوهای تنش انجام شده است. در گام نخست، داده‌های فصلی شامل نرخ ارز آزاد، قیمت جهانی طلا، تورم نقطه‌ای، ذخایر ریاضی، بازدهی سرمایه‌گذاری، نسبت توانگری و نرخ فسخ بیمه‌نامه‌ها گردآوری و تحلیل گردید. سپس سناریوهای پایه، نامساعد و شدید برای ارزیابی اثر شوک‌های کلان اقتصادی بر نسبت توانگری شبیه‌سازی شد. نتایج نشان داد افزایش نرخ ارز، قیمت طلا و تورم رابطه‌ای معکوس با توانگری مالی داشته و رشد سریع‌تر SCR نسبت به سرمایه موجود، عامل اصلی تضعیف توانگری است. همچنین نرخ فسخ بالا به‌عنوان یک متغیر رفتاری کلیدی فشار مضاعفی بر توانگری وارد کرده است. در ادامه، مدل‌های پیش‌بینی مبتنی بر هوش مصنوعی با دقت بالاتر نسبت به روش‌های سنتی توانستند تغییرات آینده توانگری را شناسایی و مسیر تصمیم‌گیری مدیریتی را بهبود بخشند. مطالعه موردی سبک کاریزما نشان داد چارچوب پیشنهادی ORSA هوشمند قابلیت پیاده‌سازی در شرایط واقعی صنعت بیمه ایران را داشته و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای افزایش تاب‌آوری مالی و ارتقای انطباق با الزامات نظارتی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ارزیابی خودخواسته ریسک و توانگری، مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری، بیمه عمر و سرمایه‌گذاری، نسبت توانگری مالی.

sajadramandi@gmail.com

۱. مدیرعامل، بیمه زندگی کاریزما، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

alifatehi63@gmail.com

۲. معاون برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی، بیمه زندگی کاریزما، تهران، ایران

adyanihasan@gmail.com

۳. مدیر ریسک، برنامه ریزی و تحلیل داده، بیمه زندگی کاریزما، تهران، ایران

ahrarisarah@gmail.com

۴. اکچوئر داخلی، بیمه زندگی کاریزما، تهران، ایران



طراحی مدل بومی ORSA برای صنعت بیمه ایران با تلفیق شاخص‌های پیش‌هشدار مالی و فنی جهت تقویت تاب‌آوری بازار

فاطمه چراغی^{۱*}، اعظم معصومی^۲

چکیده

هدف این پژوهش طراحی مدل بومی «ارزیابی و نظارت بر کفایت سرمایه» (ORSA) ویژه صنعت بیمه ایران است که با تلفیق شاخص‌های پیش‌هشدار مالی و فنی بتواند تاب‌آوری بازار را به‌ویژه در شرایط پرنوسان اقتصادی ارتقاء دهد. جامعه پژوهش شامل سه شرکت بزرگ بیمه‌ای فعال در تهران بود و رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) به کار گرفته شد. داده‌های کمی شامل شاخص‌های نقدینگی، بازده سرمایه‌گذاری، نرخ خسارت رشته‌های کلیدی، و زمان رسیدگی به پرونده‌ها بوده و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه با خبرگان و تحلیل محتوا گردآوری شد. مدل ORSA توسعه‌یافته با تحلیل حساسیت و مقایسه عملکرد با روش توانگری مالی سنتی اعتبارسنجی گردید. یافته‌ها نشان داد که مدل بومی ORSA قادر است بحران‌های مالی و فنی را دو تا چهار ماه زودتر از روش‌های سنتی شناسایی کند. رابطه علی میان کاهش نقدینگی، افت بازده سرمایه‌گذاری و رشد نرخ خسارت رشته‌های پرریسک به‌طور شفاف استخراج و به صورت شاخص‌های هشدار زودهنگام ثبت شد. نتیجه‌گیری این پژوهش تأیید می‌کند که مدل بومی ORSA با یکپارچه‌سازی داده‌های چندبعدی و بومی‌سازی شاخص‌ها متناسب با شرایط بازار تهران، ابزاری کارآمد برای نظارت پیشگیرانه، بهبود تصمیمات مدیریتی و افزایش اعتماد بیمه‌گذاران به صنعت بیمه ایران است.

واژگان کلیدی: توانگری مالی، ORSA، شاخص‌های پیش‌هشدار، تاب‌آوری بازار بیمه، مدل بومی.

۱. کارشناسی حسابداری بازرگانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، (نویسنده مسئول)

f.cheraghi@samaninsurance.ir

۲. کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Mrs.Azam.masoumi@gmail.com



طراحی مدل مدیریت ریسک صنعت بیمه با تمرکز بر توانگری مالی

اسماعیل داورپناه^۱، امیرحسین یعقوبزاده^۲

چکیده

صنعت بیمه به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام مالی، همواره با مجموعه‌ای از ریسک‌های پیچیده و متنوع مواجه است که مدیریت اثربخش آن‌ها، تضمین‌کننده پایداری و توانگری مالی شرکت‌های بیمه خواهد بود. هدف این پژوهش، طراحی مدلی جامع و آینده‌نگر برای مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه با تمرکز بر شاخص توانگری مالی است. در این راستا، از چارچوب مدیریت دارایی و بدهی (ALM) به منظور تحلیل اثر تصمیمات مدیران ارشد شرکت‌های بیمه بر توانگری مالی و از چارچوب تحلیل مالی پویا (DFA) جهت شبیه‌سازی سناریوهای مختلف و ارزیابی اثر ریسک‌های شرکت‌های بیمه از جمله ریسک بازار، اعتباری و بیمه‌گری بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه استفاده می‌شود. مدل پیشنهادی با ترکیب این دو رویکرد، امکان ارزیابی بلندمدت آثار تصمیمات سرمایه‌گذاری و بیمه‌گری را فراهم کرده و ابزاری کارآمد برای سیاست‌گذاری‌های آینده‌نگر در سطح بنگاه و نهاد ناظر ارائه می‌دهد. نتایج تحقیق می‌تواند به ارتقای تاب‌آوری مالی صنعت بیمه در برابر ریسک‌های مختلف و افزایش اعتماد ذینفعان منجر شود.

واژگان کلیدی: مدیریت ریسک، توانگری مالی، تحلیل مالی پویا، بیمه، مدیریت دارایی - بدهی.

۱. کارشناس ارشد حسابداری، مدیرعامل شرکت بیمه اتکایی تهران، تهران، ایران S.davarpanah@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد مالی، مدیر ریسک شرکت بیمه اتکایی تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
Economista1404@gmail.com



طراحی مدل نقش ساختارها و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در تقویت اثربخشی نظام نظارت ریسک محور صنعت بیمه

مسعود طاهری و سیه سری^۱، سعید نعمتی^۲، زهرا جافری^۳

چکیده

در محیط پیچیده و پویای کسب و کار امروزی، مدیریت و نظارت مؤثر بر ریسک‌ها به یکی از ارکان اصلی بقا و موفقیت سازمان‌ها تبدیل شده است. این مقاله به بررسی نقش حیاتی حاکمیت شرکت به عنوان چارچوبی برای هدایت و کنترل سازمان، در تقویت و نهادینه‌سازی نظارت ریسک محور می‌پردازد. استدلال اصلی مقاله این است که حاکمیت شرکتی اثربخش، بستر لازم را برای اجرای موفقیت‌آمیز نظارت ریسک محور فراهم می‌کند. در این پژوهش، از نظریه داده بنیاد نظام‌مند در بخش کیفی استفاده شد. جامعه مورد مطالعه در این بخش شامل مدیران ارشد، اعضای هیئت مدیره، رؤسای کمیته‌های حسابرسی و ریسک، و مدیران ریسک شرکت‌های بیمه پذیرفته‌شده در بورس می‌باشد. در این پژوهش از خبرگانی که حداقل دارای ۱۰ سال سابقه کاری بودند و دارای آشنایی و تجربه کافی در حوزه موضوع مورد پژوهش بوده‌اند، انتخاب شدند. در ابتدا مفاهیم بنیادین حاکمیت شرکتی و نظارت ریسک محور تبیین شد. پس از تجزیه و تحلیل کیفی داده‌های مصاحبه‌ها، مدل که شامل مقوله‌های محوری، شرایط علی، زمینه یا بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها ارائه گردید.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، نظارت ریسک محور، مدیریت ریسک، هیئت مدیره، کمیته حسابرسی.

۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت مالی، دانشکده مهندسی مالی، دانشگاه آزاد، رودهن، ایران

Taherymasud@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت بازاریابی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد، تهران، ایران

saeid.nemati56@gmail.com

۳ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران، (نویسنده مسئول)

z.jafari@yahoo.com



مدل سازی و ارزیابی عملکرد شرکت های بیمه ایران با استفاده از شاخص های نوین و بومی در حوزه ریسک مالی و بیمه گری

مریم اثنی عشری^{۱*}، فرزانه خامسیان^۲، محبوبه اعلائی^۳

چکیده

صنعت بیمه را می توان یکی از صنایع با ارزش هر جامعه برشمرد، که از ارکان مهم حیات اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری و تضمین کننده چرخه اقتصادی تلقی می گردد. بیمه به عنوان یک صنعت مالی، نقش قابل توجهی در حفظ سرمایه های ملی دارد. با ارائه خدمات بیمه، افراد و شرکت ها می توانند از خطرات مالی و اقتصادی محتمل محافظت شوند و سرمایه های خود را حفظ نمایند. اهمیت ارزیابی عملکرد از منظر مالی بدین جهت است که بیمه به عنوان یک بنگاه اقتصادی، همانند سایر بخش های اقتصاد برای تداوم فعالیت خود به دنبال حداکثر نمودن سود بلندمدت می باشد؛ لذا جهت ارزیابی عملکرد صنعت بیمه، سنجش میزان سودآوری و عملکرد مالی شرکت های بیمه مؤلفه مهمی تلقی می گردد. از طرف دیگر، از آنجایی که فعالیت اصلی شرکت های بیمه پوشش ریسک است، در وضعیت تمرکز ریسک قرار می گیرد و هرچند هم عملکرد شرکت بیمه از نظر سودآوری مطلوب باشد، خود با ریسک های متعددی از جمله ریسک ورشکستگی و ناتوانی در پرداخت خسارات رو به رو می باشد. لذا در این مقاله تلاش می شود، پس از بررسی ادبیات موضوع در حوزه مالی و ریسک بیمه ای و با توجه به داده های منتشر شده توسط شرکت های بیمه در ایران، شاخص هایی محاسبه و ارزیابی و یا طراحی شوند که در راستای ادبیات موجود باشند و در عین حال به درستی و به طور دقیق بتوانند وضعیت شرکت های بیمه از لحاظ نقدینگی، توان پرداخت بدهی در بلند مدت، سودآوری و همچنین ریسک های بیمه ای را تحلیل نمایند. پس از محاسبه این شاخص ها وضعیت یک شرکت بیمه مورد بررسی قرار می گیرد؛ در مطالعات بعدی می توان شاخص ها را برای همه شرکت های بیمه محاسبه و سپس براساس نتایج به دست آمده شرکت ها را رتبه بندی نمود.

واژگان کلیدی: عملکرد مالی، مدیریت ریسک، رتبه بندی.

۱. گروه پژوهشی بیمه های اموال و مسئولیت، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

esnaashari@irc.ac.ir

khamesian@irc.ac.ir

aalaei@irc.ac.ir

۲. گروه پژوهشی عمومی بیمه، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران

۳. گروه پژوهشی فناوری های نوین بیمه ای، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران



مدل سازی فضایی- زمانی اثرات اقلیمی بر نظارت بیمه‌ای

ریسک‌محور در چارچوب SupTech

رضا حاجی‌پور فرسنگی^{۱*}، امید نقشینه ارجمند^۲، وحید محمودی^۳، سیروس شریفی^۴، غدیر مهدوی^۵

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه چارچوبی برای پایش و نظارت ریسک‌محور بر اثرات تغییرات اقلیمی در صنعت بیمه ایران انجام شده است. بدین منظور از مدل‌های آمیخته خطی تعمیم‌یافته فضایی-زمانی با رویکرد بیزی بهره گرفته شد تا دو بعد اصلی ریسک، یعنی احتمال وقوع خسارت‌های حدی (مدل برنولی-لجیت) و شدت خسارت‌های مازاد (مدل گاما-لگاریتمی)، برآورد شوند. نتایج نشان داد که وارد کردن مؤلفه‌های فضایی ساختاریافته و روندهای زمانی موجب بهبود معنادار برازش می‌شود و وابستگی مکانی در بروز خسارت‌های بیمه‌ای نقش برجسته‌ای دارد. با ترکیب خروجی مدل‌ها، شاخص ریسک اقلیمی ترکیبی معرفی شد که امکان رتبه‌بندی استان‌ها و شناسایی مناطق بحرانی را فراهم می‌کند. بر اساس این شاخص، ناهمگنی قابل توجهی میان استان‌ها مشاهده شد و استان‌هایی همچون کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و سیستان و بلوچستان در معرض ریسک بالاتری قرار گرفتند. به منظور کاربردی‌سازی نتایج برای نهاد ناظر، داشبورد SupTech طراحی شد که با ترکیب نقشه جابجایی، نمودار روند زمانی و نمودار رتبه‌بندی، قابلیت اتصال مستقیم به فرایندهای نظارتی را دارد. این ابزار داده‌محور می‌تواند به نهاد ناظر کمک کند تا نقاط بحرانی ریسک را سریع‌تر شناسایی کرده و تاب‌آوری صنعت بیمه در برابر شوک‌های اقلیمی افزایش یابد.

واژگان کلیدی: نظارت ریسک‌محور، ریسک اقلیمی، مدل‌های فضایی-زمانی، SupTech.

۱. گروه آمار، دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
rehajipour@aut.ac.ir

۲. گروه آمار، دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران، ایران
naghshineh@aut.ac.ir

۳. گروه بازارها و نهادهای مالی، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
vmahmodi@ut.ac.ir

۴. گروه بانک، بیمه و گمرک، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
ssharif@khu.ac.ir

۵. گروه بیمه، دانشکده بیمه اکو، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
mahdavi@atu.ac.ir



مکانیزم نظارت بلادرنگ بر شاخص‌های مالی و فنی

میلاد پروائی^۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، طراحی و تحلیل چارچوبی مفهومی برای پایش برخط و نظارت بلادرنگ بر عملکرد شرکت‌های بیمه با تمرکز بر شاخص‌های مالی و فنی است. برای این منظور، با استفاده از ترکیب روش‌های کیفی و کمی، ابتدا مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPIs) استخراج و به دو دسته مالی و فنی طبقه‌بندی گردید. سپس، با بهره‌گیری از مدل‌سازی‌های رگرسیونی و الگوریتم‌های یادگیری ماشین مانند LSTM، روابط علی میان شاخص‌ها بررسی و زیرساخت یک سامانه بلادرنگ تحلیل و هشدار طراحی شد. یافته‌ها نشان دادند که شاخص‌های فنی مانند نسبت خسارت، نسبت ترکیبی و کفایت ذخایر، قدرت تبیین بالایی برای عملکرد مالی دارند و مدل پیشنهادی می‌تواند با دقت بالا نوسانات خطر را پیش‌بینی کرده و هشدارهای هوشمند صادر نماید. همچنین مقایسه چارچوب پیشنهادی با مدل‌های بین‌المللی مانند CARMEL و IFRS17 نشان داد که این چارچوب جامع‌تر بوده و از قابلیت پیاده‌سازی در ساختار بیمه ایران برخوردار است. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد که پیاده‌سازی نظارت بلادرنگ می‌تواند گام مهمی در تحقق بیمه‌گری دیجیتال و تصمیم‌سازی پیش‌نگر باشد.

واژگان کلیدی: KPI، پایش بلادرنگ، شاخص‌های عملکرد بیمه‌ای، یادگیری ماشین، هشدار هوشمند، نظارت مالی و فنی.

۱. کارشناس مالی و پشتیبانی شعبه رشت شرکت بیمه پارس‌یان، رشت، ایران، (نویسنده مسئول)

m.parvaey.1400@gmail.com



نظارت هوشمند و داده‌محور در صنعت بیمه: طراحی چارچوب ترکیبی DEA-ML برای ارزیابی و پیش‌بینی توانگری مالی

ناصر بافکر شارک^{۱*}، فرزانه خامسیان^۲، امیر بهرامی^۳

چکیده

تحولات فناورانه و رشد داده‌های کلان در صنعت بیمه، الزامی تازه برای بازآفرینی نظام‌های نظارتی ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که نهادهای ناظر دیگر نمی‌توانند صرفاً بر گزارش‌های دوره‌ای تکیه کنند و ناچارند از ابزارهای داده‌محور برای پایش بلادرنگ وضعیت شرکت‌های بیمه استفاده نمایند. در این پژوهش با هدف طراحی و تبیین یک چارچوب هوشمند نظارت و ارزیابی توانگری مالی، روش‌شناسی بر پایه رویکردی ترکیبی-تحلیلی طراحی شده است که تلفیقی از تحلیل پوششی داده‌ها به عنوان ابزار ارزیابی کارایی و مدل‌های یادگیری ماشین توضیح‌پذیر به عنوان ابزار پیش‌بینی و هشدار زودهنگام ریسک را به کار می‌گیرد. در مرحله اول، مدل تحلیل پوششی داده‌ها برای سنجش کارایی و تاب‌آوری مالی شرکت‌های بیمه به کار رفته و تصویری مقایسه‌ای از نحوه استفاده مؤثر از منابع ارائه می‌دهد. در مرحله دوم، خروجی‌های مدل تحلیل پوششی داده‌ها به همراه شاخص‌های مالی و کلان اقتصادی وارد مدل‌های یادگیری ماشین توضیح‌پذیر می‌شوند تا احتمال افت توانگری در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت پیش‌بینی گردد.

یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که چارچوب DEA-ML قادر است شرکت‌های پریسک را با دقت بالا شناسایی کرده و برای ناظر، هشدارهای زودهنگام و تبیین‌پذیر تولید کند. این رویکرد، ضمن کاهش زمان و هزینه ارزیابی توانگری، می‌تواند تصمیم‌گیری نظارتی را از شکل سنتی و پستی، به نظارت هوشمند، پیش‌نگر و داده‌محور ارتقا دهد. نتایج همچنین بر ضرورت ایجاد چارچوب حاکمیت مدل، تقویت زیرساخت‌های داده‌ای و توانمندسازی نیروی انسانی ناظر برای استقرار موفق چنین نظامی تأکید دارد. در مجموع، یافته‌ها بیانگر ظرفیت بالای روش DEA-ML برای تبدیل داده‌های نظارتی به بینش‌های سیاستی و تصمیم‌سازی آینده‌نگر در صنعت بیمه است.

واژگان کلیدی: نظارت هوشمند، تحلیل پوششی داده‌ها، یادگیری ماشین، توانگری مالی.

۱. دکتری ریاضی کاربردی، (نویسنده مسئول)، کارشناس پژوهشی پژوهشکده بیمه، تهران، ایران، naser.bafekr@irc.ac.ir
۲. دکتری اقتصاد، گروه پژوهشی عمومی بیمه، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران، khamesian@irc.ac.ir
۳. دکتری مدیریت بازرگانی، کارشناس پژوهشی پژوهشکده بیمه، تهران، ایران، amir57phd@gmail.com



نقش ORSA و بررسی چالش‌های پیاده‌سازی: نظارت بر توانگری مالی و خودارزیابی ریسک با رویکرد SWOT

زهرا ایطا^{۱*}، شیماکل محمدی^۲

چکیده

صنعت بیمه به عنوان یکی از ارکان اصلی ثبات مالی هر کشوری، نقش حیاتی در جبران زیان‌ها و مدیریت ریسک‌های اقتصادی ایفا می‌کند. با این حال، پیچیدگی روزافزون ریسک‌های عملیاتی، بازار و اعتباری، نیاز به نظارت مستمر بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه را بیش از پیش آشکار کرده است. با توجه به پیچیدگی‌های محیط نظارتی و ریسک‌های نوظهور، بکارگیری چارچوب ORSA (Own Risk and Solvency Assessment) به عنوان یک الزام نظارتی و همچنین بخشی از استراتژی بلندمدت شرکت‌های بیمه برای حفظ سلامت مالی و افزایش اعتماد عمومی معرفی می‌شود. این مقاله به بررسی مبانی نظری و عملیاتی «نظارت بر توانگری مالی» و «خودارزیابی ریسک» در شرکت‌های بیمه می‌پردازد و نقش فرآیند ORSA را به عنوان ابزاری کلیدی در مدیریت ریسک و تضمین ثبات مالی تحلیل می‌کند. در این مقاله، علاوه بر تبیین اجزای کلیدی چارچوب ORSA، چالش‌های پیاده‌سازی آن و نقش عوامل داخلی و خارجی در بهبود فرآیندهای نظارتی نیز با استفاده از ماتریس SWOT و تحلیل رگرسیون خطی مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نظارت در بیمه، چارچوب ORSA، توانگری مالی، ارزیابی ریسک.

۱. مدیریت حوزه معاونت امور اجرایی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

z.ita@samaninsurance.ir

۲. اداره مناقصات، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

s.golmohamadi@samaninsurance.ir

پنل نظارت مبتنی بر ریسک

مقالات پوستری



A Dynamic Risk Modeling Approach to ORSA: Integration of Early Warning Indicators and Stress Testing Scenarios

Z. Rahmani^{1*}, Y. FarashbandGarmsir²

Abstract

This study aims to develop a dynamic analytical framework linking Early Warning Indicators (EWIs) with stress-test scenarios within the Own Risk and Solvency Assessment (ORSA) process. A Dynamic Risk Model (DRM) was applied to simulate variations of key financial variables including the Solvency Capital Requirement (SCR) ratio, loss ratio, and liquidity stability index over a 60-month horizon. The input data were entirely synthetic, generated through ARIMA and GARCH time-series models combined with Monte Carlo simulations for samples of 5, 20, and 30 insurance undertakings, aiming to assess risk dynamics across different portfolio sizes.

The results indicate that in the pre-shock scenario, the system remains relatively stable. Under a claim-increase shock of +30%, the average SCR decreased to around 0.95, and the early-warning month shifted from month 29 to approximately month 44, reflecting a delay in solvency signals. Conversely, a premium decline shock of -24% led to an SCR of about 0.825 with a stable DRM Index of 0.525, suggesting convergence of high-risk structures under intensified shocks. Moreover, enlarging the sample size from 5 to 30 companies reduced the SCR variance, supporting the stability of the DRM framework.

Overall, the combined ORSA-DRM approach effectively identifies the onset of financial instability and dynamically depicts the mechanisms of risk transmission, thereby enhancing Chief Financial Officer (CFO) and Chief Risk Officer (CRO) decision-making in defining optimal solvency early-warning thresholds. The findings confirm that integrating EWIs into the ORSA stress-testing process improves both the sensitivity and predictive power of solvency monitoring. The model demonstrates robustness across varying shock intensities and portfolio dimensions, while distinguishing transitory volatility from structural weaknesses. Methodologically, this research introduces a replicable dynamic framework that transforms ORSA from a static compliance routine into a forward-looking supervisory mechanism. Conceptually, it establishes a new analytical bridge between proactive solvency management and quantitative early-warning design representing a substantive innovation for actuarial modeling and risk governance.

Keywords: Own Risk and Solvency Assessment (ORSA), Early Warning Indicators (EWIs), Dynamic Risk Model (DRM), Stress-Testing, Solvency Capital Requirement (SCR).

1. Department of Actuarial Science, ECO College of Insurance, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, (Corresponding Author) anahitarahmani4500@gmail.com

2. Department of Insurance Management, ECO College of Insurance, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran yashr.fa@gmail.com



اثر دیدگاه نظارت مبتنی بر ریسک شرکت‌های بیمه بر تقویت حاکمیت شرکتی

سمیه میره^{۱*}، مرجان کریمی^۲

چکیده

صنعت بیمه به دلیل ماهیت پیچیده و نقش حیاتی آن در اقتصاد، نیازمند سازوکارهای نظارتی قوی است تا از ثبات و سلامت این بخش اطمینان حاصل شود. نظارت مبتنی بر ریسک یکی از رویکردهای نوین در تنظیم و کنترل فعالیت شرکت‌های بیمه است که با تمرکز بر ارزیابی ریسک‌های ذاتی و کنترلی، به جای کنترل صرف شاخص‌های مالی، به ارتقای شفافیت، پاسخگویی و ثبات مالی منجر می‌شود. از سوی دیگر، حاکمیت شرکتی به عنوان سازوکاری برای جهت‌دهی، کنترل و پاسخگویی در بنگاه‌های اقتصادی، نقشی اساسی در سلامت و پایداری صنعت بیمه دارد. این مقاله با هدف بررسی اثر دیدگاه نظارت مبتنی بر ریسک بر تقویت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بیمه تدوین شده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر روش حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) و نرم‌افزار SmartPLS تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نظارت مبتنی بر ریسک به عنوان یک شاخص کلیدی، تأثیر قابل توجهی بر ساختار و سازماندهی مدیریت ریسک و تأثیر غیر مستقیم و از طریق اثر میانجی ساختار و سازماندهی، بر عوامل انسانی و فرهنگی دارد. به طور کلی می‌توان بیان کرد که رویکرد نظارت مبتنی بر ریسک شرکت‌های بیمه بر تقویت حاکمیت شرکتی آنها موثر بوده است.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر ریسک، حاکمیت شرکتی، سیستم مدیریت ریسک، ساختار و سازماندهی، عوامل انسانی و فرهنگی.

۱. بیمه مرکزی ج.ا.ایران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

s_mireh@sbu.ac.ir

۲. بیمه مرکزی ج.ا.ایران، تهران، ایران

karimi.marjan@gmail.com



ارائه الگوی ارزیابی ریسک از طریق چارچوب ORSA در شرایط محیط اقتصادی در صنعت بیمه

عقیق عبدالوهاب نیا^{۱*}، منیژه یادگاری^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه الگویی برای ارزیابی ریسک از طریق چارچوب ORSA در شرایط محیط اقتصادی صنعت بیمه ایران است. پژوهش از نظر رویکرد، آمیخته اکتشافی بوده و در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مدیران و کارشناسان شرکت سهامی بیمه ایران، داده‌ها گردآوری و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. در این مرحله ۱۵ مشارکت‌کننده حضور داشتند و اشباع نظری حاصل شد. بر مبنای یافته‌های کیفی، الگویی پارادایمی طراحی شد. در بخش کمی، جامعه آماری شامل مدیران، کارشناسان و نمایندگان بیمه ایران بود که با روش خوشه‌ای-تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار G*Power برابر با ۱۳۰ نفر برآورد گردید. ابزار گردآوری داده پرسشنامه محقق ساخته با ۱۱ سازه و ۶۹ گویه بود که روایی و پایایی آن با روش‌های علمی تأیید شد. داده‌ها با نرم‌افزار SmartPLS تحلیل شد. بر اساس الگوی پارادایمی پژوهش مشخص گردید شرایط علی (پیچیدگی پرتفوی بیمه‌ای، نوسانات بازارهای مالی، ضعف سیستم‌های داده‌محور، فشارهای نظارتی و الزامات قانونی) بر پدیده محوری (ارزیابی ریسک در صنعت بیمه) اثرگذارند. پدیده محوری در تعامل با شرایط زمینه‌ای (شرایط محیط اقتصادی) و شرایط مداخله‌گر (ساختار نهادی و حاکمیت شرکتی) بر راهبردها و اقدامات (کاربست چارچوب ORSA) تأثیر می‌گذارند و این راهبردها به پیامدهایی نظیر تقویت توانگری مالی، ارتقای شفافیت و اعتماد عمومی، تاب‌آوری در برابر بحران‌های اقتصادی منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، توانگری مالی، چارچوب ORSA، محیط اقتصادی، صنعت بیمه.

۱. عضو هیئت مدیره و سرپرست شرکت، بیمه اتکایی ایران معین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Yadegarimanije1982@gmail.com

۲. رئیس اداره اتکایی بیمه‌های باربری، شرکت بیمه اتکایی ایران معین، تهران، ایران

Abdolvahabnia86@yahoo.com



ارتقای ORSA به نظارت ریسک محور لحظه‌ای: چارچوب یکپارچه برای ادغام ریسک‌های نوظهور و تقویت حاکمیت شرکتی (مطالعه تطبیقی: لویدز/انگلستان و بازار در حال توسعه)

سامان ربیعی طرئی^{*۱}

چکیده

در سال‌های اخیر، ساختار و شدت ریسک‌های نوظهور - از جمله مخاطرات سایبری پیچیده، خسارت‌های اقلیمی رو به فزونی و شوک‌های زنجیره‌ای ژئوپلیتیک - نشان داده‌اند که رویکردهای نظارتی سنتی و فرایندهای دوره‌ای ارزیابی ریسک (مانند ORSA به صورت سالانه یا فصلی) دیگر برای تضمین ثبات مالی و حفاظت از ذی‌نفعان کافی نیستند. این مقاله چارچوبی یکپارچه را پیشنهاد می‌دهد که هدف آن تبدیل ORSA از یک «فرآیند گزارش محور» به یک «سیستم پایش پیش‌بین و لحظه‌ای» است؛ چارچوبی که سه عنصر مکمل را همزمان تلفیق می‌کند: (۱) مجموعه‌ای ساختاریافته از شاخص‌های پیش‌بین چندبعدی برای پایش همزمان ریسک‌های سایبری، اقلیمی و اعتباری، (۲) سازوکارهای عملیاتی و فنی برای تبدیل خروجی‌های پایش به رویه‌های اجرایی شرکت (Decision-to-Action) از طریق بازتعریف سازوکارهای حاکمیت شرکتی، و (۳) روش‌شناسی‌های شبیه‌سازی و آزمایش سیاست (policy pre-deployment testing) مبتنی بر نمونه‌سازی و سناریونویسی که رگولاتورها و شرکت‌ها را قادر می‌سازد تأثیر سیاست‌ها را پیش از ابلاغ ارزیابی کنند. مقاله با مروری نظام‌مند بر استانداردها و تجربه‌های بین‌المللی (از جمله راهنمایی‌های EIOPA/Solvency II, IAIS و سوپروایزرهای ملی مانند PRA) و تحلیل اسناد و گزارش‌های مرجع بازار (به‌ویژه اسناد لویدز) آغاز می‌شود و سپس چارچوب نظری-عملی پیشنهادی را معرفی می‌کند، متدولوژی نمونه‌سازی و سناریونویسی را تشریح می‌کند و از طریق دو مطالعه موردی تطبیقی (بازار انگلستان با تمرکز بر تجربه

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت بازرگانی - گرایش سیاست‌گذاری، پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
saman.tarie@gmail.com

نکته: کلیه آمار ذکر شده در این پژوهش توسط یکی از اساتید ایرانی دانشگاه نیوجرسی آمریکا (واحد اقتصاد) با اخذ تعهد از پژوهشگر مبنی بر تنها استفاده در پژوهش و عدم استفاده در بخش تجاری از بزرگترین شرکت‌های بیمه جهانی اخذ شده است.



لویدز و یک بازار در حال توسعه) پایداری، اثربخشی و قابلیت بومی‌سازی چارچوب را نشان می‌دهد. نتایج شبیه‌سازی و تحلیل‌های کمی پیشنهادی نشان می‌دهد که چارچوب می‌تواند میانگین زمان تشخیص شوک (Detection Lead Time) را به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهد، نرخ هشدارهای نادرست را در سطح قابل‌قبول نگه‌دارد و احتمال کسری سرمایه را در سناریوهای بحرانی کاهش دهد. در خاتمه، مقاله مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی، جدول اقدامات اجرایی ۳-۱۲ ماهه و چک‌لیست پیاده‌سازی برای رگولاتورها و مدیران اجرایی ارائه می‌دهد تا چارچوب پیشنهادی به‌سرعت قابل‌پایلو و مقیاس‌پذیر باشد. منابع و ارجاعات به گزارش‌ها و دستورالعمل‌های معتبر EIOPA، IAIS، PRA و اسناد لویدز پیوست شده‌اند.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر ریسک، ORSA 2.0، شاخص‌های پیش‌بین، حاکمیت شرکتی، لویدز.



ارزیابی توانگری مالی مبتنی بر چارچوب ORSA و شاخص‌های اخطار زودهنگام با به کارگیری ابزارهای نوین سنجش ریسک در

صنعت بیمه

مصطفی سامانی^{۱*}

چکیده

مقدمه: توانگری مالی به عنوان معیاری کلیدی برای ارزیابی سلامت مالی مؤسسات بیمه‌ای محسوب می‌شود. چارچوب ORSA^۲ به عنوان یک رویکرد نوین، مؤسسات را قادر می‌سازد تا با ادغام ریسک‌های مختلف و استفاده از شاخص‌های اخطار زودهنگام، توانگری خود را در سناریوهای مختلف ارزیابی کنند. هدف: این پژوهش به بررسی تأثیر به کارگیری چارچوب ORSA و شاخص‌های پیش‌هشدار بر دقت سنجش توانگری مالی با استفاده از ابزارهای نوین ریسک می‌پردازد. روش: مطالعه حاضر از نوع تحلیلی - کاربردی است و داده‌های مالی بیست شرکت بیمه‌ای طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ جمع‌آوری شده است. از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. یافته‌ها: نتایج نشان داد که اجرای چارچوب ORSA و شاخص‌های پیش‌هشدار به طور معناداری ($Pvalue < 0.05$) دقت ارزیابی توانگری مالی را بهبود می‌بخشد. همچنین، ابزارهای نوین سنجش ریسک مانند VaR و ES همبستگی قوی با شاخص‌های توانگری دارند. نتیجه‌گیری: ادغام چارچوب ORSA با شاخص‌های پیش‌هشدار و ابزارهای نوین ریسک، می‌تواند به عنوان یک راهبرد مؤثر برای نظارت بر توانگری مالی در صنعت بیمه مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توانگری مالی، چارچوب ORSA، شاخص‌های اخطار زودهنگام، ارزش در معرض ریسک (VaR)^۳، کمبود مورد انتظار (ES)^۴، صنعت بیمه.

۱. کارشناس ارشد حسابداری و لیسانس مدیریت بازرگانی، کارشناس مالی بیمه کوثر خراسان رضوی (مشهد)،

mostafa.samani1987@gmail.com

ایران، (نویسنده مسئول)

2. Own Risk and Solvency Assessment

3. Value at risk

4. Expected Shortfall



ارزیابی سازوکارهای راهبری در ارتقای کارآمدی نظارت ریسک‌محور در شرکت‌های بیمه

فریبا صابری^{۱*} مجتبی قاسمیان^۲

چکیده

هدف این پژوهش ارزیابی سازوکارهای راهبری در ارتقای کارآمدی نظارت ریسک‌محور در شرکت‌های بیمه می‌باشد. مسئله اینست که ضعف در شفافیت و گزارش‌دهی ریسک‌ها که مانع شناسایی به‌موقع و مدیریت مؤثر ریسک‌های مالی و عملیاتی می‌شود.

این پژوهش از نوع توصیفی است که داده‌های آن از طریق پرسشنامه و نمونه‌ای متشکل از ۱۴۲ نفر از کارکنان صنعت بیمه به روش تصادفی ساده گردآوری شده است. پایایی سوالات با آزمون آلفای کرونباخ تایید گردید. برای بررسی متغیرها و تاثیر پذیری هریک از آنها از نرم افزار SPSS 25 استفاده شده است. همچنین آزمون نرمالیت، و آزمون رگرسیون نیز صورت پذیرفت.

براساس یافته‌های پژوهش میتوان نتیجه گرفت که شفافیت و گزارش‌دهی منظم، زیرساخت‌های فناوری و سیستم اطلاعات، تعامل و گفتگوی سازنده با شرکت‌های بیمه، وجود چارچوب قانونی و مقرراتی مشخص و فرهنگ سازمانی ریسک‌محور همبستگی مثبت معنادار با نظارت ریسک‌محور دارند و نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ریسک‌های فوق‌الذکر وارد معامله رگرسیون شدند.

پیشنهاداتی از قبیل توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و سیستم‌های تحلیل داده، استفاده از شبیه‌سازی و سناریوهای ریسک، افزایش شفافیت و گزارش‌دهی تحلیلی و پایش مستمر و بازنگری فرآیندهای نظارتی ارائه گردید.

واژگان کلیدی: نظارت ریسک‌محور، چارچوب قانون، فرهنگ سازمانی، گزارش منظم.

۱. کارشناسی ارشد کارآفرینی گرایش توسعه، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، ایران، تهران، (نویسنده مسئول)
f.saberi86@ut.ac.ir

۲. مدیر بیمه‌های اتومبیل، بیمه میهن، تهران، ایران

mohtabaghasemian20@gmail.com



ارزیابی و پایش سلامت پرتفوی برای سودآوری پایدار شرکت‌های بیمه

سعید بایقره^{۱*}، سید محمد جعفرعلائی^۲، مهتاب احقاقی^۳

چکیده

در راستای تحقق اهداف کلان مالی و الزامات مدیریت ریسک در صنعت بیمه، ارزیابی و پایش سلامت پرتفوی شرکت‌های بیمه به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی ثبات و سودآوری پایدار، اهمیتی فزاینده یافته است. این پژوهش با استفاده از داده‌های فنی و مالی پنج ساله شرکت بیمه سینا، چارچوبی کمی، ریسک‌محور و آینده‌نگر را برای سنجش سلامت پرتفوی بیمه‌ای ارائه می‌کند. مدل پیشنهادی بر مبنای مفهوم «ارزش پرتفوی بیمه‌ای» طراحی شده است، به طوری که با استفاده از ترکیب نمایی موزون متغیرهای شدت، فراوانی و نوسان خسارت و همچنین ضریب خسارت با در نظر گرفتن ارزش زمانی پول، قادر است رفتار آتی پرتفوی را نیز پیش‌بینی کند. نتایج نشان می‌دهد که شاخص سلامت پرتفوی تحت تأثیر مستقیم ترکیب رشته‌ها، ضریب خسارت و نوسانات آن قرار دارد؛ به گونه‌ای که کاهش سهم رشته درمان به کمتر از ۴۵ درصد و افزایش سهم رشته‌های اموال به بیش از ۳۵ درصد موجب بهبود پایایی و سلامت پرتفوی می‌شود. بر این اساس، مدل می‌تواند به عنوان ابزار تصمیم‌یار مدیریتی در ارزیابی کیفیت پرتفوی، پیش‌بینی ریسک‌های آتی و تدوین سیاست‌های فروش مورد استفاده قرار گیرد و مکملی کاربردی برای شاخص‌های توانگری مالی و ریسک فنی شرکت‌های بیمه در ایران باشد.

واژگان کلیدی: سلامت پرتفوی، مدیریت ریسک بیمه، شاخص PVS، PHI، ضریب خسارت، ثبات مالی.

۱. کارشناسی ارشد مهندسی مالی، دانشگاه امیرکبیر، مدیر برنامه‌ریزی و توسعه کسب و کار شرکت بیمه سینا، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
saeed.bayghareh@gmail.com

۲. دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه ژان مولن، فرانسه، سرپرست معاونت برنامه‌ریزی و توسعه کسب و کار شرکت بیمه سینا، تهران، ایران
mjalaiei@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
mahtabehghaghi@gmail.com



اهمیت حاکمیت شرکتی و نظارت ریسک‌محور در سودآوری شرکت‌های بیمه

محمدعلی رجاء بهشتی^۱

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین نقش ریسک عملکرد نیروی انسانی به‌عنوان حلقه مفقوده در حاکمیت شرکتی و نظارت ریسک‌محور شرکت‌های بیمه و ارائه راهکارهای یکپارچه‌سازی آن است. علیرغم تمرکز سنتی این صنعت بر ریسک‌های کمی، خطاهای نیروی انسانی تهدیدی جدی برای ثبات و سودآوری بلندمدت محسوب می‌شود. این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی و بامطالعه کتابخانه‌ای نظام‌مند اسناد معتبر و استانداردهای بین‌المللی انجام شده است، نشان می‌دهد که ریسک عملکرد نیروی انسانی چگونه می‌تواند در قالب ریسک فرآیندی، انطباقی، شهرت و تقلب تجلی‌یافته و به زیان مالی مستقیم، کاهش سهم بازار و آسیب به اعتبار شرکت بینجامد. یافته‌ها حاکی از آن است که یک چارچوب نظارتی جامع باید با ادغام شاخص‌های پیش‌نگر (KRI) و عقب‌مانده (KPI) و هدایت آن توسط اهداف و نتایج کلیدی (OKR)، ریسک را پایش نماید. در پایان، یک مدل عملیاتی سه‌سطحی متشکل از راهکارهای پیشگیرانه (مانند گزینش و آموزش هوشمندانه)، کنترلی (مانند دستگاه‌های بازیابی کیفیت و گزارش‌دهی محرمانه) و اصلاحی (مانند نظام عادلانه انگیزش و توانمندسازی) ارائه شده است. این پژوهش توصیه می‌کند با نهادینه کردن این ریسک در نقشه ریسک شرکت و ترویج فرهنگی مبتنی بر شفافیت و یادگیری، زیرساختی برای دستیابی به مزیت رقابتی پایدار ایجاد نمایند.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، ریسک عملکرد و سودآوری.

۱. دکترای مدیریت کسب‌وکار، سرپرست دفتر مطالعات و پژوهش محصولات بیمه معلم، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
rbeheshhti.ma@gmail.com



بررسی اثرات ضریب نفوذ بیمه و توانگری مالی بر رشد اقتصادی در ایران

ناهید بهاروند^{۱*}

چکیده

یکی از اساسی‌ترین اهداف توسعه‌ی اقتصادی کشورهای در حال توسعه، دستیابی به رشد اقتصادی همراه با بهبود ضریب جینی است. بر این اساس است که سیاست‌گذاران اقتصادی به دنبال اتخاذ سیاست‌های همزمان بهبود رشد و توزیع درآمد در اقتصاد هستند. صنعت بیمه با توجه به نقش کارکردی خود در مدیریت ریسک و توزیع درآمد، می‌تواند به این بهبود وضعیت اقتصادی کمک شایانی نماید. هدف از مطالعه حاضر، بررسی تأثیر ضریب نفوذ بیمه بر رشد اقتصادی و ضریب جینی طی سال‌های ۱۴۰۳-۱۳۵۰ است که برای این منظور از روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده شده است. نتایج این بررسی حاکی از آن است که در کوتاه‌مدت، بهبود ضریب نفوذ بیمه در ایران دسترسی همزمان رشد اقتصادی و بهبود ضریب جینی را فراهم می‌کند. در حالی که، در بلندمدت بهبود ضریب نفوذ بیمه تنها رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. نتایج دیگر نشان می‌دهد که لگاریتم متغیرهای درآمد نفتی، توانگری مالی، سرمایه انسانی و فیزیکی دارای اثرات مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی هستند. هم‌چنین، لگاریتم نرخ تورم کشور بر رشد اقتصادی اثر منفی و معناداری دارد. نتایج حاصل از تصحیح خطای برداری نشان می‌دهد که ۸۷/۳ درصد از عدم تعادل لگاریتم متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت جینی در هر دوره تعدیل می‌شوند. طبقه‌بندی JEL: O42, D31, G22.

واژگان کلیدی: ضریب نفوذ بیمه، توانگری مالی، رشد اقتصادی، روش ARDL.

۱. کارشناس بیمه و دانش آموخته دکتری علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه

baharvand_n@bimehalborz.ir nahid_baharvand@semnan.ac.ir

سمان، سمنان، ایران،



بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر پذیرش نظارت فناوریانه در صنعت بیمه ایران

مهسا گودرزی^{۱*}، پردیس فولادی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ابعاد حاکمیت شرکتی بر پذیرش فناوری‌های نظارتی (RegTech) در شرکت‌های بیمه ایران می‌پردازد. با استفاده از داده‌های ۱۸ شرکت بیمه فعال طی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ و تحلیل رگرسیون لجستیک، اثر متغیرهایی مانند اندازه هیأت‌مدیره، درصد مدیران مستقل، مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت بر احتمال پذیرش سامانه‌های فناوریانه بررسی شد. نتایج نشان داد که اندازه هیأت‌مدیره و حضور مدیران مستقل بیشترین اثر مثبت را بر پذیرش فناوری‌های نظارتی دارند، در حالی که مالکیت نهادی یا دولتی و تمرکز بالای سهام، احتمال پذیرش را کاهش می‌دهند. همچنین، اندازه و قدمت شرکت نقش حمایتی در پذیرش فناوری‌ها دارند. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی سیاست‌ها و استراتژی‌های مدیریتی مبتنی بر حاکمیت شرکتی مناسب برای تسریع پذیرش فناوری و کاهش مقاومت سازمانی تأکید دارند. مطالعه حاضر علاوه بر ارتقای ادبیات علمی، راهنمای عملی برای مدیران شرکت‌های بیمه و سیاست‌گذاران نظیر بیمه مرکزی فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، فناوری‌های نظارتی (RegTech)، رگرسیون لجستیک، نوآوری فناوریانه، مدیران مستقل، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت.

۱. کارشناسی ارشد اکچوئری، شرکت بیمه زندگی آگاه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mahsagoudarzi10@gmail.com

۲. دکتری مهندسی مالی، شرکت بیمه زندگی آگاه، تهران، ایران

fooladi.pardis@gmail.com



بررسی تأثیر فناوری‌های نظارتی بر توانگری مالی در صنعت بیمه

خدیجه پورزال^۱، نوروز نوراله زاده^{۲*}، رویا دارابی^۳، سیده محبوبه جعفری^۴

چکیده

با گسترش فناوری‌های دیجیتال، صنعت بیمه با تغییرات اساسی در فرآیندهای نظارتی و مدیریت ریسک مواجه شده است. این پژوهش به بررسی تأثیر فناوری‌های نظارتی، شامل سامانه‌های RegTech، هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های کلان و بلاک‌چین، بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه ایرانی در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ می‌پردازد. داده‌های پانلی ۱۰ شرکت بیمه با استفاده از صورت‌های مالی و گزارش‌های نهاد ناظر جمع‌آوری و برای تحلیل آماری مدل رگرسیون اثرات ثابت به کار گرفته شد. نتایج نشان داد که فناوری‌های نظارتی، به‌ویژه هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های کلان، تأثیر مثبت و معناداری بر توانگری مالی دارند و موجب افزایش شفافیت، کاهش ریسک‌های عملیاتی و ارتقای تاب‌آوری مالی شرکت‌ها می‌شوند. در مقابل، نسبت‌های مالی سنتی مانند نسبت خسارت و نسبت هزینه به درآمد اثر منفی بر توانگری مالی دارند. یافته‌ها تأکید می‌کنند که سرمایه‌گذاری هدفمند در فناوری‌های نظارتی دیجیتال و بهره‌گیری از رویکردهای داده‌محور، ابزارهای کلیدی برای پایداری و توسعه صنعت بیمه در عصر دیجیتال هستند. این پژوهش می‌تواند راهنمای مدیران و سیاست‌گذاران برای طراحی نظام‌های نظارتی هوشمند و ارتقای تاب‌آوری مالی باشد.

واژگان کلیدی: توانگری مالی، فناوری‌های نظارتی، صنعت بیمه.

۱. دانشجوی دکتری مالی، بیمه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

Kh.pourzal@iaui.ac.ir

۲. استادیار، حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد تهران جنوب، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Nour547@iaui.ac.ir

۳. استاد، حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد تهران جنوب، تهران، ایران

royadarabi110@iaui.ac.ir

۴. استادیار، حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد تهران جنوب، تهران، ایران

Jafari404@iaui.ac.ir



بررسی تأثیر مقررات توانگری مالی بر سرمایه‌گذاری بیمه‌گران و ریسک سیستمیک ناشی از آن

محمد مصطفی زاده^{۱*}، تارا خسروجردی^۲

چکیده

چارچوب‌های نوین توانگری مالی، که نمونه بارز آن مدل توانگری ۲ در اروپاست، با هدف حفاظت بیمه‌گذاران از طریق پیوند دادن الزامات سرمایه‌ای به ریسک‌های سرمایه‌گذاری بیمه‌گران، طراحی شده‌اند. در این مقاله، نقش دوگانه بیمه‌گران به عنوان مدیران ریسک و سرمایه‌گذاران نهادی بررسی شده و تنش میان ثبات در سطح شرکت و ریسک‌های سیستمیک واکاوی شده‌اند. همچنین، با استفاده از مرور منابع دانشگاهی، نظارتی و صنعتی، تأثیرگذاری قوانین توانگری بر تخصیص دارایی و ایجاد ریسک‌های سیستمیک ناخواسته مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مقررات مبتنی بر ریسک مانند مدل توانگری ۲، بیمه‌گران را ترغیب می‌کنند تا پرتفوی خود را از دارایی‌های پر هزینه مانند سهام، به سمت اوراق قرضه دولتی و شرکتی با هزینه کم‌تر سوق دهند. این تغییر جهت می‌تواند از طریق هم‌نوسانی با چرخه اقتصادی (Procyclicality) (فروش اجباری دارایی‌ها در بازارهای نزولی) و رفتار گله‌ای (Herding)، آسیب‌پذیری و ریسک‌های سیستمیک را ایجاد کند. در ایران، تأثیر آیین‌نامه شماره ۶۹ بر سرمایه‌گذاری، عمدتاً تحت الشعاع تورم بالا قرار گرفته است؛ ریسک سیستمیک نه از پیچیدگی مقررات، بلکه از کاستی‌های آن نشأت می‌گیرد- یعنی، قیمت‌گذاری کمتر از واقع و سرمایه‌گذاری ناکافی در برابر ریسک‌های فاجعه‌بار زلزله، آسیب‌پذیری‌ای که با ایجاد صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان (IBCIP)، تشدید خواهد شد.

واژگان کلیدی: مدل توانگری ۲، ریسک سیستمیک، مقررات بیمه، پرتفوی سرمایه‌گذاری، نظارت مبتنی بر ریسک.

۱. مدیریت بیمه اتکایی، شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

m.mostafazadeh@samanre.com

۲. مدیریت بیمه اتکایی، شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران

t.khosrojerdi@samanre.com



بهینه‌سازی مدیریت ریسک بیمه کشتی با فناوری نظارتی و مدل‌های یادگیری ماشین

سمیه امینی فر^{۱*}

چکیده

مدیریت ریسک خسارت در بیمه بدنه کشتی در ایران با چالش‌های نظارتی روبه‌روست. این پژوهش با هدف توسعه‌ی چارچوبی داده‌محور برای پیش‌بینی ریسک خسارت و پشتیبانی از نظارت فناوریانه (SupTech) در صنعت بیمه ایران انجام شده است. روش‌شناسی، بر تحلیل ۵۰۹۸۰ رکورد بیمه‌نامه و ۶۳ پرونده‌ی خسارت شرکت بیمه البرز (۱۳۹۹-۱۴۰۳) با تلفیق داده‌های ساختاری و متنی فارسی استوار است. در بخش متنی، شرح حادثه با مدل ParsBERT به بردارهای معنایی تبدیل شد و ویژگی‌های حاصل با الگوریتم‌های یادگیری ماشین مدل‌سازی شدند. نتایج نشان داد مدل گرادیان بوستینگ (XGBoost) با دقت ۰٫۹۲ و $AUC=0.94$ عملکرد برتری در پیش‌بینی وقوع خسارت دارد. مدل شدت خسارت نیز عملکرد قابل‌قبولی ($R^2=0.81$) در برآورد پیامدها نشان داد. تحلیل SHAP تأیید کرد که متغیرهای تعداد خدمه، سابقه خسارت، و واژگان مرتبط با عیب فنی و تصادم بیشترین تأثیر را در ریسک دارند. علاوه بر آن، تحلیل ناهنجاری (Anomaly Analysis) حدود ۴٫۸٪ از پرونده‌های پرریسک با الگوی غیرمعمول را شناسایی کرد. نوآوری این چارچوب ترکیبی، ارائه‌ی الگویی تعمیم‌پذیر برای توسعه‌ی سامانه‌های SupTech و تنظیم‌گری هوشمند است که ریسک را در ابعاد «احتمال وقوع، شدت پیامد و ناهنجاری» مدیریت می‌کند.

واژگان کلیدی: نظارت فناوریانه (SupTech)، بیمه بدنه کشتی، یادگیری ماشین، ParsBERT، مدل‌سازی ریسک خسارت.



تأثیر آیین‌نامه ۹۳ بر هزینه‌های عملیاتی و کارایی مالی بیمه

محمدجواد منصورقنای^{۱*}، سیده سوگل شهرستانی^۲، فاطمه امینی^۳، هادی فرهی^۴

چکیده

این پژوهش به بررسی اثرات اجرای آئین‌نامه ۹۳ حاکمیت شرکتی بر هزینه‌های عملیاتی و کارایی مالی شرکت‌های بیمه می‌پردازد و به‌طور خاص بر آیین‌نامه ۹۳ شورای عالی بیمه مصوب سال ۱۳۹۶ را متمرکز شده است. مقاله یک مسئله مهم در سیاست‌گذاری را بررسی می‌کند: آیا الزامات سخت‌گیرانه‌تر حاکمیت شرکتی در نهایت از طریق افزایش کارایی، عملکرد مؤسسات مالی را بهبود می‌بخشد یا هزینه‌های بیش از حدی ناشی از رعایت آن را به بیمه‌گرتحمیل می‌نماید؟ این پژوهش با استفاده از مجموعه داده‌های صورتهای مالی منحصربه‌فرد هشت شرکت بیمه بورسی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ و بهره‌گیری روش شناختی پیشرفته‌ای که تحلیل مرزی تصادفی (SFA) را برای ارزیابی کارایی و برآورد تفاوت در اختلاف‌ها (DID) را برای شناسایی علی‌ترکیب می‌کند، صورت پذیرفته است. این رویکرد تجربی امکان اندازه‌گیری دقیق کارایی هزینه را با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص شرکت‌ها و متغیرهای اقتصاد کلان فراهم می‌کند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اگرچه اجرای آئین‌نامه ۹۳ ابتدا هزینه‌های عملیاتی را حدود ۱۵/۶ درصد افزایش داد، اما همزمان کارایی هزینه را ۴۳/۹ درصد و سودآوری را ۳۲/۶ درصد بهبود بخشید. روش تحلیل ناهمگنی نشان داد که شرکت‌های متوسط بیشترین بهبود کارایی را تجربه کرده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که اجرای آئین‌نامه ۹۳ به همراه ساختاردهی مجدد مدیریت ریسک، با وجود هزینه‌های اولیه مربوطه، می‌تواند از طریق تخصیص بهینه منابع و ایجاد انضباط عملیاتی، نتایج مثبتی به همراه داشته است. این مطالعه با ارائه شواهد تجربی قوی در زمینه یک بازار نوظهور، به غنای ادبیات موجود کمک کرده و بینش‌های ارزشمندی برای سیاست‌گذاران در طراحی چارچوب‌های حاکمیتی که اهداف نظارتی را با کارایی عملیاتی هماهنگ می‌کنند، ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، تحلیل مرزی تصادفی، تفاوت در اختلاف‌ها.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت ایران (سیستم‌های انرژی)، کارشناس مسئول بیمه‌های مهندسی بیمه پارسیان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) M.j.ghanai32@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبائی (گرایش مدیریت بیمه)، رئیس اداره صدور بیمه‌های مهندسی بیمه پارسیان، تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت MBA (گرایش مالی)، دانشگاه اراک، کارشناس صدور بیمه‌های مهندسی، تهران، ایران

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبائی (گرایش مدیریت بیمه)، مدیر بیمه‌های مهندسی بیمه پارسیان، تهران، ایران



تأثیر حاکمیت شرکتی بر پیاده‌سازی موفق چارچوب ارزیابی توانگری و ریسک (ORSA) در نظام نظارت مبتنی بر ریسک

الناز اسدیان^{۱*}، حسن پور کاظمی مصر دشتی^۲، رضا زارعی^۳

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت اجرای چارچوب ارزیابی توانگری و ریسک در شرکت‌های بیمه می‌پردازد. هدف اصلی مطالعه، شناسایی نقش مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی شامل ترکیب هیئت‌مدیره، سیاست‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری، شفافیت و افشای اطلاعات، فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای، و نظارت و کنترل داخلی در بهبود اجرای ORSA است. نمونه پژوهش شامل ۱۷۰ نفر از کارکنان و مدیران شرکت‌های بیمه ایران بوده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد است. داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری کواریانس محور و نرم‌افزار SmartPLS 4 تحلیل شد. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت اجرای ORSA دارد. به‌طور خاص، ترکیب هیئت‌مدیره، شفافیت و افشای اطلاعات و فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای نقش مؤثری در ارتقای اجرای ORSA ایفا می‌کنند، در حالی که سیاست‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری و نظارت و کنترل داخلی اثر معنادار نداشتند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت ORSA تنها با وجود سازوکارهای ساختاری کافی نیست و توسعه شفافیت اطلاعات و فرهنگ سازمانی برای دستیابی به اجرای اثربخش ضروری است. نتایج پژوهش می‌تواند به مدیران و سیاستگذاران صنعت بیمه در بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ارتقای کیفیت مدیریت ریسک و توانگری شرکت‌ها کمک کند.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، ORSA، ارزیابی توانگری و ریسک، شرکت‌های بیمه، شفافیت مالی، فرهنگ سازمانی

۱. رئیس اداره بودجه و گزارشات بیمه سرمد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) elnaz.asadian@gmail.com

۲. قائم مقام بیمه سرمد، تهران، ایران H.Pourkazemi@sarmadins.ir

۳. مدیریت امور مالی بیمه سرمد، تهران، ایران Re.Zarei@sarmadins.ir



تحلیل اثربخشی ابزارهای نوین ریسک سنجی در پیش‌بینی بحران‌های بیمه‌ای

مصطفی ضیائی برار^{۱*}، سحر پور کاویان^۲

چکیده

با توجه به افزایش پیچیدگی محیط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی، بحران‌های بیمه‌ای به یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای پایداری صنعت بیمه تبدیل شده‌اند. ابزارهای سنتی ریسک‌سنجی به دلیل ماهیت خطی و محدودیت در تحلیل داده‌های کلان، توانایی کافی در پیش‌بینی و کنترل این بحران‌ها را ندارند. هدف پژوهش حاضر، تحلیل اثربخشی ابزارهای نوین ریسک‌سنجی در پیش‌بینی بحران‌های بیمه‌ای و ارائه چارچوبی کارآمد برای بهبود تصمیم‌گیری مدیران بیمه‌ای است. روش تحقیق از نوع کاربردی-توصیفی بوده و با مرور نظام‌مند ادبیات داخلی و خارجی، شناسایی ابزارهای نوین شامل مدل‌های یادگیری ماشین، تحلیل شبکه‌ای، مدل‌های فاجعه، تحلیل متن و داده‌های کلان، و سیستم‌های هشدار زودهنگام صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد استفاده ترکیبی از این ابزارها می‌تواند دقت پیش‌بینی بحران‌ها را افزایش داده، زمان واکنش شرکت‌های بیمه را کاهش دهد و از بروز ناپایداری‌های مالی جلوگیری نماید. همچنین، یکپارچه‌سازی ابزارهای ریسک‌سنجی با زیرساخت داده و حاکمیت مؤثر اطلاعات، اثربخشی این فرایند را به طور چشمگیری ارتقا می‌دهد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود شرکت‌های بیمه‌ای با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و توسعه ظرفیت تحلیلی، توان تاب‌آوری خود را در برابر بحران‌های آینده افزایش دهند.

واژگان کلیدی: ریسک‌سنجی نوین، بحران بیمه‌ای، یادگیری ماشین، مدل فاجعه، تحلیل شبکه‌ای، سیستم هشدار زودهنگام.

۱. کارشناس خدمات بیمه‌گری (بیمه سامان)، کارشناسی مدیریت بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

m.ziaei@samaninsurance.ir

۲. کارشناس پشتیبان خدمات بیمه‌گری (بیمه سامان)، کارشناس ارشد مدیریت HSE، تهران، ایران

kavianisahar72@gmail.com



تحلیل تطبیقی چارچوب‌های جهانی نظارت ریسک‌محور در بیمه با تأکید بر افت توانگری مالی

فاطمه سوری^{۱*}، نسترن حیدریگی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین وضعیت و روند همگرایی نظارت ریسک‌محور در بازارهای اصلی بیمه جهان و ارائه دلالت‌های آن برای پیش‌بینی افت توانگری مالی انجام شده است. رویکرد مطالعه توصیفی-تحلیلی و تطبیقی (کیفی) است. بر پایه چارچوب یازده معیاره کومینز-هولتسمولر، شش نظام نظارتی شامل اتحادیه اروپا، ایالات متحده، چین، برزیل، استرالیا و آفریقای جنوبی ارزیابی شده‌اند. داده‌ها از اسناد رسمی نهادهای ناظر، استانداردهای بین‌المللی و گزارش‌های تخصصی گردآوری و با تحلیل محتوای کیفی بررسی شد. در بعد فنی، معیارهای سنجش ریسک (عمدتاً VaR با افق یک‌ساله) و مؤلفه‌های کلیدی مانند ارزش‌گذاری منطبق با بازار، پوشش ریسک‌های عملیاتی/فاجعه‌آمیز، استفاده از مدل‌های داخلی و افشای عمومی اطلاعات مقایسه گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد نظام‌های اصل‌محور (استرالیا و آفریقای جنوبی، سپس اتحادیه اروپا) در اکثر معیارها انطباق بالاتری دارند؛ به‌ویژه در کالیبراسیون ریسک، ارزش‌گذاری اقتصادی، ارزیابی نظام مدیریتی و شفافیت بازار. چین تصویری میانه دارد: در حاکمیت و افشا قوی، اما در مدل‌های داخلی و برخی کالیبراسیون‌ها محدودتر است. ایالات متحده و برزیل در چارچوب‌های قاعده‌محور، پوشش ناقص برخی ریسک‌ها، تکیه بر ارزش‌های دفتری و شفافیت پایین‌تر، امتیازهای کمتری کسب می‌کنند. جمع‌بندی نتایج بیانگر گذار جهانی از قاعده‌محوری به اصل‌محوری و حرکت از «توانگری صرفاً سرمایه‌ای» به سوی توانگری پایدار است که ابعاد کمی، کیفی و انضباط بازار را یکپارچه می‌کند. نتایج مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که نظارت ریسک‌محور آینده صنعت بیمه جهانی بر پایه مدل‌های اصل‌محور، شفافیت اطلاعاتی، و ارزیابی جامع ریسک‌های کمی و کیفی استوار خواهد بود. کشورهایی که بتوانند این عناصر را در چارچوب مقررات خود بومی‌سازی کنند، نه تنها پایداری مالی بیشتری خواهند داشت، بلکه در پیش‌بینی و مدیریت افت توانگری نیز به نتایج دقیق‌تر و قابل‌اتکاتری دست خواهند یافت.

واژگان کلیدی: نظارت ریسک‌محور، توانگری مالی، ORSA، Solvency II.

۱. مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد تهران جنوب، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

fatemesouri1376@gmail.com

۲. مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

nheidarbeigi@yahoo.com



توانگری، چارچوب ORSA، شاخص‌های پیش‌هشدار و ابزارهای نوین سنجش ریسک

فاطمه علی محمدی^{۱*}

چکیده

با عنایت به افزایش عدم قطعیت در دوره پرتلاطم کنونی و افزایش ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی دوره نه چندان آشنای پیش‌رو، دیگر کاربرد صرف معیارهای سنتی توانگری، نمی‌تواند به اندازه‌ای که باید، توان و ثبات مالی شرکت‌های بیمه را اندازه‌گیری نماید. لذا جهت مدیریت بهینه ریسک‌ها، نیازمند ابزارهایی تطبیق‌پذیر و آینده‌نگر هستیم که ریسک‌های نوظهور را در مراحل ابتدایی خود، شناسایی نماید. از این حیث، این پژوهش تلاش دارد تاثیر و نقش متقابل چارچوب ارزیابی ریسک و توانگری داخلی^۲، شاخص‌های پیش‌هشدار^۳ و ابزارهای نوین سنجش ریسک^۴ را جهت بهبود مدیریت توانگری، بررسی نماید. روش‌شناسی پژوهش بر مبنای رویکرد مفهومی، تحلیلی و بر اساس استانداردهای بین‌المللی مانند اصول IAIS و Solvency II است. نتایج بیان می‌کنند که پیاده‌سازی موفق چارچوب ORSA فراتر از یک الزام صرفاً نظارتی، به عنوان ابزاری استراتژیک عمل می‌کند که با استفاده از شاخص‌های پیش‌هشدار، امکان نظارت بلادرننگ، شناسایی به‌موقع ریسک‌ها و بهینه‌سازی تخصیص سرمایه را فراهم می‌آورد. در نهایت این پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌گیری از این ابزارها، شرکت‌های بیمه را از یک رویکرد واکنشی به یک رویکرد پیشگیرانه در مدیریت ریسک، هدایت می‌کند و زیربنایی برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و تقویت تاب‌آوری مالی در برابر چالش‌های آتی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: توانگری، مدیریت ریسک، چارچوب ORSA، شاخص‌های پیش‌هشدار، ابزارهای نوین سنجش ریسک.

۱. بیم‌سنجی، ریاضی، شهید بهشتی (رئیس اداره اکچوئری بیمه دی)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

fhalimohammadi96@gmail.com

2. ORSA

3. Early Warning Indicators

4. Modern Risk Measurement Tools



کاربرد چارچوب ORSA در مدیریت سرمایه و ریسک شرکت‌های بیمه: مطالعه تطبیقی و پیشنهاد بهبود برای بازار ایران

ماهان کیان چهر^{۱*}، فرشته صیدخانی^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، تغییرات پرشتاب محیط‌های اقتصادی و ظهور ریسک‌های نوین سبب شده است چارچوب‌های سنتی مدیریت ریسک و توانگری مالی پاسخگوی نیازهای صنعت بیمه نباشند. در این میان، چارچوب خودارزیابی ریسک و توانگری (ORSA) به‌عنوان ابزاری کلیدی در مقررات بین‌المللی (مانند Solvency II در اروپا و دستورالعمل NAIC در آمریکا) معرفی شده است که با رویکردی آینده‌نگر، ارتباط میان مدیریت ریسک، برنامه‌ریزی سرمایه و تصمیم‌گیری استراتژیک شرکت‌های بیمه را تقویت می‌کند. پژوهش حاضر با تمرکز بر این چارچوب، به بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های صنعت بیمه ایران در مسیر بومی‌سازی ORSA و نقش آن در ارتقای پایداری مالی و کارآمدی مدیریت ریسک پرداخته است. روش‌شناسی تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. داده‌ها از طریق مطالعه اسناد بین‌المللی (IAIS، NAIC، EIOPA، CRO Forum و ..) تجارب کشورهای آسیایی منتخب (ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی) و همچنین اسناد داخلی شامل آیین‌نامه‌های توانگری مالی، گزارش‌های بیمه مرکزی و مقالات علمی فارسی گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها، از مدل SWOT استفاده گردید تا نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای صنعت بیمه ایران در زمینه استقرار ORSA شناسایی و در قالب یک ماتریس راهبردی (SO، WO، ST، WT) راهکارهای عملیاتی ارائه شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایران از ظرفیت‌های قابل توجهی چون تجربه توانگری مالی، ساختار نظارتی فعال و نیروی انسانی متخصص برخوردار است، اما ضعف‌هایی همچون کیفیت پایین داده، بلوغ ناکافی مدیریت ریسک سازمانی و محدودیت‌های فناوری اطلاعات مانع اصلی اجرای ORSA به‌شمار می‌روند. در عین حال، فرصت‌هایی نظیر دیجیتالی‌سازی، توجه جهانی به ریسک‌های اقلیمی و امکان همگرایی با استانداردهای بین‌المللی وجود دارد، در حالی که تهدیدهایی همچون نوسانات کلان اقتصادی، تحریم‌ها و ضعف بازار سرمایه چالش‌آفرین هستند. بر اساس ماتریس SWOT، استراتژی‌های پیشنهادی شامل بهره‌گیری از نقاط قوت برای همگرایی با استانداردهای جهانی، جبران ضعف‌ها از طریق تحول دیجیتال، استفاده از ظرفیت نظارتی برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی و پیاده‌سازی تدریجی ORSA است.

واژگان کلیدی: چارچوب ORSA در مدیریت سرمایه، ریسک شرکت‌های بیمه، مطالعه تطبیقی برای بازار ایران.

۱. دانشکده مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) mahankianchehr@gmail.com

۲. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران f.seyedkhani@samaninsurance.ir



مدل بومی نظارت مبتنی بر ریسک با محوریت خودارزیابی ریسک و توانگری مالی در صنعت بیمه ایران

مهرداد سلگی^{۱*}، محدثه سادات طباطبایی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین و ارائه مدل بومی شده چارچوب ارزیابی ریسک و کفایت سرمایه (ORSA) در نظام نظارت مبتنی بر ریسک صنعت بیمه ایران انجام شده است. با توجه به افزایش پیچیدگی فعالیت‌های بیمه‌گری، تغییرات محیطی و ظهور ریسک‌های نوین، رویکردهای سنتی نظارت، کارآمدی خود را از دست داده‌اند و ضرورت پیاده‌سازی نظام‌های نوین نظارت بیش از پیش احساس می‌شود. در این مطالعه، با مرور تجربه‌های بین‌المللی (به‌ویژه الزامات Solvency II اتحادیه اروپا) و تحلیل مقررات داخلی، چارچوبی عملیاتی برای استقرار ORSA در شرکت‌های بیمه ایرانی ارائه شده است. روش تحقیق بر مبنای مطالعه تطبیقی و تحلیل کارشناسی مبتنی بر شاخص‌های ریسک، الزامات داده‌محور و فرآیندهای نظارت مستمر شکل گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اجرای صحیح ORSA می‌تواند ضمن ارتقای شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و سلامت مالی شرکت‌ها، اعتماد نهادهای ناظر و ذی‌نفعان را افزایش دهد. پیشنهادها ارائه‌شده شامل مراحل اجرایی، ابزارهای لازم و شاخص‌های کلیدی عملکرد است که می‌تواند مبنای اصلاحات مقرراتی و ارتقای ظرفیت نظارتی در صنعت بیمه کشور قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر ریسک، ORSA، نظارت داده‌محور، توانگری مالی، صنعت بیمه ایران.

۱. کارشناس مسئول خسارت بیمه‌های مسئولیت و مهندسی، شعبه سرپرستی بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mehrdad.solgi1992@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، کارشناس مسئول صدور بیمه‌های آتش سوزی و باربری، شعبه سرپرستی بیمه

mohadesse.tabatabae@gmail.com

سامان، تهران، ایران



مدل‌های نرخ‌گذاری در نظام نظارت نوین

سید صلاح الدین کهنه‌پوشی^۱، سیده محمد حسینی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل‌های نرخ‌گذاری در نظام نظارت نوین انجام می‌شود. این پژوهش از لحاظ هدف، یک مطالعه کاربردی است؛ زیرا به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای تقویت نوآوری و بهبود فرآیندهای نرخ‌گذاری در این سازمان‌هاست. از نظر روش گردآوری داده‌ها، این تحقیق توصیفی پیمایشی است؛ به این معنا که با استفاده از ابزارهایی همچون پرسشنامه و مصاحبه، به توصیف و تحلیل نرخ‌گذاری در نظام نظارت نوین و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود. همچنین، پژوهش حاضر ماهیت مروری تألیفی دارد؛ بدین ترتیب که با بررسی و ادغام متون و مطالعات منتشر شده پیشین، سیر تکامل و پیشرفت پژوهش‌ها در حوزه نرخ‌گذاری در نظام نظارت نوین تبیین می‌گردد. در بخش دیگری از این مطالعه، از روش تاریخی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. این رویکرد، با بررسی روند تحولات و تغییرات مدل‌های نرخ‌گذاری در طول زمان، امکان شناسایی الگوها و روندهای موجود را فراهم می‌سازد. نتیجه به کارگیری این روش، دستیابی به درکی عمیق‌تر از فرآیند نرخ‌گذاری و شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر آن خواهد بود. هدف نهایی این پژوهش، ارائه یک تصویر جامع و کامل از مدل‌های نرخ‌گذاری در نظام نظارت نوین و پیشنهادهایی کاربردی برای بهبود و ارتقای این رویه‌ها است.

واژگان کلیدی: مدل‌های نرخ‌گذاری، نظام نظارت نوین، صنعت بیمه.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، مدرس و فعال در حوزه بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

s.kohnepooshi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی، تهران، ایران

saharco1202@gmail.com



مدل‌سازی پیش‌بینانه مخاطرات ایمنی برای تقویت سیستم‌های هشدار زودهنگام و ارزیابی ریسک در بیمه آتش‌سوزی

سعید اسدی قراگوز^{۱*}، سelda نواح^۲

چکیده

بیمه آتش‌سوزی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی بیمه‌های اموال، نقش حیاتی در مدیریت ریسک دارایی‌های فیزیکی و پایداری مالی ایفا می‌کند. روند فزاینده خسارات ناشی از آتش‌سوزی در ایران و نوسانات نرخ خسارت طی دهه اخیر، ضرورت گذار از رویکردهای سنتی نرخ‌گذاری و ارزیابی ریسک به مدل‌های پیش‌بینانه و مبتنی بر هشدار زودهنگام را آشکار ساخته است. این پژوهش با هدف مدل‌سازی شاخص‌های ایمنی به‌منظور تقویت سیستم‌های هشدار زودهنگام و بهبود ارزیابی ریسک در بیمه آتش‌سوزی، از داده‌های رسمی بیمه مرکزی، پژوهشکده بیمه، شرکت‌های بیمه‌گر و سازمان آتش‌نشانی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ بهره‌برداری کرده است.

روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر داده‌های سری زمانی سالانه بوده و روابط بین شاخص‌های ایمنی، متغیرهای محیطی و خسارت‌های پرداخت‌شده با استفاده از مدل رگرسیونی ARIMAX تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که شاخص‌های ایمنی توانسته‌اند ۶۸٪ از تغییرات خسارت‌های پرداخت‌شده را تبیین کنند. در این میان، نقص زیرساخت‌های ایمنی (۰,۴۸)، ذخیره‌سازی غیراستاندارد (۰,۴۱)، نقص سیستم‌های الکتریکی (۰,۲۹)، خطای انسانی (۰,۱۶) و ضعف مدیریت نگهداری (۰,۱۵) بیشترین سهم را در افزایش خسارت‌ها داشته‌اند. همچنین تراکم جمعیتی (۰,۰۶) و وضعیت اقتصادی کلان (۰,۰۸) اثر معناداری بر روند خسارت‌ها نشان داده‌اند.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که رویکردهای سنتی نرخ‌گذاری مبتنی بر مترژ و ارزش ساختمان، بدون در نظر گرفتن شاخص‌های ایمنی و ابزارهای هشدار زودهنگام، ناکارآمد بوده و می‌تواند ضریب خسارت را افزایش دهد. بر این اساس، توصیه می‌شود شرکت‌های بیمه با تمرکز بر مدل‌سازی پیش‌بینانه شاخص‌های ایمنی و به‌کارگیری ابزارهای هشدار زودهنگام، سیاست‌های نرخ‌گذاری و مدیریت ریسک خود را بازطراحی نموده و شرایط ایمنی واقعی محل بیمه‌شده و عوامل جمعیتی-اقتصادی را در تصمیم‌گیری لحاظ کنند.

واژگان کلیدی: بیمه آتش‌سوزی، مخاطرات ایمنی، مدل‌سازی پیش‌بینانه، سیستم‌های هشدار زودهنگام، ارزیابی ریسک، مدل ARIMAX، مدیریت ریسک بیمه، شاخص‌های پیش‌هشدار.

۱. گروه علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) s.asadi9800@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، واحد ری، تهران، ایران Seldanavvah@gmail.com



نظارت ریسک محور با رویکرد ORSA در صنعت بیمه ایران

عباس کاظمی^{*۱}

چکیده

تحول در الگوی نظارت بیمه‌ای از مدل‌های انفعالی و واکنشی به رویکردهای ریسک‌محور، به‌ویژه در دهه اخیر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روندهای جهانی در تنظیم‌گری مالی شناخته می‌شود. در این میان، چارچوب ارزیابی توانگری و کفایت سرمایه بر مبنای خودارزیابی ریسک و توانگری مالی (Own ORSA – Risk and Solvency Assessment)، رویکردی جامع برای تلفیق تحلیل ریسک با تصمیم‌گیری راهبردی در شرکت‌های بیمه ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی چارچوب ORSA و امکان بومی‌سازی آن در صنعت بیمه ایران انجام شده است. ابتدا ابعاد مفهومی و الزامات نهادی ORSA بررسی شده و سپس از طریق مقایسه تطبیقی با سه نظام نظارتی بین‌المللی (اتحادیه اروپا، استرالیا و سنگاپور)، چارچوب بومی پیشنهادی برای استقرار تدریجی ORSA در صنعت بیمه ایران طراحی شده است. نتایج نشان می‌دهد که تلفیق سه مؤلفه زیرساخت نهادی، داده‌محوری و نظارت پیش‌نگر می‌تواند مسیر گذار به نظارت مبتنی بر ریسک را تسهیل کند.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر ریسک، ORSA، توانگری مالی، مدل بومی، چارچوب نظارتی.

۱. کارشناس مسئول خسارت مسئولیت و مهندسی، شرکت بیمه سامان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)

aba.kazemi@samaninsurance

سی و دومین همایش ملی و سیزدهمین
همایش بین‌المللی بیمه و توسعه ICID 2025

بازاندیشی نظارت در بیمه؛ مسیرنوآورانه برای تنظیم‌گری مؤثر



پنل تنظیم‌گری نوین و الزامات حقوقی

پنل تنظیم‌گری نوین و الزامات حقوقی

مقالات ارائه



Systematic review of cybersecurity legal liability in Iranian insurers

Zahra Alipour Estakhri^{1*}, Rana Sane²

Abstract

This systematic review explores the changing landscape of legal liability in cybersecurity related to supervisory data-sharing arrangements, focusing specifically on risk management frameworks and insurance coverage within the Iranian insurance sector. By analyzing 127 peer-reviewed articles published from 2015 to 2025, along with regulatory documents from 15 jurisdictions, the study highlights significant gaps in the legal frameworks that govern data sharing between insurers and supervisory authorities. Using a systematic review approach aligned with PRISMA guidelines, the research synthesizes evidence from global regulatory practices, with particular attention to ORSA implementation, data-driven supervision models, and emerging liability frameworks.

The findings reveal three main challenges: first, unclear legal boundaries in cross-border data sharing, with 68% of jurisdictions lacking defined liability allocation mechanisms; second, insufficient insurance coverage models for supervisory data breaches, affecting 72% of the examined markets; and third, a weak integration between technological advancements and regulatory frameworks, especially in emerging markets. The analysis shows that jurisdictions with well-established risk-based supervision systems, such as the European Union under Solvency II and Singapore through the RBC2 framework, offer stronger liability protection via standardized data governance protocols.

For Iranian insurers, the study suggests a hybrid approach that combines aspects of the EU's GDPR-compliant supervisory reporting with ASEAN's phased implementation strategy. It also identifies that by adopting international best practices—such as data encryption, access controls, and incident response protocols—Iranian insurance companies could reduce their potential liability exposure by 45 to 60%. These results contribute to the growing conversation on regulatory technology adoption in emerging markets and offer practical recommendations for Iranian insurers facing increasing supervisory data demands under the modernization efforts led by Central Insurance of Iran.

Keywords: cybersecurity liability, supervisory data sharing, insurance regulation, risk management, regulatory technology, data governance.

1.insurance agency, Saman insurance company, Tehran, Iran, zahra93alipour@gmail.com
(Corresponding Author)

2. insurance agency, Saman insurance company, Tehran, Iran, magha5882@gmail.com



The Impact of Modern Supervision on Guaranteeing Policyholders' Rights and Promoting Public Trust

E. Najafi Vayqan^{1*}, B. Cheginifard^{2*}

Abstract

Background & Purpose: The insurance industry's legitimacy and sustainability rest on protecting policyholders' rights. Modern supervisory approaches, supported by technological and regulatory innovations, have transformed the mechanisms for ensuring these protections. This study aimed to assess how modern supervisory tools, including digital monitoring, risk-based supervision, and SupTech applications, enhance the protection of policyholders' rights while fostering public trust and satisfaction in the insurance sector.

Design/methodology/approach –

This study adopted a quantitative research design to investigate the relationships among modern supervision, policyholders' rights, and public trust and satisfaction in the insurance industry. The statistical population consisted of customers of an insurance company in Iran. Data were collected through both library research and a field survey. For the empirical analysis, a structured, researcher-developed questionnaire was designed, with all items measured on a five-point Likert scale ranging from "strongly disagree" to "strongly agree." The validity of the instrument was assessed and confirmed using exploratory and confirmatory factor analyses, ensuring that the constructs were both conceptually sound and statistically reliable. To determine the sample, convenience sampling was employed, and 303 participants were selected to enhance the generalizability of the findings. Finally, Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) was applied to test the hypothesized relationships and to evaluate the structural model.

Originality/value - The findings indicate that modern supervision has reshaped the insurance industry by adopting proactive, technology-driven oversight that safeguards policyholders' rights. Through data analysis, regulatory compliance, and risk management, it strengthens market stability and consumer trust. For insurers, adherence to these standards is both an ethical duty and an economic necessity for sustaining confidence and long-term growth.

Keywords: Modern Supervision, Policyholders' Rights, Public Trust, Customer Satisfaction.

1. M.A. in TEFL, Elhamnv@yahoo.com

2. M.A. in International Trade. bitacheginifard@gmail.com



تحلیل حقوقی اجرای قراردادهای هوشمند بیمه‌ای در ایران

داوود شاهواروقی^{۱*}، حمیدرضا بشیری^۲

چکیده

تحولات فناورانه در حوزه بلاک‌چین و قراردادهای هوشمند، نظام‌های حقوقی سنتی از جمله حقوق بیمه را با چالش‌ها و فرصت‌های نوینی مواجه ساخته است. این پژوهش با هدف تحلیل ماهیت حقوقی و قابلیت اجرایی قراردادهای هوشمند به‌عنوان بیمه‌نامه در نظام حقوقی ایران انجام شده و از روش تحلیلی-تطبیقی بهره گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قراردادهای هوشمند به دلیل ساختار کدنویسی شده و اجرای خودکار، از ارکان کلاسیک قراردادهای حقوقی چون قصد و رضا فاصله گرفته‌اند و این موضوع در تطبیق با قانون مدنی ایران، موجب ابهام در اعتبار آنها می‌گردد. همچنین بررسی تطبیقی کشورهای پیشرو نظیر انگلستان، ایالات متحده و اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که موفقیت در پیاده‌سازی این نوع قراردادها، مستلزم اصلاح ساختار قانونی، تدوین مقررات نظارتی و ایجاد نهادهای فنی کنترل‌کننده است. در پایان، الگویی پیشنهادی مشتمل بر اصلاح قوانین بیمه، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی و طراحی پلتفرم‌های هیبریدی ارائه شده که می‌تواند راهکار مناسبی برای استقرار قراردادهای هوشمند در نظام بیمه‌ای ایران باشد. این پژوهش با تأکید بر نوآوری حقوقی، مسیری برای تقنین هوشمندانه در حوزه بیمه دیجیتال ترسیم می‌کند.

واژگان کلیدی: قرارداد هوشمند، بیمه‌نامه، اجرای خودکار، حقوق قراردادهای بلاک‌چین.

۱. کارشناس بیمه سامان، کارشناسی روابط عمومی، دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر (نویسنده مسئول)
d.shahvaroughi@samaninsurance.ir

۲. کارمند بیمه سامان، مدیریت گمرک، دانشگاه آزاد تهران مرکز
bashiri.btk@gmail.com



دولت هوشمند و ارتقای شاخص‌های حکمرانی سلامت

سیما عابدزاده کلهرودی^{۱*}، مهدی مردان پور^۲

چکیده

دولت هوشمند، ابتکار عمل جدیدی است که در صدد است تا زمینه دسترسی شهروندان به خدمات عمومی را از طریق رسانه‌های الکترونیک فراهم آورد و روابط دولت و شهروندان را به گونه‌ای جدید پایه‌ریزی نماید. دولت الکترونیک با قدرت شگرفی که دارد، نقش عمده‌ای را در کاهش کاغذبازی، مهندسی مجدد، کاهش هزینه‌های دولت، افزایش انعطاف‌پذیری ساختار دولت و امکان تطابق به موقع با تغییرات، کاهش تخلفات و فساد اداری، افزایش مشارکت مردمی، افزایش شفافیت در بدنه دولت، کاهش تمرکز زدایی، تقویت پایه‌های دموکراسی، اصلاح بوروکراسی اداری و دولتی، افزایش قدرت پاسخگویی دولت، افزایش کارایی و بهره‌وری، کیفیت دسترسی به اطلاعات و داده‌ها، صرفه جویی در زمان و اثربخشی را ایفا می‌نماید. تحقیق حاضر با هدف نقش دولت هوشمند در ارتقای شاخص‌های حکمرانی سلامت صورت گرفت. روش تحقیق کیفی و از نظر هدف کاربردی و از لحاظ گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای- اسنادی می‌باشد. نتایج حاکی است شفافیت، سرمایه‌گذاری متنوع، زیرساخت‌های حقوقی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آگاهی‌بخشی، طراحی استراتژی فراگیر، مسئولیت‌پذیری مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای لازم برای حکمرانی الکترونیکی در حوزه سلامت هستند از جمله این بسترها نشان خلأهایی اساسی در این حوزه نیز هست. شناسایی این بسترها سبب می‌شود محقق به این نتیجه برسد مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها در قالب این بسترها هم وجود دارد مثلاً جلب مشارکت مردمی می‌تواند در بستر اعتماد اجتماعی بوجود آید و اگر دولت بتواند اعتمادسازی نماید مشارکت مردمی در این حوزه می‌تواند تحقق یابد.

واژگان کلیدی: خدمات عمومی، زمینه‌ها، بسترها، دولت هوشمند، حکمرانی سلامت.

۱. کارشناس بیمه‌های مسئولیت شرکت بیمه سامان، تهران، (نویسنده مسئول)

s.abedzadeh@samaninsurance.ir

۲. کارشناس بیمه‌های مسئولیت شرکت بیمه سامان، تهران

m.mardanpour@samaninsurance.ir

پنل تنظیم‌گری نوین و الزامات حقوقی

مقالات پذیرش شده به صورت
صرفاً چاپ



ابعاد حقوقی و مقرراتی نظارت فناوریانه (مطالعه موردی بیمه مصرف‌محور خودرو)

اسماء حمزه^{۱*}، نسرين حضار مقدم^۲، ميترا قنبرزاده^۳

چکیده

نظارت فناوریانه در صنعت بیمه، به ویژه در حوزه بیمه خودرو، به استفاده از فناوری‌هایی مانند تلماتیک اشاره دارد که داده‌های رفتاری رانندگی را جمع‌آوری می‌کند. این رویکرد، که اغلب به عنوان بیمه مصرف‌محور شناخته می‌شود، امکان شخصی‌سازی حق بیمه بر اساس ریسک واقعی راننده را فراهم می‌آورد. با این حال، این فناوری چالش‌های حقوقی و مقرراتی قابل توجهی را به همراه دارد، از جمله مسائل حریم خصوصی، مالکیت داده‌ها، تبعیض احتمالی و نیاز به چارچوب‌های نظارتی یکپارچه. در این مقاله به بررسی تجارب کشورهای منتخب آمریکا، کانادا، ایتالیا، آلمان، آفریقای جنوبی و بریتانیا در زمینه الزامات قانونی و نظارتی بیمه مصرف‌محور پرداخته می‌شود. ابعاد حقوقی نظارت فناوریانه در بیمه مصرف‌محور با تمرکز جهانی بر رضایت و حداقل‌سازی داده، بر تعادل بین نوآوری و حفاظت از حریم خصوصی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: بیمه مصرف‌محور خودرو، نظارت، فناوری.

۱. استادیار، گروه فناوری‌های نوین بیمه‌ای، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hamzeh@irc.ac.ir

۲. استادیار، گروه بیمه‌های اشخاص، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران

hozarmoghadam@irc.ac.ir

۳. استادیار، گروه بیمه‌های اشخاص، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران

ghanbarzadeh@irc.ac.ir



ابعاد و چالش‌های حقوقی و مقرراتی نظارت فناورانه بیمه؛ امنیت داده، حریم خصوصی و انطباق با استانداردها

نازنین تیموری^{۱*}، فرشته مصطفی نژاد^۲

چکیده

دیجیتالی شدن ساختارهای اساسی اقتصاد و جامعه را متحول کرده و در صنعت بیمه نیز کاملاً مشهود است. بهره‌گیری از فناوری اطلاعات جهت استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دیجیتال ضروری است؛ اگرچه انگیزه اولیه برای روی آوردن به بیمه الکترونیک عمدتاً کاهش هزینه‌های مرتبط با اسناد کاغذی بوده است. با این حال، توجه به ملاحظات اخلاقی و حقوقی ناشی از الکترونیکی شدن خدمات بیمه حیاتی است. این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های حقوقی نظارت فناوری و استانداردهای انطباق مرتبط با امنیت داده و حریم خصوصی، چارچوبی تحلیلی ارائه می‌دهد. نتایج نشان داد که با وجود تأکید سازمان‌های بیمه بر ارائه خدمات آنلاین، در ایران برخی محدودیت‌های مقرراتی، نظارتی و فنی مانع از انجام کامل عملیات به‌صورت الکترونیکی می‌شوند. مطالعات ما نشان می‌دهد که این محدودیت‌ها عمدتاً ناشی از ریسک‌های سایبری، مباحث پولشویی و خلاءهای احراز هویت افراد است. برای رفع این چالش‌ها، بازنگری قوانین و ارتقای سطح فناوری، به‌عنوان گام نخست در کاهش ریسک‌ها، ضروری است. در نهایت، پیشنهاد می‌شود جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های دیجیتال و فناوری، ضمن اقدامات نظارتی، ارزیابی و اصلاح مداوم قوانین در این حوزه انجام پذیرد.

واژگان کلیدی: ظرفیت‌های دیجیتال، حریم خصوصی، چالش‌های حقوقی نظارت، ریسک‌های سایبری.

۱. رئیس اداره نظارت بر خسارت بیمه‌های عمر و تشکیل سرمایه، بیمه سامان، ایران (نویسنده مسئول)

n.teymoori@samaninsurance.ir

۲. کارشناس مسئول نظارت بر خسارت بیمه‌های عمر و تشکیل سرمایه، بیمه سامان، ایران

f.mostafanejad@samaninsurance.ir



ارائه مدل نظارت هوشمند صنعت بیمه ایران: معماری داده‌محور و بومی‌سازی تنظیم‌گری

ایمان عزیزی^{۱*}، سعیده سیادت^۲

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه مدل مفهومی نظارت هوشمند در صنعت بیمه کشور، به شناسایی شرایط علی، زمینه‌ای و راهبردهای محوری گذار از نظام بازرسی سنتی به نظارت مبتنی بر ریسک و داده پرداخته است. روش‌شناسی تحقیق، کیفی و اکتشافی بوده و با استفاده از نظریه زمینه‌ای به شیوه سیستماتیک استراوس و کوربین انجام پذیرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۸ نفر از خبرگان کلیدی صنعت و دانشگاهیان جمع‌آوری و با فرآیند کدگذاری باز، محوری و گزینشی، ۱۵۸ مفهوم اولیه به مقولات اصلی مدل نظریه زمینه‌ای تبدیل شدند. مقوله محوری کشف‌شده: «الگوی مفهومی نظارت هوشمند داده‌محور و بومی‌سازی شده: گذار از بازرسی مبتنی بر قوانین به نظارت مبتنی بر ریسک و داده» است. یافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه محرک‌های جهانی مانند لزوم تحلیل بلادرنگ ریسک‌ها، نقش شرایط علی را ایفا می‌کنند، اما مهم‌ترین چالش بومی، عدم انطباق ساختار فعلی نهاد ناظر با سرعت تحولات فناوریانه است. اثربخشی این گذار به شدت تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای خاص ایران، شامل مقاومت فرهنگی، ضعف سواد داده‌ای و محدودیت‌های نهادی قرار دارد. راهبردهای اصلی برای غلبه بر این موانع، اولویت‌دهی به توسعه معماری داده‌محور یکپارچه (استانداردسازی داده‌ها و استقرار دریاچه داده) و تنظیم‌گری چابک (ایجاد محیط آزمون مقرراتی) هستند.

واژگان کلیدی: نظارت هوشمند، فناوری‌های تنظیم‌گری، معماری داده‌محور، بومی‌سازی تنظیم‌گری، صنعت بیمه.

۱. دکتری مدیریت بازرگانی (مدیریت بازاریابی)، رئیس شعبه شهرکرد شرکت بیمه پارسیان، (نویسنده مسئول)
Aziziiman93@yahoo.com

۲. گروه مدیریت بازرگانی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
S_seyadat@yahoo.com



ایجاد تعادل بین نظارت فناوریانه، حریم خصوصی و نوآوری در صنعت بیمه در عصر دیجیتال

فرشاد کیانی^{۱*}

چکیده

این پژوهش به بررسی تعادل ظریف میان نظارت فناوریانه در صنعت بیمه و حق بنیادین حریم خصوصی می‌پردازد و چارچوب‌های قانونی حاکم بر این حوزه را تحلیل می‌کند. این مطالعه با استفاده از یک روش تحقیق کیفی، شامل بررسی جامع ادبیات، تحلیل اسناد حقوقی (مانند مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها و قانون قابلیت انتقال و پاسخگویی بیمه سلامت) و مطالعات موردی، به تحلیل چالش‌های کلیدی مانند تبعیض الگوریتمی، امنیت داده‌ها، و مفهوم "رضایت آگاهانه" در اکوسیستم ایشورتک می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که چارچوب‌های قانونی موجود، علی‌رغم تلاش‌ها برای ایجاد استانداردهای حفاظت از داده، غالباً از سرعت تحولات فناوریانه عقب مانده‌اند و شکاف‌های قابل توجهی در اجرا و نظارت وجود دارد. این تحقیق تنش میان اهداف تجاری شرکت‌های بیمه برای شخصی‌سازی ریسک و اصل بنیادین «همبستگی اجتماعی» در بیمه‌گری را برجسته می‌سازد. در نهایت، این مقاله نتیجه می‌گیرد که آینده پایدار صنعت بیمه نیازمند یک رویکرد چندوجهی است که شامل تقویت قوانین، توسعه استانداردهای اخلاقی برای هوش مصنوعی، ترویج فناوری‌های تقویت‌کننده حریم خصوصی (PETs) و افزایش شفافیت در قبال بیمه‌گذاران باشد تا بتوان محیطی را ایجاد کرد که در آن نوآوری و حقوق فردی به طور همزمان محافظت شوند.

واژگان کلیدی: نظارت فناوریانه، حریم خصوصی، نوآوری در صنعت بیمه، حفاظت از داده‌ها، تبعیض الگوریتمی، سرمایه‌داری نظارتی.

۱. دانش آموخته مدیریت ارشد کسب و کار در بیمه، (نویسنده مسئول) (MBA).

Kiani.insurance@gmail.com



بررسی چالش‌های حقوقی مربوط به نظارت هوش مصنوعی در صنعت بیمه (مورد مطالعه: کشور ایران)

حجت زحمتکش سردوراهی^{۱*}

چکیده

صنعت بیمه در کشور ایران در آستانه تحولی دیجیتال تحت تأثیر هوش مصنوعی قرار دارد. این فناوری با وجود مزایایی چون دقت در پیش‌بینی ریسک و سرعت در پردازش مطالبات، چالش‌های حقوقی عمیقی را به همراه آورده است. هدف این پژوهش، بررسی چالش‌های حقوقی ناشی از نظارت هوش مصنوعی در صنعت بیمه در کشور ایران است. روش تحقیق به کار گرفته شده در این مطالعه، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. جامعه مورد مطالعه شامل ۴۸ سند معتبر فارسی و انگلیسی (شامل مقالات علمی، اسناد قانونی و گزارش‌های سیاستی) منتشر شده از سال ۱۳۹۵ به بعد است که با استفاده از مدل براون و کلارک مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چهار چالش عمده حقوقی در این حوزه وجود دارد: ابهام در مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی حقوقی، فقدان شفافیت و تبیین‌پذیری تصمیمات هوش مصنوعی، خطر تبعیض الگوریتمی و نقض عدالت، و نهایتاً خلأ قانونی و مقرراتی در نظام حقوقی ایران. این چالش‌ها موجب تضعیف اعتماد عمومی و ایجاد ناامنی حقوقی برای ذی‌نفعان شده‌اند. در نتیجه‌گیری تأکید می‌شود که تدوین «چارچوب نظارتی هوشمند» شامل اصول شفافیت، مسئولیت‌پذیری و انصاف الگوریتمی، همراه با بازنگری در قوانین فعلی، برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در صنعت بیمه ایران اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: چالش حقوقی، هوش مصنوعی، صنعت بیمه، کشور ایران.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی دانشگاه علم و هنر یزد، ایران و کارشناس حقوقی و خسارت مسئولیت، شرکت بیمه آسیا، یزد، ایران، (نویسنده مسئول) hojjat.zahmatkesh@gmail.com



تبیین چالش‌های نظارتی بیمه مصرف‌محور با رویکرد تحلیل سناریو کیفی

اسماعیل صفرزاده^{۱*}، خدیجه ابراهیم‌نژاد^۲، مهدیس مروجی^۳

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه خودرو، به‌ویژه با گسترش بیمه‌های مصرف‌محور مبتنی بر داده‌های تلماتیک و هوش مصنوعی، مدل‌های سنتی قیمت‌گذاری را دگرگون کرده است. با این حال، به‌کارگیری این فناوری‌ها چالش‌های متعددی برای نهادهای ناظر ایجاد می‌کند؛ از جمله نگرانی‌های مرتبط با حریم خصوصی و امنیت داده‌ها، شفافیت الگوریتمی، عدالت در نرخ‌گذاری و پذیرش اجتماعی. هدف پژوهش حاضر، تبیین چالش‌های نظارتی بیمه مصرف‌محور در ایران و ارائه مسیرهای سیاستی برای گذار به نظام نظارت داده‌محور است. این پژوهش از رویکرد تحلیل سناریوی کیفی بهره گرفته و داده‌های آن از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان صنعت بیمه، متخصصان فناوری و نمایندگان نهادهای ناظر گردآوری شده است. بر اساس یافته‌ها، چهار سناریوی اصلی شامل «نظارت قوی - پذیرش بالا»، «نظارت ضعیف - پذیرش بالا»، «نظارت قوی - پذیرش پایین» و «نظارت ضعیف - پذیرش پایین» ترسیم شد که جایگاه مطلوب صنعت بیمه ایران در سناریوی نخست تعریف می‌شود. باین‌حال، تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد ایران در حال حاضر به سناریوی «نظارت ضعیف - پذیرش پایین» نزدیک‌تر است. برای حرکت به وضعیت مطلوب، سرمایه‌گذاری هدفمند در سه حوزه کلیدی شامل تدوین استانداردهای امنیت داده، مقررات‌گذاری ضد تبعیض الگوریتمی و ارتقای آگاهی عمومی ضروری است. نتایج پژوهش تأکید دارد که گذار موفق به بیمه داده‌محور نه از مسیر فناوری صرف، بلکه از طریق ایجاد اکوسیستمی اعتمادساز، عادلانه و پاسخ‌گو ممکن خواهد بود. این رویکرد، بنیان طراحی نظام نظارت هوشمند و آینده‌نگر در صنعت بیمه ایران را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: بیمه مصرف‌محور، هوش مصنوعی، تلماتیک، نظارت داده‌محور، تحلیل سناریوی کیفی.

۱. استادیار، گروه اقتصاد، علوم اجتماعی و اقتصادی، الزهرا (س)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

e.safarzadeh@alzahra.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد سنجی، گروه اقتصاد، علوم اجتماعی و اقتصادی، الزهرا (س)، تهران، ایران

ebrahimii.sara77@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد سنجی، گروه اقتصاد، علوم اجتماعی و اقتصادی، الزهرا (س)، تهران، ایران

Mahdis.mrvj95@gmail.com



حکمرانی داده در پرتو حقوق و فناوری؛ الگوی نوین نظارت فناوریانه در صنعت بیمه ایران

کتابیون نظربلند^{۱*}، سحر مذنّب^۲

چکیده

تحول دیجیتال و ظهور فناوری‌های هوشمند، صنعت بیمه را در آستانه عصری نوین از نظارت داده‌محور قرار داده است. گسترش ابزارهای نظارت فناوریانه فرصتی کم‌نظیر برای افزایش شفافیت، مدیریت ریسک و کاهش تقلب فراهم آورده است؛ با این حال، فقدان قانون جامع حفاظت از داده‌های بیمه‌ای و نبود هماهنگی نهادی در ایران، چالشی بنیادین در مسیر این تحول محسوب می‌شود. این پژوهش با رویکردی تحلیلی - تطبیقی و اتکا بر مبانی حقوق داخلی و اصول فقه اسلامی، به تبیین چارچوبی حقوقی - فناوریانه برای نظارت داده‌محور در صنعت بیمه ایران می‌پردازد. بدین منظور، ضمن بررسی مقررات ملی و استانداردهای بین‌المللی از جمله مقررات عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا (GDPR)، قانون حفاظت از داده‌های شخصی سنگاپور (PDPA) و قانون حقوق مصرف‌کنندگان کالیفرنیا (CCPA)، راهکارهایی بومی و اجرایی پیشنهاد می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که تلفیق نوآوری فناوریانه با آموزه‌های فقهی عدالت و حرمت تجسس، می‌تواند بنیانی مستحکم برای صیانت از داده‌های بیمه‌ای ایجاد کند. بر این اساس، تدوین قانون جامع، تشکیل نهاد تنظیم‌گر مستقل و بهره‌گیری از فناوری‌های رمزنگاری و هوش مصنوعی، مسیر گذار ایمن صنعت بیمه به عصر دیجیتال را هموار می‌سازد. مطالعه موردی بیانگر آن است که اجرای چنین چارچوبی می‌تواند ضمن تقویت اعتماد عمومی، الگوی ملی کارآمدی برای تنظیم‌گری هوشمند فراهم آورد.

واژگان کلیدی: نظارت فناوریانه، حفاظت داده‌ها، حریم خصوصی، بلاکچین، صنعت بیمه.

۱. شرکت بیمه سامان، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)
Nazarboland.k@gmail.com

۲. شرکت بیمه سامان، شیراز، ایران
Ss.mozneb@gmail.com

۲. شرکت بیمه سامان، شیراز، ایران



حکمرانی هوش مصنوعی در بیمه: عدالت الگوریتمی و الزامات نظارتی

محمد نان پزی^{۱*}، فاطمه آباریان^۲

چکیده

این مطالعه به بررسی چالش‌های عدالت الگوریتمی و الزامات نظارتی در استفاده از هوش مصنوعی در صنعت بیمه می‌پردازد. با توجه به استفاده گسترده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین در ارزیابی ریسک و قیمت‌گذاری، این تحقیق نشان می‌دهد که الگوریتم‌ها می‌توانند به دقت پیش‌بینی بالایی دست یابند، اما در عین حال موجب بروز نگرانی‌هایی در زمینه عدالت و شفافیت داده‌ها می‌شوند. به‌ویژه، استفاده از داده‌های جزئی‌تر ممکن است دسترسی به خدمات بیمه را برای گروه‌های آسیب‌پذیر کاهش دهد. این مطالعه همچنین به معرفی روش‌های تبیین‌پذیری همچون SHAP و LIME پرداخته و توصیه می‌کند که بیمه‌گران این ابزارها را برای تضمین شفافیت و عدالت در تصمیم‌گیری‌های خود به کار گیرند. بر اساس یافته‌های تحقیق، بیمه‌گران باید از شاخص‌های عدالت مانند برابری آماری و برابری احتمال استفاده کرده و فرایندهای نظارتی خود را تقویت کنند. این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که رعایت عدالت در هوش مصنوعی بیمه نه تنها به بهبود شفافیت و اعتماد می‌انجامد، بلکه می‌تواند بر بهبود دسترسی و کاهش تبعیض‌های موجود در این صنعت نیز تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: عدالت الگوریتمی، حکمرانی و نظارت، بیمه، هوش مصنوعی.

m.nanpazi@samanre.com

f.abaryan@samanre.com

۱. مدیریت بیمه اتکایی، شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران

۲. مدیریت بیمه اتکایی، شرکت بیمه اتکایی سامان، تهران، ایران



مدل اکوسیستم تنظیم‌گری چابک در صنعت بیمه

زهره‌ا علیپور استخری^۱، رعنا صانعی^۲

چکیده

پژوهش با هدف ارائه مدل اکوسیستم تنظیم‌گری چابک در صنعت بیمه مبتنی بر پاسخگویی سریع به توسعه فناوری انجام شد. لذا از حیث هدف، کاربردی از نوع کیفی است. جامعه آماری پژوهش خبرگان دانشگاهی و سازمانی فعال در صنعت بیمه بود که با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری گلوله برفی (ارجاع زنجیره‌ای) تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب گردیدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به کفایت نظری داده‌ها ادامه داده شد که در نهایت ۱۳ نفر از خبرگان به‌عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شدند. داده‌ها به روش تحلیل تم (شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶)) مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند و در نهایت ۳ مقوله اصلی (زیرساخت نظارتی تطبیقی، توسعه نیروی کار اثربخش، مشارکت پویا) و ۱۵ مقوله فرعی شناسایی شد. در نتیجه مشخص شد که ایجاد یک زیرساخت سیاست‌گذاری تطبیقی که برای رسیدگی به پیچیدگی‌های در حال تحول مناسب باشد، توسعه نیروی کار مجهز به تخصص مورد نیاز و ایجاد همکاری‌های متنوع‌تر و مؤثرتر با گروه وسیع‌تری از ذینفعان، همگی گام‌های مهمی هستند که باید همزمان برای رسیدن به یک اکوسیستم تنظیم‌گری چابک پیش برده شوند.

واژگان کلیدی: اکوسیستم تنظیم‌گری چابک، صنعت بیمه، زیرساخت نظارتی تطبیقی، توسعه نیروی کار اثربخش، مشارکت پویا.

zahra93alipour@gmail.com

zebardast.law@gmail.com

۱. نمایندگی بیمه سامان، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

۲. نمایندگی بیمه سامان، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

پنل تنظیم‌گری نوین و الزامات حقوقی

مقالات پوستری



الزامات و تنظیم‌گری شکل‌گیری زیست‌بوم نوآوری سلامت دیجیتال در ایران

مجید محبی^{۱*}، سارا فرخ‌پور^۲

چکیده

تحول دیجیتال در حوزه سلامت، با ایجاد مدل‌های نوین کسب‌وکار و همکاری میان بازیگران مختلف، ظرفیت دگرگونی در نظام سلامت ایران را دارد. این تحول نه تنها بر کیفیت خدمات و دسترسی عادلانه اثرگذار است، بلکه به ارتقای کارایی و پایداری مالی نیز می‌انجامد. چارچوب زیست‌بوم نوآوری، با تأکید بر نقش‌آفرینی کنشگران و روابط هم‌تکاملی میان آن‌ها، بستر مناسبی برای مطالعه فرآیند شکل‌گیری نوآوری در سلامت دیجیتال و تنظیم‌گری مرتبط فراهم می‌کند. هدف این پژوهش، شناسایی الزامات و سازوکارهای تنظیم‌گری در شکل‌گیری زیست‌بوم نوآوری سلامت دیجیتال در ایران است. بدین منظور، ابتدا با مرور ادبیات، چارچوب اولیه‌ای مشتمل بر کنشگران، اجزا، روابط و عوامل محیطی تدوین شد. سپس با استفاده از رویکرد کیفی و راهبرد موردکاوی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته و تحلیل اسناد گردآوری گردید. داده‌ها با روش نگاشت شناختی مفهومی کدگذاری و با نرم‌افزار UCINET مصورسازی و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کنشگران کلیدی شامل وزارت بهداشت، شرکت‌های سلامت دیجیتال، بیمه‌ها، ارائه‌دهندگان خدمات و بیماران هستند. علاوه بر این، حاکمیت، دانشگاه‌ها، نهادهای پشتیبان و نظام مالی نقش پشتیبانی ایفا می‌کنند. الزامات اصلی در این فرآیند عبارت‌اند از: توسعه چارچوب‌های حقوقی و نظارتی، ایجاد زیرساخت‌های تبادل داده، شفافیت بیمه‌ای و تأمین منابع مالی پایدار. این نتایج می‌تواند به طراحی سیاست‌های تنظیم‌گری متناسب با زیست‌بوم‌های نوین از جمله صنعت بیمه کمک کند.

واژگان کلیدی: زیست‌بوم نوآوری، سلامت دیجیتال، تنظیم‌گری.

۱. کارشناس خسارت بیمه‌های اتومبیل شرکت بیمه سامان، تهران، (نویسنده مسئول)

majidmohebi73@yahoo.com

۲. سرپرست بیمه‌های خرد اموال شرکت بیمه سامان، تهران

Sa.farokhpour@gmail.com



برساخت نظارت هوشمند در نظم حقوقی دیجیتال: بازخوانی نسبت فناوری‌های نوین با حاکمیت داده

احسان نظری^{۱*}، محمد جواد درویشی^۲

چکیده

هدف پژوهش نظارت هوشمند در نظم حقوقی دیجیتال با تاکید بر بازخوانی نسبت فناوری‌های نوین با حاکمیت داده می‌باشد. مسئله اینست که نظام حقوقی با فناوری دیجیتال همراستا نمی‌باشد و در صنعت بیمه برای نظارت می‌بایست با مواد حقوقی این مهم را به انجام برساند.

پژوهش از نوع توصیفی است که داده‌های آن از طریق پرسشنامه و نمونه‌ای متشکل از ۱۲۶ نفر از کارکنان صنعت بیمه به روش تصادفی گردآوری شده است. پایایی سوالات با آزمون آلفای کرونباخ تایید گردید. برای بررسی متغیرها و تاثیر پذیری هریک از آنها از نرم افزار SPSS 25 استفاده شده است. همچنین آزمون‌های متعدد نیز صورت پذیرفت.

یافته‌ها نشان داد که افزایش چارچوب حاکمیت داده، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات، تمایلات بین‌المللی و تطابق با استانداردهای جهانی، تحولات قانونی و سیاست گذاری در حوزه فناوری و مقررات حفاظت از داده و حفظ حریم خصوصی همبستگی مثبت معنادار با افزایش نظارت هوشمند دارند.

پیشنهاداتی مانند تدوین نقشه راه هوشمندسازی فرآیندهای نظارتی، تخصیص منابع پایدار برای توسعه زیرساخت‌های نظارت، توانمندسازی منابع انسانی نهاد ناظر، تدوین رویه‌های اجرایی نوین، استقرار نظام پایش مستمر در بیمه ارائه گردید.

واژگان کلیدی: نظم حقوقی، فناوری نوین، حاکمیت داده، نظارت هوشمند.

۱. کارشناس مسئول حوزه معاونت اجرایی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Ehsan.nzri5344@gmail.com

۲. معاون اداره امور اداری نمایندگان و کارگزاران، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

Darvishi6565@gmail.com



تغییر پارادایم نظارتی صنعت بیمه: ابزاری نوین برای حفظ حقوق بیمه‌گذاران در شرایط آنارشیک

فرزانه محمدحسین^{۱*}، بابک زندی علی‌آباد^۲

چکیده

صنعت بیمه به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی نظام مالی، نیازمند سازوکارهای نظارتی کارآمد است. روش‌های سنتی نظارت به دلیل تمرکز بر ممیزی‌های دوره‌ای و گزارش‌گیری‌های آفلاین، در شرایط بحرانی مانند جنگ و آشوب، کارآمدی محدودی دارند. از سویی دیگر با ظهور فناوری‌های نوین و گذار از الگوهای نظارت سنتی، زمینه ارتقای شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد شده که این تغییر پارادایم، حرکت از سازوکارهای واکنشی به سوی سیاست‌های پیشگیرانه را ضروری می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش نظارت هوشمند در صیانت از حقوق بیمه‌گذاران و تحلیل نقش میانجی هماهنگی سیستمی و تاثیر تعدیلی شرایط آنارشی در صنعت بیمه انجام و داده‌های حاصل از ۵۰۰ پرسشنامه با روش رگرسیون چند متغیره و آزمون میانجی‌گری تحلیل شد. نتایج نشان داد که حقوق بیمه‌گذاران، مهم‌ترین دغدغه در نظام بیمه‌ای است و هماهنگی سیستمی با نقش میانجی معنادار، ضعیف‌ترین عملکرد را دارد، هم‌چنین عدم انسجام نهادی می‌تواند مانع اساسی نظارت فناورانه باشد. از دیدگاه حقوقی، تقویت سازوکارهای نظارت هوشمند، موجب صیانت از حقوق بیمه‌گذاران و کاهش اختلافات به شیوه‌ای موثر بوده و کارآمدی شرکت بیمه در گرو ایجاد هم‌افزایی میان نهادهای بیمه‌ای، نظارت هوشمند فناورانه و چارچوب‌های حقوقی مستحکم است که می‌تواند مبنای اصلاح مقررات و سیاستگذاری‌های آینده صنعت بیمه ایران باشد.

واژگان کلیدی: نظارت هوشمند، صنعت بیمه، حقوق بیمه‌گذاران، شرایط آنارشیک.

۱. دانشجوی دکتری حقوق محیط‌زیست، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، رئیس گروه پژوهش‌های بیمه‌ای و میان‌رشته‌ای بیمه دانا، (نویسنده مسئول)

Far_mhosein@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بیمه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، مدیر آموزش پژوهش و توسعه بیمه دانا، babakzv53@gmail.com



تنظیم‌گری در زیست‌بوم صنعت بیمه: چارچوب مفهومی و مطالعه موردی ایران

اشکان سپهری^{۱*}، کاویان ملک اسمعیلی^۲

چکیده

صنعت بیمه در سراسر جهان در حال تجربه تحول بی‌سابقه‌ای است که ناشی از نوآوری دیجیتال، تغییرات اقلیمی، تغییرات جمعیتی و چارچوب‌های نظارتی در حال تحول است. این مقاله به بررسی مقررات زیست‌بوم نوظهور صنعت بیمه می‌پردازد و الزامات حیاتی برای نظارت مؤثر در بازارهای معاصر را شناسایی می‌کند. ما از طریق بررسی جامع ادبیات و توسعه چارچوب مفهومی، گذار از مقررات سنتی مبتنی بر سیلو به نظارت مبتنی بر زیست‌بوم را که شامل مدل‌های بیمه‌ای، بیمه‌های تعبیه‌شده و مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر پلتفرم می‌شود، تجزیه و تحلیل می‌کنیم. با استفاده از بازار بیمه ایران به عنوان یک مطالعه موردی در چارچوب گسترده‌تر اقتصادهای نوظهور، چالش‌های نظارتی از جمله حمایت از مصرف‌کننده، مدیریت ریسک سیستمی، حاکمیت داده‌ها و هماهنگی بین‌بخشی را بررسی می‌کنیم. تجزیه و تحلیل ما نشان می‌دهد که مقررات مؤثر زیست‌بوم نیازمند ساختارهای حاکمیتی تطبیقی، نظارت مبتنی بر فناوری، چارچوب‌های سرمایه مبتنی بر ریسک و همکاری بین‌المللی پیشرفته است. ما یک مدل ریاضی برای ارزیابی کارایی نظارتی ارائه می‌دهیم و داده‌های تجربی در مورد شاخص‌های عملکرد بازار را در آن لحاظ می‌کنیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که سازگاری موفق نظارتی به ایجاد تعادل بین تسهیل نوآوری و نظارت محتاطانه، به ویژه در بازارهایی که به سمت زیست‌بوم‌های بیمه دیجیتال در حال گذار هستند، بستگی دارد. این تحقیق به دانش رو به رشد در مورد نوآوری مقررات بیمه کمک می‌کند و توصیه‌های عملی برای سیاست‌گذاران در بازارهای بیمه در حال توسعه ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: زیست‌بوم بیمه، فناوری بیمه، چارچوب نظارتی، بازار بیمه ایران، تحول دیجیتال.

ashkan.sepehri27@gmail.com

۱. دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران، ایران

kavian.me@gmail.com

۲. دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران



چالش‌های امنیت داده و حریم خصوصی در نظارت دیجیتال بیمه البرز

سید محمدرضا مطلبی کیا^{۱*}، غلامرضا رسولی^۲، سحر جوانمرد^۳

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی چالش‌های امنیت داده و حریم خصوصی در نظارت دیجیتال بیمه البرز انجام گردید. برای انجام این مطالعه از روش تحقیق آمیخته (کیفی و کمی) استفاده شد. بخش کیفی توسط ابزار مصاحبه و روش داده بنیاد انجام گردید. نمونه آماری در بخش کیفی، ۱۵ نفر از مدیران شرکت بیمه البرز و اساتید دانشگاه‌های رشته مدیریت بودند که توسط نمونه‌گیری هدفمند و اشباع نظری انتخاب شدند. بخش کمی توسط ابزار پرسشنامه و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) و نرم‌افزار Smart PLS انجام شد. نمونه آماری در بخش کمی شامل ۱۰۰ نفر از مدیران، معاونان و کارکنان ارشد در شرکت بیمه البرز بودند که به روش غیراحتمالی و در دسترس انتخاب شدند. با توجه به نتایج بخش کیفی، ۱۲ مولفه اصلی، ۲۵ مولفه فرعی و ۶۴ شاخص برای چالش‌های امنیت داده و حریم خصوصی در نظارت دیجیتال بیمه البرز شناسایی شد. نتایج بخش کمی نیز نشان داد که شرایط علی با ضریب ۰/۳۶۱ بر پدیده محوری تاثیرگذار است. پدیده محوری با ضریب ۰/۳۹۱ بر راهبردها تاثیرگذار است. شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر به ترتیب با ضرایب ۰/۴۳۹ و ۰/۳۶۶ بر پیامدها تاثیرگذار هستند. همچنین راهبردها با ضریب ۰/۴۷۶ بر پیامدها تاثیر دارد.

واژگان کلیدی: امنیت داده، حریم خصوصی، نظارت دیجیتال.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازرگانی داخلی، گروه مدیریت، واحد اردکان، دانشگاه آزاد اسلامی،

اردکان، ایران (کارشناس صدور شعبه شیخ بهایی بیمه البرز)، (نویسنده مسئول)

Motallebikia@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش تشکیلات و روش‌ها، گروه مدیریت، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی،

دهقان، ایران (رئیس بیمه البرز مجتمع شیخ بهایی اصفهان)

rasouli-gh@bimehalborz.ir

۳. کارشناسی ارشد مدیریت مالی گرایش مالی، گروه مالی، واحد اصفهان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(کارشناس مالی واحد ترخیص بیمارستان سینا اصفهان)

Javanmard6868@gmail.com



حفظ حریم خصوصی در ساپ تک بیمه با گمنام‌سازی داده‌ها: چارچوب فنی، مرور تجارب و سناریوهای اجرایی

مهران محبوبیان^{۱*}، مرضیه محمودی^۲

چکیده

این مقاله با هدف کاهش ریسک‌های حریم خصوصی در نظارت فناوریانه بیمه، چارچوبی یکپارچه برای ادغام گمنام‌سازی داده‌ها در چرخه نظارتی ارائه می‌کند. ابتدا با مرور ادبیات و تجربه‌های بین‌المللی و نیز مقایسه فنی روش‌های گمنام‌سازی، نشان می‌دهیم اتکای صرف به حذف شناسه‌های مستقیم کافی نیست و ترکیب چند رویکرد متناسب با نوع داده و هدف نظارتی ضرورت دارد. بر پایه این تحلیل، یک چارچوب شش مرحله‌ای «حریم‌محور در طراحی» تدوین می‌شود که از ورود داده تا انتشار نتایج را پوشش می‌دهد، بدون آن که نیازمند تغییرات اساسی در سامانه‌های موجود باشد. ارزیابی مفهومی چارچوب در سناریوهای بیمه رانندگی نشان می‌دهد می‌توان هم‌زمان ریسک بازشناسایی را به‌طور معنادار کاهش داد و کارایی تحلیلی موردنیاز نهاد ناظر را حفظ کرد. دستاورد اصلی مقاله، ارائه مدلی مرجع به‌همراه منطق ترکیب تکنیک‌ها برای کاربردهای مختلف بیمه‌ای است که قابلیت انطباق سریع با زیرساخت‌های نظارتی موجود را دارد و مسیر گذار از جمع‌آوری داده خام به نظارت داده‌محور صیانت‌شده از حریم خصوصی را هموار می‌کند.

واژگان کلیدی: ساپ تک، گمنام‌سازی داده‌ها، حریم شخصی.

۱. بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

m.mahbobian@samaninsurance.ir

۲. بیمه سامان، تهران، ایران

ms.mahmoudi@samaninsurance.ir



رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر انطباق رفتار کارکنان با سیاست‌های امنیت اطلاعات در صنعت بیمه کشور

سعید کاظم‌پوریان^۱، مهسان رستمی^۲، فاطمه قربانی^۳، سیروس شریفی^{۴*}

چکیده

این پژوهش به رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر انطباق رفتار کارکنان با سیاست‌های امنیت اطلاعات در صنعت بیمه کشور ایران می‌پردازد. مدل یکپارچه انطباق با سیاست‌های امنیت اطلاعات (UMISPC) برای تعیین عوامل مؤثر بر این حوزه مورد استفاده قرار گرفت. برای تعیین اهمیت نسبی مؤلفه‌ها از روش Best-Worst Method (BWM) و اخذ نظر از خبرگان حوزه امنیت اطلاعات و امنیت اطلاعات در صنعت بیمه بهره گرفته شد. نتایج این پژوهش نشان دادند که عوامل اجتماعی، شرایط تسهیل‌کننده و کارآمدی پاسخ سه عامل دارای بیشترین اهمیت در ارتقاء رفتار انطباقی کارکنان هستند. پس از آنها، تهدید، عادت، تنبیهات، پاداش‌ها/ هزینه‌ها، ترس و خنثی‌سازی قرار دارند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که تاکید بر سازوکارهای اجتماعی و فراهم‌سازی شرایط تسهیل‌کننده عملیاتی و فنی نسبت به رویکردهای صرفاً تنبیهی یا هراس‌آفرین، اثربخشی بیشتری در تحقق رفتارهای منطبق با سیاست‌های امنیتی دارد. پیشنهادها کاربردی این پژوهش شامل توانمندسازی سفیران امنیت، ساده‌سازی فرآیندها، تقویت اثبات‌پذیری اقدامات امنیتی و بازطراحی نظام‌های پاداش/ ارزیابی جهت بهبود انطباق امنیتی است. یافته‌های این پژوهش برای مدیران و سیاست‌گذاران صنعت بیمه جهت طراحی اقدامات هدفمند و پایدار در حوزه امنیت اطلاعات مفید می‌باشند.

واژگان کلیدی: صنعت بیمه، سیاست‌های امنیت اطلاعات، روش BWM، امنیت سایبری.

۱. دانش‌آموخته دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
s_kazempourian@atu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت کسب‌وکار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
mahsan.rostamie@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت کسب‌وکار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
sanaaghorbani82@gmail.com

۴. استادیار، گروه مدیریت بانک، بیمه و گمرک، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
ssharif@khu.ac.ir



مقایسه تطبیقی استانداردهای جهانی تنظیم‌گری بیمه و ارائه مدل بومی برای ایران

زهرا برزگر لیایی^{*۱}

چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه تطبیقی چارچوب‌های مرجع جهانی تنظیم‌گری بیمه و ارائه مدلی بومی‌سازی‌شده برای ایران است. با روش مرور تحلیلی-مقایسه‌ای منابع معتبر (اصول هسته‌ای بیمه IAS، سولونسی II اروپا، NAIC آمریکا، PRA/FCA بریتانیا، MAS سنگاپور، APRA استرالیا، FINMA سوئیس) و داوری خبرگان، هشت بُعد کلیدی سنجش انتخاب شد: سرمایه مبتنی بر ریسک، مدیریت ریسک/اورسا، حکمرانی شرکتی، افشا و گزارشگری، رفتار بازار، نظارت گروهی، ریسک فناوری/سایبری، و نوآوری/سندباکس. یافته‌ها نشان می‌دهد کشورهای پیشرو بر سرمایه حساس به ریسک، اورسای اجباری، افشاهای استاندارد، و حکمرانی داده/ریسک فناوری تأکید دارند؛ درحالی‌که در زمینه‌های مشابه ایران شکاف‌هایی مانند حاشیه توانگری سنتی، گزارشگری ناهمسان، و نبود چارچوب یکپارچه داده و سندباکس فعال دیده می‌شود. بر پایه تحلیل، مدل بومی شش ستونی پیشنهاد می‌شود: سرمایه و توانگری مبتنی بر ریسک (RBC-IR)، حکمرانی و اورسا، گزارشگری/افشا و ارزش‌گذاری، رفتار بازار و حمایت بیمه‌گذار، داده/سوپ‌تک و نوآوری، و موضوعات برآمده (اقلیم/سایبری/ابر/نظارت گروهی) به‌همراه نقشه‌راه سه‌فازی. این مدل هم‌تراز اصول IAS بوده و مسیر همگرایی تدریجی با ICS را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: اصول IAS، سولونسی II، RBC، اورسا (ORSA)، سوپ‌تک، حکمرانی داده، سندباکس نظارتی.

سی‌ودومین همایش ملی و سیزدهمین
همایش بین‌المللی بیمه و توسعه ICID 2025
بازاندیشی نظارت در بیمه؛ مسیر نوآورانه برای تنظیم‌گری مؤثر



SID



پنل آینده‌نگری، ارزیابی و الزامات نهادی

پنل آینده‌نگری، ارزیابی و الزامات نهادی

مقالات ارائه



Competency Framework for Insurance Professionals: Skills Gaps and Training Priorities in Risk-Based Supervision Era

Roya Jahandideh^{1*}, Zahra Mirzabagheri²

Abstract

The transition to risk-based supervision (RBS) represents a fundamental shift in insurance regulation globally, requiring substantial evolution in professional competencies across the sector. This research examines the competency framework essential for insurance professionals operating within RBS environments, with specific application to Iranian insurance companies. Through analysis of international best practices from European, Asian, and North American markets, this study identifies critical skills gaps and establishes training priorities for the Iranian insurance sector. The research employs a mixed-method approach, synthesizing data from regulatory frameworks in 28 countries and competency assessments from major international insurance markets. Key findings indicate that Iranian insurance professionals require immediate development in quantitative risk modeling, regulatory technology applications, and integrated risk management capabilities. The study reveals that companies implementing comprehensive competency frameworks achieve 34% better regulatory compliance rates and 27% improvement in risk-adjusted returns compared to traditional supervision approaches (Berry-Stölzle & Xu, 2018). The analysis demonstrates that successful RBS implementation depends on three interconnected competency domains: technical risk assessment capabilities, regulatory alignment skills, and digital transformation readiness. For Iranian companies, the research proposes a structured competency development approach focusing on practical implementation rather than theoretical knowledge, emphasizing cross-functional collaboration and continuous learning mechanisms adapted from successful implementations in emerging markets.

Keywords: Risk-based supervision, Insurance competencies, Skills gap, Regulatory compliance, Iranian insurance sector, ORSA.

1. Insurance expert_ Saman Insurance company _ Somee Sara _ Iran _ Roya _ Jahandideh _Jahandideh.bime.saman454@gmail.com (Corresponding Author)

2. Insurance expert_ Saman Insurance company _ Langeroud _ Iran _ Zahra _ Mirzabagheri



Global Trends in Insurance Supervision

Elahe Peyravi^{1*}, Niussha Varzeshi²

Abstract

This paper reviews the international development of insurance supervision and analysis of new trends, challenges, and international standards up to 2025. Insurance regulations in the study have been detailed by the authors through referencing several sources, such as the reports of the International Association of Insurance Supervisors (IAIS), the European Insurance and Occupational Pensions Authority (EIOPA), in addition to the insurance industry reports produced by Ernst & Young (EY) and Deloitte, and academic articles. The research results show the transition of insurance regulation to a risk-based approach model aligned with the updated IAIS standards, the Insurance Core Principles (ICPs), and the Insurance Capital Standard (ICS). Although there are challenges to the market strength such as economic changes, high inflation, and rising debt. Still, technology and the concept of digitalization, as well as Environmental, Social, and Governance (ESG) principles, offer opportunities for increased efficiency and financial sustainability. The studies conducted on the new standards indicate that some countries are also adopting them at varying speeds.

Keywords: Insurance supervision, international standards, IAIS, climate risks, artificial intelligence.

1. Marine, Aviation & Liability Reinsurance Expert at Iranian Re Co.

Elahe_peyravi@yahoo.com

2. Marine, Aviation & Liability Reinsurance Expert at Iranian Re Co.

Varzeshi.niussha@gmail.com



ارزیابی اثربخشی نظارت بیمه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی ایران

مهدیه السادات بزرگی^{۱*}، محدثه منوچهری^۲

چکیده

صنعت بیمه نقشی اساسی در مدیریت ریسک‌های اقتصادی و افزایش ثبات مالی ایفا می‌کند. نظارت مؤثر بر فعالیت‌های بیمه‌ای، یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاران برای حفظ اعتماد عمومی و ارتقای کارایی این صنعت است. با توجه به ویژگی‌های خاص اقتصاد ایران همچون نرخ تورم بالا، نوسانات ارزی، وابستگی به درآمدهای نفتی و چالش‌های نهادی، مدل‌های نظارت بیمه‌ای مبتنی بر تجارب کشورهای توسعه‌یافته به‌طور کامل پاسخگوی نیازهای بومی کشور نیستند. هدف این پژوهش، تدوین یک مدل بومی برای ارزیابی اثربخشی نظارت بیمه‌ای متناسب با ساختار اقتصادی ایران است. روش تحقیق ترکیبی بوده و در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان صنعت بیمه و تحلیل مضمون، شاخص‌های کلیدی استخراج گردید. در بخش کمی نیز داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسشنامه، با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد ابعاد نهادی و حقوقی، مالی-اقتصادی، شفافیت و گزارش‌دهی، حمایت از بیمه‌گذاران، زیرساخت‌های فناورانه و کارآمدی سازمانی مهم‌ترین مؤلفه‌های بومی ارزیابی اثربخشی نظارت بیمه‌ای در ایران هستند. مدل پیشنهادی می‌تواند به‌عنوان چارچوبی کاربردی برای بیمه مرکزی و سایر نهادهای ذی‌ربط جهت ارتقای کارآمدی نظارت و تقویت اعتماد عمومی در بازار بیمه ایران مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظارت بیمه‌ای، اثربخشی، مدل بومی، اقتصاد ایران، بیمه مرکزی.

۱. کارشناس مسئول صدور (بیمه سامان)، کارشناسی مدیریت بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mah_bgi94@yahoo.com

۲. معاون اداره صدور (بیمه سامان)، کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، تهران، ایران

mo.manouchehri@samaninsurance.ir



ارزیابی نقش نهادناظر در تاب‌آوری صنعت بیمه ایران

سارا حقیقی‌وند^{۱*}، ساناز بائی^۲

چکیده

هدف این پژوهش ارزیابی نقش نهاد ناظر در تقویت تاب‌آوری صنعت بیمه ایران با بهره‌گیری از مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) و تحلیل MICMAC می‌باشد. در مرحله نخست، با مرور نظام‌مند ادبیات و بهره‌گیری از روش دلفی، یازده عامل کلیدی مؤثر بر تاب‌آوری شناسایی و توسط خبرگان صنعت بیمه تأیید شد. سپس با استفاده از روش ISM، روابط علی و سطح‌بندی این عوامل تعیین و جایگاه هر یک در سلسله‌مراتب نظارتی مشخص گردید. نتایج نشان داد که «استقلال نهاد ناظر» به‌عنوان محرک اصلی سیستم، بیشترین قدرت تأثیر و کمترین وابستگی را دارد و سایر عوامل اجرایی همچون توانایی اجرایی، شفافیت گزارش‌دهی و حداقل سرمایه، نقش واسطه‌ای در انتقال اثر به سطوح فنی‌تر ایفا می‌کنند. تحلیل MICMAC نیز تأیید کرد که تاب‌آوری صنعت بیمه به‌عنوان نتیجه نهایی، وابسته به عملکرد صحیح زنجیره‌ای از عوامل نهادی و اجرایی می‌باشد. بر این اساس، تقویت استقلال نهادی، شفافیت و توانایی اجرایی پیش‌شرط‌های اساسی برای دستیابی به تاب‌آوری پایدار در صنعت بیمه ایران محسوب می‌شوند. در نهایت می‌توان گفت یافته‌ها مبنای طراحی سیاست‌های مؤثرتر نظارتی، بازنگری شاخص‌های عملکرد نهاد ناظر و توسعه چارچوب‌های پایدار تاب‌آوری عملیاتی در سطح ملی را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: نهادناظر، تاب‌آوری، صنعت بیمه ایران، ISM-MICMAC.

۱. DBA، مدیر امور بین الملل، بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Sara.haghighi@gmail.com

۲. دکترای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، مسئول توسعه کسب و کار بین الملل، بیمه سامان، تهران، ایران

Sanaz.baee@gmail.com



تحلیل سناریوهای نظارت آینده در صنعت بیمه ایران با رویکرد آینده‌پژوهی

احسان جلالی لواسانی^{۱*}، حامد صفی آریان^۲، امیررضا رمضانی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی شاخص‌ها و پیشران‌های مؤثر بر نظارت سنتی و مدرن در صنعت بیمه و مقایسه تطبیقی میان نظارت سنتی مبتنی بر تطبیق مقررات و نظارت مدرن مبتنی بر فناوری و رویکرد ریسک‌محور انجام شده است. مطالعه با رویکرد آینده‌پژوهی و روش تحلیل سناریو انجام گرفت. جامعه آماری شامل خبرگان صنعت بیمه، متخصصان حوزه‌های نظارت مالی و فنی و کارشناسان مرکز فاوا بوده و نمونه‌گیری به صورت قضاوتی صورت پذیرفت.

پژوهش در بازه زمانی اواخر سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴ طی چند گام انجام شد: استخراج پیشران‌های مؤثر از مرور ادبیات، غربال آن‌ها با روش دلفی فازی، اولویت‌بندی با روش مارکوس و تدوین سناریوهای باورپذیر آینده نظارت بیمه‌ای. از میان ۲۰ پیشران اولیه، ۸ پیشران کلیدی شناسایی شد. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بلوغ زیرساخت داده و یکپارچگی گزارشگری، شایستگی‌های تحلیلی ناظران، پذیرش فناوری در صنعت، حاکمیت شرکتی، محیط حقوقی و استانداردگذاری، نظارت فناورانه و ریسک‌محور، استفاده از هوش مصنوعی و امنیت سایبری.

بر اساس دو پیشران نهایی یعنی فناوری و ریسک‌محوری و حکمرانی، چهار سناریوی محتمل برای آینده نظارت در صنعت بیمه ایران ترسیم شد. نتایج بر گذار مرحله‌ای به نظارت دیجیتال، توسعه زیرساخت داده و ارتقای شایستگی ناظران در بستر حکمرانی قوی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: نظارت سنتی، نظارت ریسک‌محور، آینده‌پژوهی، تحلیل سناریو، نظارت فناورانه.

۱. دکترای اقتصاد، عضو کمیته علمی اندیشکده - حکمرانی کسب و کار بیمه و تکافل، دانشگاه امام صادق (ع)،

jalalilavasani2015@gmail.com

(نویسنده مسئول)

Hamedarian1402@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، شاغل در صنعت بیمه

Amirrezaamirrezayy@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)

پنل آینده‌نگری، ارزیابی و الزامات نهادی

مقالات پذیرش شده به صورت
صرفاً چاپ



Developing Human Capital in Insurance Industry through Training, Empowerment, and Reskilling under Modern Supervisory Practices

E. Najafi Vayqan^{1*}, H. Karimi²

Abstract

Background & Purpose: In today's highly competitive and global economy, intangible assets are increasingly important, with human capital taking a key role. As technology evolves rapidly and market conditions change, human capital now serves as the core foundation and primary driver of innovation and economic growth for countries. The current research was conducted with the aim of human capital development Industry by implementing training, empowerment, and reskilling within modern supervisory frameworks.

Design/methodology/approach – To achieve this goal, this applied research employed a descriptive–analytical design to examine the study objectives. Data were collected from 270 insurance experts of Saman Insurance Company through a researcher-designed questionnaire based on relevant literature. The sample size was determined using the 10-times rule for structural models, ensuring representativeness and reliability. The instrument utilized a five-point Likert scale to measure attitudes and perceptions. Data analysis was performed using descriptive statistics, correlation analysis, confirmatory factor analysis, and structural equation modeling (SEM).

Originality/value - Through rigorous analysis and hypothesis testing, it can be concluded that Integrating training, reskilling, and empowerment with modern supervisory practices enhances employee capabilities, autonomy, and adaptability that strengthen both individual and organizational capacity, fostering sustainable, flexible, and resilient insurance firms prepared for evolving market and regulatory challenges.

Keywords: Human capital development, Training, Reskilling, Empowerment, Modern Supervision.

1. M.A. in TEFL, Elhamnv@yahoo.com

2. Doctor of Business Administration. h.karimi@samaninsurance.ir



Developing a Forward-Looking Supervisory Framework for Iran's Insurance Industry toward 1414

Faeze Peyrovinia^{1*}, Farhad Nazarizadeh²

Abstract

This study aims to design a forward-looking and resilient supervisory framework for Iran's insurance industry toward the 1414 horizon (2035–36). Anchored in the principles of adaptive governance and data-driven supervision, the framework seeks to enhance the system's capacity to anticipate and manage emerging risks across technological, environmental, and economic domains. Adopting a foresight-oriented mixed-method approach, the research integrates qualitative and quantitative analyses. In the initial stage, the PESTEL model was applied to identify 36 key drivers across six dimensions—political, economic, social, technological, environmental, and legal—drawing on international experiences from institutions such as EIOPA, FSB, and MAS. These drivers were evaluated using the Fuzzy Delphi method with participation from academic and industry experts, resulting in the selection of 18 validated factors. The Friedman test was subsequently employed to rank the drivers by importance and uncertainty, identifying five high-impact elements: AI-based risk analytics, SupTech/RegTech integration, principles-based adaptive regulation, cybersecurity resilience, and climate stress testing. The findings indicate that the transition toward forward-looking supervision requires more than regulatory reform or digitalization—it calls for the integration of predictive technologies, institutional learning, and adaptive data governance. Together, these elements can transform Iran's insurance supervision from a reactive, compliance-based model into an intelligent, proactive, and learning-oriented system. The proposed framework offers a structured pathway for enhancing supervisory foresight and resilience, enabling the industry to navigate uncertainty and contribute to sustainable financial stability by the 1414 horizon.

Keywords: Forward-looking supervision, PESTEL model, Friedman test, Fuzzy Delphi, SupTech/RegTech.

1. Ph.D. Candidate in Futures Studies, Eyvanki University. F.peyrovinia@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Technology and Strategy, Malek Ashtar University of Technology, Tehran. Farhad.nazarizadeh@gmail.com



Environmental Risk Standards and Climate Supervision: A Comparative Analysis for Iranian Insurance Market Integration

Fatemeh Shaterzaryab^{1*}, Zeinab Rostami²

Abstract

This study assesses how prepared Iranian insurance companies are for emerging environmental risk standards within global climate risk supervision frameworks. By comparing regulatory developments and supervisory practices across 28 countries in Europe, Asia, and North America since 2018, and analyzing strategies of 45 major insurers in vulnerable regions, it highlights key gaps and opportunities for Iran. The findings identify three essential elements for effective climate risk supervision: increased investment in data infrastructure (averaging 40% growth), use of dynamic risk assessment models with forward-looking scenarios, and dedicated governance structures for environmental risks.

The analysis shows that emerging market insurers adopting proactive climate risk frameworks achieve 23% better solvency ratios and 18% greater operational resilience than reactive adopters (Huang et al, 2022). For Iranian insurers, applying simplified versions of the European Insurance and Occupational Pensions Authority (EIOPA) guidelines, alongside regionally tailored stress tests, provides a practical path to international compliance. The study concludes that focusing on technological upgrades and workforce training is crucial, with phased implementation over 24-36 months proving most effective in similar markets.

Keywords: climate risk supervision, environmental standards, insurance regulation, emerging markets, risk-based oversight, supervisory technology.

1. F.shaterzaryab@gmail.com (Corresponding Author)
2. Zeinabrostami1986@gmail.com



Proactive Regulatory Approaches in Insurance: Anticipating Emerging Risks and Enhancing Resilience

A. Jam^{1*}, S. Zarrodi²

Abstract

The accelerating pace of economic and technological change has fundamentally altered the insurance industry's risk profile, introducing a wave of emerging threats including cyberattacks, climate-driven catastrophes, and systemic shocks from interconnected financial systems. These developments demand a shift from reactive oversight to proactive, forward-looking regulation, capable of anticipating vulnerabilities before they materialize. This paper proposes and examines a regulatory model that integrates predictive analytics, scenario building, resilience modelling, and regulatory technology (RegTech) with supervisory technology (SupTech) for comprehensive insurance supervision.

Drawing on a structured framework, the analysis addresses the typology of emerging risks—technological, climate/environmental, and systemic—and explores advanced modelling tools such as behavioural parameter integration, machine learning-based network analysis, and multi-hazard stress testing. International case studies from the EU, New Zealand, Singapore, and South Africa illustrate practical applications, from cyber risk oversight and parametric earthquake coverage to behavioural stress testing and AI-driven claims fraud detection.

The paper further outlines a scenario-building approach to assess plausible futures between 2030–2035, providing regulators with pathways for optimizing policy in optimistic, baseline, and pessimistic conditions.

Policy recommendations include establishing integrated risk data hubs, mandating climate and cyber stress tests, fostering parametric and resilience-linked products, enabling continuous compliance through SupTech, embedding ethical governance in technological adoption, and embedding scenario-based policy revision.

Findings demonstrate that proactive supervision enhances risk anticipation, improves intervention timing, and strengthens systemic resilience—particularly when supported by high-quality data governance and interoperable SupTech frameworks. Comparative insights reveal trade-offs between unified coordination and distributed innovation, underscoring the need for balanced governance models. Overall, the study provides actionable guidance for insurance regulators and supervisory bodies seeking to protect solvency, market stability, and consumer trust in an increasingly complex and globally interconnected risk environment.

Keywords: Proactive regulation, Insurance supervision, Emerging risks, Resilience modelling.

1. Azarakhsh Jam, azarakhsh.jam@gmail.com. (Corresponding Author)
2. Saied Zarrodi, s.zarrodi@samaninsurance.ir



اولویت‌بندی راهبردهای نظارتی در مدیریت ریسک‌های نوظهور در صنعت بیمه ایران با رویکرد تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

محمد رئیسی^{۱*}، ربابه کردستانی^۲

چکیده

صنعت بیمه به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی نظام مالی، نقشی اساسی در توزیع ریسک و پایداری اقتصادی ایفا می‌کند. با این حال، تحولات سریع در حوزه‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، تهدیدات سایبری، بلایای طبیعی و فناوری‌های مالی نوین، منجر به بروز ریسک‌های نوظهوری شده است که ساختارهای نظارتی سنتی توانایی کافی برای مواجهه با آن‌ها را ندارند. در چنین شرایطی، شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای نظارتی می‌تواند به افزایش تاب‌آوری و توانگری صنعت بیمه ایران کمک شایانی نماید. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه مقایسات زوجی در میان خبرگان صنعت بیمه و نهادهای نظارتی گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و نرم‌افزار Expert Choice انجام گرفت.

یافته‌ها نشان داد که «نظارت مبتنی بر ریسک» بالاترین اولویت را داراست و پس از آن «فناوری‌های نظارتی» و «تقویت کفایت سرمایه» در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. همچنین راهبردهایی همچون تدوین مقررات ویژه ریسک‌های سایبری، ارتقای شفافیت داده‌ها و توانمندسازی منابع انسانی به‌عنوان اقدامات مکمل شناسایی شدند. در مجموع، نتایج بیانگر آن است که صنعت بیمه ایران برای مقابله با ریسک‌های نوظهور به چارچوبی آینده‌نگر و چندبعدی نیاز دارد؛ چارچوبی که اصلاحات نهادی، نوآوری فناورانه، تقویت مالی و توسعه سرمایه انسانی را به صورت هم‌زمان در بر گیرد.

واژگان کلیدی: ریسک‌های نوظهور، صنعت بیمه، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، فناوری‌های نظارتی و تنظیم‌گری فناورانه، نظارت مبتنی بر ریسک.

۱. دکترای سیاست‌گذاری عمومی، کارشناس فنی بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

raeisimohammad66@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، کارشناس مسئول مالی بیمه سامان، تهران، ایران

aseman_roya_k@yahoo.com



تأثیر آموزش، رهبری و انگیزش بر پذیرش نوآوری در نظارت دیجیتال

محمدامین دهقانی^{۱*}، مهدی روحی خلیلی^۲

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه ایران به دلیل ماهیت داده محور اهمیتی ویژه دارد. با این حال، چالش‌هایی همچون کمبود آموزش، سبک‌های رهبری سنتی و ضعف انگیزش کارکنان، روند پذیرش نوآوری و به ویژه استقرار نظارت دیجیتال را با کندی مواجه کرده است. هدف این پژوهش بررسی تأثیر سه عامل آموزش، رهبری و انگیزش بر پذیرش نوآوری و نظارت دیجیتال در صنعت بیمه است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۵۰ نفر از کارکنان و نمایندگان شرکت بیمه معلم (مجمع شیراز) بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۱۰۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای مبانی نظری و تحقیقات پیشین بود و داده‌ها با آزمون رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد آموزش، رهبری و انگیزش اثر مثبت و معناداری بر پذیرش نوآوری و توسعه نظارت دیجیتال دارند. همچنین فرضیه‌های فرعی تأیید کردند که آموزش اثر قوی‌تری بر پذیرش نوآوری و نظارت دیجیتال دارد، درحالی‌که رهبری و انگیزش به ویژه در بعد انگیزش شغلی نقش مهم‌تری در پایداری نتایج ایفا می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد منابع انسانی، عاملی کلیدی در موفقیت تحول دیجیتال صنعت بیمه است و بدون توجه به آموزش مستمر، رهبری تحول آفرین و نظام‌های انگیزشی، سرمایه‌گذاری فناورانه به نتایج مطلوب نخواهد رسید.

واژگان کلیدی: آموزش، رهبری تحول آفرین، انگیزش شغلی، پذیرش نوآوری، نظارت دیجیتال.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار، دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)

madehghanibu@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی گرایش رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mahdi.rouhi.kh@gmail.com



تأملی در پیامدهای نظارت الکترونیکی بر عملکرد کارکنان شرکت‌های بیمه

مجید بنویدی^{۱*}، عباس نجفی^۲

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی تأثیر نظارت الکترونیکی بر عملکرد فردی با در نظر گرفتن جنبه‌های نقض حریم خصوصی، اعتماد سازمانی و استرس فردی کارکنان شرکت‌های بیمه انجام شده است. روش تحقیق بکارگرفته در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده و برای سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان شرکت‌های بیمه واقع در استان فارس بوده که تعداد آنها برابر ۸۷۳ نفر می‌باشد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر ۲۶۷ نفر برآورد شده است. روایی ابزار پژوهش بصورت محتوایی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفته است. جهت بررسی فرضیات تحقیق با نرم افزار Smart-PLS از روش معادلات ساختاری و تحلیل مسیر به روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده گردید. نتایج تجربی تحقیق مشخص ساخت که درک نظارت الکترونیکی بر عملکرد به طور قابل توجهی نقض حریم خصوصی را افزایش می‌دهد، اعتماد سازمانی را کاهش می‌دهد، استرس فردی را افزایش می‌دهد و در نهایت عملکرد فردی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، مشخص شد که نقض حریم خصوصی، اعتماد سازمانی را کاهش می‌دهد و این کاهش اعتماد، استرس فردی را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: نظارت الکترونیکی بر عملکرد، نقض حریم خصوصی، اعتماد سازمانی، استرس فردی، عملکرد فردی.

۱. مدیر عامل و عضو هیئت مدیره شرکت بیمه پارسیان، (نویسنده مسئول)

Mbenvidi@parsianinsurance.com

۲. مدیر منطقه مرکزی شرکت بیمه پارسیان

Ehsan_najafi66@yahoo.com



تحلیل پویای آینده‌نگری اثربخشی مدل‌های نوین نظارت صنعت بیمه

سید علی اکبر میرهادی^{۱*}، نازپری ابدی^۲، فائزه ملاطالقانی^۳

چکیده

نظارت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حیاتی در ساختارهای مدیریتی، نقش کلیدی در تضمین کیفیت خدمات، کاهش تخلفات، و افزایش اعتماد عمومی ایفا می‌کند. این مقاله با هدف ارتقاء اثربخشی نظارت در صنعت بیمه ایران، یک مدل سیستم دینامیک طراحی و شبیه‌سازی شده ارائه می‌دهد. با توجه به پیچیدگی‌های رفتاری و ساختاری صنعت بیمه، استفاده از رویکرد تفکر سیستمی و مدل‌سازی دینامیک، امکان تحلیل بلندمدت، شناسایی حلقه‌های بازخورد، و ارزیابی سناریوهای سیاستی را فراهم می‌سازد. مدل پیشنهادی شامل متغیرهای حالت (اعتماد عمومی، کیفیت خدمات، تخلفات بیمه و فشار عملیاتی)، و نرخ‌های مرتبط (نظیر اثربخشی، شکایات، تخلفات و نظارت) و متغیرهای کمکی (نظیر بودجه نظارت، دیجیتال‌سازی، آموزش ناظران، رضایت مشتریان) است. با اجرای هشت سناریو، اثر تغییر متغیرهای برون‌زا بر رفتار سیستم بررسی شد. نتایج نشان داد که افزایش هدفمند بودجه، دیجیتال‌سازی کامل، و سیاست‌های ترکیبی نظارت، بیشترین تأثیر مثبت را بر اثربخشی نهایی و کیفیت خدمات دارند. در پایان، راهکارهای اجرایی و توصیه‌های پژوهشی برای توسعه آینده ارائه شده‌اند. این مدل می‌تواند به‌عنوان ابزار تصمیم‌یار برای سیاست‌گذاران بیمه‌ای در مسیر بهبود نظارت و پایداری خدمات مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: صنعت بیمه، اثربخشی، نظارت، پویایی سیستم، سناریو.

۱. مدیریت تکنولوژی، مدیریت، آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Ali.mirhadii@gmail.com

۲. مدیریت بانکداری، مدیریت، آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران

Nazparinaz@AOL.com

۳. مدیریت صنعتی، مدیریت، آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران

f.taleghani12@gmail.com



تحلیل تطبیقی IFRS 17 و Solvency II در صنعت بیمه ایران

مأنده محبوبی^{۱*}، نسیمه رحیمی مقدم^۲

چکیده

در سال‌های اخیر، استانداردهای نوین بین‌المللی در حوزه حسابداری و نظارت بیمه‌ای، شامل IFRS 17 و Solvency II، به عنوان دو ستون اصلی تحول در صنعت بیمه جهانی مطرح شده‌اند. این دو چارچوب، به‌رغم تفاوت‌های ساختاری و هدف‌گذاری، دارای همپوشانی‌هایی در حوزه‌های شفافیت مالی، تحلیل ریسک، و مدیریت تعهدات هستند و پیاده‌سازی همزمان آن‌ها در کشورهایی با ساختار در حال گذار، از جمله ایران، می‌تواند به ارتقاء نظام نظارتی و کارایی مالی منجر شود. مقاله حاضر با هدف تحلیل تطبیقی این دو استاندارد، ارائه چارچوب نظری تلفیقی و تدوین نقشه راه اجرایی برای پیاده‌سازی مؤثر در نظام بیمه ایران تدوین شده است. در این پژوهش، از روش تحلیلی-تطبیقی و تحلیل اسناد بین‌المللی استفاده شده و یافته‌ها نشان می‌دهد که IFRS 17 تمرکز خود را بر شفافیت گزارشگری مالی، شناسایی سود تحقق‌یافته، و افشای اجزای تعهدات قراردادی قرار داده، در حالی که Solvency II بر محاسبه سرمایه مبتنی بر ریسک، توانگری مالی و نظارت تحلیلی متمرکز است. مقایسه تطبیقی، به‌ویژه با کشورهای چون فرانسه، مراکش و رومانی، نشان می‌دهد که اجرای مرحله‌ای، پایلوت‌های نظارتی و بومی‌سازی مقررات می‌تواند مدل مؤثرتری برای کشورهای در حال توسعه باشد. بر این اساس، مقاله نقشه راهی سه مرحله‌ای برای ایران پیشنهاد می‌کند که شامل فاز آماده‌سازی نهادی، اجرای محدود و نهایتاً استقرار سراسری است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پیاده‌سازی هم‌زمان و تدریجی IFRS 17 و Solvency II، می‌تواند موجب نهاده‌سازی شفافیت مالی، افزایش اعتماد عمومی، تقویت رتبه اعتباری بیمه‌گران، و در نهایت هم‌راستایی با چارچوب‌های بین‌المللی شود. اما این فرآیند نیازمند اصلاحات حقوقی، توسعه زیرساخت‌های داده‌محور، آموزش گسترده نیروی انسانی و ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی است. مطالعه حاضر با ارائه یک مدل تلفیقی مفهومی و راهکارهای اجرایی، گامی در جهت نوسازی ساختار نظارت بیمه‌ای در ایران برداشته است.

واژگان کلیدی: IFRS 17، Solvency II، نظارت بیمه‌ای، تحلیل تطبیقی، نقشه راه پیاده‌سازی.

۱. کارشناس نگاهداشت، کارشناسی حرفه‌ای مدیریت کسب و کار، دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد ۴۱، تهران، (نویسنده مسئول)

madamahboobi@gmail.com

۲. رئیس اداره وصول مطالبات، کارشناسی شیمی، دانشگاه آزاد شهر ری، تهران
nasibeh.rahamimoghdam@gmail.com



تحلیل موانع و ارائه الگوی تغییر برای نظارت هوشمند بیمه

حمیدرضا بشیری^{۱*}، ابراهیم گردان^۲

چکیده

تحول دیجیتال در صنعت بیمه، به‌ویژه در حوزه نظارت، مستلزم عبور از موانع فرهنگی و مقاومت‌های نهادی عمیق است. نظارت هوشمند که متکی بر فناوری‌هایی چون هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های بزرگ و سامانه‌های بلادرنگ است، تنها در صورت پذیرش ذهنی و نهادی امکان تحقق خواهد داشت. این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل موانع فرهنگی و نهادی موجود در مسیر پیاده‌سازی نظارت هوشمند در صنعت بیمه ایران و ارائه الگویی برای مدیریت تغییر انجام شده است. روش تحقیق ترکیبی (کیفی-کمی) بوده که در بخش کیفی از تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان نهاد ناظر و در بخش کمی از پرسشنامه بسته با مقیاس لیکرت بهره‌گیری شد. نتایج نشان داد که پنج مانع فرهنگی اصلی شامل ذهنیت منفی نسبت به فناوری، ترس از کاهش اقتدار، عدم درک مشترک از مفهوم نظارت هوشمند، مقاومت در برابر شفافیت، و نبود فرهنگ داده‌محور هستند. همچنین، موانع نهادی نظیر ساختار بوروکراتیک ناکارآمد، نبود دستورالعمل‌های روشن، ضعف در زیرساخت‌های فناوری و مقاومت مدیران میانی شناسایی شد. تحلیل‌ها نشان داد که تعامل بین این موانع، اثرات تقویتی و تصاعدی در مقاومت نسبت به پیاده‌سازی فناوری ایجاد می‌کند. در پاسخ به این چالش‌ها، مدلی چهارمرحله‌ای برای مدیریت تغییر طراحی شد که شامل مراحل: آغاز تحول، ایجاد هم‌سویی، توانمندسازی و نهادینه‌سازی است. در این مدل، نقش کلیدی هر یک از ذی‌نفعان سازمانی به‌تفکیک در مراحل مدل مشخص شده و اقدامات مشخصی برای هر مرحله تدوین گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برای تحقق نظارت هوشمند، نیاز به مداخلات چندلایه، بازتعریف منطبق‌های نهادی، و تحول در فرهنگ سازمانی وجود دارد. این مطالعه با تلفیق نظریه‌های تغییر نهادی، مدیریت تغییر و فرهنگ سازمانی، مدلی بومی و قابل پیاده‌سازی برای صنعت بیمه ایران ارائه داده است که می‌تواند به‌عنوان نقشه راه تحول دیجیتال نهاد ناظر مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظارت هوشمند، مقاومت نهادی، موانع فرهنگی، صنعت بیمه، مدیریت تغییر.

۱. کارمند بیمه سامان، مدیریت گمرک، دانشگاه آزاد تهران مرکز، (نویسنده مسئول) bashiri.btk@gmail.com

۲. کارمند بیمه سامان، کارشناسی مدیریت برنامه ریزی، دانشگاه آزاد گرمسار ebrahimgordan1360@gmail.com



چارچوب مدیریت تغییر برای پیاده‌سازی سیستم‌های نظارت هوشمند در شرکت‌های بیمه: نقش رهبری و استراتژی‌های مشارکت ذی‌نفعان

مینا آب پیکر^{۱*}، مونا خلج آبادی فراهانی^۲

چکیده

تحول دیجیتال و گسترش فناوری‌های هوشمند در دهه اخیر، صنعت بیمه را در معرض دگرگونی بنیادین در سازوکارهای نظارتی قرار داده است. ظهور سیستم‌های نظارت هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های کلان، ظرفیت نهادهای بیمه‌ای برای شناسایی زود هنگام ریسک‌ها و افزایش شفافیت را به‌طور چشمگیری ارتقا داده است. با این حال، پیاده‌سازی این سیستم‌ها نه تنها مستلزم تغییر فناوریانه، بلکه نیازمند تحول فرهنگی، ساختاری و رفتاری در نهادهای نظارتی و شرکت‌های بیمه است. در این میان، رهبری تحول‌آفرین و مشارکت مؤثر ذی‌نفعان از عوامل کلیدی در مدیریت موفق این تغییر به‌شمار می‌روند. پژوهش حاضر با درک این ضرورت، به دنبال طراحی چارچوبی مفهومی برای مدیریت تغییر در پیاده‌سازی نظارت هوشمند در صنعت بیمه ایران است. این مطالعه با رویکرد کیفی اکتشافی و بر اساس تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق ۲۲ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مدیران نهاد ناظر، مدیران فناوری و ریسک شرکت‌های بیمه، و کارشناسان حوزه تحول دیجیتال گردآوری گردید. مصاحبه‌ها پس از رونویسی کامل، با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2022 مورد تحلیل قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها بر پایه مدل شش مرحله‌ای Braun & Clarke (2006) انجام شد. به‌منظور اعتباربخشی به نتایج، از معیارهای لینکلن و گوبا (1985) شامل قابلیت اطمینان، انتقال‌پذیری، وابستگی و تأییدپذیری استفاده گردید. در نهایت، ۵ مضمون اصلی و ۱۵ مضمون فرعی شناسایی شد که نمایانگر ابعاد کلیدی مدیریت تغییر در پروژه‌های نظارت هوشمند است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که رهبری تحول‌آفرین نقش محوری در هدایت و تثبیت فرآیند تغییر ایفا می‌کند. رهبران الهام‌بخش از طریق توانمندسازی کارکنان، ارتباط مؤثر و ترسیم چشم‌انداز مشترک، مقاومت در برابر فناوری‌های جدید را کاهش می‌دهند. همچنین، مشارکت فعال ذی‌نفعان شامل شرکت‌های بیمه، واحدهای فناوری و نهادهای نظارتی، از مهم‌ترین عوامل موفقیت در پیاده‌سازی سیستم‌های نظارت هوشمند شناخته شد. مضامین مرتبط با آمادگی سازمانی، فرهنگ یادگیرنده، و پایش مستمر تغییر نیز نشان دادند که پایداری تحول مستلزم وجود زیرساخت داده‌ای قوی و نظام بازخورد منظم است.

واژگان کلیدی: مدیریت تغییر، رهبری تحول‌آفرین، مشارکت ذی‌نفعان، نظارت هوشمند، صنعت بیمه، تحلیل مضمون.

۱. گروه معماری، دانشکده فنی، دانشگاه نمونه دولتی کار، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول) Minaabpeykar71@gmail.com

۲. گروه فناوری اطلاعات، دانشکده فنی، دانشگاه علمی کاربردی هادی، تهران، ایران
mfarahanisamaninsurance@gmail.com



رویکردهای نوین نظارت حقوقی و فناورانه در صنعت بیمه

فاطمه آزادبخت^{۱*}، سارا احدی کلایه^۲

چکیده

با تحولات اخیر دیجیتال و گسترش سریع فناوری‌های ایشورتک از جمله هوش مصنوعی، بلاک‌چین و رایانش ابری، صنعت بیمه با دگرگونی‌های بنیادین مواجه شده است. این فناوری‌ها فرصت‌های چشمگیری برای ارتقاء کارایی و قیمت‌گذاری منصفانه فراهم می‌آورند، اما هم‌زمان ریسک‌های داده‌محور جدیدی نظیر نقض حریم خصوصی، سوگیری الگوریتمی و حملات سایبری را نیز به دنبال دارند. چالش اصلی نهادهای ناظر، برقراری تعادل محتاطانه میان حمایت از نوآوری مشروع و تضمین ثبات مالی و حفاظت از حقوق مصرف‌کنندگان است، که این امر، ناظران را در برابر «دوراهی کنترل و نوآوری» قرار داده است. این مقاله با رویکرد تحلیلی-نظری، به بررسی مفهوم «دوز بهینه کنترل‌ها» می‌پردازد و بر نظریه‌ی تعارض میان کنترل‌های تجویزی و کنترل‌های سطح بالا متمرکز می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که برای دستیابی به مرز کارایی چارچوب کنترلی و به حداقل رساندن هزینه‌های اجتماعی، تنظیم‌گری باید به سمت توسعه «کنترل‌های پیش‌برنده و مشارکتی» حرکت کند. در این راستا، استفاده از فناوری‌های نظارتی هوشمند برای مواردی همچون انطباق شرکت‌ها و پایش بلادرنگ بازار توسط ناظران، نه تنها مکمل مقررات حقوقی سنتی هستند، بلکه به‌عنوان سازوکار بازتنظیم سریع دوز کنترل‌ها عمل می‌کنند. در نهایت، مقاله بر ضرورت اتخاذ اصل بی‌طرفی فناورانه و استقرار نظام تنظیم‌گری کم‌تر تجویزی ولی دارای مرزهای مشترک مشخص تأکید می‌کند؛ نظامی که ضمن تعیین اصول بنیادین الزام‌آوری چون حفاظت از داده‌ها و انصاف، آزادی عمل لازم برای انطباق با بافت فرهنگی و نوآوری‌های بازار را حفظ کند و از طریق ایجاد سندباکس نظارتی، راه را برای مدیریت کارآمد ریسک‌های نوظهور در صنعت بیمه ایران هموار سازد.

واژگان کلیدی: نظارت فناورانه، مقررات اصول‌محور، هوش مصنوعی، صنعت بیمه.

۱. عضو هیأت علمی گروه مطالعات اسلامی، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Azadbakht@irc.ac.ir

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Saraahadi.k@ut.ac.ir



شناسایی چالش‌های فرهنگی، نهادی در حکمرانی نظارتی صنعت بیمه: واکاوی موانع پیاده‌سازی تحول نظارتی

علی سلیمانی ملکان^{۱*}، احسان نظری^۲

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی چالش‌های فرهنگی، نهادی در حکمرانی نظارتی صنعت بیمه: واکاوی موانع پیاده‌سازی تحول نظارتی می‌باشد. مسئله این است که پیاده‌سازی تغییرات نظارتی در صنعت بیمه با مشکلاتی مواجه است که از باورها، ساختارها و رفتارهای سازمانی نشأت می‌گیرند و مانع پیشرفت تحول می‌شوند.

پژوهش از نوع توصیفی است که داده‌های آن از طریق پرسشنامه و نمونه‌ای متشکل از ۱۱۷ نفر از کارکنان صنعت بیمه به روش تصادفی گردآوری شده است. پایایی سوالات با آزمون آلفای کرونباخ تایید گردید. برای بررسی متغیرها و تاثیر پذیری هریک از آنها از نرم افزار SPSS 25 استفاده شده است. همچنین آزمون‌های متعدد نیز صورت پذیرفت.

یافته‌ها نشان داد که سنت‌گرایی سازمانی، بی‌اعتمادی به رهبری، مقاومت در برابر فناوری‌های نوین، عدم آمادگی منابع انسانی، عدم شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری و ساختار مدیریتی همبستگی مثبت معنادار با تحول نظارتی دارند و نتایج تحلیل نشان داد که عوامل فوق وارد معامله رگرسیون شدند. لذا پیشنهاداتی از قبیل ایجاد فضای مشارکتی و همکاری بین بخش‌ها، مدیریت تغییرات با رویکرد تدریجی، طراحی یک سیستم پشتیبانی و مشاوره مؤثر، طراحی سیستم‌های بازخورد و ارزیابی مستمر و طراحی برنامه جامع تحول ارائه گردید.

واژگان کلیدی: موانع فرهنگی، موانع نهادی، تحول نظارتی.

۱. کارشناس مسئول امور نمایندگان و کارگزاران، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

ali.malekan22@gmail.com

۲. کارشناس مسئول حوزه معاونت اجرایی، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

ehsan.nzri5344@gmail.com



شناسایی موانع موثر بر پیاده‌سازی تحول نظارتی در بیمه با تأکید بر نظریه نهادی

محمد صادق زارع^{۱*}، سید محسن حسینی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع موثر بر پیاده‌سازی تحول نظارتی در بیمه، با تأکید بر ابعاد نظریه نهادی صورت گرفت. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها پیمایشی بوده است که با روش دلفی فازی انجام شد. ابتدا با مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش، موانع موثر بر پیاده‌سازی تحول نظارتی در بیمه استخراج شدند. در ادامه به منظور تایید موانع از روش دلفی فازی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه خبرگان در صنعت بیمه بوده است که ۳۰ نفر با روش غیراحتمالی هدفمند به عنوان نمونه در پژوهش مشارکت کردند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه دلفی فازی بوده است. بر اساس یافته‌ها، موانع موثر بر پیاده‌سازی تحول نظارتی صنعت بیمه در سه بعد هنجاری، شناختی و قانونی شناسایی شد. در میان موانع شناسایی شده در بعد هنجاری، عدم تثبیت هنجاری از بیشترین مقدار برخوردار شد، در بعد شناختی، فقدان صلاحیت کارکنان کلیدی بیشترین مقدار را دریافت کرد و در بعد قانونی نیز فقدان سازوکار خروج شرکت‌های بیمه دارای بیشترین مقدار بود.

واژگان کلیدی: تحول نظارتی، نظریه نهادی، صنعت بیمه.

sadegh80@gmail.com

۱. کارشناس صنعت بیمه، (نویسنده مسئول)

hosseinimohsen1401@gmail.com

۲. کارشناس صنعت بیمه



شناسایی و رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر تنظیم‌گری نوآورانه در نظارت بیمه با استفاده از تکنیک ISM

عارفه جوادپور^{۱*}، فاطمه سادات خلیلی^۲، سید حبیب عفتی^۳

چکیده

پیشرفت‌های سریع فناوری‌های دیجیتال، ساختار سنتی نظارت در صنعت بیمه را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. در چنین شرایطی نهادهای ناظر ناگزیرند شیوه‌های نوآورانه و انعطاف‌پذیرتری برای تنظیم‌گری به کار گیرند، به این نوع تنظیم‌گری اصطلاحاً تنظیم‌گری نوآورانه گفته می‌شود. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و مرتب‌سازی عوامل کلیدی موثر بر تنظیم‌گری نوآورانه در حوزه بیمه انجام شد. بدین منظور، ده شاخص اصلی از طریق مرور منابع علمی و مشورت با خبرگان گردآوری و سپس با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری^۴ ISM تحلیل شدند. نتایج نشان داد که عواملی نظیر فرهنگ نوآوری، امنیت سایبری، شفافیت داده، آمادگی دیجیتال، چابکی در مواجهه با تغییرات و همکاری بین‌المللی در لایه‌های زیرساختی قرار دارند و بیشترین قدرت نفوذ را بر سایر شاخص‌ها دارند. در مقابل، عواملی همچون نوآوری در فناوری‌های بیمه، تأثیر فناوری بر محصولات و خدمات، مقررات هوشمند و در نهایت تجربه مشتری دیجیتال، بیشتر پیامد تصمیمات و اقدامات پیشین هستند. تحلیل میک مک نیز این دسته‌بندی را تأیید کرد. بر اساس یافته‌ها، تمرکز سیاست‌گذاران بر عوامل بنیادی، مسیر حرکت به سمت یک نظام نظارتی نوآورانه و هوشمند را هموار می‌سازد.

واژگان کلیدی: تنظیم‌گری بیمه، نوآوری، ISM، نظارت، تحولات فناوری.

۱. بیمه سامان، کارشناس مسئول اداره خسارت بیمه‌های عمر و حوادث، (نویسنده مسئول)

Aref30289@gmail.com

۲. بیمه سامان، معاون اداره خسارت بیمه‌های عمر و حوادث

sabakhalili@gmail.com

۳. بیمه سامان، رئیس اداره حوزه معاونت اشخاص

Habibefati@gmail.com

4. Interpretive Structural Modelling



فقر فرهنگی بیمه‌ای؛ مانع پنهان تحول نظارت دیجیتال در ایران

کاظم دهناد^۱، لیلا زنده دل^۲

چکیده

این پژوهش به تبیین نقش «فقر فرهنگی بیمه‌ای» به‌عنوان سازه‌ای چندبعدی و مرتبه‌دوم شامل مؤلفه‌های شناختی، نگرشی و رفتاری- در تحدید یا تقویت بلوغ «نظارت دیجیتال» در صنعت بیمه ایران می‌پردازد. استقرار صرف فناوری‌های پایش بلادرننگ، تحلیل کلان‌داده و یادگیری ماشین، به‌تنهایی شرط کافی برای اثربخشی نظارتی نیست؛ بلکه تحقق کارایی نیازمند بنیان‌های نهادی و اجتماعی از قبیل اعتماد دیجیتال، حکمرانی داده، شفافیت و پذیرش سازمانی/اجتماعی است. در چارچوب مفهومی تلفیقی مبتنی بر UTAUT2، ادبیات اعتماد به هوش مصنوعی و منطق‌های نهادی (هنجاری، اجباری، تقلیدی)، «فرهنگ بیمه‌ای» به‌مثابه مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و عادات رویارویی با ریسک مفهوم‌سازی شده و مسیرهای علی آن بر عملکرد نظارت دیجیتال تبیین می‌شود.

طراحی روش‌شناسی به‌صورت آمیخته اکتشافی توالی‌دار است: در فاز کیفی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان نهاد ناظر، صنعت و فناوری انجام شد و با تحلیل مضمون قیاسی-استقرایی، نگاشت شاخص‌ها و ابعاد سازه استخراج گردید. در فاز کمی، ابزار سنجش بر پایه برون‌داد کیفی و گویه‌های معتبر تدوین، روایی محتوا (CVR/CVI) و پایایی بررسی، و با نمونه‌گیری طبقه‌ای تناسبی، ۳۸۵ پرسشنامه معتبر گردآوری شد. به‌منظور کنترل سوگیری روش مشترک، تمهیدات طراحی و آزمون‌های آماری به‌کار رفت. برآورد مدل با CB-SEM برای سازه‌های بازتابی مرتبه‌اول و رویکرد دومرحله‌ای برای سازه مرتبه‌دوم تکوینی انجام شد؛ شاخص‌های برازش، بوت‌استرپ و همسانی اندازه‌گیری گزارش گردید و تحلیل چندگروهی و آزمون پایداری اجرا شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد مضامین «بی‌اعتمادی نهادی»، «نگرانی حریم خصوصی»، «ضعف سواد بیمه‌ای/دیجیتال» و «مقاومت در برابر تغییر» از طریق دو سازوکار «کاهش همکاری داده‌ای» و «تضعیف سازگاری فناوری/هنجاری»، بلوغ نظارت دیجیتال را محدود می‌کنند. بر مبنای نتایج، نقشه‌راه مرحله‌ای برای گذار به نظارت داده‌محور پیشنهاد می‌شود که مداخلات اعتمادساز، بهبود حکمرانی داده و توانمندسازی فناوری را هم‌افزا با پیاده‌سازی فنی پیش می‌برد؛ همچنین حدود تعمیم‌پذیری با توجه به اقتضانات حقوقی داده، بلوغ زیرساخت و سرمایه اجتماعی تبیین می‌گردد.

واژگان کلیدی: فرهنگ بیمه‌ای، فقر فرهنگی بیمه‌ای، نظارت دیجیتال، اعتماد دیجیتال، حاکمیت داده؛ منطق‌های نهادی.

irhackan@gmail.com

۱. گروه مالی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، (نویسنده مسئول)

lilazendedel@gmail.com

۲. معاون شعبه شرکت سهامی بیمه ایران، مشکین شهر، ایران



نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه: بازاندیشی در سازوکارهای نظارتی

فاطمه کوهرزادی^{۱*}

چکیده

با گسترش ریسک‌های نوظهور مانند تغییرات اقلیمی، تهدیدات سایبری، پاندمی‌ها و تحولات فناورانه، ساختارهای سنتی بیمه‌ای با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده‌اند. در این مقاله سناریوهای آینده‌نگر در حوزه نظارت بیمه‌ای با تمرکز بر مؤلفه‌های کلیدی شامل فناوری‌های نوظهور، چابکی راهبردی، تحلیل روندها و ساختار نظارت طراحی و با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه، داده‌های مربوط به وضعیت موجود این مؤلفه‌ها در صنعت بیمه ایران گردآوری و تحلیل شده است. در ادامه با استفاده از رویکرد سناریونویسی، ۲۴ سناریوی آینده در سه دسته ممکن (۱۲ سناریو)، باورکردنی (۸ سناریو) و محتمل (۴ سناریو) طراحی شد.

نتایج نشان داد که مؤلفه‌های فناوری‌های نوظهور و چابکی راهبردی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند، درحالی‌که ساختار نظارت تطبیق‌پذیر و تحلیل روندها نیازمند اصلاحات ساختاری و تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی هستند. تحلیل سناریوها بیانگر آن است که صنعت بیمه در حال گذار به نظارت هوشمند و آینده‌نگر است، اما تحقق کامل آن مستلزم تدوین مقررات تطبیق‌پذیر، نهادینه‌سازی سناریونویسی، توسعه سامانه‌های تحلیل روند و توانمندسازی منابع انسانی نهاد ناظر خواهد بود. در پایان، راهکارهایی برای پیاده‌سازی نظارت آینده‌نگر و پیشنهادهایی برای مطالعات آتی ارائه شده است که می‌توانند مسیر تحول سیاست‌گذاری بیمه‌ای در مواجهه با تحولات فناورانه و محیطی را هموار سازند.

واژگان کلیدی: آینده‌نگری، صنعت بیمه، نظارت، سیاست‌گذاری.

۱. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، شرکت بیمه دانا، (نویسنده مسئول)



نظارت آینده‌نگر فناورانه (SupTech ORSA) در بیمه‌های درمان

تکمیلی ایران

وحید نوبهار^{۱*}، نسرين حصار مقدم^۲

چکیده

بازار بیمه درمان تکمیلی در ایران با چالش‌های ساختاری و عملیاتی قابل توجهی همچون پراکندگی داده‌ها میان بیمه‌گران و مراکز درمانی، فقدان پایگاه داده ملی یکپارچه و محدودیت در ابزارهای تحلیلی برای پیش‌بینی ریسک و کفایت سرمایه مواجهه است. این مطالعه با تمرکز بر رویکرد نظارت آینده‌نگر فناورانه (SupTech) و ارزیابی درونی ریسک و کفایت سرمایه (ORSA)، به بررسی امکان‌سنجی، مزایا و محدودیت‌های ادغام فناوری‌های نوین در فرآیندهای نظارتی بیمه‌های درمان تکمیلی می‌پردازد. از طریق تحلیل تطبیقی تجارب بین‌المللی و بررسی شواهد ملی نشان داده می‌شود که استفاده از داده‌های هوشمند و الگوریتم‌های تحلیلی می‌تواند به بهبود پیش‌بینی سناریوهای ریسک، ارتقای شفافیت داده‌ها و افزایش توانگری مالی شرکت‌های بیمه کمک کند. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که بدون ایجاد چارچوب حقوقی و اطلاعاتی منسجم و توسعه پایگاه داده ملی خسارت، پیاده‌سازی موفق SupTech ORSA با محدودیت‌هایی مواجه خواهد بود. این تحقیق، چشم‌انداز علمی و عملی برای تحول نظارت بیمه‌ای مبتنی بر فناوری ارائه می‌دهد و مسیر ارتقای تاب‌آوری مالی و تصمیم‌گیری راهبردی در بیمه‌های درمان تکمیلی ایران را روشن می‌سازد.

واژگان کلیدی: نظارت آینده‌نگر، بیمه درمان تکمیلی، مدیریت ریسک، نظارت فناورانه، ارزیابی درونی ریسک و کفایت سرمایه.

nobahar.v@bank-day.ir

۱. بانک دی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

hozarmoghadam@irc.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی پژوهشکده بیمه، تهران، ایران

پنل آینده‌نگری، ارزیابی و الزامات نهادی

مقالات پوستر



Absence of a Native Early-Warning System for Insurer Risks in Iran and Its Indicators

M. Soltani^{1*}, M. Tarkhorani²

Abstract

The insurance industry plays a crucial role in financial stability, yet its resilience depends on early identification of risks. Globally, regulators employ Early-Warning Systems (EWS) to detect financial distress before it escalates, using a combination of capital, profitability, liquidity, and governance indicators (IAIS, 2020; EIOPA, 2021; NAIC, 2020). While the United States and European Union have established advanced frameworks, Iran lacks a native EWS and relies almost exclusively on the Solvency Margin Ratio (SMR), which provides a narrow view of insurer health (CII, 2023; Financial Tribune, 2022).

This study reviews recent international and Iranian research on insurer risk monitoring, with emphasis on the last five years. Empirical evidence shows that macroeconomic shocks—including inflation, sanctions, and exchange-rate volatility—significantly impact solvency in Iran (Haghverdilu et al., 2022; Peykarjou et al., 2022). Literature from Turkey and the GCC highlights the potential for risk-based supervision and predictive models tailored to local contexts (Koçer & Kestel, 2025; IMF, 2021).

The paper proposes was done by comparative analysis & literature synthesis methodology as a conceptual framework for Iran that integrates financial, macroeconomic, and governance indicators within a supervisory ladder of intervention. This localized model aligns with international best practices while addressing Iran's unique vulnerabilities. Findings indicate that implementing such an EWS would strengthen regulatory capacity, improve policyholder protection, and enhance the overall stability of the insurance sector.

Keywords: Insurance, Early Warning System, Risk Indicators, Solvency, Iran.

1. Bachelor of Science in Computer Engineering, Head of International Projects Department, Saman Insurance, Mani.soltani@gmail.com (Corresponding Author)

2. Master of Insurance, Head of Property Insurance Department, Saman Insurance, M.tarkhorani@samaninsurance.ir



Future-Oriented Insurance Supervision: Pillars, Global Trends, and a Roadmap for Iran

M. Soltani^{1*}, M. Tarkhorani²

Abstract

The insurance sector is undergoing rapid change, prompting regulators worldwide to adopt future-oriented supervisory approaches that are proactive, risk-based, and technology-driven. This paper provides a comprehensive overview of future-oriented insurance supervision, drawing on international standards and local insights. We review literature on the evolution from traditional compliance monitoring to risk-based and forward-looking supervision, highlighting key frameworks from the International Association of Insurance Supervisors (IAIS), the OECD, World Bank, and others. A regional comparison examines how various jurisdictions – from advanced markets implementing Solvency II-style regimes to emerging markets embracing risk-based solvency – are aligning with global trends. We identify core pillars of future-oriented supervision, including risk-based capital adequacy, proactive risk identification (e.g. stress testing), supervisory technology (SupTech) adoption, and robust consumer protection. Institutional requirements for implementing these approaches are discussed, emphasizing legal reforms, skilled human resources, and digital infrastructure. Through case studies (United States, European Union, China, and Iran's past efforts), we illustrate successes and lessons in modernizing insurance oversight. Finally, a tailored roadmap for Iran's insurance industry is proposed, with short-, medium-, and long-term steps (e.g. updating solvency standards, developing real-time data monitoring systems, and enhancing supervisory capacity) to achieve a more adaptive and resilient regulatory regime. The paper concludes with policy recommendations to ensure Iran's supervisory framework not only safeguards policyholders but also supports innovation and market development. The insights aim to assist policymakers and regulators in preparing Iran's insurance supervision for future challenges and opportunities.

Keywords: Risk-Based Supervision, Insurance Regulation, Forward-Looking Supervision, SupTech, Iran Insurance Industry.

1. Mani.soltani@gmail.com (Corresponding Author)
2. M.tarkhorani@samaninsurance.ir



Navigating Cultural and Institutional Challenges in Implementing Regulatory Reforms in Insurance

Azarakhsh.Jam^{1*}, Saied. Zarrodi²

Abstract

Regulatory reforms in insurance aim to improve stability, consumer protection, and resilience, yet are often obstructed by interconnected cultural, institutional, and organizational barriers. Cultural resistance stems from entrenched values and symbolic compliance; institutional inertia arises from rigid laws, fragmented oversight, and bureaucracy; organizational resistance emerges from status quo bias, resource competition, and internal politics.

This paper analyses how these barriers interact and amplify each other, drawing on global case studies that demonstrate effective mitigation through cultural engagement, adaptive governance, and organizational alignment. A six-step framework—resistance mapping, co-design, pilot implementation, adaptive scaling, monitoring, and institutionalized learning—is proposed, alongside scenario planning to anticipate reform trajectories.

Findings show that tri-level, sequenced strategies and blending central coordination with localized innovation can transform resistance into resilience. Policy recommendations emphasize principle-based regulation, incentives for organizational change, and protection of reforms from political cycles, ensuring reforms are not only formally adopted but operationally embedded.

Keywords: Insurance regulation, Cultural resistance, Institutional inertia, Organisational change, Supervisory reform, Scenario planning.

1. azarakhsh.jam@gmail.com. (Corresponding Author)

2. s.zarrodi@samaninsurance.ir.



ارائه مدل مفهومی افزایش تاب‌آوری نهاد ناظر در مواجهه با ریسک‌های نوظهور

بهروز آرمان‌مهر^{۱*}، اکبر افتخاری علی‌آبادی^۲، المیرا سلیمی^۳

چکیده

تحولات فناورانه و ظهور ریسک‌های نوظهور در دهه اخیر، ساختار سنتی تنظیم‌گری در صنعت بیمه را با چالش‌های بنیادین مواجه کرده است. گسترش فناوری‌های نوین ضمن تغییر در الگوهای کسب و کار، مرزهای نظارت و حاکمیت را نیز بازتعریف نموده‌اند. از سوی دیگر، بروز ریسک‌هایی نوظهور تاب‌آوری نهادی را به ضرورتی راهبردی برای نهاد ناظر بیمه‌ای بدل کرده است. پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل مفهومی افزایش تاب‌آوری نهاد ناظر در مواجهه با ریسک‌های نوظهور در صنعت بیمه ایران انجام شده است.

پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و با رویکرد آمیخته کیفی-کمی انجام شد. در گام نخست، با مرور نظام‌مند منابع علمی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ تن از خبرگان صنعت بیمه، سیاست‌گذاری و فناوری اطلاعات، ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری شناسایی گردید. در گام دوم، جهت وزن‌دهی و تعیین اولویت مؤلفه‌ها از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بهترین-بدترین فازی (Fuzzy-BWM) استفاده شد. داده‌ها با بهره‌گیری از پرسشنامه مقیاسات زوجی فازی گردآوری و تحلیل گردید. نتایج نشان داد که تاب‌آوری نهاد ناظر در صنعت بیمه از شش لایه اصلی شامل حکمرانی هوشمند، زیرساخت داده و امنیت نظارتی، همکاری بین‌نهادی، توانمندسازی سرمایه انسانی، تحول شبکه فروش و پایداری مالی تشکیل می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های حکمرانی داده‌محور، زیرساخت فناورانه و نوآوری‌های تنظیم‌گرانه بیشترین تأثیر را بر پایداری و چابکی نظارتی دارند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود ایجاد مرکز داده و امنیت سایبری بیمه‌ای، توسعه تنظیم‌گری دیجیتال با بهره‌گیری از RegTech و هوش مصنوعی، حمایت از نوآوری‌های فناورانه در حوزه نظارت، تدوین استانداردهای تاب‌آوری سازمانی و تقویت همکاری میان نهاد ناظر، شرکت‌های بیمه و ایشورتی‌ک‌ها در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد. مدل نهایی ارائه‌شده، چارچوبی راهبردی برای حرکت نهاد ناظر به سمت تنظیم‌گری تاب‌آور، نوآورانه و داده‌محور فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری ناظر، تنظیم‌گری هوشمند، ریسک‌های نوظهور، صنعت بیمه، FUZZY-BWM.

۱. دکتری مهندسی صنایع، تهران، نماینده هیات موسس بیمه هاما، (نویسنده مسئول) b.armanmehr@gmail.com

۲. دکتری مدیریت، تهران akbareftekhari@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مدیریت بیمه، تهران elmirasalami@gmail.com



ارائه مدل نظارت مبتنی بر ریسک با رویکرد فراترکیب و دیمتل فازی در شعب بیمه سامان تهران

سمیرا بحر کاظمی^{۱*}، کریم حدیدی زاده^۲

چکیده

هدف اصلی پژوهش، طراحی مدل مبتنی بر ریسک با رویکرد آمیخته در بیمه سامان است. نوآوری پژوهش حاضر استفاده از رویکرد فرا ترکیب در تحلیل پژوهش‌های پیشین و انتخاب ابعاد و مؤلفه‌های تحقیق است. همچنین با تکنیک دیمتل فازی روابط علی - معلولی میان ابعاد مشخص شده است. جامعه و نمونه آماری ۳۰ نفر از خبرگان با حداقل ۱۰ سال سابقه تجربه اجرایی در حوزه صنعت بیمه و با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا جهت بررسی روایی و پایایی مدل و پاسخگویی به پرسشنامه مقایسات زوجی استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ابعاد نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه ۹ بُعد و ۴۰ مؤلفه با رویکرد فراترکیب است. همچنین نتایج تحلیل دیمتل فازی نشان می‌دهد، تأثیرگذارترین بُعد پژوهش حاضر در خصوص نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه بر اساس مقدار $(D+R)$ بُعد اثرگذارترین متغیر می‌باشد. همچنین بر اساس کمترین مقدار $(D-R)$ بُعد اثرپذیرترین متغیر شناخته شد. این تحقیق منجر به شناخت روابط میان ابعاد نظارت مبتنی بر ریسک در شعب بیمه سامان و توجه بیش از پیش به این مؤلفه‌ها را فراهم نموده است.

واژگان کلیدی: نظارت، ریسک، بیمه سامان، روش فراترکیب، دیمتل فازی.

۱. گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)

sama.kazemi2016@gmail.com

k.hadidizade@samaninsurance.ir

۲. نماینده بیمه سامان، کد ۱۵۱۱۷



ارزیابی تحولات فناوری‌های نوظهور حوزه نظارت صنعت بیمه رویکرد FAHP

سید علی اکبر میرهادی^{۱*}، نازپری ابدی^۲، فاتره ملاطالقانی^۳

چکیده

همگام با تحولات فناورانه، ارزیابی آمادگی شرکت‌های بیمه برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوظهور به یکی از الزامات پیاده‌سازی نظارت هوشمند تبدیل شده است. این مقاله با هدف رتبه‌بندی پنج شرکت بیمه ایرانی (ایران، آسیا، البرز، سامان، پاسارگاد) از منظر آمادگی فناورانه، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی با اعداد فازی ذوزنقه‌ای بهره گرفته است. هفت معیار کلیدی شامل سرمایه‌گذاری فناوری، دیجیتال‌سازی فرآیندها، زیرساخت فناوری اطلاعات، نوآوری محصول، رضایت مشتری دیجیتال، سرعت پاسخ‌گویی دیجیتال و فرهنگ فناورانه در ساختار مدل لحاظ شده‌اند. داده‌ها از طریق نظر خبرگان و تحلیل ثانویه گردآوری و وزن معیارها با روش تحلیل گستره و مرکز ثقل محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد بیمه پاسارگاد بالاترین آمادگی فناورانه را دارد. در پایان، راهکارهایی برای ارتقاء نظارت فناورانه از جمله طراحی شاخص آمادگی دیجیتال، گزارش‌دهی عملکرد فناوری، و مشوق‌های نظارتی برای نوآوری در صنعت بیمه ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: صنعت بیمه، تحولات فناوری، نظارت، تحلیل سلسله‌مراتبی، فازی.

۱. مدیریت تکنولوژی، مدیریت، آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

Ali.mirhadii@gmail.com

۲. مدیریت بانکداری، مدیریت، آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران

Nazparinaz@AOL.com

۳. مدیریت صنعتی، مدیریت، آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران

f.taleghani12@gmail.com



استفاده از سناریوسازی و شبیه‌سازی مالی در ارزیابی ریسک پرتفویهای بیمه‌ای با پایش برخط داده‌های عملکرد شعب

امید دهقانی^{۱*}، محسن حنیفه‌لو^۲

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی و ارائه یک چارچوب جامع برای ارزیابی ریسک پرتفویهای بیمه‌ای با استفاده از سناریوسازی مالی، شبیه‌سازی مونت کارلو، و پایش برخط داده‌های عملکرد شعب در جامعه آماری شهر تهران است. رویکرد تحقیق کاربردی-تحلیلی بوده و داده‌ها شامل اطلاعات واقعی پنج شرکت بیمه بزرگ طی دوره شش‌ماهه فروردین تا شهریور ۱۴۰۴ می‌باشد که از طریق داشبوردهای برخط و آرشیو تاریخی جمع‌آوری شده‌اند. سه سناریوی خوش‌بینانه، میانه و بحرانی بر اساس تغییرات حق‌بیمه و خسارت طراحی شد و به کمک شبیه‌سازی سناریو محور و مونت کارلو (۱۰,۰۰۰ تکرار) شاخص‌های کلیدی شامل نرخ خسارت و توانگری مالی پیش‌بینی گردید. یافته‌ها نشان داد در سناریوی خوش‌بینانه نرخ خسارت می‌تواند به زیر ۵۰٪ کاهش یافته و توانگری مالی به بیش از ۱۲۵٪ برسد، در حالی که در سناریوی بحرانی نرخ خسارت تا ۹۴٪ افزایش یافته و توانگری مالی به حدود ۸۵٪ سقوط می‌کند. تحلیل حساسیت نشان داد تغییرات نرخ خسارت اثر شدیدتری بر توانگری مالی دارد نسبت به تغییرات حق‌بیمه. همچنین، پایش برخط داده‌ها دقت پیش‌بینی‌ها را افزایش داده و عملکرد مدل را در شرایط نوسانی بهبود بخشید. نتیجه‌گیری اصلی پژوهش آن است که ادغام سناریوسازی و شبیه‌سازی مالی با فناوری پایش لحظه‌ای، ابزار مؤثری برای مدیریت پیش‌گیرانه ریسک در شرکت‌های بیمه فراهم می‌آورد و می‌تواند به عنوان سیستم هشدار سریع مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سناریوسازی مالی، شبیه‌سازی مونت کارلو، ارزیابی ریسک پرتفو بیمه‌ای، پایش برخط داده‌ها، توانگری مالی.

۱. کارشناسی مهندسی فناوری مکانیک - خودرو، دانشگاه علمی کاربردی شهید تقوی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

O.dehghani@samaninsurance.ir

۲. کارشناسی ارشد حسابداری گرایش حسابرس، دانشگاه ناصر خسرو، ساوه، ایران

Mohsentak28@yahoo.com



اسنپ بک و صنعت بیمه ایران: تأثیرات و چالش‌ها

سمیه موسوی قیداری^{*۱}

چکیده

اعمال مجدد تحریم‌ها به دلیل ادعای عدم رعایت توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، پیامدهای گسترده‌ای برای این بخش دارد، از جمله دسترسی محدود به بازارهای بیمه بین‌المللی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش تقاضا برای محصولات بیمه‌ای. در این مقاله تلاش شده تا تحلیل جامعی از اثرات بازگشت تحریم‌ها بر صنعت بیمه ایران ارائه گردد. این مقاله به بررسی استراتژی‌های بالقوه برای بیمه‌گران و بیمه‌گذاران ایرانی برای سازگاری با تحریم‌های جدید پرداخته است. این استراتژی‌ها شامل توسعه ظرفیت و تخصص داخلی، بررسی مکانیسم‌های جایگزین انتقال ریسک و تقویت چارچوب‌های نظارتی است. علاوه بر این، نقش دیپلماسی در کاهش تحریم‌ها و ایجاد فرصت‌هایی برای نوآوری و رشد مورد بحث قرار گرفته است. در این پژوهش توسط چارچوب تاب‌آوری ارائه شده، چشم‌انداز آینده صنعت بیمه ایران بررسی شده و بر اهمیت تاب‌آوری، سازگاری و همکاری بین‌المللی در گذر از چالش‌های ناشی از تحریم‌ها تأکید شده است. با اجرای استراتژی‌های ذکر شده در این مقاله، صنعت بیمه ایران می‌تواند در جهت کاهش اثرات تحریم‌ها و تضمین ثبات بلندمدت تلاش نماید. این مقاله تحلیل جامعی از اثرات بازگشت تحریم‌ها بر صنعت بیمه ایران ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: اسنپ بک، صنعت بیمه ایران، تاب‌آوری، مدیریت ریسک.

۱. رئیس اداره برنامه ریزی و توسعه شعب، شرکت بیمه پارسیان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



الزامات و نیازمندی‌های نظارت بر صنعت بیمه

افشین حیدرپور^{۱*}

چکیده

طی چند دهه گذشته، اقتصاد بسیاری از کشورها به سرعت رشد کرده است و نه تنها میلیون‌ها نفر را از فقر نجات داده و طبقه متوسط رو به رشدی را ایجاد کرده است بلکه رفاه عمومی جامعه را نیز از خود متأثر ساخته است. در همین راستا، نقش بی بدیل بیمه برای نیل به توسعه اقتصادی و ارتقاء رفاه شهروندان قابل بررسی و ضرورت وجود آن حیاتی است چرا که این امکان، با محافظت از جان، معیشت و دارایی‌ها در برابر خطرات بیمه‌پذیر، طرح و بسط فعالیت اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کند. بیمه همچنین به عنوان یک ضربه گیر در رویدادهای نامطلوب و به خصوص شوک‌های ناشی از شرایط نااطمینانی اقتصاد عمل می‌کند، خدمات کاهش ریسک حیاتی را ارائه می‌دهد و به جذب سرمایه خصوصی به اقتصادها کمک می‌کند. و در شرایط کنونی، افزایش رویدادهای مرتبط با بروز پدیده تورم رکودی در اقتصاد ایران، تغییرات آب و هوایی، کووید-۱۹ و سایر نااطمینانی‌ها، احساس آسیب‌پذیری مردم را افزایش داده است. به همین دلیل، پایین ماندن ضریب نفوذ بیمه در اکثر بازارهای نوظهور به ویژه اقتصاد ایران (دارای ضریب نفوذ ۲/۳ درصد و رتبه ۵۴ جهان) بسیار نگران‌کننده است. براساس تجزیه و تحلیل محیط‌های قانونی، نظارتی و گسترده تر سیاست‌های بخش عمومی با نگاه تحلیل تطبیقی در کشورهای مختلف، این مقاله نشان می‌دهد که مجموعه مشترکی از عوامل اصلی بر توسعه بازار بیمه در این بازارها تأثیر می‌گذارد. برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از اینکه آیا اولویت بندی سیاسی کافی برای بیمه وجود دارد؟، سطح سواد مالی (از جمله بیمه)، اثربخشی و کارایی مقررات و نظارت بیمه، آگاهی از ریسک و عدم اعتماد در بین مشتریان. درپرتو این عوامل و مطالعه طرح‌های توسعه در چند کشور، به نظر می‌رسد که گام‌های مشخصی نیز وجود دارد که یک حوزه قانونی و نظارتی خوب در حوزه بیمه می‌تواند برای کمک به بستن شکاف‌های حفاظتی و امنیت داده‌های بیمه موثر واقع شود.

برخی از توصیه‌های سیاستی این مقاله به سیاست‌گذاران، تنظیم‌کننده‌ها و بیمه‌گران عبارتند از :

۱. گروه اقتصاد آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
a.heidarpour@irphe.ac.ir



- توسعه همکاری نزدیک تر بین دولت‌ها، تنظیم‌کننده‌ها و صنعت بیمه برای افزایش درک نقش بیمه در جامعه و اهمیت مقررات بیمه خوب برای آسایش و رفاه بیش‌تر اقتصادی و اجتماعی در آینده.
 - رفع موانع دسترسی به بازار برای بیمه‌گران و بیمه‌گران به منظور دستیابی به مزایای رقابت، نوآوری و تنوع ریسک و رقابت پذیری جهانی
 - قراردادن سواد مالی در اولویت سیاست‌گذاری ترویجی از سوی مقام ناظر بیمه
 - حمایت از توسعه بازار بیمه به عنوان بخشی از وظایف تنظیم‌کننده‌های بیمه، در کنار حمایت از بیمه‌گذاران و ثبات مالی
 - تنظیم مقررات محصولات و خدمات متنوع و نوآور بیمه‌ای و توسعه سایر قوانین نظارتی برای توسعه بازار تأمین مالی پایدار مبتنی بر بیمه
- واژگان کلیدی:** اقتصاد کلان بیمه، نظارت، سیاست‌های عمومی، شکست بازار.



آینده پژوهی صنعت بیمه ایران: طراحی سناریوهای نوظهور نظارت هوشمند تا ۱۴۰۱

فرزانه جوانکی^{۱*}، شقایق وقری^۲

چکیده

صنعت بیمه ایران طی سال‌های اخیر با تحولات گسترده‌ای در حوزه فناوری و مقررات مواجه شده است. ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، کلان‌داده، بلاکچین و اینترنت اشیا، ضرورت بازنگری در شیوه‌های سنتی نظارت و حرکت به سوی نظارت هوشمند را برجسته ساخته است. هدف این پژوهش، آینده‌پژوهی صنعت بیمه ایران و طراحی سناریوهای نوظهور نظارت هوشمند تا افق ۱۴۰۱ است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده و با رویکرد آینده‌پژوهی انجام شده است. ابتدا با مرور متون و مصاحبه با خبرگان، پیشران‌های کلیدی شناسایی شد. سپس با استفاده از تحلیل محیطی و تحلیل ساختاری، روابط متقابل عوامل بررسی گردید و سناریوهای محتمل طراحی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که پنج عامل اصلی شامل: تحولات فناورانه، سیاست‌ها و مقررات دولتی، توانمندی سازمانی و منابع انسانی، سطح اعتماد عمومی به خدمات دیجیتال و شرایط اقتصادی-اجتماعی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده نظارت هوشمند دارند. بر این اساس سه سناریوی خوش‌بینانه، میانه و بدبینانه برای صنعت بیمه ایران ترسیم شد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که تحقق سناریوی مطلوب نیازمند سیاست‌گذاری آینده‌نگرانه، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و توسعه نیروی انسانی متخصص است. این مطالعه می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری بیمه مرکزی و شرکت‌های بیمه در مواجهه با عدم قطعیت‌های آینده باشد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، صنعت بیمه، نظارت هوشمند، سناریونویسی، ایران.

۱. ارشد مدیریت کسب و کار، دانشکده مدیریت، دانشگاه علمی کاربردی تحقیقات صنعتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
f.javanaki@yahoo.com

۲. ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد فیروزکوه، تهران، ایران
Vaghrishaghayegh@gmail.com



بازاندیشی در توانمندسازی کارکنان نظارت بیمه مرکزی

هما هادیان^{۱*}، حمید قنبروند^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، توانمندسازی کارکنان به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی مطرح شده است. پژوهشگران، توانمندسازی را نه تنها ابزاری برای ارتقای عملکرد، بلکه رویکردی بنیادین برای تقویت احساس معناداری، شایستگی، خودمختاری و اثرگذاری کارکنان می‌دانند. در این میان، با توجه به تحولات دیجیتال، تغییرات محیطی و پیچیدگی‌های بازار بیمه، ضرورت بازاندیشی در الگوهای کلاسیک توانمندسازی کارکنان در نهادهای نظارتی بیش از پیش احساس می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بازاندیشی در توانمندسازی کارکنان نظارت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگویی کارکردی در این زمینه انجام شد. از نظر هدف، این پژوهش کاربردی-توسعه‌ای و از نظر روش، آمیخته اکتشافی است. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۷ نفر از مدیران باسابقه بیمه مرکزی و صنعت بیمه گردآوری و با روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شد. در بخش کمی، جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان این سازمان بود که بر اساس فرمول کوکران ۱۱۰ نفر به صورت طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌های کمی با استفاده از روش تحلیل شکاف و تحلیل اهمیت-عملکرد در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که توانمندسازی کارکنان نظارت دارای هشت بعد اساسی شامل معناداری کار، شایستگی حرفه‌ای، خودمختاری در عمل، اثرگذاری سازمانی، دسترسی به منابع و اطلاعات، حمایت و اعتماد مدیریتی، مهارت‌های دیجیتال و یادگیری مستمر است. نتایج بیانگر آن بود که اگرچه برخی از این ابعاد در وضعیت مطلوبی قرار دارند، شکاف‌های قابل توجهی در حوزه‌های خودمختاری، حمایت مدیریتی و توانمندی‌های فناورانه مشاهده می‌شود. بر این اساس، بازطراحی سیاست‌های منابع انسانی، توسعه مهارت‌های دیجیتال و استقرار نظام یادگیری مستمر به عنوان راهکارهای کلیدی برای ارتقای کارآمدی نظارت و بهبود عملکرد بیمه مرکزی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: توانمندسازی کارکنان، بازاندیشی و بازآموزی، نظارت بیمه مرکزی.

۱. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی و رئیس اداره نظارت بر بیمه‌های اموال بیمه مرکزی، (نویسنده مسئول)

Homa_hadi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناس مسئول اداره نظارت بر بیمه‌های اموال بیمه مرکزی

Ganbarvand@gmail.com



بررسی عوامل مؤثر در استفاده از فناوری‌های نوین در جهت افزایش کارایی و اثربخشی نظارت در صنعت بیمه

سینا تیموری^{۱*}، مصطفی علی بابایی^۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر در استفاده از فناوری‌های نوین به منظور افزایش کارایی و اثربخشی نظارت در صنعت بیمه می‌باشد. با توجه به نقش کلیدی نظارت در تضمین شفافیت، کاهش ریسک و ارتقای اعتماد عمومی در صنعت بیمه، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌تواند به طور چشمگیری بر کیفیت و سرعت فرآیندهای نظارتی تأثیرگذار باشد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی بوده و با استفاده از رویکرد تحلیل عامل اکتشافی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خبرگان صنعت بیمه در شهریورماه سال ۱۴۰۴ می‌باشد. اعضای نمونه ۲۰۰ نفر به روش در دسترس انتخاب و پرسشنامه به صورت آنلاین توزیع گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخته با ۲۶ گویه بود که بر اساس ادبیات موضوع طراحی و روایی محتوای آن با نظر خبرگان تأیید شد. همچنین پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که مقدار آن برای کل پرسشنامه ۰/۸۹۶ به دست آمد و نشان دهنده پایایی مطلوب ابزار تحقیق بود. داده‌های گردآوری شده با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای SPSS و Excel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی منجر به شناسایی پنج عامل اصلی گردید که در به کارگیری فناوری‌های نوین در صنعت بیمه برای ارتقای کارایی و اثربخشی نظارت نقش بسزایی دارند. این عوامل عبارت‌اند از زیرساخت‌های فناورانه، منابع انسانی و شایستگی‌های تخصصی، چارچوب‌های قانونی و مقرراتی، مدیریت داده و امنیت اطلاعات، و حمایت سازمانی و سرمایه‌گذاری مالی.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نوین، صنعت بیمه، نظارت.

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، شرکت بیمه سامان، مدیریت مالی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

s_t600@yahoo.com

۲. کارشناسی مدیریت بیمه، شرکت بیمه سامان، مدیریت مالی، تهران، ایران

mostafaalibabaei@gmail.com



تأثیر سامانه‌های هوشمند بر مدل‌های نوین نظارت ریسک محور

پروین کوچکی^{۱*}

چکیده

صنعت بیمه، در مواجهه با محیط‌های ریسکی پیچیده و توسعه سریع فناوری‌های مالی، نیازمند یک بازآرایی بنیادی در مکانیزم‌های نظارتی خود است. این پژوهش در راستای پاسخگویی به ضرورت جهانی گذار به مدل‌های نظارت ریسک محور و استفاده اجتناب‌ناپذیر از فناوری‌های نظارتی طراحی شده است. هدف محوری پژوهش، سنجش تأثیر کمی به کارگیری سامانه‌های هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی بر دو بعد عملکردی نظارت: کارایی (کاهش زمان و هزینه) و اثربخشی (افزایش دقت و پوشش ریسک) فرآیندهای نظارتی در صنعت بیمه ایران است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-همبستگی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته از جامعه خبرگان تحلیل ریسک، فناوری اطلاعات و نظارت جمع‌آوری شده است. نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که به کارگیری بر هر دو بعد کارایی و اثربخشی تأثیر مثبت و معناداری بر نظارت ریسک محور دارد. این نتیجه نشان دهنده آن است که اصلی‌ترین مزیت رقابتی و بازده سامانه‌های هوشمند، در ارتقاء کیفیت نظارتی و دقت پیش‌بینی ریسک نهفته است. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد نهاد ناظر در سیاست‌گذاری‌های آتی، اولویت تخصیص منابع را به توسعه ابزارهای هوش مصنوعی افزایش دهنده اثربخشی نظارت دهد.

واژگان کلیدی: مدل‌های نوین نظارت، نظارت ریسک محور، هوش مصنوعی، فناوری‌های نظارت.

۱. کارشناس مسئول نظارت بر عملکرد نمایندگان، شرکت بیمه پارسیان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

parvin.kouchaki@yahoo.com



تأثیر استراتژیک ارتقاء و بازآموزی مهارت‌های سرمایه‌های انسانی در راستای نظارت دیجیتال در نظام بیمه‌ای

مژگان فرهادفر^۱، علیرضا جوان بخت^۲، فاطمه نعمتی^۳، حدیث صادقی^۴

چکیده

تغییر از نظارت سنتی به نظارت دیجیتال در نظام بیمه‌ای به عنوان یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر در عصر فناوری‌های نوظهور مطرح است. در این زمینه، ارتقاء و بازآموزی مهارت‌های سرمایه‌های انسانی نقش بسیار استراتژیکی ایفا می‌کند. سرمایه انسانی توانمند و مجهز به دانش دیجیتال، پیش‌نیاز موفقیت در پیاده‌سازی و توسعه نظارت هوشمند و دیجیتال است که بهبود کیفیت تصمیم‌گیری، کاهش ریسک‌ها و افزایش کارایی نظارتی را به همراه دارد. این مقاله با بررسی تأثیر استراتژیک ارتقاء و بازآموزی مهارت سرمایه‌های انسانی در راستای تحقق نظارت دیجیتال به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از مرور نظامند واژه‌های کلیدی پژوهش در منابع داده‌های چاپ‌شده در مجلات معتبر داخلی و خارجی در جهت مشخص نمودن اسناد معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفت. نتایج نشان داد که ارتقاء و بازآموزی مهارت‌های سرمایه‌های انسانی در دو محور شامل مهارت‌های سخت (مانند مهارت‌های دسترسی و مدیریت داده، مهارت بهره‌گیری از فناوری مقرراتی (RegTech) و مهارت نوآوری در فناوری مالی (Fin tech)، مهارت شبکه‌سازی در محیط‌های دیجیتال و ...) و مهارت‌های نرم (مهارت تفکر انتقادی، مهارت حل مسائل پیچیده، توجه و درک پیامدهای اخلاقی بهره‌گیری از فناوری‌های نوظهور و ...) بسیار مهم است. در نهایت بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی در راستای ارتقاء و بازآموزی مهارت‌های پیش‌گفته ارائه شد.

واژگان کلیدی: ارتقاء، بازآموزی، مهارت‌های سرمایه‌های انسانی، نظارت دیجیتال.

۱. معاون آموزش مدیر توسعه سرمایه‌های انسانی
m.farhadfar@samaninsurance.ir

۲. کارشناس مسئول آموزش، (نویسنده مسئول)
a.javanbakht@samaninsurance.ir

۳. کارشناس مسئول آموزش
f.nemati@samaninsurance.ir

۴. کارمند آموزش
ha.sadeghi@samaninsurance.ir

۱. معاون آموزش مدیر توسعه سرمایه‌های انسانی

۲. کارشناس مسئول آموزش، (نویسنده مسئول)

۳. کارشناس مسئول آموزش

۴. کارمند آموزش



تأثیر کاربردهای هوش مصنوعی بر فرآیندهای نظارت در صنعت بیمه

سارا پویانا^۱، فهیمه عزیزپور^۲

چکیده

این مقاله مروری جامع به بررسی تأثیر کاربردهای هوش مصنوعی AI بر فرآیندهای نظارت در صنعت بیمه می‌پردازد. با تمرکز بر منابع علمی جدید (۲۰۲۳-۲۰۲۵)، کاربردهای AI در حوزه‌های نظارت رگولاتوری، تشخیص تقلب، ارزیابی ریسک و مدیریت ادعاها تحلیل می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که AI با بهره‌گیری از فناوری‌هایی مانند یادگیری ماشین، پردازش زبان طبیعی و بینایی کامپیوتری، کارایی و دقت فرآیندهای نظارتی را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد، به‌طوری‌که زمان پردازش ادعاها تا ۵۰٪ کاهش یافته و دقت تشخیص تقلب به ۹۵٪ رسیده است. با این حال، چالش‌هایی نظیر سوگیری الگوریتمی، عدم شفافیت مدل‌های پیچیده و ریسک‌های امنیتی و سایبری، موانعی جدی ایجاد می‌کنند که نیازمند چارچوب‌های رگولاتوری قوی هستند. منابع معتبر مانند گزارش‌های انجمن بین‌المللی ناظران بیمه (IAIS)، سازمان بیمه‌گران اروپا (EIOPA)، ResearchGate و مک‌کینزی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این پژوهش به‌ویژه برای سیاست‌گذاری در صنعت بیمه ایران، با توجه به چالش‌های محلی مانند کمبود داده‌های بومی، راهکارهایی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، نظارت بیمه‌ای، تشخیص تقلب، ارزیابی ریسک، سوگیری الگوریتمی، شفافیت، حریم خصوصی، صنعت بیمه.

۱. رئیس اداره صدور بیمه‌های درمان، کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
sarapouyana@yahoo.com

۲. کارشناس مسئول صدورهای بیمه‌های درمان، کارشناسی مدیریت بیمه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
fa.azizpour1987@gmail.com



تحول نظارتی در صنعت بیمه جهانی: استانداردهای سرمایه، نظارت

دیجیتال و ریسک سیستمی

حمید گلابشکر^{۱*}، علیرضا مشکلاتی^۲، عقیق عبدالوهابنیا^۳

چکیده

نهادینه‌سازی استانداردهای سرمایه، ادغام فناوری‌های نظارت دیجیتال و واکنش‌های مقرراتی به ریسک‌های سیستمی نوظهور همراه بوده است. با بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی و تلفیق گزارش‌های نهادهای نظارتی، منابع علمی و اسناد سیاست‌گذاری، روندهای کلیدی در حکمرانی احتیاطی و تحول نظارت بیمه در سطح بین‌المللی تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که اجرای استاندارد سرمایه بیمه^۴ (ICS) و به‌روزرسانی اصول اساسی بیمه^۵ (ICPs)، همراه با همگرایی استانداردهای حسابداری^۶ IFRS 17 و Solvency II، مسیر نظارت را سوی شفافیت، مقایسه‌پذیری و تاب‌آوری سوق داده‌اند. در همین حال، ابزارهای SupTech، هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده‌ها^۸، نظارت را از حالت دوره‌ای و مبتنی بر قواعد، به نظارت مستمر و مبتنی بر ریسک تبدیل کرده‌اند.

نهادهای نظارتی همچنین با رشد دارایی‌های جایگزین، ساختارهای بیمه مجدد سرمایه‌بر^۹ (AIR) و خدمات مالی مبتنی بر پلتفرم مواجه شده‌اند که نیازمند تنظیم‌گری متناسب، مبتنی بر عملکرد و هماهنگی در سطح فراملی است. ادغام ریسک‌های اقلیمی و معیارهای ESG^{۱۱} در چارچوب‌های احتیاطی نیز نشان‌دهنده تغییر رویکرد به سوی نظارت آینده‌نگر و پایدار است.

در پایان، مقاله توصیه‌هایی راهبردی برای تقویت زیرساخت‌های SupTech^{۱۱}، ارتقای شفافیت در دارایی‌های جایگزین و طراحی سازوکارهای حقوقی تطبیقی ارائه می‌دهد. همچنین پیشنهادهایی برای ایران در زمینه همگرایی با استانداردهای بین‌المللی و توسعه نظارت دیجیتال مطرح شده است. این تحلیل‌ها مسیر تحول نظارت بیمه را ترسیم کرده و زمینه‌ساز توسعه تاب‌آوری مالی در عصر دیجیتال هستند.

واژگان کلیدی: نظارت بیمه، استاندارد سرمایه بیمه، Solvency II، IFRS 17، ریسک سیستمی.

golabshekar@gmail.com

۱. مدیر اتکایی داخلی شرکت بیمه اتکایی ایران معین، (نویسنده مسئول)

ar.moshkelati@bimc.ir

۲. عضو هیئت مدیره و معاون فنی شرکت بیمه اتکایی ایران معین

abdolvahabnia86@yahoo.com

۳. رئیس اداره بیمه‌های باربری

4. Insurance Capital Standard (ICS)

5. Insurance Core Principles (ICPs)

۶. استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی

۷. چارچوب توانگری مالی اروپا - نسخه دوم

8. big data

9. asset-intensive reinsurance

10. Environmental, Social, and Governance

11. Supervisory Technology



تحولات جهانی در نظارت بیمه‌ای؛ الگوها و استانداردهای بین‌المللی

علیرضا فتاحی^۱، سید عباس حسینی رباط^۲، رسول رحمتی نودهی^۳، غلامرضا معمارزاده طهران^۴، ابوالحسن فقیهی^۵

چکیده

تحولات سریع صنعت بیمه شامل جهانی‌شدن، محصولات پیچیده، تکنولوژی‌های نوین و بحران‌های مالی، سیستم‌های نظارتی سنتی را با چالش‌های جدی مواجه کرده که نیازمند بازنگری اساسی است. عدم هماهنگی میان سیستم‌های نظارتی مختلف کشورها و ظهور مداوم مدل‌های نوآورانه کسب و کار، شکاف‌های خطرناکی در نظارت ایجاد کرده است. این مطالعه با هدف ارائه تحلیلی جامع از تحولات جهانی در نظارت بیمه‌ای و بررسی الگوها و استانداردهای بین‌المللی انجام شده است. این پژوهش مروری-تحلیلی با رویکرد سیستماتیک اجرا شد که در آن ابتدا ۶۰۰ مقاله از پایگاه‌های معتبر Scopus، SpringerLink و IEEE Xplore، PubMed، Google Scholar، Web of Science در بازه ۲۰۲۱-۲۰۲۵ جستجو گردید. معیارهای ورود شامل مطالعات مرتبط با نظارت بیمه‌ای، استانداردهای بین‌المللی، مقالات انگلیسی در مجلات معتبر با کیفیت علمی مناسب بود. معیارهای خروج عدم دسترسی به متن کامل، کیفیت پایین روش‌شناسی و عدم ارتباط با موضوع اصلی بود. پس از فرآیند غربالگری، ۱۰ مطالعه کیفی انتخاب شد. یافته‌ها نشان داد که الگوهای نظارتی در حال تکامل از مدل‌های سنتی نهادی، عملکردی و یکپارچه به سمت ترکیبات نوآورانه هستند که راه‌حل بهینه ترکیب مدل‌های یکپارچه و نهادی برای نظارت مؤثر بر شرکت‌های چندملیتی است. نظارت مبتنی بر ریسک نتایج متضادی در کشورهای مختلف نشان داده، به‌طوری که در برخی موارد تأثیر مثبت بر عملکرد مالی و در موارد دیگر اثرات منفی کوتاه‌مدت بر سودآوری گزارش شده است. چالش‌های جدید نظیر پاندمی کووید-۱۹، ریسک‌های تغییرات آب و هوایی، مجازی‌سازی نظارت بر بیمه‌های خارجی و ضرورت افزایش شفافیت پیچیدگی‌های اضافی ایجاد کرده‌اند. ضرورت توسعه چارچوب‌های انطباق‌پذیر که تعادل بین ثبات مالی بلندمدت و سودآوری کوتاه‌مدت را حفظ کنند، آشکار شده است.

واژگان کلیدی: نظارت بیمه‌ای، استانداردهای بین‌المللی، نظارت مبتنی بر ریسک، الگوهای نظارتی، تحولات جهانی.

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دستیار آموزشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، کارشناس امور بیمه‌ای در شرکت بیمه آسیا، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

alr_fathi@yahoo.com

Seyedrobat48@gmail.com

۲. سرپرست منطقه یک بیمه آسیا، تهران، ایران

rahmatitan@gmail.com

۳. معاون مدیر طرح و توسعه بیمه آسیا، دانشجوی دکتری مدیریت، تهران، ایران

۴. عضو هیات علمی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، عضو هیات مدیره انجمن مدیریت دولتی ایران، ایران

۵. عضو هیات علمی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران
faghihiabolhassan@gmail.com



تحولات جهانی نظارت بیمه‌ای و چارچوب تحلیلی صنعت بیمه

فرهاد عباسی^{۱*}، سیدامید میررفیع^۲

چکیده

صنعت بیمه به عنوان یکی از ارکان اصلی ثبات مالی و پشتیبان رشد اقتصادی، در دهه‌های اخیر با تحولاتی بنیادین در نظام‌های نظارتی مواجه شده است. بحران‌های مالی، افزایش پیچیدگی ریسک‌ها و گسترش فناوری‌های نوین نظارتی ضرورت حرکت از نظارت انطباقی به نظارت مبتنی بر ریسک را آشکار کرده است. هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی الگوهای جهانی نظارت بیمه‌ای و ارائه مدل مفهومی اثربخشی نظارت در ایران است. پژوهش حاضر از نوع تحلیلی-کاربردی و با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شده است. در بخش کیفی، اسناد، مقررات و استانداردهای بین‌المللی نظارتی شامل RBC، Solvency II، K-ICS و C-ROSS بررسی شد. در بخش کمی، داده‌های مالی ۱۰ شرکت بیمه ایرانی طی دوره ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ با استفاده از نرم‌افزارهای EViews و Stata تحلیل گردید. نتایج نشان داد متغیرهایی مانند مدیریت ریسک، حاکمیت شرکتی، کفایت سرمایه و شفافیت مالی تأثیر معناداری بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه دارند و انطباق با استانداردهای جهانی موجب بهبود اثربخشی نظارت می‌شود. استقرار نظام ارزیابی ریسک و توانگری خودی، توسعه نظارت داده‌محور و پیاده‌سازی چارچوب توانگری نسل دوم می‌تواند تاب‌آوری، شفافیت و پایداری بازار بیمه ایران را به طور قابل توجهی افزایش دهد.

واژگان کلیدی: نظارت بیمه‌ای، توانگری مالی، حاکمیت شرکتی، نظارت مبتنی بر ریسک، فناوری‌های نظارتی.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، رئیس اداره نظارت خدمات بیمه‌گری بیمه‌های زندگی، شرکت بیمه سامان، تهران، (نویسنده مسئول)

fa.abbasi@samaninsurance.ir

۲. کارشناسی ارشد آمار اقتصادی، کارشناس مسئول نظارت بیمه‌های زندگی، شرکت بیمه سامان، تهران

o.mirrafi@samaninsurance.ir



توانمندسازی انسانی برای تحول نظارتی در صنعت بیمه ایران

زینب رودباری مونیجی^{۱*}، داود کیا کجوری^۲

چکیده

این پژوهش به شناسایی و رتبه‌بندی موانع تحول نظارتی در صنعت بیمه ایران و ارائه راهکارهای توانمندسازی انسانی برای غلبه بر آن‌ها می‌پردازد. موانع فرهنگی، نهادی و درون‌سازمانی مانند مقاومت به تغییر، کمبود دانش فنی و ارتباطات ضعیف، مانع گذار به نظارت نوین دیجیتال و هوشمند هستند. با استفاده از روش ترکیبی کیفی-کمی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ خبره و تحلیل مضمون با نرم‌افزار MAXQDA جمع‌آوری شد. روش دلفی در سه راند برای اجماع بر ۵۷ شاخص و روش‌های ANP-DEMATEL برای وزن‌دهی و شناسایی روابط علی به کار رفت. یافته‌ها نشان داد موانع فرهنگی (وزن ۰,۳۸۴) به‌عنوان عوامل علی و موانع نهادی به‌عنوان عوامل اثرپذیر عمل می‌کنند. شاخص اولویت‌دهی روابط شخصی (وزن ۰,۰۵۴۷) و کمبود دانش فنی از موانع کلیدی هستند. با استفاده از TOPSIS، سرمایه‌گذاری در فناوری آموزشی (وزن ۰,۷۷۴) و بازآموزی مدیران برای رهبری تحول‌گرا به‌عنوان برترین راهکارها اولویت‌بندی شدند. این مدل بومی با تأکید بر آموزش و توانمندسازی، شفافیت و اعتمادسازی را تقویت کرده و راهکاری عملی برای توسعه پایدار صنعت بیمه ایران ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: تحول نظارتی، موانع تحول نظارتی، توانمندسازی انسانی، صنعت بیمه.

۱. کارشناس شرکت بیمه البرز، بیمه البرز، شعبه نوشهر (نویسنده مسئول)

zeynab.roodbari@gmail.com

۲. گروه مدیریت دولتی، واحد چالوس دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

dr.davoodkia@iau.ac.ir



توانمندسازی و یادگیری سرمایه انسانی نهادهای نظارتی بیمه با بهره‌گیری از هوش مصنوعی: چارچوب ملی مبتنی بر تجارب جهانی

حجت شفیعی دیزج^{*۱}

چکیده

صنعت بیمه در دهه‌های اخیر با تحولات سریع، پیچیدگی محصولات مالی و ظهور ریسک‌های نوظهور مواجه شده است. این تحولات نیاز به ارتقای مستمر مهارت‌ها و توانمندی‌های نیروی انسانی نهادهای نظارتی را افزایش داده است.

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و تطبیقی، داده‌ها را از سه منبع جمع‌آوری کرده است: اسناد بین‌المللی و داخلی، و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ مدیر و کارشناس صنعت بیمه. یافته‌ها نشان می‌دهد برنامه‌های بین‌المللی که از هوش مصنوعی، شبیه‌سازی ریسک و مسیر یادگیری شخصی‌سازی شده بهره می‌برند، اثربخشی بالاتری دارند، در حالی که برنامه‌های داخلی پراکنده و کوتاه‌مدت هستند.

بر اساس این نتایج، چارچوب پنج مرحله‌ای ملی برای توانمندسازی و بازآموزی کارکنان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی پیشنهاد شده است که شامل شناسایی نیازهای مهارتی، طراحی کوریکولوم ملی، اجرای آموزش ترکیبی، پایش هوشمند و ارزیابی مستمر است. این چارچوب می‌تواند کیفیت نظارت، پاسخگویی و تصمیم‌گیری ناظرین در مواجهه با ریسک‌های نوظهور را افزایش دهد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، یادگیری سازمانی، سرمایه انسانی، نظارت بیمه، هوش مصنوعی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز



توسعه مدل حکمرانی مبتنی بر داده برای مدیریت تغییر در پروژه‌های نظارت هوشمند بیمه با تاکید بر اصول اخلاقی و شفافیت

رحمان اسفندانی^{۱*}، میلاد اعتمادیان^۲

چکیده

این تحقیق با هدف ارائه و توسعه مدل حکمرانی مبتنی بر داده برای مدیریت تغییر در پروژه‌های نظارت هوشمند بیمه با تاکید بر اصول اخلاقی و شفافیت انجام گرفت. اطلاعات مورد نیاز پژوهش برای مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) جهت شناسایی عوامل از میان خبرگان یعنی ۱۵ نفر از خبرگان بیمه که سابقه کاری مدیریتی و دارای مدرک تحصیلی دکترا یا کارشناسی ارشد بودند، گردآوری شد. در این تحقیق با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) یک مدل طراحی شد. سپس بر اساس الگوی به‌دست آمده، به شناسایی عوامل تاثیرگذار حکمرانی مبتنی بر داده برای مدیریت تغییر در پروژه‌های نظارت هوشمند بیمه پرداخته شد. مدل ارائه شده توسعه حکمرانی مبتنی بر داده برای مدیریت تغییر در پروژه‌های نظارت هوشمند بیمه را در سه بخش اصلی توضیح می‌دهد. ابتدا، در بخش پایینی مدل، عوامل نظارت هوشمند بیمه شامل هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های بزرگ، بلاکچین و اینترنت اشیا قرار دارند که نقش فناوری‌های نوین را در ایجاد سیستم‌های نظارتی هوشمند و داده‌محور نشان می‌دهند. این فناوری‌ها پایه و زیرساخت لازم برای پردازش و تحلیل داده‌ها و تضمین صحت و امنیت عملکردهای مدیریتی را فراهم می‌کنند. در بخش میانی، مدل دو محور اصلی یعنی اصول اخلاقی و شفافیت را می‌آورد. اصول اخلاقی شامل رعایت حریم خصوصی، حفظ اعتماد ذی‌نفعان، اخلاق داده‌محور و بهره‌مندی مشتری و ذی‌نفعان است که تضمین می‌کند استفاده از داده‌ها در مدیریت تغییر کاملاً اخلاقی و مسئولانه باشد. شفافیت نیز با محورهایی مثل ارائه اطلاعات واضح و دقیق، قابلیت رویت داده‌ها، گزارش‌دهی قابل اعتماد و امکان پایش عملکرد سیستم‌های داده‌محور، به ایجاد فضای اعتماد و دسترسی به اطلاعات صحیح و قابل اتکا تاکید دارد. در نهایت، این دو بخش اصول اخلاقی و شفافیت به توسعه حکمرانی مبتنی بر داده برای مدیریت تغییر در بالاترین سطح مدل منتهی می‌شوند. این حکمرانی داده‌محور با ترکیب فناوری‌های نوین نظارت، اصول اخلاقی محکم و شفافیت کامل، مدیریت تغییر را به شیوه‌ای مسئولانه، کارآمد و با اعتماد بالا تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، موفقیت مدیریت تغییر در سازمان‌ها به تحقق همزمان این سه رکن بستگی دارد که در کنار هم چارچوبی قوی برای حکمرانی داده ساخته‌اند.

واژگان کلیدی: اصول اخلاقی، حکمرانی مبتنی بر داده، شفافیت، مدیریت تغییر، نظارت هوشمند بیمه.

۱. دانشکده مدیریت استراتژیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) r.esfandani@samaninsurance.ir

۲. دانشکده مکانیک ساخت و تولید، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران miladhaj9099@gmail.com



چارچوب مدیریت تغییر برای نظارت هوشمند در صنعت بیمه

حسین میکائیل وند^{۱*}، ساناز پور اسکندر^۲

چکیده

پیاده‌سازی نظارت هوشمند در صنعت بیمه مستلزم مدیریت سیستماتیک تغییر در سطوح فرهنگی، نهادی و ذی‌نفعان است. این پژوهش با رویکرد تحلیلی مروری به طراحی چارچوبی برای تسهیل این تحول می‌پردازد. روش پژوهش مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی ادبیات علمی، گزارش‌های بین‌المللی و اسناد سیاستی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موانع اصلی شامل مقاومت فرهنگی، ساختارهای نهادی سنتی و ضعف در مکانیزم‌های مشارکتی است. چارچوب پیشنهادی با تلفیق مدل کاتر و اصول حکمرانی دیجیتال، راهکارهایی برای همسویی فرهنگی، اصلاح ساختارها و طراحی پلتفرم‌های مشارکتی ارائه می‌دهد. این چارچوب بر به‌کارگیری مدل‌های فناورانه‌ای مانند یادگیری ماشین نظارت‌شده برای تشخیص رفتارهای غیرعادی، مدل‌های پیش‌بینی ریسک مبتنی بر شبکه‌های عصبی و سیستم‌های تصمیم‌گیری هوشمند مبتنی بر قواعد (Rule-based AI) استوار است. این رویکرد می‌تواند به‌عنوان معماری راهبردی برای بیمه مرکزی در اجرای نظارت هوشمند مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظارت هوشمند، مدیریت تغییر، فرهنگ سازمانی، موانع نهادی، مشارکت ذی‌نفعان.

۱. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، مدیر بیمه دی استان اردبیل، (نویسنده مسئول)

Hossein.mikaealvand@Gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، کارشناس بیمه ما استان اردبیل

Sanaz.poureskandar@Gmail.com



چالش‌ها و فرصت‌های اجرای نظارت مبتنی بر ریسک در بازارهای نوظهور بیمه

فاطمه داوری^{۱*}، فرزانه زیبایی^۲

چکیده

نظارت مبتنی بر ریسک به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در صنعت بیمه، جایگزین مدل‌های سنتی نظارت قانون‌محور شده و تمرکز خود را بر ارزیابی توانگری مالی و مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه قرار می‌دهد. این پژوهش مروری با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های اجرای RBS در بازارهای نوظهور بیمه انجام شد. روش تحقیق بر اساس دستورالعمل PRISMA طراحی گردید و پس از جستجو در پایگاه‌های معتبر و غربالگری منابع، از میان ۲۳۷ مقاله، در نهایت ۳۳ منبع منتخب مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که چالش‌های اساسی شامل ضعف نهادی و قانونی، کمبود داده‌های دقیق، محدودیت‌های زیرساختی فناوری و کمبود منابع انسانی متخصص است. در مقابل، فرصت‌هایی همچون ارتقای شفافیت و اعتماد عمومی، بهبود پایداری مالی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه محصولات نوآورانه از مهم‌ترین مزایای پیاده‌سازی RBS محسوب می‌شوند. در نتیجه، حرکت به سمت RBS در بازارهای نوظهور ضرورتی راهبردی است که باید به‌صورت تدریجی و بومی‌سازی شده دنبال شود.

واژگان کلیدی: نظارت مبتنی بر ریسک، بازارهای نوظهور، صنعت بیمه.

۱. کارشناسی ریاضی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، بجنورد، ایران، (نویسنده مسئول)

Fa.davari@samaninsurance.ir

۲. کارشناسی حسابداری، دانشگاه آزاد بجنورد، بجنورد، ایران

Farzanehzbai471@gmail.com



چالش‌های نهادی، فرهنگی و سازمانی در گذار به تحول نظارتی صنعت بیمه

مریم بردبار مژدهی^{۱*}، محمد حلم‌زاده^۲

چکیده

تحول نظارتی در صنعت بیمه فرایندی است که نهادهای ناظر را از نظارت صرفاً مبتنی بر انطباق به سمت رویکردهای پیش‌نگر، مبتنی بر ریسک و داده‌محور هدایت می‌کند. مسئله محوری آن است که چه موانع نهادی، فرهنگی و درون‌سازمانی، مسیر تحقق این گذار را در صنعت بیمه محدود ساخته و چگونه ظرفیت آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری را تضعیف خواهند کرد. پژوهش حاضر با چشم‌اندازی بومی و مبتنی بر چارچوب نظری نهادگرایی دی‌ماجیو و پاول، بر رویکرد تحلیلی و روش تحلیل محتوای کیفی اسناد، سیاست‌ها و ادبیات کتابخانه‌ای متکی می‌باشد. فرضیه کلیدی، بیان می‌دارد که فشارهای نهادی متناقض و نامنسجم با سرعت و دامنه پیاده‌سازی تحول نظارتی همبستگی منفی داشته و هرچه محیط نهادی پراکنده‌تر و فشارها نامنسجم‌تر باشد، اجرای اصلاحات کندتر و محدودتر خواهد شد. به علاوه، فرهنگ سازمانی محافظه‌کار و متکی به مسیر، پذیرش نوآوری‌های نظارتی را کاهش می‌دهد. بنابراین، ظرفیت‌های فناورانه، دسترسی به داده و نیروی متخصص، رابطه مثبت و معناداری با موفقیت اجرای تحول داشته و شاخص‌های جاذبه تنظیمی، مانند تمرکز بازار و نفوذ لایبگری، مقاومت سازمانی را تقویت و اجرای اصلاحات جامع را تضعیف می‌نمایند. از این‌رو، اجرای موفق تحول نظارتی، نیازمند نقشه و سناریویی برای اصلاحات نهادی در سطوح حاکمیت، نظارت، انگیزش سازمانی و سازوکارهای هماهنگ‌سازی می‌باشد.

واژگان کلیدی: چالش‌های نهادی، موانع فرهنگی، مقاومت سازمانی، تحول نظارتی، صنعت بیمه.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
bordbarmaryam1414@gmail.com

۲. کارشناسی مدیریت بیمه، دانشگاه غیرانتفاعی کاویان، مشهد، ایران
karafarin.2929@yahoo.com



چشم‌انداز آینده حکمرانی صنعت بیمه در عصر هوش مصنوعی: تحلیل سناریویی از مدیریت تغییر و مشارکت ذی‌نفعان

زهره وصله‌چی^{۱*}

چکیده

تحولات فناورانه ناشی از ظهور هوش مصنوعی در دهه اخیر، صنعت بیمه را با چالشی بی‌سابقه در حوزه حکمرانی و مدیریت تغییر مواجه ساخته است. گذار از ساختارهای سنتی به سامانه‌های داده‌محور، نیازمند نگاهی آینده‌پژوهانه و تصمیم‌گیری مبتنی بر سناریوهای تحول است. پژوهش حاضر با هدف ترسیم چشم‌انداز آینده حکمرانی صنعت بیمه در عصر هوش مصنوعی انجام شده و تلاش دارد تا با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی سناریویی، الگوهای ممکن حکمرانی تحول را شناسایی و تحلیل کند. تمرکز پژوهش بر بررسی پیوند میان مدیریت تغییر، نظارت هوشمند و مشارکت ذی‌نفعان در مسیر گذار به حکمرانی دیجیتال است. روش پژوهش مبتنی بر تحلیل نظری و اسنادی بوده و با تکیه بر مدل‌های بین‌المللی آینده‌پژوهی و تجربیات کشورهای پیشرو در بیمه هوشمند انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آینده مطلوب صنعت بیمه زمانی تحقق می‌یابد که حکمرانی هوش مصنوعی، مشارکت‌پذیر، یادگیرنده و مبتنی بر اعتماد فناورانه باشد. این مقاله ضمن تحلیل سناریوهای تحول، پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران و مدیران بیمه‌ای جهت ارتقای ظرفیت‌های آینده‌نگری و نوآوری ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، صنعت بیمه، حکمرانی هوشمند، مدیریت تغییر، هوش مصنوعی.

۱. آینده‌پژوهی، صنایع، دانشگاه غیرانتفاعی ایوانکی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های توانمندسازی منابع انسانی بیمه البرز با تأکید بر هوش مصنوعی

ناهید بهاروند^{۱*}

چکیده

توانمندسازی سازمان، در دنیای دیجیتال همان توانایی تطبیق سریع با تغییرات فناورانه و نیازهای بازار است که منابع انسانی به‌عنوان متغیر کلیدی ایفای نقش می‌کند؛ زیرا با توسعه مهارت‌های دیجیتال، ارتقای فرهنگ یادگیری مستمر و تقویت کار تیمی، بستر تحول توانمندسازی فراهم می‌گردد. هدف از مطالعه حاضر، شناسایی و اولویت‌بندی استراتژی‌های منابع انسانی در توانمندسازی بیمه البرز در عصر دیجیتال است. برای این منظور از اساتید دانشگاهی خبره، مدیران و کارشناسان بیمه البرز به‌عنوان مشارکت‌کنندگان تحقیق که در زمینه مدیریت منابع انسانی، تحول دیجیتال و توانمندسازی سازمانی، دانش و تجربه و تخصص کافی داشتند، بهره گرفته شد و در مجموع ۱۱ مصاحبه با استفاده از پرسشنامه انجام شد. نمونه‌گیری با روش هدفمند انجام شد و پس از هر مصاحبه، کدگذاری و تحلیل کیفی مضمون در نرم افزار مکس کیودا صورت گرفت. سپس جهت اولویت‌بندی و تحلیل کمی تحقیق از روش سوارا فازی در نرم‌افزار متلب استفاده گردید. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که توانمندسازی بیمه البرز در دنیای دیجیتال، مستلزم بازنگری بنیادین در سیاست‌ها و راهبردهای منابع انسانی است. از جنبه نظری، مطالعه حاضر با تلفیق مفاهیم توانمندی سازمانی و استفاده از هوش مصنوعی، به ارائه مدلی یکپارچه جهت ارتقای قابلیت‌های منابع انسانی در محیط‌های پرتلاطم بازار بیمه و از جنبه کاربردی نیز نتایج بر اهمیت سرمایه‌گذاری بیمه البرز بر توسعه مهارت‌های دیجیتال، طراحی سازوکارهای خلاقانه برای مشارکت منابع انسانی، تقویت بسترهای همکاری دیجیتال، استقرار نظام‌های توانمندسازی و ایجاد فرهنگ مسئولیت‌پذیری و تعلق سازمانی تأکید دارد. نتایج این مطالعه راهبردی عملی برای مدیران منابع انسانی به‌منظور مواجهه با چالش‌های تحول دیجیتال و تبدیل منابع انسانی به پیشگامان توانمندسازی سازمانی فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: منابع انسانی، بیمه البرز، توانمندسازی، هوش مصنوعی، روش سوارا فازی.

۱. کارشناس بیمه و دانش آموخته دکتری علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، (نویسنده مسئول) baharvand-n@bimehalborz.iranahid_baharvand@semnan.ac.ir



شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیاده‌سازی تحول نظارتی در صنعت بیمه با استفاده از روش سیستم استنتاج فازی

هاجر فیروزپوری بندپی^{۱*}، میلاد فلاح^۲

چکیده

برای جلوگیری از شکست بازار در صنعت بیمه که خدمات آن از اهمیت اقتصادی بالایی برخوردار است، این صنعت مشمول مقررات جامعی است که اصولی را برای شناسایی و اندازه‌گیری قراردادهای صادر شده توسط شرکت‌های بیمه تعیین می‌کنند. در کشورهای پیشرو در امر بیمه با توجه به تغییر و تحولات صورت گرفته در این صنعت، نیاز به تحول در نحوه نظارت توسط نهاد ناظر امری اجتناب ناپذیر می‌باشد. هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیاده‌سازی تحول نظارتی در صنعت بیمه با استفاده از روش سیستم استنتاج فازی می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی می‌باشد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران میانی صنعت بیمه بوده که تعداد ۲۰ نفر بعنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش نشان دادند که به ترتیب گروه موانع سرمایه انسانی و فرهنگی با ۵,۲۸ امتیاز، موانع چارچوب ساختاری و نظارتی با ۴,۷۳ امتیاز، موانع فناوری و داده با ۳,۳۹ امتیاز، موانع چالش‌های مالی و عملیاتی با ۳,۲۵ امتیاز، موانع ریسک نوظهور و خارجی با ۲,۸۴ امتیاز بیشترین اهمیت را دارا می‌باشند که بر این اساس پیشنهادات کاربردی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: موانع، تحول نظارتی، سیستم استنتاج فازی.

Golifirouzpour@gmail.com

۱. حسابداری مالی، دانشگاه علمی کاربردی، بابل ایران، (نویسنده مسئول)

milad_fallah1370@yahoo.com

۲. حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران



طراحی الگوی کنترل استراتژیک آینده‌نگر جهت نظارت بر عملکرد شرکت‌های بیمه

سعید نعمتی^۱، مسعود طاهری و سیه‌سری^۲، زهرا جافری^۳

چکیده

در جهان پرتلاطم و رقابتی کسب‌وکار امروز، صنعت بیمه به عنوان یکی از ارکان اساسی ثبات اقتصادی، نقشی حیاتی در مدیریت ریسک و ایجاد امنیت مالی برای جامعه ایفا می‌کند. با این حال، این صنعت با چالش‌های بی‌سابقه‌ای از جمله تحولات سریع فناوری، تغییرات پیچیده مقرراتی، افزایش انتظارات مشتریان و ظهور رقبای نوآور مواجه است. در چنین محیط پویایی، تدوین استراتژی‌های اثربخش اگرچه ضروری است، اما برای دستیابی به عملکرد برتر کافی نیست. آنچه که موفقیت نهایی سازمان‌ها را تضمین می‌کند، توانایی آن‌ها در اجرا، پایش و کنترل کارآمد این استراتژی‌ها در مسیر دستیابی به اهداف کلان است.

بر این اساس، این پژوهش با هدف «طراحی الگوی کنترل استراتژیک آینده‌نگر جهت نظارت بر عملکرد شرکت‌های بیمه» انجام شده است. در این پژوهش، روش تحقیق مورد استفاده آمیخته می‌باشد که در ۲ فاز کیفی انجام شده است؛ یک فاز کیفی جهت شناسایی مؤلفه‌ها و فاز کیفی دوم به منظور اعتبارسنجی یافته‌های فاز اول تحقیق بوده است. بنابراین ابتدا با استفاده از مصاحبه عمیق با خبرگان صنعت بیمه و تحلیل داده‌ها ۳۱ مؤلفه شناسایی و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA مدل مفهومی استخراج شده و در ادامه با استفاده از روش دلفی اعتبارسنجی مدل انجام گرفته است.

یافته‌ها حاکی از این است که مهمترین مؤلفه‌های کنترل استراتژیک آینده‌نگر جهت نظارت بر عملکرد شرکت‌های بیمه عبارتند از: کنترل رشد و یادگیری، کنترل فرآیندهای داخلی، کنترل فرهنگی، کنترل قانونمدار، کنترل مالی، کنترل مشتری، کنترل نظارتی و نگرش اکتشافی.

واژگان کلیدی: کنترل استراتژیک آینده‌نگر، عملکرد، نظارت، شرکت‌های بیمه.

۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت بازاریابی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
saeid.nemati56@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت مالی، دانشکده مهندسی مالی، دانشگاه آزاد، رودهن، ایران
Taherymasud@gmail.com

۳ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
z.jafari@yahoo.com



کاربست آینده‌نگاری راهبردی در سیاست گذاری نظارتی صنعت بیمه ایران

مهدی قلی‌زاده^{۱*}

چکیده

محیط نظارتی صنعت بیمه ایران با چالش‌های پیچیده‌ای مانند ریسک‌های نوظهور، تحولات فناورانه و عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیکی مواجه است که روش‌های سنتی نظارتی را ناکارآمد ساخته است. این پژوهش با هدف بررسی کاربرد آینده‌نگاری راهبردی در بهبود سیاست‌گذاری نظارتی صنعت بیمه ایران انجام شده است. صنعت بیمه ایران به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مالی، با محیطی پویایی روبروست که توانایی نظارت سنتی را به چالش می‌کشد. در این شرایط، سیاست‌گذاری نظارتی مبتنی بر رویکردهای گذشته‌نگر، پاسخگوی نیازهای آینده نیست. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه کاربرد آینده‌نگاری راهبردی می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری نظارتی در صنعت بیمه ایران منجر شود؟

با توجه به شکاف مطالعاتی در ادبیات داخلی و نیاز به رویکردی یکپارچه، این مقاله برای نخستین بار در ایران، با روش کیفی و بهره‌گیری از نظرات خبرگان نظارتی، به تحلیل کاربرد آینده‌نگاری راهبردی در فرآیندهای نظارت بیمه مرکزی می‌پردازد. اهمیت پژوهش در کمک به طراحی چارچوب نظارتی تاب‌آور برای مواجهه با ریسک‌های آینده و ارتقای ثبات بازار بیمه ایران نهفته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد آینده‌نگاری راهبردی با ایجاد شبکه‌های دانشی بین‌سازمانی و افزایش مشارکت ذی‌نفعان، به بازتعریف نظام حاکمیت نظارتی کمک می‌کند. پیشنهاد کلیدی پژوهش، ایجاد واحد آینده‌نگری نظارتی در بیمه مرکزی ایران با مأموریت پایش ریسک‌های سیستمی و طراحی سیاست‌های پیش‌نگر است.

واژگان کلیدی: آینده‌نگاری راهبردی، سیاست‌گذاری نظارتی، صنعت بیمه ایران، بیمه مرکزی، نظارت نوین.

۱. بیمه البرز، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)



کمی سازی تاب آوری شرکت های بیمه با اقتباس از تاب آوری زنجیره تأمین

حدیثه ناطقی^۱، زهرا برزگر^۲

چکیده

تحولات سریع فناوریانه، پیچیدگی زنجیره های ارزش و افزایش وابستگی نظام های مالی به زیرساخت های دیجیتال باعث شده مفهوم تاب آوری سازمانی از یک موضوع صرفاً عملیاتی به یک مؤلفه ی راهبردی در مدیریت ریسک تبدیل شود. صنعت بیمه به دلیل نقش کلیدی در انتقال و توزیع ریسک، در برابر شوک های سایبری، مالی و عملیاتی به سطحی قابل اندازه گیری از تاب آوری نیاز دارد. این پژوهش با الهام از چارچوب های تاب آوری زنجیره تأمین، مدلی مفهومی برای تعمیم این رویکرد به حوزه ی بیمه ارائه می کند. در این مدل، سه ظرفیت اصلی تاب آوری شامل جذب (Absorptive)، سازگاری (Adaptive) و بازگردانی (Restorative) به شاخص های کمی قابل سنجش در سطح سازمانی ترجمه شده اند. از جمله این شاخص ها می توان به نسبت سرمایه در خطر به خسارت، زمان واکنش سازمان به شوک ها و زمان بازگشت عملیات اشاره کرد. همچنین با استفاده از چارچوب آزمون فشار سایبری EIOPA، سناریوهای بحرانی برای سنجش مقاومت مالی و عملیاتی شرکت بیمه طراحی می شود. یافته های مفهومی نشان می دهد این چارچوب امکان ارزیابی تطبیقی تاب آوری شرکت های بیمه، تقویت نظارت داده محور و تصمیم گیری راهبردی در سطح کلان را فراهم می سازد.

واژگان کلیدی: تاب آوری زنجیره تأمین، ظرفیت جذب، ظرفیت سازگاری، ظرفیت بازگردانی، فشار سایبری.

۱. مدیریت اکچوئری و تحلیل داده ها، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

h.nateghi@samaninsurance.ir

۲. مدیریت اکچوئری و تحلیل داده ها، شرکت بیمه سامان، تهران، ایران

z.barzegar@samaninsurance.ir



مدل نظارت پیش‌گرانه ریسک‌های نوظهور برای تاب‌آوری بیمه

مأنده محبوبی^{۱*}، نسیمه رحیمی مقدم^۲

چکیده

با گسترش تحولات فناورانه و تشدید پدیده‌های اقلیمی، ریسک‌های نوظهور نظیر تهدیدات سایبری و بلایای طبیعی به یکی از چالش‌های راهبردی صنعت بیمه تبدیل شده‌اند. شرکت‌های بیمه‌ای، به عنوان نهادهای حساس به ریسک، نیازمند چارچوب‌هایی نوین برای شناسایی، پایش و مدیریت این تهدیدات هستند؛ چارچوب‌هایی که نه تنها به مدیریت واکنشی اکتفا نکنند، بلکه از طریق پیش‌بینی و تحلیل بلادرنگ، تاب‌آوری عملیاتی سازمان را ارتقاء دهند. هدف پژوهش حاضر، طراحی یک مدل یکپارچه نظارت پیش‌گرانه بر ریسک‌های نوظهور سایبری و اقلیمی با رویکرد ارتقاء تاب‌آوری عملیاتی در شرکت‌های بیمه‌ای است. در این راستا، با بهره‌گیری از رویکرد پژوهش آمیخته، ابتدا مؤلفه‌های کلیدی با روش تحلیل مضمون از ادبیات و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استخراج شد. سپس، با استفاده از تکنیک‌های ISM و DEMATEL، روابط بین مؤلفه‌ها مدل‌سازی و اولویت‌بندی شدند. در مرحله کمی، داده‌ها از طریق پرسش‌نامه گردآوری و با روش معادلات ساختاری PLS تحلیل گردیدند. نتایج نشان داد که ریسک‌های سایبری و اقلیمی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم معناداری بر تاب‌آوری عملیاتی دارند و متغیر میانجی «نظارت پیش‌گرانه» نقش کلیدی در کاهش شدت این اثرات ایفا می‌کند. مدل طراحی شده شامل سه سطح تحلیلی است: ورودی (ریسک‌های نوظهور)، فرایند (نظارت پیش‌گرانه)، و خروجی (تاب‌آوری عملیاتی). این مدل امکان تحلیل لحظه‌ای تهدیدات و صدور هشدارهای پیش‌گویانه را فراهم می‌آورد و در قالب شاخص‌هایی چون زمان تشخیص ریسک، زمان واکنش و زمان بازگشت به وضعیت پایدار قابل ارزیابی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که توسعه سامانه‌های پایش هوشمند و تقویت زیرساخت‌های فناورانه در صنعت بیمه، پیش‌شرط افزایش تاب‌آوری سازمانی در برابر ریسک‌های پیچیده و در حال تحول است.

واژگان کلیدی: ریسک نوظهور، تاب‌آوری عملیاتی، صنعت بیمه، نظارت پیش‌گرانه، ریسک سایبری و اقلیمی.

۱. کارشناس نگهداشت، کارشناسی حرفه‌ای مدیریت کسب و کار، دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد ۴۱، تهران،
madamahboobi@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. رئیس اداره وصول مطالبات، کارشناسی شیمی، دانشگاه آزاد شهر ری، تهران
nasibeh.rahamimoghadam@gmail.com



مدیریت تغییر در پیاده‌سازی نظارت هوشمند در صنعت بیمه؛ الزامات مدیریتی، مشارکت ذینفعان و حکمرانی تحول

فرشته مصطفی نژاد^{۱*}، نازنین تیموری^۲

چکیده

سازمان‌های بیمه، به عنوان یکی از ارکان نظام سلامت و تأمین امنیت اجتماعی، برای تحقق مأموریت‌ها و مدیریت مؤثر منابع، نیازمند سیستم‌های نظارتی پیشرفته می‌باشد. با گسترش دامنه فعالیت و افزایش حجم تراکنش‌ها، پیاده‌سازی نظارت هوشمند بر مبنای فناوری‌های نوین (یادگیری ماشین، تحلیل داده‌های کلان و اینترنت اشیاء)، ضرورتی انکارناپذیر برای ارتقای شفافیت، کارایی و رضایت مشتریان بیمه است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی الزامات مدیریتی، نقش مشارکت ذینفعان و حکمرانی تحول در فرآیند تغییر و استقرار نظام نظارت هوشمند در صنعت بیمه ایران است. بدین منظور، با ترکیب روش مصاحبه نیمه ساختار یافته با ده نفر از خبرگان بیمه و پیمایش اسناد و مدارک مرتبط، ابعاد کلیدی تغییر مدیریتی و راهبردهای مشارکتی احصا گردید. نتایج نشان داد که موفقیت تحول دیجیتال در نظارت بیمه منوط به تعهد مدیریت ارشد، توسعه دانش فنی، نهادینه‌سازی فرهنگ داده‌محور و هم‌افزایی میان بازیگران اصلی صنعت بیمه است. همچنین رعایت ملاحظات امنیتی و حفظ حریم خصوصی داده‌ها، شرط لازم حکمرانی تحول است.

واژگان کلیدی: نظارت هوشمند، مدیریت تغییر، مشارکت ذینفعان، حریم خصوصی، تحول دیجیتال.

۱. کارشناسی اقتصاد نظری، کارشناس مسئول نظارت بر خسارت عمر و تشکیل سرمایه، بیمه سامان، تهران، ایران،
f.mostafanejad@samaninsurance.ir (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی حقوق، رئیس اداره نظارت بر خسارت عمر و تشکیل سرمایه، بیمه سامان، تهران، ایران
n.teymoori@samaninsurance.ir



مروری بر الگوها و استانداردهای بین‌المللی در صنعت بیمه

مصیب رحمانی^{۱*}

چکیده

صنعت بیمه در عصر جهانی‌سازی با چالش‌های پیچیده‌ای مواجه است که ضرورت هماهنگی بین‌المللی در زمینه استانداردها و الگوهای نظارتی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. این مقاله به بررسی جامع مهم‌ترین استانداردهای بین‌المللی حاکم بر صنعت بیمه می‌پردازد. چارچوب‌های نظارتی همچون سولونسی ۲ (Solvency II)، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS 17)، و استاندارد سرمایه بین‌المللی بیمه (ICS) به عنوان محورهای اصلی تحلیل انتخاب شده‌اند. همچنین، نقش سازمان‌های بین‌المللی مانند انجمن بین‌المللی ناظران بیمه (IAIS) و بازل III در توسعه این استانداردها مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که همگرایی نظارتی در سطح بین‌المللی نه تنها ثبات صنعت بیمه را تقویت می‌کند، بلکه شفافیت، پاسخگویی و حمایت از حقوق بیمه‌گذاران را نیز ارتقا می‌بخشد. این مقاله در نهایت چالش‌های پیش‌روی اجرای این استانداردها و جهت‌گیری‌های آتی صنعت بیمه در زمینه حکمرانی بین‌المللی را مورد بحث قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: الگوها و چارچوب‌های نظارتی، صنعت بیمه، استانداردهای بین‌المللی بیمه.



مقایسه تطبیقی آیین‌نامه‌های بیمه همگانی حوادث طبیعی با استفاده از پردازش زبان طبیعی

حمید سوقی^{۱*}، شمس‌اله سلامی^۲، مهدی سوقی^۳، محمد سوقی^۴

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی آیین‌نامه بیمه همگانی حوادث طبیعی ایران با آیین‌نامه‌های چهار کشور فرانسه، اسپانیا، ترکیه و نیوزیلند انجام شده است. برای نخستین بار از روش‌های پردازش زبان طبیعی شامل مدل TF-IDF و شباهت کسینوسی برای مقایسه کمی و مفهومی متون قانونی استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد آیین‌نامه ایران بیشترین شباهت زبانی را با ترکیه (ضریب ۰٫۶۴) و پس از آن با فرانسه دارد، اما از نظر واژگان و مفاهیم سیاستی از نظام‌های پیشرفته‌تر مانند فرانسه و نیوزیلند فاصله دارد. در آیین‌نامه ایران، واژگان مالی و نظارتی غالب‌اند، در حالی که در متون کشورهای توسعه‌یافته مفاهیمی چون تاب‌آوری، جبران، ترمیم و مسئولیت برجسته‌ترند. نتایج حاکی از آن است که آیین‌نامه ایران در مرحله گذار از زبان بوروکراتیک به زبان تحلیلی و سیاست‌گذارانه قرار دارد. این پژوهش نشان می‌دهد بهره‌گیری از پردازش زبان طبیعی می‌تواند ابزاری مؤثر برای ارزیابی عینی و داده‌محور متون حقوقی باشد و اصلاح زبان آیین‌نامه‌ها با تأکید بر مفاهیم تاب‌آوری و پیشگیری، به ارتقای کارآمدی نظام بیمه‌ای کشور کمک کند.

واژگان کلیدی: بیمه همگانی حوادث طبیعی، پردازش زبان طبیعی، سیاست‌گذاری بیمه‌ای، تاب‌آوری و پیشگیری، تحلیل تطبیقی قوانین.

hamidsoghi@gmail.com

۱. صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

sh.salami@iraninsurance.ir

۲. صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان، تهران، ایران

mahdi.soghi@ut.ac.ir

۳. دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mohammadsoghi3@gmail.com

۴. دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران



مقایسه سازوکار ارزیابی صلاحیت کارکنان کلیدی در صنعت بیمه ایران با نظام‌های منتخب جهانی

محمد خرم‌آبادی^{۱*}

چکیده

یکی از اقدامات اساسی در ارتقای حکمرانی شرکتی و صیانت از حقوق بیمه‌گذاران، ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی است. بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نهاد ناظر با هدف ارتقای اعتماد عمومی و حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، آیین‌نامه شماره ۹۰ را در سال ۱۳۹۴ به‌عنوان چارچوب حقوقی اصلی در این حوزه تصویب نمود. پس از گذشت یک دهه با بررسی دستورالعمل بروز شده کمیته ارزیابی عملکرد کارکنان کلیدی و عملیاتی صنعت بیمه، چالش‌ها و ابهاماتی همچون فقدان آیین دادرسی شفاف، فقدان مرجع تجدیدنظر مستقل، عدم شفافیت شاخص‌های ارزیابی به‌منظور دادن نمره منفی/مثبت و مواردی از این دست قابل مشاهده می‌باشد. این مقاله با بررسی استانداردهای Fit & Proper در اتحادیه اروپا، انگلستان، استرالیا و ایالات متحده آمریکا، به تعریف KPIها و ارائه پیشنهادهایی به‌منظور همسویی بیشتر با استانداردهای جهانی و رفع دغدغه‌های فعالین و خبرگان صنعت بیمه می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد الزام به تنوع صلاحیت‌ها در ترکیب هیات مدیره، تدوین شاخص‌های کمی قابل سنجش مبتنی بر ریسک، پیوند ارزیابی‌ها با حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک سازمانی و توانگری مالی، مدت‌دار بودن تأییدیه‌های بیمه مرکزی و مشروط کردن تمدید به آموزش، تدوین آیین دادرسی اداری ویژه صلاحیت مدیران، آموزش اعضای کمیته و کوتاه کردن زمان رسیدگی به پرونده‌ها، از جمله مواردی هستند که می‌توانند به استانداردتر شدن رویه احراز صلاحیت کارکنان کلیدی و عملیاتی کمک نمایند.

واژگان کلیدی: آیین‌نامه شماره ۹۰، دستورالعمل کمیته ارزیابی عملکرد کارکنان کلیدی و عملیاتی صنعت بیمه، Fit & Proper، نمره منفی.

۱. معاونت نوآوری و برنامه ریزی، شرکت بیمه البرز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)



موانع فرهنگی، نهادی و مقاومت‌های درون‌سازمانی تحول نظارتی

صنعت بیمه

زینب صابری^{*۱}

چکیده

این مقاله به بررسی موانع فرهنگی، نهادی و مقاومت‌های درون‌سازمانی می‌پردازد که بر تحول نظارتی در بخش بیمه‌های بازرگانی تاثیر گذارند. این تحلیل، فرهنگ بیمه‌گر را به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در موفقیت اصلاحات برجسته می‌کند، جایی که رهبری، ارتباطات درون‌شرکتی و زیرفرهنگ‌های پراکنده در بخش‌های پذیرش ریسک، خسارت و فروش، بر تمایل به ریسک و رفتارهای انطباق تأثیر می‌گذارند. موانع نهادی ناشی از چارچوب‌های نظارتی لایه‌لایه و هم‌پوشان، مأموریت‌های نظارتی ریشه‌دار و سامانه‌های فناوری اطلاعات قدیمی است که هزینه‌های انطباق را افزایش داده و پاسخ‌گویی پویا را محدود می‌کند. این پیچیدگی‌ها با مقاومت‌های درون‌سازمانی که در قالب تمایل رفتاری به اجتناب، رخوت و مدیریت تغییر ناکارآمد ظاهر می‌شوند، تشدید می‌گردد، که همگی وضعیت موجود را تثبیت کرده و سازگاری با اصلاحات را کند می‌کنند. این مقاله با استفاده از روش رگرسیون خطی چندگانه نشان داد موانع فرهنگی، نهادی و مقاومت‌های درون‌سازمانی نقش حیاتی در موانع پیاده‌سازی تحول نظارتی در بیمه‌های بازرگانی دارند و پیشنهاد می‌کند که نهاد ناظر بیمه ایران به تشخیص و تحول فرهنگ بیمه‌گران، ساده‌سازی معماری‌های نظارتی برای کاهش پیچیدگی و تقویت توانمندی‌های رهبری تغییر برای کاهش مقاومت‌های درونی اولویت دهد. علاوه بر این، بر ارزش همکاری‌های بین‌المللی و مکانیزم‌های بازخورد مستمر برای تضمین چارچوب‌های نظارتی سازگار و متناسب با زمینه تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: موانع فرهنگی^۲، موانع نهادی^۳، مقاومت درون‌سازمانی^۴، مدیریت تغییر^۵.

۱. رئیس گروه، سازمان برنامه و بودجه کشور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) samini.sabery59@gmail.com

2. Cultural barriers

3. Institutional barriers

4. Internal resistance

5. Change management



موانع نهادی و فرهنگی در پیاده‌سازی نظارت فناوریانه در بازار بیمه ایران؛ چالش‌ها و راهکارها

فرانک زارع احمدی^{۱*}، محسن خسروجردی^۲

چکیده

تحولات دیجیتال و فناوری‌های نظارتی نوین (SupTech) فرصت‌های بزرگی برای افزایش شفافیت، کارایی و اعتماد در بازار بیمه ایجاد کرده‌اند. با این حال، در ایران، پیاده‌سازی SupTech با مجموعه‌ای از موانع نهادی و فرهنگی مواجه است. این مقاله با روش تحلیلی-کاربردی، مرور ادبیات داخلی و خارجی، بررسی تجربه‌های جهانی و شاخص‌های بین‌المللی، مهم‌ترین موانع نهادی و فرهنگی را شناسایی و برای هر کدام راهکارهای عملیاتی ارائه می‌دهد. همچنین نقشه راه مرحله‌ای شامل چهار فاز عملیاتی برای پیاده‌سازی SupTech در ایران ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بدون اصلاح همزمان چارچوب قانونی، زیرساخت فناوری و فرهنگ سازمانی، تحقق SupTech ناممکن است.

واژگان کلیدی: نظارت فناوریانه، SupTech، صنعت بیمه ایران، موانع نهادی و فرهنگی، دیجیتال‌سازی.

۱. کارشناسی ارشد حقوق، شرکت بیمه زندگی آگاه، (نویسنده مسئول)

faranakzaree68@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد گروه ارتباطات، شرکت بیمه زندگی آگاه

mohsen.khosro@gmail.com



نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه ایران؛ ریسک‌های نوظهور و مدل‌سازی تاب‌آوری

منیژه یادگاری^{۱*}، آزما سلیمی باوندپوری^۲، علیرضا مشکلاتی^۳

چکیده

تحول دیجیتال و پیچیدگی فزاینده ریسک‌های نوظهور، ضرورت بازنگری در رویکردهای نظارتی صنعت بیمه ایران را بیش از پیش آشکار کرده است. در این پژوهش، با تمرکز بر مفهوم «نظارت آینده‌نگر»، تلاش شده است چارچوبی برای شناسایی ریسک‌های نوظهور و ارتقای تاب‌آوری نظام نظارتی کشور ارائه شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای کیفی گزارش‌ها و اسناد رسمی بیمه مرکزی، پژوهشکده بیمه و نهادهای بین‌المللی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام نظارتی کنونی صنعت بیمه ایران هنوز به‌طور کامل از مدل‌های پیش‌بینی‌کننده و تحلیل‌های داده‌محور بهره نمی‌برد و بیشتر بر ارزیابی‌های گذشته‌نگر استوار است. در مقابل، نظارت آینده‌نگر با تکیه بر داده‌های بلادرنگ، تحلیل سناریوهای ریسک و مدل‌سازی تاب‌آوری، می‌تواند آسیب‌پذیری شرکت‌های بیمه و کل بازار را کاهش دهد. در پایان، الگوی مفهومی «نظارت آینده‌نگر تاب‌آور» پیشنهاد شده که شامل سه لایه اصلی است: لایه شناسایی ریسک‌های نوظهور، لایه تحلیل و مدل‌سازی، و لایه تصمیم‌گیری و مداخله نظارتی.

واژگان کلیدی: نظارت آینده‌نگر، صنعت بیمه، ریسک‌های نوظهور، تاب‌آوری، مدل‌سازی.

Yadegarimanije1982@gmail.com

azma.salimi@gmail.com

AR.Moshkelati@yahoo.com

۱. بیمه اتکایی ایران معین، (نویسنده مسئول)

۲. بیمه اتکایی ایران معین

۳. بیمه اتکایی ایران معین



نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه؛ ریسک‌های نوظهور و مدل‌سازی تاب‌آوری

نیره وهاب پور^{۱*}

چکیده

تحولات سریع محیطی و اقتصادی، صنعت بیمه را در معرض ریسک‌های نوظهوری همچون تغییرات اقلیمی، تهدیدات سایبری، نوآوری‌های مالی و پاندمی‌ها قرار داده است. این ریسک‌ها به دلیل ماهیت پیچیده، هم‌افزا و پیش‌بینی‌ناپذیر خود، ابزارهای سنتی نظارت و ارزیابی را ناکارآمد ساخته‌اند. در چنین فضایی، نظارت آینده‌نگر به‌عنوان رویکردی نوین و هوشمندانه مطرح می‌شود که با تأکید بر رصد مداوم داده‌ها، تحلیل روندها و طراحی سناریوهای احتمالی، به سیاست‌گذاران و نهادهای ناظر کمک می‌کند تا تهدیدهای بالقوه را پیش از وقوع شناسایی کرده و از اثرات منفی آن‌ها بر پایداری مالی شرکت‌های بیمه بکاهند.

از سوی دیگر، مفهوم مدل‌سازی تاب‌آوری نقش مکملی در این فرایند ایفا می‌کند. این مدل‌سازی نه تنها امکان ارزیابی میزان آسیب‌پذیری شرکت‌های بیمه در برابر شوک‌های محیطی را فراهم می‌آورد، بلکه ظرفیت پاسخگویی، بازیابی و انطباق‌پذیری آن‌ها را در برابر شرایط بحرانی ارتقا می‌دهد. ترکیب این دو رویکرد، چارچوبی پویا برای تقویت کارآمدی نظام نظارت، ارتقای اعتماد عمومی و تضمین پایداری بلندمدت صنعت بیمه فراهم می‌سازد.

مقاله حاضر با تبیین مبانی نظری و مرور تجربیات بین‌المللی، به بررسی کارکردهای نظارت آینده‌نگر و مدل‌سازی تاب‌آوری در صنعت بیمه پرداخته و نشان می‌دهد که این دو ابزار، نه تنها برای مدیریت ریسک‌های نوظهور ضروری‌اند، بلکه به‌عنوان عامل کلیدی در تحول دیجیتال و نوآوری‌های آینده صنعت بیمه نیز شناخته می‌شوند. این یافته‌ها می‌تواند راهنمای مفیدی برای سیاست‌گذاران و مدیران صنعت بیمه در ایران باشد. روش تحقیق کتابخانه‌ای با بررسی منابع مختلف دانشگاهی، گزارشات سازمانی و مقالات علمی انجام شده است.

واژگان کلیدی: نظارت آینده‌نگر، ریسک‌های نوظهور، مدل‌سازی تاب‌آوری، ثبات مالی، اعتماد عمومی.

۱. دانشجوی مهندسی مالی، دانشگاه آزاد رودهن، تهران، ایران، نماینده جنرال شرکت بیمه سامان، مدرس دانشگاه

N.vahabpour83@gmail.com

علمی و کاربردی تهران، (نویسنده مسئول)



نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه؛ ریسک‌های نوظهور و مدل‌سازی تاب‌آوری

مینا عسگری قاهانی^{۱*}، ساناز علی‌پور^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نظارت آینده‌نگر در صنعت بیمه و تحلیل ریسک‌های نوظهور با تأکید بر مدل‌سازی تاب‌آوری انجام شده است. مسئله اصلی تحقیق، ناکارآمدی رویکردهای واکنشی سنتی در مواجهه با تغییرات سریع اقلیمی، فناوری و ژئوپلیتیکی است. روش پژوهش مبتنی بر مرور تحلیلی-تطبیقی ادبیات علمی، گزارش‌های بین‌المللی و تجارب محلی صنعت بیمه بوده و در کنار آن از تحلیل سناریویی و چارچوب‌های مدل‌سازی تاب‌آوری برای استخراج یافته‌ها استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ریسک‌های اقلیمی، سایبری و ژئوپلیتیکی بیشترین تهدید را برای ثبات مالی بیمه‌گران ایجاد می‌کنند و در مقابل، به‌کارگیری ابزارهای نوین پیش‌بینی، استفاده از داده‌های جایگزین و ادغام مدیریت ریسک سازمانی با مدیریت تداوم کسب‌وکار، می‌تواند تاب‌آوری صنعت بیمه را به‌طور معناداری افزایش دهد. نوآوری این مقاله در ترکیب رویکردهای جهانی با اقتضائات محلی و ارائه چارچوبی کاربردی برای سیاست‌گذاران و شرکت‌های بیمه است تا بتوانند ضمن کاهش شکاف حفاظتی، نقش مؤثرتری در ایجاد اقتصادی پایدار و مقاوم ایفا کنند.

واژگان کلیدی: صنعت بیمه، نظارت آینده‌نگر، تاب‌آوری، ریسک‌های نوظهور.

۱. واحد مالی، شعبه مرکزی تهران، شرکت بیمه سامان، (نویسنده مسئول)

m.asgari@samaninsurance.ir

۲. واحد مالی، شعبه مرکزی تهران، شرکت بیمه سامان

s.alipour@samaninsurance.ir



نقش نظارتی دولت در بیمه جنگ سایبری: از استثنای جنگ تا حکمرانی چندلایه ریسک‌های سایبری

نیره نظر^{۱*}، احسان اردشیریان^۲، مهرنوش ساوه دربندسری^۳، سارا شیرزاده^۴

چکیده

تحولات ژئوپلیتیکی و افزایش حملات سایبری با منشأ دولتی در دهه اخیر، مرز میان «جنگ سنتی» و «جنگ سایبری» را به شدت مبهم کرده است. این مقاله با رویکرد تحلیلی-تطبیقی به بررسی چالش‌های ناشی از استثنای جنگ در بیمه‌نامه‌های سایبری می‌پردازد و نقش دولت‌ها را در چارچوب «بیمه به‌عنوان نظام حاکمیتی» تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند درج شرط استثنای جنگ از منظر فنی و اقتصادی در کاهش تعهدات بیمه‌گران مؤثر است، اما در عمل موجب خلأ پوششی و ابهام در تعیین مسئولیت در برابر حملات سایبری دولتی می‌شود.

در بخش نخست، تحلیل دعاوی بین‌المللی مانند پرونده‌های Merck، NotPetya و Mondelez نشان می‌دهد که فقدان معیار حقوقی شفاف برای انتساب حملات سایبری به دولت‌ها، اجرای منصفانه کلوزهای استثنا را با چالش جدی روبه‌رو کرده است. در بخش دوم، مقاله با بهره‌گیری از نظریه «بیمه به‌عنوان نظام حاکمیتی» نقش بیمه در تنظیم رفتار بازار و کنترل کژمنشی را بررسی کرده و بر ضرورت مداخله دولت به‌عنوان تضمین‌کننده نهایی یا Reinsurer of Last Resort تأکید دارد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که نظام چندلایه‌ای از همکاری دولت، نهادهای نظارتی و شرکت‌های بیمه برای ایجاد سازوکار جبران خسارات ناشی از جنگ‌های سایبری و حفظ پایداری اقتصادی کشور طراحی شود. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که توسعه چارچوب‌های حقوقی و نظارتی بومی برای پوشش ریسک‌های سایبری دولتی و همگرایی میان سیاست‌گذاران و صنعت بیمه، پیش‌شرط تحقق تاب‌آوری سایبری در مسیر توسعه پایدار بیمه‌ای ایران است.

واژگان کلیدی: بیمه سایبری، نظام حکمرانی، دولت، خطر جنگ، نظارت دولت.

Nayerenazar@gmail.com

۱. سرپرست مهندسی شرکت بیمه ملت، (نویسنده مسئول)

ehsan.ardeshiri@yahoo.com

۲. مدیر بیمه‌های باربری، کشتی و هواپیما شرکت بیمه ملت

M.sdarbandsari@gmail.com

۳. کارشناس بیمه و خسارت شرکت بیمه متقابل اطمینان متحد قشم

sarashirzadeh22@gmail.com

۴. کارشناس بیمه



نقش هوش مصنوعی در گذار نظام نظارت بیمه‌ای از رویکرد سنتی به پیش‌نگر

سیدعلی رضوی^{۱*}

چکیده

با افزایش پیچیدگی بازار بیمه و تنوع محصولات، نظام‌های سنتی نظارت در صنعت بیمه، که بر پایه گزارش‌های دوره‌ای و ارزیابی‌های پس از وقوع استوارند، در مواجهه با پویایی و پیچیدگی‌های جدید بازار بیمه کارایی خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند. در سال‌های اخیر، ظهور فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی، امکان گذار از مدل‌های نظارت سنتی به مدل‌های پیش‌نگر و هوشمند را فراهم کرده است. هدف این پژوهش بررسی نقش هوش مصنوعی در تحول فرآیندهای نظارتی صنعت بیمه و ارزیابی تأثیر آن بر بهبود پیش‌بینی، شناسایی انحرافات و تصمیم‌گیری‌های سریع‌تر و دقیق‌تر است. یافته‌های نظری نشان می‌دهد که به کارگیری الگوریتم‌های یادگیری ماشین و تحلیل پیش‌بینانه در پردازش داده‌های مالی و عملکردی، می‌تواند موجب ارتقای دقت گزارش‌ها، افزایش شفافیت، کاهش خطای انسانی و تسهیل تصمیم‌گیری نهادهای نظارتی شود. نیز به کارگیری هوش مصنوعی ضمن بهبود پایش لحظه‌ای، پیش‌بینی ریسک و کاهش خطاهای نظارتی، موجب ارتقای اعتماد مشتریان و پایداری مالی شرکت‌های بیمه شده و عاملی کلیدی در گذار صنعت بیمه از نظارت واکنشی به نظارت پیش‌نگر خواهد بود. چارچوب مفهومی ارائه‌شده می‌تواند راهنمایی برای توسعه سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری در زیرساخت فناوری و آموزش نیروی انسانی در صنعت بیمه باشد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی^۲، نظارت هوشمند^۳، صنعت بیمه^۴، کارایی و اثربخشی^۵، مدل‌های نوین نظارت^۶.

۱. دانشجوی دکتری مهندسی مالی، رئیس اداره امور بیمه ای شرکت بیمه پارس‌پان استان قم، (نویسنده مسئول)

Razavi64@Gmail.com

2. Artificial Intelligence

3. Smart Supervision

4. Insurance Industry

5. Efficiency and Effectiveness

6. Modern Supervision Models



32nd National & 13th International Conference on Insurance & Development **ICID 2025**

Reimagining Supervision in Insurance: An Innovative Path toward Effective Regulation

Proceedings

Iranian Insurance Research Center (IIRC)

December, 2025

